



Paper type: Research Article
(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Board Report Readability and Trade Credit

Leila Vafadar Dolagh¹, Shahnaz Mashayekh^{2*}, Tooba Haghghat³

Received: 2023/10/12 Accepted: 2023/12/26

Abstract

Trade credit is one of the important topics in domestic research. The readability of the report of board of directors is one of the factors that has received less attention in these studies. Therefore, the purpose of this research was to examine the relationship between the readability of the board of directors' report and trade credit in companies listed on Tehran Stock Exchange. In order to test the research hypothesis, financial information of 171 companies was used during the years 2016 to 2021. The research hypothesis was tested by multivariable linear regression through EViews 1 software, and the fog index was used to measure the readability of the report of the board of directors. The research results showed that there was a significant and negative relationship between the readability of the board of directors' report and the trade credit received from creditors. In Iran, business units use more complex reporting for using the trade credit of their suppliers and trade creditors, and the readability of financial reporting in these companies is less.

Keywords: Readability of the report of the board of directors, Commercial credit, Financing of creditors.

 10.71600/JACGR.



How to cite this article: Vafadar Dolagh, L; Mashayekh, Sh; Haghghat, T. (2024). Board Report Readability and Trade Credit. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(8), 1-16. (In Persian).

1. MSc. In Accounting, Department of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran.
2. Associate Prof, Department of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran.
*Corresponding Author: sh.mashayekh@alzahra.ac.ir
3. PhD Student, Department of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: پژوهشی

(مقاله منتخب سومین همایش بین‌المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری

لیلا وفادار دولق^۱، شهناز مشایخ^{۲*}، طوبی حقیقت^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

اعتبار تجاری یکی از موضوعات مهم در پژوهش‌های داخلی می‌باشد. خوانایی گزارش هیات مدیره از عواملی است که کمتر در این پژوهش‌ها به آن توجه شده است. لذا، هدف این پژوهش بررسی رابطه بین خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. جهت آزمون فرضیه پژوهش از اطلاعات مالی طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ (۱۷۱ شرکت) استفاده شد. آزمون فرضیه پژوهش توسط رگرسیون خطی چند متغیره از طریق از نرم افزار ایویوز ۱۱ انجام گرفت و برای سنجش خوانایی گزارش هیات مدیره از شاخص فوگ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ بین خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان رابطه معنی‌دار و منفی حاکم است. در ایران واحدهای تجاری برای استفاده از اعتبار تجاری از تامین‌کنندگان و بستانکاران تجاری خود از گزارشگری پیچیده‌تری برای گزارش‌های هیات مدیره استفاده می‌نمایند و خوانایی گزارشگری مالی در این شرکت‌ها کمتر است.

واژه‌های کلیدی: خوانایی گزارش هیات مدیره، اعتبار تجاری، تامین مالی اعتباردهندگان.



10.71600/JACGR.



استناد: وفادار دولق، لیلا؛ مشایخ، شهناز؛ حقیقت، طوبی، (۱۴۰۳). خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳ (۸)، ۱۶ - ۱.

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

۲. دانشیار حسابداری، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: sh.mashayekh@alzahra.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

مقدمه

با توجه به اهمیت و حساسیت گزارش‌های مالی و توجه روز افزون سرمایه‌گذاران به این گزارش‌ها و همچنین تنوع سطح مالی مخاطبان این گزارش‌ها، مسئله خوانایی گزارش در سال‌های اخیر، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. خوانایی گزارش‌های سالانه برای شرکت‌ها، به عنوان ایجاد ارتباط موثر اطلاعات در صورت‌های مالی آن‌ها است (کورتس^۱، ۱۹۸۶). یکی از عوامل مهم برای دست یافتن به اطلاعات قابل فهم و درک درست این است که مطالعه‌کنندگان بتوانند به درستی بخوانند و به راحتی پردازش کند که به این قابلیت به عنوان خوانایی در دهه‌های اخیر یاد شده است و نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که خوانایی گزارش‌های مالی یکی از عوامل موثر بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان می‌باشد. تفکیک مدیریت از مالکیت باعث به وجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی شده است، از طرفی سهامداران اعتبار دهندگان هم نمی‌توانند به طور مستقیم بر فعالیت‌های مدیران و کیفیت عملکرد آنها نظارت داشته باشند و از طرفی دیگر مدیران ممکن است در جهت اهداف واحدهای تجاری گام بر ندارند و هر گونه مشکل در عملکرد شرکت را به عوامل خارج از کنترل ربط می‌دهند. بنابراین گزارش‌های سالانه می‌تواند گام مثبتی در جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی باشد و سودمندی اطلاعات را برای ارزیابی عملکرد مدیریت فراهم آورد. در این رابطه خوانایی یکی از مهمترین مشخصه اطلاعات متنی می‌باشد که در زمینه‌های مختلف می‌تواند مورد آزمون قرار گیرد. با توجه به حجم اطلاعات زیاد در دنیای امروز و به خصوص بازار سرمایه، خوانایی گزارش‌های سالانه می‌تواند تاثیر بسزایی در تصمیمات سرمایه‌گذاران داشته باشد (فریبا رضوانی، ۱۳۹۸).

این پژوهش با توجه به بحران مالی اخیر که دستیابی به وام‌های بانکی برای شرکت‌ها دشوارتر می‌کند، اهمیت ویژه‌ای دارد و به ویژه شرکت‌هایی که در تهیه منابع مالی از منابع خارجی دیگر دچار مشکل می‌باشند. اعتبار تجاری منبع مهمی در تأمین مالی کوتاه مدت برای اکثر شرکت‌ها است. در ادبیات قبلی، محققان و پژوهشگران تأثیر خوانایی گزارش‌های هیئت‌مدیره را در محیط اطلاعات شرکت‌ها و رفتار تحلیل‌گران مالی طرف فروش مستند کرده‌اند. به‌عنوان مثال، لهاوی و همکاران^۲ (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که به دلیل هزینه‌های گزاف پردازش و تفسیر اطلاعات مالی با خوانایی کمتر، سرمایه‌گذاران خواستار اطلاعات بیشتری از تحلیل‌گران مالی هستند. علاوه بر این، لهاوی و همکاران (۲۰۱۱) ارتباط بین گزارش‌های سالانه با خوانایی کمتر و پراکندگی بیشتر، دقت پایین‌تر و عدم اطمینان کلی بیشتر در پیش‌بینی سود تحلیل‌گر را ثبت کردند. بر این اساس، بررسی رابطه بین خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری می‌تواند تأثیر قابل توجهی در این زمینه داشته باشد. این پژوهش با توجه به علاقه اخیر در رابطه بین خوانایی گزارش سالانه و عملکرد شرکت‌ها ایجاد شده است. خوانایی گزارش هیات مدیره تأثیر قابل توجهی بر ارتباطات موثر اطلاعات مالی شرکت‌ها دارد. نقش مهم خوانایی گزارش سالانه از آنجا ناشی می‌شود که گزارش‌های سالانه تنها منبع اصلی اطلاعاتی داخلی شرکت می‌باشند که توسط هیات مدیره در اختیار فعالان بازار سرمایه، از جمله سهامداران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی قرار می‌گیرد. با توجه به دیدگاه‌های بیان شده، رابطه بین خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری شرکت‌ها یک مسئله تجربی است که در عمده مطالعات داخلی صورت گرفته این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات حسابداری و مالی برای پژوهش در این باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر می‌باشد. لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن است که رابطه بین خوانایی گزارش هیات مدیره با اعتبار تجاری شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. مسئله اصلی پژوهش به این صورت بیان می‌شود که آیا بین خوانایی گزارش هیات مدیره با اعتبار تجاری شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد یا خیر.

در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش بررسی می‌شود. سپس، فرضیه و روش پژوهش جهت آزمون انجام می‌گیرد. در آخر نیز به ارائه یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها پژوهش پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

خوانایی به معنای روش تخمینی احتمال موفقیت خواننده در خواندن و درک نوشته است. ممکن است سرمقاله یک روزنامه مهم‌ترین خبر جهان باشد، اما به‌گونه‌ای بیان شود که برای فهم آن نیاز به تحصیلات و درجه بالایی از دانش باشد. همین مسئله در تبلیغ مجلات، گزارش‌های خبری مقاله‌ها نیز مصداق دارد (فضل‌اللهی و ملکی توانا، ۱۳۸۹). مطالعه هر متن، برای خواننده

حسی از درجه پیچیدگی یا سادگی ایجاد می‌شود که در درک مطلب بسیار موثر است. این همان مفهوم سطح خوانایی متن است و تجربه نشان می‌دهد که هرچه متن از پیچیدگی کمتری برخوردار باشد، میزان درک از آن متن بالاتر می‌رود (جانسون^۴، ۲۰۰۰). خوانایی گزارش‌گری مالی شرکت، روش برآوردی است که موفقیت خواننده در فهم گزارش‌گری مالی سالانه شرکت را نشان می‌دهد. گزارش سالانه شرکت به عنوان سند افشای اطلاعات مالی باید به گونه‌ای بیان شود که درک آن آسان و ممکن است نشان‌دهنده عملکرد مساعد یک شرکت نیز باشد (لی^۵، ۲۰۰۸).

حسابداری و گزارش‌گری مالی مانند علوم فیزیکی بر اساس قوانین طبیعی شکل نگرفته است؛ اما مبتنی بر مجموعه‌ای از قواعد و استانداردهایی است که برای اهداف مورد انتظار حسابداری و گزارش‌گری مالی می‌باشد. در کشور ما نیز تدوین استانداردهای حسابداری جدید و تجدیدنظر در استانداردهای فعلی برای همسویی بالا با استانداردهای بین‌المللی صورت گرفته است (مجتهدزاده و مددی، ۱۳۸۴). استانداردهای حسابداری و خوانایی آن‌ها نیز برای گروه‌های مختلف ذینفع مانند دانشجویان، حسابداران و حسابرسان و استانداردهاگذاران اهمیت بالایی دارد (شافر و همکاران^۶، ۱۹۹۳). خوانایی گزارش‌های مالی برای ایجاد ارتباط موثر بین اطلاعات مالی و استفاده‌کنندگان بسیار مهم است؛ به طوری که بر تصمیمات اقتصادی آنها تاثیرگذار می‌باشد (چیونگ^۷، ۲۰۱۴).

لی (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان داد که مدیران در شرکت‌هایی که با عملکرد ضعیف همراه هستند در مقابل شرکت‌هایی که عملکرد بالاتری دارند، گزارش‌های مالی خود را با سطح خوانایی کمتری ارائه می‌دهند. به عبارتی این موضوع بیان می‌کند که مدیران اطلاعات گزارش‌های مالی را به صورت گنگ ارائه می‌دهند و گاهی ممکن است منجر به پنهان کردن اطلاعات از سرمایه‌گذاران شود (یو و ژانگ^۸، ۲۰۰۹).

پژوهش‌های بررسی خوانایی، برای اندازه‌گیری قابلیت خوانایی روش‌های گوناگونی مانند: شاخص تعیین سطح خوانایی فلش، شاخص‌های خوانایی ادوارد فرای، کلوز، مک لافلین، پاور، سامنر، کرل، گانینگ فاگ و فاگ در خوانایی صورت‌های مالی ارائه کرده است. به دلیل اینکه بیشتر پژوهش‌های قبلی در مالی و حسابداری، بر اساس شاخص فاگ انجام شده است و به نظر می‌رسد که شاخص فاگ به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است و قاعده‌ای ساده و شناخته شده برای اندازه‌گیری خوانایی فراهم می‌کند؛ لذا، در ادامه تکنیک شاخص فاگ در خوانایی صورت‌های مالی در سنجش خوانایی را در این پژوهش بررسی می‌نماییم: شاخص فاگ برای اولین بار توسط لی (۲۰۰۸) وارد متون حسابداری شد. خوانایی گزارش‌های مالی در مطالعات متحلفی با استفاده از شاخص فاگ بررسی گردید که به طور متوسط، خوانایی گزارش‌های مالی "دشوار" یا "خیلی دشوار" است. از آنجایی که از جملات طولانی و کلماتی که هجای زیادی دارند، زیاد استفاده شد؛ لذا، ناخوانایی اطلاعات ارائه شده در طول زمان بهبود نیافت (هالی و ارلی^۹، ۱۹۸۰). سایر پژوهشگران خوانایی یادداشت‌های صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند که خواندن آن‌ها حتی برای سرمایه‌گذاران با تجربه نیز "خیلی دشوار" است (چیونگ، ۲۰۱۴).

شاخص مذکور شامل دو ارزش است. تعداد کلمات هر جمله با تقسیم کل تعداد کلمات بر تعداد جملات در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها محاسبه می‌گردد. کلمات پیچیده دارای سه بخش (سیلاب) یا بیشتر هستند و جملات طولانی موجب افزایش این شاخص می‌شود که به عنوان کاهش خوانایی تلقی می‌گردد. باید توجه نمود که بعضی از موارد مانند: اسامی خاص، افعالی که به واسطه چسبیدن پسوندی به آنها سه سیلابی گشته‌اند و اسامی مرکب طبق دستور این شاخص در احتساب سیلاب‌ها به منظور محاسبه کلمات پیچیده لحاظ نمی‌گردد. به کمک شاخص فاگ، می‌توان برآورد کرد که چقدر تحصیلات آموزشی نیاز است تا یک فرد در مرتبه اول در برخورد با یک متن آن را درک کند (دیانی، ۱۳۶۶). به گفته لی (۲۰۰۸) مقیاس خوانایی شامل یک مقیاس پنج درجه‌ای است که از خیلی دشوار؛ به دشوار، ایده‌آل، قابل قبول و آسان تغییر پیدا می‌کند. شاخص فاگ پایین نشان‌دهنده اطلاعاتی است که خواناتر است، این در حالی است که یک شاخص فاگ بالاتر به معنی آن است که اطلاعات خوانایی کمتری دارد. به طور متوسط، شاخص فاگ از ۱۲-۱۴ یعنی متن برای خواندن "ایده‌آل" است؛ بین ۱۴ تا ۱۸ یعنی متن "دشوار" است و شاخصی بزرگتر از ۱۸ نشان‌دهنده یعنی متن "خیلی دشوار" است (لی، ۲۰۰۸).

اعتبار تجاری مهم‌ترین منبع تامین مالی کوتاه‌مدت تلقی می‌شود. عرضه‌کنندگان به عنوان فراهم‌کنندگان منابع مالی کوتاه‌مدت زمانی که می‌خواهند به مشتریان خود اعتبار تجاری بدهند، چندین جنبه مهم را در نظر می‌گیرند. وقتی که

عرضه‌کنندگان به صورت اعتباری به مشتریان خود کالا می‌فروشند حاشیه سود مؤثرتر می‌تواند کمتر از حاشیه سود اسمی باشد. زیرا در چنین حالتی به دلیل ارزش زمانی پول، قیمت فروش مؤثر محصولات کاهش می‌یابد (سیفرت و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۳). به عقیده بایس و گالیر^{۱۱} (۱۹۹۷)، برای شرکت‌هایی که با محدودیت مالی مواجه‌اند، استفاده از اعتبار تجاری در مقایسه با سایر منابع تأمین مالی ساده‌تر است و از آنجایی که خریداران باید هزینه ضمنی این نوع تأمین مالی را تحمل کنند، اعتبار تجاری تنها یک انتخاب است و اگر هیچ جایگزین بهتر و ارزان‌تری وجود نداشته باشد، می‌توان از آن بهره‌برد (دیلف و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۸).

مزیت اعتبار تجاری این است که نیازی نیست تا مشتری پولی را برای دریافت کالا بپردازد حساب بدهی یا پرداختی در ترانزنامه مشتری ایجاد شود و مشتری این پول را در نقاط زمانی در آینده پرداخت کند، در این خصوص می‌توان حساب‌های پرداختی را جایگزین پول نقد نمود و به همین دلیل اعتبار تجاری را می‌توان ابزار سرمایه‌گذاری کوتاه مدت بیان کرد. بر این اساس، اعتبار تجاری جایگزینی برای مؤسسات تأمین مالی است. تأمین‌کنندگان در ارائه اعتبارات تجاری به خریداران، مزایای متعددی نسبت به مؤسسات تأمین مالی دارند. یکی از این مزیت‌ها این است که تأمین‌کننده ارتباط نزدیکی با خریدار، در یک موقعیت برتر، نه تنها برای ارزیابی اعتبار مشتریان خود، بلکه در نقش نظارت‌کننده دارد. چنین مزیتی برای مؤسسات مالی وجود ندارد (دای و یانگ^{۱۳}، ۲۰۱۵).

تصمیمات تأمین مالی مدیران تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اقتصادی کلان بازار است. شرکت‌ها در تصمیمات تأمین مالی، با دو منبع تأمین مالی داخلی و تأمین مالی خارجی مواجه هستند. تأمین مالی داخلی مجموعه روش‌ها و سیاست‌هایی که مدیریت شرکت بکار می‌گیرد تا بدون نیاز به تأمین‌کنندگان مالی، صرفاً با کمک منابع مالی داخلی نیازهای شرکت را رفع نماید و تأمین مالی خارجی منابعی هستند که در صورت عدم کفاف منابع داخلی برای تأمین مالی نیازهای شرکت، بوسیله انتشار سهام عادی، استقراض، استفاده از وام بانک و ... جذب سرمایه می‌کنند (چان و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۱).

با احتمال بالا خریداران با محدودیت‌های مالی از اعتبار تجاری به عنوان منبع اصلی تأمین مالی کوتاه‌مدت استفاده می‌کنند. در واقع، در مقایسه با آن‌ها واسطه‌های مالی سنتی اعتباردهندگان از مزیت‌هایی برای دستیابی بهتر به اطلاعات ریسک اعتباری خریداران برخوردار هستند که آنها می‌توانند ریسک اعتباری را بهتر از اعتباردهندگان سرمایه کنترل کنند (نگ و همکاران^{۱۵}، ۱۹۹۹). به طور مثال، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر بین فروشندگان و خریداران از طریق پرداخت پیش‌پرداخت قبل از تحویل یا از طریق شرایط دو بخشی پرداخت وجود دارد. بر این اساس، تأمین‌کنندگان تمایل بیشتری دارند تا اعتبار تجاری را به شرکت‌های دارای اطلاعات نامتقارن و محدودیت‌های مالی نسبت به مؤسسات مالی سنتی نسبت دهند (عبداله و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۷). شرکت‌های با عملکرد ضعیف برای پیشگیری از واکنش‌های منفی بازار معمولاً از یک زبان دشوار و طولانی در گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند تا سرمایه‌گذاران از اخبار نامطلوب سوء استفاده نکنند و ریسک دعوی را کم کنند. لذا، گزارش‌های مالی با خوانایی کمتر منجر به عدم تقارن اطلاعاتی در سطح بالاتری بین وام‌گیرنده و وام‌دهنده خواهد شد. با این وجود، در مقایسه با مؤسسات مالی، تأمین‌کنندگان تمایل بیشتری دارند اعتبار تجاری را به شرکت‌های دارای اطلاعات نامتقارن و محدودیت‌های مالی بسپارند. چن و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۷) دریافتند، شرکت‌هایی که کیفیت سود آن‌ها پایین‌تر است تمایل به دریافت اعتبار تجاری بیشتری از اعتباردهندگان نسبت به سایر شرکت‌های با کیفیت سود بالاتر دارند. در مقابل، با توجه به اینکه سطح پایین خوانایی گزارشگری مالی، حاکی از کیفیت سود پایین و عدم تقارن اطلاعاتی بالا است، شرکت‌هایی با خوانایی کمتر در گزارش‌های مالی ممکن است شانس کمتری برای دریافت اعتبار تجاری از اعتباردهندگان داشته باشند. همچنین، شرکت‌های بزرگ‌تر، دارای اعتبار بالاتر و یا شرکت‌هایی با کیفیت سود بیشتر احتمالاً اعتبار تجاری را آسان‌تر دریافت می‌کنند. در این زمینه، ژو و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند که شرکت‌هایی با قابلیت خوانایی بالا، از اعتبار تجاری بیشتری استفاده می‌کنند (ژو و همکاران^{۱۸}، ۲۰۲۰).

پیشینه پژوهش

ونزلنگ و همکاران^{۱۹} (۲۰۲۳) به پژوهشی با عنوان آیا دبیران هیئت مدیره بر خوانایی گزارش سالانه تأثیر می‌گذارند؟ پرداختند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر ویژگی‌های دبیران هیئت مدیره بر خوانایی گزارش سالانه با استفاده از روشی اصلی است که خوانایی حروف چینی را ارزیابی می‌کند. تخصص حقوقی و حرفه‌ای دبیران هیئت مدیره، تخصص بین‌المللی و دوگانگی نقش خوانایی گزارش سالانه را بهبود می‌بخشد. با این حال، ارتباطات سیاسی آنها با آن ارتباط منفی دارد. تأثیر تخصص (دوگانگی نقش) برای شرکت‌هایی که ریسک دادرسی قبلی کمتری دارند (دبیران هیئت مدیره با سهام دارایی) بارزتر است. علاوه بر این، خوانایی بیشتر، پاداش دبیرهای هیئت مدیره را افزایش می‌دهد، در حالی که خوانایی کمتر، گردش مالی آنها را افزایش می‌دهد. در نهایت، خوانایی گزارش سالانه رابطه مثبتی با عملکرد شرکت دارد.

براون و همکاران^{۲۰} (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان خوانایی گزارش مالی به عنوان دستگاه سیگنال دهی کیفیت سود انجام دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که درآمدهای سال گذشته را برآورده می‌کنند یا از آن عبور می‌کنند، نوسان بازده سهام پس از تشکیل گزارش مالی کاهش می‌یابد. همچنین این رابطه منفی برای شرکت‌هایی که درآمدهای سال گذشته را برآورده می‌کنند یا از آن عبور می‌کنند قوی‌تر است که گزارش مالی خواناتری ارائه می‌دهند.

دالوی و همکاران^{۲۱} (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر کارایی سرمایه فکری و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارشگری مالی شرکت در کشور عمان پرداختند. در این مطالعه از ۱۵۰ مشاهدات شرکت‌هایی که شامل بخش مالی بودند در بازار اوراق بهادار مسقط، عمان، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ استفاده شده است. نتایج نشان داد کارایی سرمایه فکری بر خوانایی گزارشگری مالی تأثیر منفی دارد. به علاوه، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی نیز منجر به بهبود خوانایی گزارشگری مالی می‌شوند.

ژو و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و اعتبار تجاری پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه ۴۷۵۴ شرکت در طول سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۶ حاکی از آن است که تأمین‌کنندگان، اعتبار تجاری بیشتری را به شرکت‌های دارای گزارش‌های مالی با خوانایی بیشتر می‌دهند.

تو و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۹) به بررسی تحولات تجارت مدیرعامل و مدیران ارشد و خوانایی گزارشگری مالی با استفاده از داده‌های سوابق تحصیلی مدیران عامل و مدیران ارشد طی سال‌های ۱۹۹۴ الی ۲۰۱۵ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که مدیر عامل با مدرک تجارت بر خوانایی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و مدیران ارشد بر خوانایی گزارشگری مالی تأثیر منفی می‌گذارند.

مددی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) به پژوهشی با عنوان تأثیر استراتژی‌های مالیاتی جسورانه و تقلب حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی پرداختند. نمونه آماری شامل ۸۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ بود. یافته‌ها نشان داد که استراتژی مالیاتی جسورانه با استفاده از شاخص نرخ موثر مالیاتی بر خوانایی گزارشگری مالی تأثیر ندارد اما استراتژی مالیاتی جسورانه با استفاده از شاخص سپر مالیاتی بر خوانایی گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. به علاوه، تقلب حسابداری نیز بر خوانایی گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد.

پورفخاران و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان سیاست پولی دولت بر ارتباط میان حسابرسی صورت‌های مالی و اعتبار تجاری شرکت انجام دادند. نمونه آماری شامل ۱۷۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۵ بود. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت حسابرس مستقل و کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی موجب بالا رفتن اعتبار تجاری شرکت می‌گردد و این رابطه توسط سیاست پولی انقباضی دولت تعدیل شده و کاهش می‌یابد.

افلاطونی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان تأثیر اعتبار تجاری بر سرعت تعدیل اهرم انجام دادند. نمونه آماری شامل ۱۴۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ بود. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های بیش اهرمی (کم اهرمی)، سرعت تعدیل اهرم برای آن دسته از واحدهای تجاری که از اعتبار تجاری کمتری بهره گرفتند و در نتیجه از ظرفیت اعتبار تجاری بالاتری برخوردارند، سریع‌تر (آهسته‌تر) است.

فرهنگ‌دوست و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس پرداختند. از لحاظ نظری به سبب تفکیک مالکیت از مدیریت، گزارش‌های مالی و حسابرسی پل ارتباطی میان مدیران و

دینفعان خارجی در شرکت‌های سهامی محسوب می‌شوند. با این حال در سال‌های اخیر، تضعیف فزاینده سطوح خوانایی گزارش‌های مالی و حسابرسی بر عملکرد ارتباطی آن‌ها تاثیر معکوس داشته است. به منظور سنجش خوانایی گزارش حسابرس نیز از دو شاخص فلش و فوگ استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۰۳ شرکت (۷۲۱ مشاهده سال-شرکت) در قلمروی زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از وجود ارتباط معنی‌دار میان مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و خوانایی گزارش حسابرسی می‌باشد.

جعفری و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان پیامدهای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان با تاکید بر نقش مالکیت نهادی پرداختند. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه جریان‌های نقدی عملیاتی بر بازده سالانه سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و این ارتباط توسط مالکیت نهادی تعدیل می‌شود و قابلیت مقایسه سود خالص بر نوسان‌پذیری بازده سهام تأثیر منفی و معناداری دارد و این ارتباط توسط مالکیت نهادی تعدیل می‌شود و همچنین، قابلیت مقایسه سود خالص و قابلیت مقایسه جریان‌های نقدی عملیاتی بر اعتبار تجاری تأثیر معناداری دارند، اما نقش تعدیل‌کننده مالکیت نهادی در این رابطه‌ها به لحاظ آماری تأیید نشده است.

افلاطونی و نوروزی (۱۳۹۹) به پژوهشی تحت عنوان عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای اعتبار تجاری: رویکردهای ایستا و پویا پرداختند. نمونه پژوهش شامل ۱۴۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که با افزایش اندازه و عمر شرکت، میزان عرضه و تقاضای اعتبار تجاری افزایش یافته و همچنین، تأثیر منفی نقدینگی شرکت بر میزان عرضه و تقاضای اعتبار تجاری وجود دارد. با وجود این، شواهد کافی از تأثیر معنی‌داری محدودیت‌های مالی بر میزان عرضه و تقاضای اعتبار تجاری، در نتایج مشاهده نشده است.

همانگونه که بیان گردید اغلب مطالعات انجام شده به بررسی خوانایی گزارشگری مالی و تاثیر سایر متغیرها بر آن پرداختند و همچنین تاثیر ابعاد تجاری را بر سایر متغیرها مورد آزمون و بررسی قرار دادند. این در حالی است که پژوهش حاضر اولین مطالعه‌ای است که صرفاً به بررسی خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری می‌پردازد و دستاوردهای آن در جهت پیشبرد اهداف خوانایی گزارشگری و اعتبارات تجاری می‌تواند مفید واقع شود.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به منظور بررسی ارتباط بین خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری فرضیه پژوهش توسعه یافته است:

میان خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش یک پژوهش کمی و کاربردی است. از لحاظ هدف اجرا نیز یک پژوهش تحلیلی به روش همبستگی می‌باشد. منطق اجرای یک پژوهش قیاسی- استقرایی را دارد و از بعد زمانی، یک پژوهش پس رویدادی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره زمانی ۶ ساله از سال ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۴۰۰ است. نمونه آماری پژوهش شامل شرکت‌هایی است که حائز شرایط زیر باشند:

۱- شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۵ در سازمان بورس اوراق بهادار پذیرش شده‌اند و تا پایان سال ۱۴۰۰ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی هستند.

۲- سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد (از لحاظ قابلیت مقایسه)؛

۳- تغییر سال مالی نداده باشد (طی دوره مورد نظر)؛

۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها، از جامعه آماری حذف شده‌اند)؛

۵- داده‌های مورد نظر در دسترس باشند.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۷۱ شرکت طبق نگاره (۱)، به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند.

نگاره ۱. روند انتخاب نمونه آماری

| ردیف | شرح | تعداد شرکت‌ها |
|------|--|---------------|
| ۱ | کل شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۴۰۰ عضو بورس بودند. | ۴۰۵ |
| ۲ | از ابتدای سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار پذیرفته نشده باشد. | (۴۸) |
| ۳ | سال مالی آن منتهی به پایان اسفندماه نباشد | (۳۰) |
| ۴ | تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی داده باشد؛ | (۲۱) |
| ۵ | جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی باشد؛ | (۱۱۲) |
| ۶ | داده‌های مورد نظر در دسترس نباشند. | (۲۳) |
| ۷ | تعداد نمونه آماری انتخاب شده | ۱۷۱ |

برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون (۱) برگرفته شده از مطالعه ژو و همکاران (۲۰۲۰) استفاده شده است:
مدل (۱):

$$\text{CREDIT}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{READ}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{AGE}_{i,t} + \beta_4 \text{MKTSHARE}_{i,t} + \beta_5 \text{POS-CHGSALE}_{i,t} + \beta_6 \text{NEG-CHGSALE}_{i,t} + \beta_7 \text{ROA}_{i,t} + \beta_8 \text{MTB}_{i,t} + \beta_9 \text{FLI}_{i,t} + \beta_{10} \text{CLI}_{i,t} + \beta_{11} \text{CAI}_{i,t} + \beta_{12} \text{CASHHOLD}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته: اعتبار تجاری (CREDIT):

میزان تأمین اعتبار ارائه شده توسط اعتباردهندگان را اندازه‌گیری می‌کند و از تقسیم حساب‌ها و اسناد پرداختی بر ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۷)

متغیر مستقل: خوانایی گزارش هیات مدیره (READ):

از شاخص فوگ که روایی و اعتبار آن برای سنجش خوانایی متون فارسی توسط برخی پژوهشگران داخلی نظیر فضل الهی و ملکی توانا (۱۳۸۹) و دیانی (۱۳۷۹) مورد تأیید قرار گرفت، برای اندازه‌گیری این متغیر استفاده شده است. شاخص فوگ که تابعی از دو متغیر طول جمله (بر حسب کلمات) و کلمات پیچیده (تعریف شده به صورت تعداد کلمات با سه یا چند بخش) است که به صورت رابطه (۱) محاسبه می‌شود:

$$\text{میانگین تعداد کلمات در هر جمله} + \text{درصد کلمات پیچیده} = ۰/۴ = \text{شاخص فوگ}$$

فرآیند و نحوه تعیین سطح خوانایی گزارش‌های مالی شاخص فوگ به شرح ذیل می‌باشد:

(۱) یک نمونه یکصد کلمه‌ای از ابتدا، یک نمونه یکصد کلمه از وسط، و یک نمونه یکصد کلمه‌ای از اواخر گزارش به صورت تصادفی. انتخاب شود.

(۲) تعداد جملات هر یک از نمونه‌ها. شمارش شود.

(۳) متوسط طول جملات از طریق تقسیم تعداد کلمات به تعداد جملات کامل هر نمونه یکصد کلمه‌ای مشخص شود؛

(۴) تعداد کلمات سه‌هجایی و بیش از سه‌هجایی موجود (کلمات پیچیده) در هر کدام از متون یکصد کلمه‌ای شمارش شود؛

(۵) تعداد کلمات پیچیده با تعداد متوسط کلمات در جملات جمع گردد.

(۶) حاصل جمع تعداد کلمات دشوار و متوسط کلمات در جملات با عدد ثابت ۰/۴ ضرب گردد؛

(۷) بندهای ۴، ۵، ۶، برای دو نمونه یکصد کلمه‌ای دیگر محاسبه گردد؛

(۸) میانگین نتایج هر سه نمونه از طریق جمع کردن و تقسیم به تعداد محاسبه گردد (فضل الهی و ملکی توانا، ۱۳۸۹).

رابطه بین شاخص فوگ و سطح خوانایی بدین شرح است که: $\text{FOG} \geq ۱۸$ یعنی متن (بسیار پیچیده)؛ ۱۴-۱۸ (متن دشوار)؛ ۱۲-۱۴ (متن مناسب)؛ ۱۰-۱۲ (متن قابل قبول) و ۸-۱۰ (متن آسان) است. از آنجایی که مقادیر بالای شاخص مذکور

بیانگر میزان خوانایی کمتر گزارش‌های هیات مدیره است؛ بر این اساس، مقدار محاسبه شده در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود تا معیار مستقیمی از شاخص خوانایی گزارش هیات مدیره به دست آید^{۳۳}.

مطابق با ادبیات قبلی (داس و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۵؛ چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ ژو و همکاران، ۲۰۲۰) متغیرهای کنترل مختلفی در مدل اصلی قرار گرفتند که عبارتند از:

اندازه شرکت (SIZE): در این پژوهش از لگاریتم طبیعی دارایی شرکت برای کنترل متغیر مذکور استفاده می‌شود. سن شرکت (AGE): در این پژوهش سن شرکت بر اساس فاصله زمانی بین تاریخ تأسیس تا پایان دوره زمانی پژوهش، اندازه‌گیری می‌شود. ارزش بازار سهام (MKTSHARE): به‌عنوان نسبت فروش شرکت به کل فروش صنعت محاسبه می‌شود. تغییرات مثبت فروش (POS-CHGSALE): از طریق نسبت تغییرات مثبت در فروش به کل دارایی محاسبه می‌شود. تغییرات منفی فروش (NEG-CHGSALE): از نسبت تغییرات منفی در فروش به کل دارایی محاسبه می‌شود. بازده دارایی (ROA): در این پژوهش بازده دارایی از طریق نسبت سود خالص به دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود. فرصت‌های رشد (MTB): از نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن استفاده می‌شود. اهرم مالی (FL): از نسبت مجموع بدهی‌های پایان سال تقسیم به مجموع دارایی‌های شرکت در پایان سال استفاده می‌شود. بدهی‌های جاری (CL): در این پژوهش بدهی‌های جاری از تقسیم بدهی‌های جاری بر دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. دارایی‌های جاری (CA): از نسبت دارایی‌های جاری غیرنقدی به ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. نگهداشت وجه نقد (CASHHOLD): از طریق نسبت وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه مدت به دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

یافته‌های پژوهش

نگاره (۲)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون را برای نمونه‌ای متشکل از ۱۰۲۶ شرکت-سال در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۵-۱۴۰۰ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نگاره ملاحظه می‌شود، میانگین شاخص اعتبار تجاری نشان می‌دهد حدود ۲۱ درصد دارایی شرکت‌های نمونه را حساب‌ها و اسناد پرداختی، میانگین متغیر اهرم مالی نشان می‌دهد ۵۱ درصد دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی را بدهی و استقراض و میانگین نگهداشت وجه نقد نشان می‌دهد که حدود ۸ درصد دارایی‌های شرکت‌های نمونه را وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت تشکیل می‌دهد. همچنین، مقدار میانگین متغیر خوانایی گزارش هیات مدیره بر اساس شاخص خوانایی فوگ برابر با ۱۷/۵۹۸ می‌باشد و نشان می‌دهد خوانایی گزارشگری شرکت‌های نمونه در طبقه "بسیار پیچیده" قرار دارد. علاوه بر این، بر اساس میانگین متغیر فرصت‌های رشد می‌توان گفت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اغلب شرکت‌های نمونه از ارزش دفتری آن‌ها بیشتر است.

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر | نماد | مشاهدات | میانگین | میان | کمترین | بیشترین | انحراف معیار |
|--------------------------|-------------|---------|---------|---------|---------|---------|--------------|
| اعتبار تجاری | CREDIT | ۱۰۲۶ | ۰/۲۱۳ | ۰/۱۷۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۷۶ | ۰/۱۵۶ |
| خوانایی گزارش هیات مدیره | READ | ۱۰۲۶ | -۱۷/۵۹۸ | -۱۷/۸۳۹ | -۱۷/۹۱۱ | -۹/۶۱۶ | ۳/۹۵۴ |
| اندازه شرکت | SIZE | ۱۰۲۶ | ۱۵/۲۵۳ | ۱۵/۰۰۵ | ۱۱/۳۶۱ | ۲۰/۸۲۱ | ۱/۶۹۷ |
| سن شرکت | AGE | ۱۰۲۶ | ۴۱/۸۵۴ | ۴۳ | ۱۰ | ۷۲ | ۱۳/۶۰۱ |
| سهام بازار فروش | MKTSHARE | ۱۰۲۶ | ۰/۰۵۹ | ۰/۰۲۷ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۰۸ | ۰/۰۸۷ |
| تغییر فروش مثبت | POS-CHGSALE | ۱۰۲۶ | ۰/۲۷۹ | ۰/۲۲۶ | ۰ | ۰/۹۲۶ | ۰/۲۵۷ |
| تغییر فروش منفی | NEG-CHGSALE | ۱۰۲۶ | -۰/۰۱۶ | ۰ | -۰/۴۸۸ | ۰ | ۰/۰۶۶ |
| بازده دارایی | ROA | ۱۰۲۶ | ۰/۱۷۰ | ۰/۱۳۹ | -۰/۳۴۶ | ۰/۵۶۸ | ۰/۱۶۳ |
| فرصت‌های رشد | MTB | ۱۰۲۶ | ۶۱/۱۲۲ | ۴/۴۰۴ | -۰/۶۰۶ | ۲۰/۲۱۷ | ۵/۱۸۱ |
| اهرم مالی | FL | ۱۰۲۶ | ۰/۵۱۳ | ۰/۵۱۴ | ۰/۰۱۴ | ۰/۹۲۳ | ۰/۲۱۱ |
| بدهی‌های جاری | CL | ۱۰۲۶ | ۰/۴۵۵ | ۰/۴۵۲ | ۰/۰۱۳ | ۰/۸۹۸ | ۰/۲۰۰ |
| دارایی‌های جاری | CA | ۱۰۲۶ | ۰/۶۹۶ | ۰/۷۱۷ | ۰/۱۲۶ | ۰/۹۷۹ | ۰/۲۱۲ |
| نگهداشت وجه نقد | CASHHOLD | ۱۰۲۶ | ۰/۰۸۳ | ۰/۰۴۷ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۷۱ | ۰/۰۹۷ |

در نگاره (۳)، میزان ضریب همبستگی بین متغیرهای خوانایی گزارش هیات مدیره (READ) و اعتبار تجاری (CREDIT) در سطح خطای ۰/۰۱ به میزان ۰/۰۱۹- می‌باشد و معنی‌دار است.

نگاره ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

| CASH HOLD | CA | CL | FL | MTB | ROA | NEG CHGSALE | POS CHGSALE | MKT SHARE | AGE | SIZE | READ | CREDIT |
|-----------|----------|----------|----------|----------|----------|-------------|-------------|-----------|----------|----------|----------|--------|
| ۱ | | | | | | | | | | | | |
| -۰/۰۵۲ | ۱ | | | | | | | | | | | |
| -۰/۲۴۷** | ۰/۳۰۴** | ۱ | | | | | | | | | | |
| -۰/۳۸۱** | ۰/۳۱۲** | ۰/۹۳۸** | ۱ | | | | | | | | | |
| ۰/۱۷۳** | ۰/۱۵۷** | ۰/۰۷۳* | ۰/۰۷۶* | ۱ | | | | | | | | |
| ۰/۳۸۳** | ۰/۱۰۴** | -۰/۵۳۳** | -۰/۶۰۶** | ۰/۱۳۸** | ۱ | | | | | | | |
| -۰/۰۱۲ | ۰/۰۶۰ | -۰/۰۹۷** | -۰/۰۹۱* | ۰/۱۱۲** | ۰/۱۷۰** | ۱ | | | | | | |
| ۰/۰۸۹* | -۰/۰۲۷ | -۰/۰۹۰* | -۰/۱۰۵** | ۰/۲۷۳** | ۰/۲۵۰** | ۰/۱۷۳** | ۱ | | | | | |
| -۰/۰۴۹ | -۰/۰۴** | ۰/۱۱۴** | ۰/۱۰۰** | -۰/۰۸۴* | ۰/۰۹۰* | -۰/۱۰۴** | ۰/۱۳۵** | ۱ | | | | |
| -۰/۰۸۳* | ۰/۰۳۷ | -۰/۰۱۳ | ۰/۰۱۰ | ۰/۰۸۶* | -۰/۰۵۰ | ۰/۰۹۵** | -۰/۰۱۳ | -۰/۱۱۳** | ۱ | | | |
| -۰/۰۳۷ | -۰/۰۰۷** | -۰/۰۱۰ | -۰/۰۲۸ | -۰/۱۲۰** | ۰/۲۴۴** | -۰/۰۳۹ | ۰/۱۵۴** | ۰/۵۷۱** | -۰/۰۸۰** | ۱ | | |
| -۰/۰۰۸ | ۰/۰۲۰ | -۰/۰۵۹ | -۰/۰۶۸ | ۰/۰۷۹* | ۰/۰۷۸* | ۰/۰۱۲ | ۰/۰۱۰ | -۰/۰۲۲ | -۰/۰۲۳ | ۰/۰۲۷ | ۱ | |
| -۰/۱۵۴** | ۰/۰۸۷* | ۰/۵۱۱** | ۰/۵۲۳** | ۰/۰۹۰* | -۰/۴۲۲** | ۰/۱۲۵** | -۰/۱۰۳** | ۰/۰۳۱ | -۰/۰۶۳ | -۰/۰۲۰** | -۰/۰۱۹** | ۱ |
| CASH HOLD | CA | CL | FL | MTB | ROA | NEG CHGSALE | POS CHGSALE | MKT SHARE | AGE | SIZE | READ | CREDIT |

* و ** به ترتیب در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی‌داری می‌باشند.

در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر جهت مشخص شدن تلفیقی یا ترکیبی بودن داده‌ها استفاده می‌شود نتایج مربوط به آزمون F لیمر در نگاره (۴) ارائه شده است.

نگاره ۴. نتایج آزمون اف لیمر برای انتخاب روش پولینگ یا پانل

| نتیجه آزمون | معناداری | آماره F | فرضیه صفر (H0) |
|-------------|----------|---------|----------------------|
| روش پانل | ۰/۰۰۰ | ۱۲/۶۵۵ | روش پولینگ مناسب است |

به دلیل اینکه معنی‌داری آماره F لیمر برای مدل پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است، لذا فرضیه صفر آزمون رد شده و برای تخمین مدل پژوهش باید از روش داده‌های پانل استفاده شود. سپس برای تعیین نوع داده‌ها (روش اثرات ثابت یا تصادفی)، از آزمون هاسمن استفاده شود. نتایج آزمون هاسمن برای مدل پژوهش به شرح نگاره (۵) می‌باشد:

نگاره ۵. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

| نتیجه آزمون | معناداری | آماره χ^2 | فرضیه صفر (H0) |
|-------------|----------|----------------|----------------------------|
| اثرات ثابت | ۰/۰۰۰ | ۵۹/۶۰۸ | روش اثرات تصادفی مناسب است |

نتایج نگاره (۵) بیانگر آن است که در مدل‌های پژوهش باید از روش اثرات ثابت استفاده نمود. در این پژوهش برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاکان-گادفری مطابق نگاره (۶) استفاده شده است.

نگاره ۶. نتایج آزمون بروش پاکان-گادفری برای کشف ناهمسانی واریانس

| نتیجه آزمون | معناداری | آماره F | فرضیه صفر (H0) |
|-----------------------|----------|---------|------------------------|
| وجود ناهمسانی واریانس | ۰/۰۰۰ | ۱۳/۲۸۷ | واریانس‌ها همسان هستند |

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج حاصل از این آزمون نگاره (۷) نشان داده است که در مدل پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد (معنی‌داری محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵). بنابراین تخمین نهایی این مدل با استفاده از آزمون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) صورت می‌گیرد همچنین، برای بررسی وجود همخطی بین متغیرهای مدل از آماره عامل تورم واریانس "VIF" استفاده شده و نشان‌دهنده عدم وجود همخطی بین متغیرهای مدل است (عامل تورم واریانس کوچک‌تر از ۵). بنابراین می‌توان دریافت که مشکل همخطی تهدیدی جدی برای مدل نمی‌باشد.

نگاره ۷. نتایج آزمون همخطی

| متغیر | نماد | عامل تورم واریانس (VIF) |
|--------------------------|-------------|-------------------------|
| خوانایی گزارش هیات مدیره | READ | ۱/۰۲۰ |
| اندازه شرکت | SIZE | ۱/۷۵۱ |
| سن شرکت | AGE | ۱/۰۴۶ |
| سهام بازار فروش | MKTSHARE | ۱/۵۵۳ |
| تغییر فروش مثبت | POS-CHGSALE | ۱/۲۰۰ |
| تغییر فروش منفی | NEG-CHGSALE | ۱/۰۹۱ |
| بازده دارایی | ROA | ۲/۳۸۹ |
| فرصت‌های رشد | MTB | ۱/۲۳۹ |
| اهرم مالی | FL | ۲/۴۲۹ |
| بدهی‌های جاری | CL | ۱/۱۰۴ |
| دارایی‌های جاری | CA | ۱/۴۳۸ |
| نگهداشت وجه نقد | CASHHOLD | ۱/۲۴۱ |

نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش به شرح نگاره (۸) می‌باشد.

نگاره ۸. خلاصه نتایج آماری آزمون مدل پژوهش

| CREDIT _{i,t} = β ₀ + β ₁ READ _{i,t} + β ₂ SIZE _{i,t} + β ₃ AGE _{i,t} + β ₄ MKTSHARE _{i,t} + β ₅ POS-CHGSALE _{i,t} + β ₆ NEG-CHGSALE _{i,t} + β ₇ ROA _{i,t} + β ₈ MTB _{i,t} + β ₉ FL _{i,t} + β ₁₀ CL _{i,t} + β ₁₁ CA _{i,t} + β ₁₂ CASHHOLD _{i,t} + ε _i | | | | | | |
|---|-------------|--------|----------------------|----------|----------|---------|
| متغیر | نماد | ضریب | انحراف معیار | آماره تی | معناداری | معنادار |
| عرض از مبدأ | B0 | ۰/۳۷۵ | ۰/۰۶۲ | ۶/۰۵۷ | ۰/۰۰۰ | --- |
| خوانایی گزارش هیات مدیره | READ | -۰/۰۵۲ | ۰/۰۱۸ | -۲/۹۶۱ | ۰/۰۰۳ | بلی |
| اندازه شرکت | SIZE | -۰/۰۶۴ | ۰/۰۰۶ | -۱۱/۲۷۲ | ۰/۰۰۰ | بلی |
| سن شرکت | AGE | ۰/۰۱۵ | ۰/۰۰۲ | ۹/۳۹۷ | ۰/۰۰۰ | بلی |
| سهام بازار فروش | MKT SHARE | ۰/۰۵۶ | ۰/۱۰۹ | ۰/۵۱۹ | ۰/۶۰۴ | خیر |
| تغییر فروش مثبت | POS-CHGSALE | -۰/۰۱۵ | ۰/۰۰۹ | -۱/۵۸۹ | ۰/۱۱۳ | خیر |
| تغییر فروش منفی | NEG-CHGSALE | ۰/۰۲۹ | ۰/۰۱۵ | ۱/۹۰۸ | ۰/۰۵۷ | خیر |
| بازده دارایی | ROA | -۰/۰۰۴ | ۰/۰۲۵ | -۰/۱۵۶ | ۰/۸۷۶ | خیر |
| فرصت‌های رشد | MTB | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۳۸۱ | ۰/۷۰۳ | خیر |
| اهرم مالی | FL | ۰/۰۲۷ | ۰/۰۴۱ | ۰/۶۷۳ | ۰/۵۰۱ | خیر |
| بدهی‌های جاری | CL | ۰/۲۸۸ | ۰/۰۳۹ | ۷/۳۱۱ | ۰/۰۰۰ | بلی |
| دارایی‌های جاری | CA | ۰/۰۷۰ | ۰/۰۱۸ | ۳/۷۹۳ | ۰/۰۰۰ | بلی |
| نگهداشت وجه نقد | CASH HOLD | -۰/۰۰۷ | ۰/۰۲۴ | -۰/۳۰۰ | ۰/۷۶۴ | خیر |
| آماره F فیشر | | ۶۱/۴۸۳ | ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۶۲۸ | |
| معناداری آماره F | | ۰/۰۰۰ | آماره دوربین واتسون | | ۱/۹۵۵ | |

مدل رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد به طور کلی معنی‌دار (۰/۰۰۰) است. با توجه به اینکه آماره دوربین واتسون، مقدار ۱/۹۵۵ را نشان می‌دهد و این عدد بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد به معنی عدم وجود همبستگی در جزء اخلال می‌باشد. با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل مدل حدود ۶۲ درصد از تغییرات اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان را توضیح می‌دهند. همان‌طور که در نگاره فوق ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر خوانایی گزارش هیات مدیره (READ) منفی و در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است و حاکی از وجود رابطه منفی و معنی‌دار میان خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد. بر این اساس، فرضیه H₀ رد شده و فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵ درصد تایید می‌شود. ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی اندازه شرکت (SIZE)، سن شرکت (AGE)، بدهی‌های جاری (CL) و دارایی‌های جاری (CA) در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است و حاکی از وجود رابطه معنی‌دار میان اندازه شرکت، سن شرکت، بدهی‌های جاری و دارایی‌های جاری با اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اینکه گزارش‌های مالی با خوانایی کمتر منجر به عدم تقارن اطلاعاتی در سطح بالاتری بین وام‌گیرنده و وام‌دهنده خواهد شد، با این وجود، در مقایسه با موسسات مالی؛ تأمین‌کنندگان تمایل بیشتری دارند اعتبار تجاری را به شرکت‌های دارای اطلاعات نامتقارن و محدودیت‌های مالی بسپارند. با توجه به مطالب مطرح شده و اهمیت پژوهش حاضر، رابطه بین خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری را مورد بررسی قرار داده است. فرضیه پژوهش رابطه خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار

تجاری دریافتی از اعتباردهندگان را آزمون نموده است. نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه حاکی از آن است که میان خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای گزارشگری مالی خواناتر، اعتبار تجاری کمتری دریافت می‌کنند. می‌توان گفت، شرکت‌های با عملکرد ضعیف معمولاً از یک زبان دشوار و طولانی در گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند تا مانع از وجود واکنش‌های منفی بازار شوند. در مقابل، شرکت‌های با عملکرد بهتر از تغییرات سود کمتر، کیفیت سود بالاتر و گزارشگری مالی خواناتری برخوردار هستند. شرکت‌های با گزارش مالی خواناتر نیاز کمتری به استفاده از اعتبار تجاری تأمین‌کنندگان دارند و اعتبار تجاری کمتری دریافت می‌کنند. نتیجه بدست آمده در این پژوهش مغایر با یافته پژوهش ژو و همکاران (۲۰۲۰) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان است. علت این تفاوت می‌تواند این عامل باشد که آن‌ها چنین ادعا کردند که شرکت‌هایی با قابلیت خوانایی بالا گزارش مالی آن‌ها، از خوانایی به عنوان ابزاری برای جلب اعتماد اعتباردهندگان و برای دریافت اعتبار تجاری بیشتر استفاده می‌کنند. در ایران، اعتبار تجاری یک منبع تأمین مالی با قیمت بالا نسبت به بسیاری از منابع تأمین مالی مثل وام است و همه شرکت‌های خوب تمایل زیادی به استفاده از این منبع ندارند. بنابراین بیشتر شرکت‌هایی که مشکل مالی دارند به دنبال استفاده از این منابع هستند، برای همین گزارشگری خود را پیچیده می‌کنند تا نقاط ضعف خود را پنهان و از اعتبار تجاری استفاده کنند (ژو و همکاران، ۲۰۲۰).

براساس یافته پژوهش حاضر مبنی بر رابطه منفی خوانایی گزارش هیات مدیره و اعتبار تجاری، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران به خوانایی گزارش هیات مدیره شرکت‌ها توجه داشته و آن را به عنوان عاملی تاثیرگذار بر اعتبار تجاری دریافتی از اعتباردهندگان در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند. علاوه بر این، به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که در ارزیابی خود در کنار سایر عوامل از سطح ریسک شرکت صاحبکار و برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی، به میزان خوانایی گزارش هیات مدیره شرکت‌ها توجه داشته باشند. به سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌شود که بر اساس خوانایی گزارش هیات مدیره به رتبه‌بندی شرکت‌ها برای ایجاد فضای رقابتی جهت بهبود خوانایی گزارش هیات مدیره بپردازند که به دنبال آن باعث افزایش درک سهامداران و فعالان بازار بورس از سطح خوانایی گزارش هیات مدیره شرکت‌ها و مقایسه شرکت‌ها از نظر خوانایی گزارش هیات مدیره می‌شود.

در ادامه مسیر و برای روشن شدن سایر ابعاد موضوع، به پژوهشگران توصیه می‌شود پژوهش حاضر را با سایر معیارهای سنجش خوانایی گزارش هیات مدیره مانند شاخص فلش و طول متن انجام دهند. سنجش‌های خوانایی را برای به دست آوردن معیار بهتر و مناسب متون فارسی ایرانیزه نمایند. و همچنین می‌توانند رابطه خوانایی گزارشگری مالی و خوانایی گزارش تفسیری مدیریت با اعتبار تجاری، رابطه خوانایی گزارش هیات مدیره و ریسک سقوط قیمت سهام؛ رابطه لحن گزارشگری مالی و اعتبار تجاری و رابطه مالکیت خانوادگی و اعتبار تجاری را مورد بررسی قرار دهند. در این پژوهش ما برای خوانایی صورت‌های مالی از شاخص فاگ استفاده کرده‌ایم و ممکن است سایر پژوهشگران از شاخص‌های دیگری برای بهبود و توسعه پژوهش حاضر استفاده نمایند و موجب تفاوت در ارائه نتایج پژوهش شوند.

منابع

- مددی زاده، ابراهیم، تائبی نقندری، امیرحسین و زینلی، حدیث. (۱۴۰۱). تأثیر استراتژی های مالیاتی جسورانه و تقلب حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۱(۴۳)، صص ۳۷۹-۳۹۲.
- افلاطونی، عباس، تمجیدی، نیما و شکوری نسب، حسین (۱۴۰۰). تأثیر اعتبار تجاری بر سرعت تعدیل اهرم. *مجله دانش حسابداری*، دوره ۱۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۴۶، آذر ۱۴۰۰، صص ۴۸-۲۹.
- پورفخاران، محمدرضا، طالب‌نیا، قدرت‌اله، و کیلی فرد، حمیدرضا و رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۴۰۰). اثر سیاست پولی دولت بر ارتباط میان حسابرسی صورت‌های مالی و اعتبار تجاری شرکت. *نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، دوره ۱۳، شماره ۴ (پیاپی ۵۲)، صص ۲۹۷-۲۶۹.
- افلاطونی، دکتر عباس و نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای اعتبار تجاری: رویکردهای ایستا و پویا. *مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری*، ۱۱(۱)، صص ۳۵-۵۹.
- جعفری، علی، جمادوردی، گرگانلی، اشرفی، مجید و نادریان، آرش (۱۳۹۹). پیامدهای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان با تأکید بر نقش مالکیت نهادی. *پیشرفت‌های حسابداری*، دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، شماره ۱، تیر ۱۳۹۹، صص ۹۵-۱۲۸.
- فرهنگ‌دوست، شایان، زند شانقی، آرزو و شیرشکن، سعید (۱۳۹۹). بررسی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر خوانایی گزارش حسابرس. *پیشرفت‌های حسابداری*، دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، شماره ۲، دی ۱۳۹۹، صص ۲۳۱-۲۶۸.
- رضوانی، فریبا، برندک، سجاد (۱۳۹۸). خوانایی گزارشگری مالی و هزینه‌های حسابرسی. *نشریه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۱۸.
- فضل‌اللهی، سیف‌اله، ملکی توانا، منصوره. (۱۳۸۹). روش شناسی تحلیل محتوا با تأکید بر تکنیک‌های خوانایی سنجی و تعیین ضریب درگیری متون. *فصلنامه پژوهش در علوم انسانی*، ۳: صص ۷۱-۹۴.
- مجتهدزاده، ویدا، مددی نعمتی، فاطمه. (۱۳۸۴). بررسی میزان اهمیت و اثربخشی استانداردهای حسابداری از دیدگاه حسابرسان مستقل، *مجله علوم اجتماعی و انسانی*، ۲۲(۲): صص ۱۱۵-۱۳۱.
- دیانی، محمدحسین. (۱۳۷۹). سنجش خوانایی نوشته‌های فارسی، خوانانویسی برای کودکان، نوسودان و نوجوانان. *مشهد: انتشارات کتابخانه رایانه‌ای*.
- دیانی، محمد حسین. (۱۳۶۶). سه فرمول برای تشخیص سطح خوانایی نوشته های ویژه نو سوادان، *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*، ۳۹: صص ۵۹-۸۰.
- Sun, Wenzhang, Zhu, Jiawei, Wang, Xuhui (2023). Do board secretaries influence annual report readability? *Pacific Accounting Review*, ISSN: 0114-0582, 9 January 2023.
- Braun, Matias & Ferreira, Tiago and Ortiz M., Marcelo and Ortiz M., Marcelo, Financial Report Readability as a Signaling Device of Earnings Quality (2022). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4093127> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4093127>.
- Madadzadeh, E, Taebi Naqandari, A, & Zaineli, H. (2022). The effect of bold tax strategies and accounting fraud on the readability of financial reporting. *Accounting Knowledge and Management Audit*, 11(43), PP. 379-392. (In Persian)
- Dalwai, T., Mohammadi, S.S., Chugh, G. & Salehi, M. (2021). Does intellectual capital and corporate governance have an impact on annual report readability? Evidence from an emerging market, *International Journal of Emerging Markets*, <https://doi.org/10.1108/IJOEM-08-2020-0965>.
- Aflatooni, A, Tamajidi, N & Shakuri Nasab, H (2020). The effect of commercial credit on the speed of leverage adjustment. *Accounting Knowledge Journal*, Volume 12, Number 3, Serial Number 46, Azar 1400, PP. 29-48. (In Persian)

- Pourfakharan, M. R, Talibnia, Gh, Vakilifard, H & Roodpashti Rahnamaei, F (2020). The effect of the government's monetary policy on the relationship between the audit of financial statements and the business credit of the company. *Journal of financial accounting and auditing research*, volume 13, number 4 (52 consecutive), pages 269-297. (In Persian)
- Xu, H., Pham, T.H. and Dao, M. (2020), Annual report readability and trade credit, *Review of Accounting and Finance*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/RAF-10-2019-0221>.
- Aflatooni, A, Norozi, M. (2019). Factors affecting the supply and demand of commercial credit: static and dynamic approaches. *Scientific-Research Journal of Accounting Knowledge*, 11(1), PP. 35-59. (In Persian)
- Tuo, L., Zhang, Y., Liu, Z., Du, R. (2019). Business Education of CEO-CFO and Annual Report Readability. *Review of Economics & Finance*, 17, PP. 16-34.
- Rezvani, F, Brendak, S (2018). Readability of financial reporting and audit costs. *Accounting and Management perspective magazine*, winter 2018, number 18. (In Persian)
- Abdulla, Y., Dang, V.A. & Khurshed, A. (2017). Stock market listing and the use of trade credit: evidence from public and private firms, *Journal of Corporate Finance*, Vol. 46, PP. 391-410.
- Chen, D., Liu, M., Ma, T. & Martin, X. (2017), Accounting quality and trade credit, *Accounting Horizons*, Vol. 31 No. 3, PP. 69-83.
- Dai, B, Yang, F. (2015). Monetary Policy, Accounting Conservatism and Trade Credit. *Journal of Accounting Research*, Vol. 8, No. 4, PP. 295-313.
- Dass, N., Kale, J.R. and Nanda, V. (2015), Trade credit, relationship-specific investment, and product market power, *Review of Finance*, Vol. 19 No. 5, PP. 1867-1923.
- Cheung, E. W. Y. (2014). Readability of financial reports and IFRS adoption in Australia.
- Chan, Paul K., Mara Faccio, & David C. Parsley. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51(2), PP.58-76.
- Seifert, D., Seifert, R.W., & Protopappa-Sieke, M. (2013). Trade credit: literature review and research directions. *European Journal of Operational Research*, 231(2), 245-256.
- Lehavy, R., Li, F, Merkley, K. (2011). The effect of annual report readability on analyst following and the properties of their earnings forecasts. *The Accounting Review*, 86(3), PP. 1087-1115.
- Fazlollahi, S, Maleki Tavana, M. (2010). Methodology of content analysis with emphasis on readability techniques and determination of engagement coefficient of texts. *Quarterly Journal of Research in Human Sciences*, 3: PP. 71-94. (In Persian)
- You, H. and Zhang, X.-J. (2009), Financial reporting complexity and investor underreaction to 10-K information, *Review of Accounting Studies*, Vol. 14 No. 4, PP. 559-586.
- Deloof, M, Van Overfelt, W. (2008). Were modern capital structure theories valid in Belgium before World War I? *Journal of Business, Finance and Accounting*, 35(3-4), 491-515.
- Li, F. (2008), Annual report readability, current earnings and earnings persistence, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 45 Nos 2/3, PP. 221-247.
- Mojtahedzadeh, V, Madadi Nemati, F. (2005). Examination of the importance and effectiveness of accounting standards from the perspective of independent auditors, *Journal of Social and Human Sciences*, 22(2): PP. 115-131. (In Persian)
- Diani, M. H. (2000). Assessing the readability of Persian writings, reading and writing for children, novices and teenagers. Mashhad: Computer Library Publications. (In Persian)
- Johnson, R. K. (2000), Readability, *School Science Review*, 212, 60, PP. 562-568.
- Ng, C.K., Smith, J.K. and Smith, R.L. (1999), Evidence on the determinants of credit terms used in interfirm trade, *The Journal of Finance*, Vol. 54 No. 3, PP. 1109-1129.
- Biais, B. and Gollier, C. (1997), Trade credit and credit rationing, *Review of Financial Studies*, Vol. 10 No. 4, PP. 903-937.

- Shaffer, R. J., Stevens, K. T., & Stevens, W. P. (1993). Assessing the readability of government accounting standards: The cloze procedure. *Journal of technical writing and communication*, 23(3), PP. 259-267.
- Diani, M. H. (1987). Three formulas to determine the level of readability of writings for novices, *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 39: PP. 59-80. (In Persian)
- Courtis, J.K. (1986), Poor communication is alive and well: a study of annual report readability, *Canadian Journal of Communication*, Vol. 12 No. 3, PP. 1-17.
- Holley, C. L, Early, J. (1980). Are financial statements easy to read? *The Woman CPA*, 42(April), PP. 9-13.



Paper type: Research Article

Determinants of Fraud in Financial Report based on the Pentagon theory

Sadegh Akhondzade¹, Maryam Emami Meybodi² *

Received: 2024/11/05

Accepted: 2025/01/25

Abstract

In recent years, corporate abuse and fraud, inaccurate financial reporting and weak corporate management have been important factors in the financial crisis of the last decade. On the other hand, financial scandals, in addition to having economic losses such as harming creditors, investors and shareholders, also include political, judicial and social costs. Moreover, in addition to having a direct impact on the company, fraudulent financial reporting has an impact on employees, creditors and investors and will weaken the reliability of financial statements and capital markets. Therefore, the main goal of this research was to determine the factors of fraud in financial statements from the Pentagon theory. In examining fraud in financial reporting from the Pentagon theory, five dimensions, namely pressure, opportunity, rationalization, competence and arrogance were examined in the financial statements of 150 companies admitted to Tehran Stock Exchange in the years 2016-2022 using a multivariable regression model that was examined with the panel fixed effects method. The results of the research showed that the five dimensions of the Pentagon theory including pressure, opportunity, rationalization, competence and arrogance had a positive and significant effect on fraudulent financial reporting.

Keywords: Fraud, Financial Report, Pentagon theory.



10.71600/JACGR.2024.



How to cite this article: Akhondzade, S; Emami Meybodi, M. (2024). Determinants of Fraud in Financial Report based on the Pentagon theory. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(8),17 -34. (In Persian).

1. MSc. Student, Department of Accounting, Shahin Shahr Branch, Islamic Azad University, Shahin Shahr, Iran.

2. Assistant Prof., Department of Accounting, Shahin Shahr Branch, Islamic Azad University, Shahin Shahr, Iran.

*Corresponding Author: m.emami@shaiu.ac.ir



نوع مقاله: علمی پژوهشی

عوامل تعیین کننده ثقل در گزارشگری مالی بر اساس نظریه پنتاگون

صادق آخوندزاده^۱، مریم امامی میبیدی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

چکیده

در سال‌های اخیر سوء استفاده و ثقل در شرکت‌ها، گزارشگری مالی نادرست و ضعف در مدیریت شرکت‌ها عامل مهمی در بحران مالی دهه اخیر بوده است. از طرفی، رسوایی‌های مالی علاوه بر داشتن زیان‌های اقتصادی مانند، متضرر کردن اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و سهامداران، هزینه‌های سیاسی، قضایی و اجتماعی را نیز در بر دارد. همچنین، گزارشگری مالی متقلبانانه علاوه بر تأثیر مستقیم بر شرکت، بر کارکنان، اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران نیز تأثیر داشته و موجب تضعیف قابلیت اعتماد صورت‌های مالی و بازارهای سرمایه خواهد شد. لذا، هدف اصلی این پژوهش تعیین عوامل ثقل در صورت‌های مالی از نظریه پنتاگون است. در بررسی ثقل در گزارشگری مالی از نظریه پنتاگون پنج بعد به ترتیب؛ فشار، فرصت، منطقی‌سازی، شایستگی و تکبر بر صورت‌های مالی ۱۵۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۵-۱۴۰۱ با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره که با روش اثرات ثابت تابلویی بررسی شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ابعاد پنج‌گانه نظریه پنتاگون شامل؛ فشار، فرصت، منطقی‌سازی، شایستگی و تکبر تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانانه دارند.

واژه‌های کلیدی: ثقل، گزارشگری مالی، نظریه پنتاگون.



استناد: آخوندزاده، صادق و امامی میبیدی، مریم. (۱۴۰۳). عوامل تعیین کننده ثقل در گزارشگری مالی بر اساس نظریه پنتاگون. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳ (۸)، ۳۴-۱۷.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران.

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران. *نویسنده مسئول: m.emami@shaiu.ac

مقدمه

آخرین فرآیند در چرخه حسابداری، نتایج به دست آمده در قالب صورت‌های مالی است و صورت‌های مالی اطلاعاتی را در مورد وضعیت مالی و عملکرد شرکت ارائه می‌دهد که به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در تصمیم‌گیری کمک می‌کند. از طرفی، در سالیان اخیر یکی از رئوس اصلی در سخنان مقامات کشورها بحث مبارزه با فساد و تقلب بوده است. اما، با این همه تأکید بر مبارزه با فساد و با تغییر افراد در جایگاه‌های مختلف، توفیق چندانی در این زمینه کسب نشده است. یکی از روش‌هایی که سالهاست، در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است، استفاده از ظرفیت گزارش‌های مردمی یا به‌عبارت‌دیگر افشاگری تقلب است. با ظهور افشاگری توجه پژوهشگران نیز به این حوزه بیشتر شده است و آن را ابزار مهمی برای عرضه رفتار غیرقانونی یا تخلفات به مدیریت سازمان، مقامات و عموم مردم میدانند و همچنین همراستا کردن سازمان با جامعه ضروری می‌دانند (نارسا و همکاران، ۲۰۲۳). مشروعیت و وجاهت افشاگری تقلب به‌عنوان یک مکانیسم افشای تخلف اجتماعی مقبول، در قرن جدید مورد توجه بسیاری از سازمان‌ها واقع شده است. از آنجایی که حسابداران در زمره اولین کسانی هستند که شاهد موارد غیرقانونی و غیراخلاقی در سازمان‌ها می‌باشند. لذا، استفاده از این پتانسیل می‌تواند؛ نقش مهمی در بهبود سلامت سازمان‌ها داشته باشد. تقلب‌های صورت‌های مالی به شکل چشم‌گیری توجه عموم جامعه، رسانه‌ها، سرمایه‌گذاران، جامعه مالی و قانون‌گذاران را به خود جلب کرده است. تقلب در صورت‌های مالی زمانی رخ می‌دهد که مدیران با هدف گمراه کردن گروهی از سهام‌داران در مورد عملیات اصلی شرکت و همچنین به منظور تأثیر بر نتایج فعالیت‌های شرکت با استفاده از روش‌هایی غیر از اصول پذیرفته شده حسابداری، سعی در دستکاری صورت‌های مالی دارند (فلاح حمیدی و همکاران، ۱۴۰۰). تقلب طیف گسترده‌ای از رویکردها، دیدگاه‌ها و روش‌ها می‌باشد. به‌طور کلی، تنوع و پیچیدگی مفاهیم مربوط به تقلب و رفتارهای متقابلانه، ضرورت درک عمیق نسبت به موضوع را نشان می‌دهد. چنین تنوعی در مفاهیم، محققین را به‌منظور درک حقایقی از ابعاد گوناگون روش‌های رایج به‌کار گرفته شده و مهم‌تر از آن پیامدهای اقتصادی و اجتماعی حاصل از تقلب برانگیخته است، تا از یک سو؛ به شناسایی اهمیت رفتارهای فردی، تاثیر قوانین و همچنین شیوه‌های اعمال کنترل‌های داخلی برای مبارزه با تقلب بپردازند و از سوی دیگر؛ با بررسی پیامدهای سوء حاصل از چنین پدیده‌ای به ساز و کارهایی لازم برای مدیریت شرایط ایجاد شده دست یابند. یکی از اهداف گزارشگری مالی، سودمندی اطلاعات برای مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر کاربران بالفعل و بالقوه به منظور اتخاذ تصمیمات مناسب بوده که ایشان را نسبت به شفافیت ناشی از مدیریت سود حساس نمایند. طی سال‌های اخیر موسسات و سازمان‌ها در سطح جهانی با مشکلی جدی تحت عنوان تقلب مواجه بوده‌اند. به طوری که صنعت مالی در این زمینه مناسب‌ترین بستر برای وقوع تقلب را فراهم آورده است، که خود از وجود ریسک ذاتی قابل ملاحظه در این دسته از نهادها حکایت دارد و در این پژوهش فرصت پژوهش تجربی و عملیاتی بررسی ارائه مدل توسعه یافته پنج ضلعی تقلب در گزارشگری مالی را فراهم شده است.

مبانی نظری

برخی از شرکت‌ها از بدو تأسیس خود درگیر اقدامات غیراخلاقی شده که منجر به تحقیقات و اقدامات قانونی متعددی از زمان تأسیس آنها شده (مانیاتیس^۲، ۲۰۲۲) که منجر به برخی اختلافات می‌شود. این مناقشات مداوم به اعتبار شرکت آسیب رسانده است که منجر به از دست دادن اعتماد مشتریان و سرمایه‌گذاران شده است. علی‌رغم تلاش‌ها برای بهبود شفافیت و پاسخگویی، این شرکت‌ها همچنان به دلیل رویه‌های تجاری مشکوک خود مورد بررسی قرار می‌گیرند (عنایت و چریری^۳، ۲۰۲۴). به نظر می‌رسد اقدامات غیراخلاقی گزینشی برای افرادی است که به دنبال سود هستند. طبق گفته

1. Narsa et al
2. Maniatis
3. Inayah & Chariri

آپریان و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، مدیریت مالی ناکافی ممکن است عملیات و پایداری شرکت را مختل کند. افزون بر این آن‌ها بر اهمیت اجرای استانداردهای گزارشگری مالی شرکت‌ها به عنوان یک جنبه اساسی از عملیات خود تأکید می‌کنند. مدیریت سود یک شکل متداول از کلاهبرداری مالی است که شامل تغییر استانداردها و رویه‌های حسابداری برای ارائه بهتر شرایط مالی شرکت یا پنهان کردن رکود اقتصادی است (اسماعیل و کامل^۲، ۲۰۲۰؛ ویدياساری و همکاران^۳، ۲۰۱۷). روش‌های متقبلانه در معاملات درآمدی شامل کاهش صورتحساب‌ها، سرمایه‌گذاری دارایی‌های نامشهود و شناسایی هزینه‌های قابل توجه در طول سال‌های سودآور است. دستکاری صورتهای مالی ممکن است منجر به کاهش ارزش سهام یک شرکت و ورشکستگی شود (هارتانتو و همکاران^۴، ۲۰۱۹). علاوه بر این، سرمایه‌گذاران ممکن است اعتماد خود را به شرکت از دست بدهند و پس از وقوع تقلب در صورتهای مالی، علاقه کمتری به سرمایه‌گذاری وجوه خود داشته باشند (عنایت و چریبری، ۲۰۲۴).

رسوایی انرون نمونه معروفی از مدیریت ضعیف یک شرکت در نگهداری سوابق مالی است. شرکت از سوابق مالی محدودی برای پنهان کردن این واقعیت استفاده کرد که میلیاردها دلار بدهی دارند (کابلو و همکاران^۵، ۲۰۰۹). این حادثه شیوه‌های تجاری متقبلانه و حسابداری نادرست را افشا کرد که منجر به خسارات مالی قابل توجهی برای سرمایه‌گذاران و صندوق‌های بازنشستگی کارگران شد (تروی^۶، ۲۰۲۳). طبق یک گزارش نظرسنجی از انجمن بازرسان خبره تقلب که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد، فساد با ۱۶۷ مورد گزارش شده، شایع‌ترین نوع کلاهبرداری است. علاوه بر این، این گزارش ۲۲ مورد گزارش‌های حسابداری تقلبی و ۵۰ مورد سوء استفاده از دارایی‌ها را شناسایی کرده است (انجمن بازرسان خبره تقلب^۷، ۲۰۱۹). صورتهای مالی متقبلانه نگرانی‌های جدی را در مورد اعتبار و قابلیت اطمینان گزارش‌های مالی ایجاد کرده است (تیفانی و مارفوا^۸، ۲۰۱۵). در نتیجه، شناسایی فعالیت‌های متقبلانه چالش مهمی را نشان می‌دهد که نیازمند درک کامل الگوهای تقلب و تاکتیک‌های به‌کار گرفته شده برای پوشاندن آن‌ها است. شونهادجی و ایرواندی^۹ (۲۰۲۳) بیان کردند که سازمان‌ها باید کنترل‌های داخلی قوی ایجاد کنند و به‌طور معمول ارزیابی‌های ریسک تقلب را برای جلوگیری و کشف فعالیت‌های تقلب انجام دهند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در آموزش مبارزه با تقلب برای کارمندان می‌تواند آگاهی و هوشیاری آنها را در شناسایی پرچم‌های قرمز بالقوه افزایش دهد (آکینبواله و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۳). شرکت‌ها می‌توانند به‌طور مستمر بر تراکنش‌های مالی نظارت کنند و در صورت لزوم، تحقیقات کاملی را برای کاهش پتانسیل طرح‌های متقبلانه و حفاظت از دارایی‌های خود انجام دهند. این رویکرد پیشگیرانه می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا فعالیت‌های مشکوک را شناسایی کرده و اقدامات مناسب را برای جلوگیری از زیان‌های مالی انجام دهند (سینگلتون^{۱۱}، ۲۰۱۰).

افزایش موارد تقلب در صورتهای مالی نشان می‌دهد که موضوع علیت در این موضوع همچنان یک نگرانی قابل توجه در زمینه تحقیقات حسابداری و مالی است (الحداب و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۰). متأسفانه، مطالعات قبلی فقط بر نقش حسابرسان در افشای وضعیت گزارش‌های مالی تمرکز می‌کنند و نتایج همچنان متفاوت است (فرناتی و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۹؛ ایمن و انیس^{۱۴}، ۲۰۲۱؛ سیتانگانگ و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۰؛ وو و همکاران^{۱۶}، ۲۰۲۱). بنابراین، این پژوهش عوامل داخلی و

1. Aprian et al
2. Ismael and Kamel
3. Widyasari et al
4. Hartanto et al
5. Cabello et al
6. Troy
7. Association of Certified Fraud Examiners Indonesia (ACFE)
8. Tiffani & Marfuah
9. Shonhadji & Irwandi
10. Akinbowale et al
11. Singleton
12. Alhadab et al
13. Firmanti et al
14. Imen & Anis
15. Sitanggang et al
16. Wu et al

خارجی را که ممکن است شرکت‌ها را به دستکاری صورت‌های مالی ترغیب کند، مورد توجه قرار می‌دهد. این عوامل شامل فشار خارجی، اهداف مالی، ماهیت صنعت، اثربخشی نظارت، تغییرات حسابرسی، تغییر مدیرعامل و دوگانگی وظیفه مدیرعامل است. مطالعات قبلی مانند آچمد و همکاران^۱ (۲۰۲۲) نشان داد که عواملی مانند ثبات مالی، نظارت ناکافی، تغییرات در حسابرسان و مدیران، نگرش‌های متکبرانانه و همکاری به طور قابل توجهی بر اعمال متقلبانانه در گزارشگری مالی در شرکت‌های دولتی تأثیر می‌گذارد. بنابراین؛ تئوری تقلب یک عمل کلاهبرداری است که توسط یک فرد یا گروهی از افراد با هدف نفع شخصی یکدیگر با سوء استفاده از قدرت انجام می‌شود. نمونه‌هایی از سوء استفاده از عبارتند از؛ سوء استفاده از اختیارات در مدیریت یک شرکت، دستکاری گزارش‌های مالی و سوء استفاده در استفاده از منابع متعلق به شرکت است. نظریه پنج ضلعی تقلب توسعه دو نظریه قبلی تقلب است که عبارتند از: مثلث تقلب و الماس تقلب. طبق نظر کرسی^۲ (۱۹۵۳)، سه عامل بر ظهور گزارشگری مالی متقلبانانه تأثیر می‌گذارد: فشار^۳، فرصت^۴ و منطقی‌سازی^۵ است. در دهه‌های بعد، این نظریه توسط وولفی و هیرمانسون^۶ (۲۰۰۴) با افزودن عامل شایستگی (قابلیت)^۷ به سه عامل قبلی ارائه شد. این نظریه به نظریه الماس تقلب معروف شد. در تحولات بعدی، نظریه مثلث تقلب و نظریه الماس تقلب توسط هوارث^۸ (۲۰۱۱)، با افزودن عامل تکبر (غرور)^۹ به نظریه جدیدی به نام تئوری پنتاگون (پنج ضلعی) تقلب توسعه یافت. نظریه پنتاگون تقلب در بین محققان بسیار محبوب شده است و به یکی از پرکاربردترین رویکردها در مطالعه گزارشگری مالی متقلبانانه تبدیل شده است (نارسا و همکاران، ۲۰۲۳).

اثر بعد فشار بر گزارشگری متقلبانانه

در نظریه پنتاگون بعد فشار از جمله عوامل موثر بر گزارشگری مالی متقلبانانه است که شاخص‌های فشار خارجی و اهداف مالی را شامل می‌شود. شرایط فشار شامل؛ (۱) ثبات مالی و توانایی شرکت برای کسب سود است. (۲) فشار بر مدیریت برای انطباق با الزامات و انتظارات تحلیلگران خارجی، سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان و سایر اشخاص ثالث. (۳) وضعیت مالی پرسنل مدیریتی شرکت که توسط عملکرد مالی شرکت تهدید می‌شود. (۴) فشار بیش از حد بر مدیریت یا کارکنان عملیاتی برای دستیابی به اهداف مالی تعیین شده توسط هیئت مدیره است. بنابراین، فشار خارجی شرایطی است که شرکت فشار جداگانه‌ای از طرف اشخاص ثالث دریافت می‌کند. وظیفه اصلی مدیر این است که شرکت را در حال رشد و توسعه نگه دارد، تا بتواند حداکثر نتایج را برای صاحب شرکت ارائه دهد. برای انجام این وظیفه، غیرمعمول نیست که مدیریت به وجوه اضافی از اشخاص ثالث (بستانکاران) نیاز داشته باشد، تا عملکرد شرکت را حفظ کند. ارائه سرمایه اضافی از طریق بدهی بر اساس چندین قرارداد است، که از طلبکاران در برابر خطرات اعتباری مختلف محافظت می‌کند. یکی از آنها محدودیت‌های شرکت در اعطای وام به شرکت‌های دیگر، شاخص کل بدهی شرکت برای وام‌دهی است که یکی از آنها اهرم مالی است. فیتری و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۹) نشان می‌دهد بین فشار خارجی (اهرم) و گزارشگری مالی متقلبانانه تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد. لذا می‌توان انتظار داشت که فشار خارجی تأثیر مثبتی بر گزارشگری مالی متقلبانانه داشته باشد. از طرفی، در مدیریت یک شرکت، مدیریت همواره با اهداف مشخصی که توسط مالکان و مدیریت شرکت تعیین می‌شود، مواجه خواهد بود. یکی از این موارد، اهداف مالی است (روسمانا و تانجانگ^{۱۱}، ۲۰۱۹). تسا و هارتو^{۱۲} (۲۰۱۶)، معتقد است که؛

1. Achmad et al
2. Cressey
3. Pressure
4. Opportunity
5. Rationalization
6. Wolfe & Hermanson
7. Capability
8. Howarth
9. Arrogance
10. Fitri et al
11. Rusmana & Tanjung
12. Tesa & Harto

اهداف مالی می‌توانند به شکل بازده کسب و کار است که شرکت می‌خواهد به آن دست یابد. این هدف مالی می‌تواند به عنوان انگیزه جداگانه‌ای توسط مدیریت شرکت در انجام گزارشگری مالی متقلبانه استفاده شود، زمانی که هیئت مدیره و مدیریت اهداف مالی شرکت را بسیار بالا (تهاجمی) بر اساس دادن پاداش یا مشوق‌های خاص در صورت موفقیت‌آمیز بودن هدف تعیین می‌کنند. با این حال، زمانی که شرکت ناتوانی در دستیابی به هدف مالی بسیار بالا دارد، یک هدف مالی بالا می‌تواند فشار جداگانه‌ای بر مدیریت باشد. پژوهش‌های انجام شده توسط جایا و پورونو^۱ (۲۰۱۹) و سوف و شولیحاح^۲ (۲۰۱۹) مشخص نمود که اهداف مالی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارند. در نتیجه انتظار می‌رود که اهداف مالی تأثیر مثبتی بر گزارشگری مالی متقلبانه داشته باشد (راچمن و همکاران^۳، ۲۰۲۳).

اثر بعد فرصت بر گزارشگری متقلبانه

در نظریه پنتاگون بعد فرصت از جمله عوامل موثر بر گزارشگری مالی متقلبانه است که شاخص‌های ماهیت صنعت و اثر بخشی نظارت را شامل می‌شود. ماهیت صنعت وضعیت ایده‌آل یک شرکت در فعالیت‌های صنعتی است (ساری و همکاران، ۲۰۲۰). یکی از شاخص‌های یک شرکت ایده‌آل، توانایی شرکت در سرکوب و کاهش تعداد مطالبات شرکت و افزایش دریافت‌های جریان نقدی است (اسکوزن و همکاران^۴، ۲۰۰۹). وضعیت ایده‌آل شرکت را می‌توان از طریق مانده حساب‌های خاصی که بر اساس قضاوت‌ها و برآوردهای ذهنی تعیین می‌شوند، اندازه‌گیری کرد. هدف ارزیابی می‌تواند؛ تخمین حساب‌های غیرقابل وصول و موجودی منسوخ شده باشد، که ارزیابی ذهنی همه آنها توسط شرکت امکان‌پذیر است (سامرز و سویی^۵، ۱۹۹۸). ارزیابی‌های ذهنی، در قالب برآورد، می‌تواند فرصت‌هایی را برای مدیران فراهم کند، تا گزارشگری مالی متقلبانه انجام دهند (پریانتارا^۶، ۲۰۱۳). این موضوع به دنبال تئوری نمایندگی است که بیان می‌کند؛ وجود اطلاعات نامتقارن بین مالکان و مدیریت شرکت فرصت‌هایی را برای شرکت‌ها باز می‌کند تا صورت‌های مالی خود را دستکاری کنند. با توجه به پژوهش سیهومبینگ و راهاردجو^۷ (۲۰۱۴) بین ماهیت صنعت و گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. لذا می‌توان انتظار داشت که ماهیت صنعت تأثیر مثبتی بر گزارشگری مالی متقلبانه داشته باشد. از طرفی، روابط نمایندگی زمانی بوجود می‌آید که قراردادی شامل مالک و مدیریت برای انجام برخی خدمات از طرف مالک باشد (جنسن و مکلینگ^۸، ۱۹۷۶). وجود یک رابطه نمایندگی که بین مالک و نماینده از طریق یک قرارداد تأیید شده رخ می‌دهد، منجر به جدایی کارکردها، بین عملکرد مالکیت و عملکرد مدیریت می‌شود. این جداسازی عملکردها منجر به شکاف اطلاعاتی بین دو طرف می‌شود. بنابراین، برای انجام نظارت به گونه‌ای که همه خط‌مشی‌ها از منافع خود پیروی کنند، مالک با انتصاب سایر اشخاص خارج از شرکت (هیئت مدیره مستقل) که کمیته حسابرسی را تعیین می‌کنند، متحمل هزینه‌هایی به نام هزینه‌های نظارت می‌شود. برای انجام وظیفه نظارتی در مورد فرآیند گزارشگری مالی، مدیریت ریسک، انجام حسابرسی و اجرای حاکمیت شرکتی خوب لازم است (افندی^۹، ۲۰۱۸). وجود تسلط بر مدیریت شرکت توسط یک یا گروه کوچکی از سرپرستان، در صورتی که با پاداش کافی مطابقت نداشته باشد، می‌تواند باعث ناکارآمدی عملکرد نظارت و ایجاد فرصت‌هایی برای تقلب شود. علاوه بر این، نظارت غیر هدفمند انجام شده توسط هیئت مدیره مستقل نیز می‌تواند، ناشی از مداخلات انجام شده توسط شرکت‌های داخلی باشد (سیهومبینگ و راهاردجو، ۲۰۱۴). با توجه به نتایج پژوهش ایواندر

-
1. Jaya & Poerwono
 2. Sofa & Sholichah
 3. Rachman et al
 4. Skousen et al
 5. Summers & Sweeney
 6. Priantara
 7. Sihombing & Rahardjo
 8. Jensen & Meckling
 9. Efendi

و راتنانیگسی^۱ (۲۰۱۸)، تعداد اعضای مستقل هیئت مدیره بر صورت‌های مالی متقلبانه تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. لذا می‌توان انتظار داشت که اثربخشی نظارت بر گزارشگری مالی متقلبانه تأثیر مثبتی داشته باشد (راچمن و همکاران، ۲۰۲۳).

اثر بعد منطقی‌سازی بر گزارشگری متقلبانه

در نظریه پنتاگون بعد منطقی‌سازی از جمله عوامل موثر بر گزارشگری مالی متقلبانه است که شاخص تغییرات حسابرس را شامل می‌شود. تغییر حسابرس؛ تغییر در حسابداران عمومی است، که توسط شرکت انجام می‌شود (سیلویانا و ویندی^۲، ۲۰۲۱). در مفهوم تئوری نمایندگی، مالک با در نظر گرفتن منافع خود، اختیارات خود را در خصوص مدیریت شرکت به مدیر عامل تفویض می‌کند. این بر اساس قراردادی است که وظایف این دو را از هم جدا می‌کند. نتیجه قرارداد این است، که مدیریت اطلاعات دقیق مربوط به عملکرد شرکت را درک کرده و می‌داند. مدیریت عملکرد شرکت را به گونه‌ای حفظ خواهد کرد، که در چشم ذینفعان خوب به نظر برسد. به همین دلیل، مدیریت یک حسابرس را انتخاب می‌کند، که منافع آنها را دنبال کند. اگر حسابرس انتخاب شده مطابق با منافع مدیریت نباشد و اعتماد سرمایه‌گذاران را به خطر بیندازد، مدیریت تمایل به جایگزینی او خواهد داشت. یکی دیگر از احتمالات این گرایش این است، که مدیریت شرکت حسابرسانی را انتخاب کند، که بتوانند در جهت منافع هر یک از طرفین با یکدیگر همکاری کنند، تا در گزارش‌های مالی و نظرات حسابرسی دستکاری کنند. این با تئوری تقلب پنتاگون مطابقت دارد، که بیان می‌کند؛ تلاش‌های مکرری از سوی مدیریت برای ارزیابی یا توجیه رویه‌های حسابداری وجود دارد، که از نظر مادی غیرمنطقی هستند و منجر به ایجاد روابط پرتنش بین مدیریت و حسابرسان خارجی آن می‌شود. در نتیجه، احتمال تغییر در حسابرسان قدیمی به حسابرسان جدید وجود دارد. با توجه به پژوهش الفاح و همکاران^۳ (۲۰۱۷) مشخص گردید، که بین تغییر حسابرسان و گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. لذا این انتظار می‌رود که تغییر حسابرس تأثیر مثبتی بر گزارشگری مالی متقلبانه داشته باشد (راچمن و همکاران، ۲۰۲۳).

اثر بعد شایستگی بر گزارشگری متقلبانه

در نظریه پنتاگون بعد شایستگی از جمله عوامل موثر بر گزارشگری مالی متقلبانه است که شاخص تغییر مدیر عامل را شامل می‌شود. تغییر مدیران امری است؛ که به‌طور طبیعی در دنیای سازمان‌های تجاری اتفاق می‌افتد. این تغییر مدیران به دلایل مختلفی از ملاحظات برای بهبود عملکرد شرکت تا موضوعات مورد علاقه سیاسی رخ می‌دهد (ساپوترا^۴، ۲۰۱۶). تغییر مدیران می‌تواند؛ باعث تضاد منافع شود که می‌تواند، منجر به اقدامات دستکاری در گزارش‌های مالی شود. مدیری که می‌داند به زودی جایگزین خواهد شد، از زمان باقی مانده برای دستکاری گزارش‌های مالی برای دریافت پاداش‌های بیشتر استفاده می‌کند (هاندوکو و ناتاسیا^۵، ۲۰۱۹). اما، مدیر دارای شایستگی با عملکرد بالا و مقتدر، هوش بالا برای درک و استفاده از موقعیت‌ها، اعتماد به نفس، مهارت و تحمل بالا در برابر استرس مشخص می‌شود (هوارث، ۲۰۱۱). با توجه به پژوهش‌های الفاح و همکاران^۶ (۲۰۱۷) و سپتریانی و هاندایانی^۴ (۲۰۱۸)، مؤلفه شایستگی با تغییر مدیران مشخص می‌شود و تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه را نشان می‌دهد (عنایت و چپریری، ۲۰۲۴).

اثر بعد تکبر بر گزارشگری متقلبانه

در نظریه پنتاگون بعد تکبر از جمله عوامل موثر بر گزارشگری مالی متقلبانه است که شاخص دوگانگی وظیفه مدیر عامل را شامل می‌شود. دوگانگی وظیفه مدیر عامل موقعیتی است، که در آن یک مدیر عامل یا رئیس شرکت دارای

1. Evander & Ratnanigsih
2. Selviana & Weny
3. Ulfah et al
4. Saputra
5. Handoko & Natasya
6. Septriani & Handayani

موقعیت‌های متعددی در داخل و خارج از شرکت است. وجود یک ساختار سازمانی که امکان ظهور پست‌ها یا وظایف متعدد از سوی مدیرعامل را فراهم می‌کند، می‌تواند به ظهور غرور، نگرش برتری نسبت به حقوق خود و این احساس که کنترل‌های داخلی یا سیاست‌های شرکت در مورد خود اعمال نمی‌شود، اجازه دهد. مدیرعاملی که سمت‌های متعددی در داخل و خارج از شرکت دارد، از غرور خود استفاده می‌کند تا نشان دهد؛ که نفوذ زیادی در شرکت دارد و احزاب داخلی شرکت را تحت فشار قرار می‌دهد، تا همه تصمیمات او را تایید کنند. بنابراین، تأکید مدیر عامل یا رئیس بر این امر امکان ظهور تصمیمات شرکتی اقتدارگرایانه را فراهم می‌کند، از جمله تصمیماتی برای انجام کارهایی که در راستای منافع آنها، بدون توجه به عواقب این اقدامات بر شرکت است. این مطابق با نظریه نمایندگی است که توضیح می‌دهد که بر اساس، مفروضات ماهیت اساسی انسان، به طور کلی، منافع مربوطه آنها به حداکثر می‌رسد و باعث تضاد منافع بین مدیریت و مالکان می‌شود. این نوع گرایش از طریق پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳)، مؤلفه تکبر با دوگانگی وظیفه مدیر عامل مشخص می‌شود و تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه را نشان می‌دهد (یووانکا و سوگیارتی^۱، ۲۰۲۴).

پیشینه پژوهش

عنایت و چیری (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل تعیین کننده تقلب در صورت‌های مالی از دیدگاه نظریه پنج ضلعی تقلب برای ۱۶ صورت مالی از شرکت‌های دولتی فهرست شده در بورس اوراق بهادار اندونزی برای دوره پنج ساله (۲۰۱۸-۲۰۲۲) نشان دادند که پنج مؤلفه تئوری پنج ضلعی تقلب به طور کامل نشان‌دهنده صورت‌های مالی متقلبانه شرکت‌ها نیست. فقط اهداف مالی و دوگانگی مدیر عامل مقادیر معنی داری با رابطه منفی نشان می‌دهند.

ویجیانتی و همکاران^۲ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان نقش شخصیت ماکیاولیستی، شخصیت نوع دوست، دینداری، سیستم افشاگر و اندازه شرکت حسابداری در کاهش قصد تقلب، با استفاده از ۲۰۰ پرسشنامه و معادلات ساختاری از جامعه حسابداران در اندونزی به این نتایج دست یافتند، که عوامل شخصی در قالب ماکیاولیستی، نوع دوستی و دینداری بر کاهش قصد تقلب تأثیر مستقیم دارد. علاوه بر این، سیستم افشاگر و اندازه شرکت حسابداری توانستند اثربخشی کاهش تقلب را ارتقا دهند.

راجمن و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبانه در دیدگاه پنج ضلعی (پنتاگون) تقلب، با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه در شرکت‌های تاسیساتی، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی برای دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۹ انجام داده‌اند. نتایج پژوهش مشخص گردید که هدف مالی تأثیر مثبتی بر گزارشگری متقلبانه و ماهیت متغیر صنعت نیز بر گزارشگری متقلبانه منفی تأثیر می‌گذارد و سایر عوامل؛ فشار خارجی، اثربخشی نظارت، تغییر حسابرسان، تغییر مدیران و دوگانگی سمت مدیرعاملی بر گزارشگری متقلبانه تأثیر معناداری نداشته است.

نارسا و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان مثلث تقلب و مدیریت سود بر اساس مدل بنیش اصلاح شده از ۲۸۴ شرکت تولیدی فهرست شده در بورس اوراق بهادار اندونزی در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۹ با استفاده از مدل لجستیک انجام داده‌اند. نتایج پژوهش مشخص کرد که رشد دارایی، تغییر در مطالبات به فروش و تغییرات حسابرس رابطه منفی و نسبت بدهی رابطه مثبت با مدیریت سود دارند. علاوه بر این، بازده دارایی‌ها هیچ ارتباطی با مدیریت سود ندارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های دستکاری کننده تحت فشار بیشتری بر روی اهرم هستند و عضو هیئت مدیره مستقل کمتری دارند.

حسان و همکاران^۳ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان تأثیر عوامل مثلث تقلب بر مدیریت سود واقعی از ۵۵۷ شرکت سهامی عام مالزی در طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش مشخص نمود که بین عملکرد مالی اندازه گیری شده با بازده دارایی‌ها و مدیریت سود واقعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج همچنین نشان

1. Yovanka & Sugiarti

2. Wijayanti et al

3. Hasnan et al

می‌دهد که بین کیفیت حسابرسی اندازه‌گیری شده با اندازه مؤسسه حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

هاندویو و مادولیدی^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر حسابرسی داخلی و کنترل داخلی در پیشگیری از تقلب با استفاده از ۹۱ پرسشنامه و معادلات ساختاری از جامعه حسابداران در اندونزی به این نتایج دست یافتند، حسابرسی داخلی و کنترل داخلی بر پیشگیری از تقلب تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، میزان تأثیر حسابرسی داخلی و کنترل داخلی در کمک به پیشگیری از تقلب به میزان ۶۸/۸ درصد است.

احمدی و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان تکنیک‌های داده کاوی و پیش بینی تقلب صورت‌های مالی با استفاده از تکنیک‌های داده کاوی شبکه عصبی، درخت تصمیم، نزدیک‌ترین همسایگی و ماشین‌بردار پشتیبان در پیش‌بینی صورت‌های مالی متقلبانه و غیر متقلبانه در طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ به این نتیجه دست یافتند که، روش‌های داده کاوی در تمایز صورت‌های مالی متقلبانه از غیر متقلبانه موثر هستند. بدین ترتیب که روش شبکه عصبی ۶۹/۴ درصد، درخت تصمیم ۶۵/۴ درصد، نزدیکترین همسایگی ۶۴/۴ درصد و ماشین‌بردار پشتیبان ۷۸ درصد پیش‌بینی صحیح داشته‌اند. کولیوند و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان ارائه مدل توسعه‌یافته پیش‌بینی تقلب با تمرکز بر مؤلفه‌های کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های تولیدی، در ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ انجام داده‌اند. نتایج معرف آن بوده که دقت مدل اولیه بنیشت از مدل توسعه‌یافته بنیشت و مدل کردستانی و تاتلی بالاتر است. همچنین با اضافه نمودن متغیرهایی مانند؛ کیفیت حسابرسی، افشای گزارشگری مالی، مثلث تقلب و حسابرسی داخلی مؤثر، می‌توان به الگویی متناسب با محیط اقتصادی حاکم بر کشور دست یافت و دقت مدل بنیشت را در احتمال وقوع تقلب به میزان محسوسی بالاتر برد.

رجب دری (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان تدوین مدل شش ضلعی تقلب مالی با رویکرد اسلامی: بررسی اهمیت و تعامل اجزا با استفاده از روش دلفی و کسب نظر ۱۴ نفر از خبرگان این نتایج دست یافت که به ترتیب سازه‌های دین‌داری، توجیه، فرصت، فشار، استعداد فردی و راهبری شرکتی در کنترل تقلب‌های مالی دارای اهمیت است. در ادامه نیز با استفاده از فن دیمتال تعامل سازه‌های «شش ضلعی تقلب» مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این بخش نیز با کسب نظر ۱۰ خبره نیز نشان داد که مدل «شش ضلعی تقلب» یک «فرایند تعاملی است» یعنی اجزای آن بر روی یکدیگر تأثیر داشته و با هم تعامل دارند. سازه دین‌داری در مدل «شش ضلعی تقلب» نیز بیشترین تأثیرگذاری و تعامل را نسبت به سایر سازه‌ها دارد و سازه فرصت، دارای بیشترین تأثیرپذیری است.

فرضیه‌ها پژوهش

با توجه به توضیحات در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش در راستای تفسیر موضوع پژوهش فرضیه‌های زیر آزمون شده است؛

فرضیه اول: بعد فشار به صورت فشار خارجی و اهداف مالی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد.
فرضیه دوم: بعد فرصت به صورت ماهیت صنعت و اثر بخشی نظارت تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد.

فرضیه سوم: بعد منطقی‌سازی به صورت تغییر حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد.
فرضیه چهارم: بعد شایستگی به صورت تغییر مدیر عامل تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد.
فرضیه پنجم: بعد تکبر به صورت دوگانگی وظیفه مدیر عامل تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی، از نظر ماهیت و محتوا از نوع توصیفی همبستگی و با توجه به استفاده از مطالعات تاریخی، پس رویدادی است. همچنین این پژوهش از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیلی - علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزارهای ایویوز و اکسل استفاده شده و نیز داده‌های مورد نیاز از طریق وب سایت کدال گردآور شده است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۹۵ لغایت ۱۴۰۱ است. برای نمونه‌گیری از روش حذف سامانمند استفاده خواهد شد که شرایط آن به صورت زیر تعریف شده است:

- ۱- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
 - ۲- به منظور همگن بودن اطلاعات، شرکت‌ها از نوع بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری، بیمه و لیزینگ نباشند.
 - ۳- در دوره زمانی ۱۳۹۵ - ۱۴۰۱ پژوهش از بورس خارج نشده باشد.
 - ۴- در دوره زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - ۵- در دوره زمانی پژوهش بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.
 - ۶- اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
- با توجه به محدودیت‌های اعمال شده، در مجموع تعداد ۱۵۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

متغیرهای و مدل پژوهش

متغیر وابسته

گزارشگری مالی متقالبانه (Fraudulent Financial Reporting)؛ در این پژوهش برای محاسبه گزارشگری مالی متقالبانه به پیروی از پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از مدل بنیش^۱ (۱۹۹۹) با استفاده از شاخص M-Score به شرح رابطه زیر محاسبه می‌شود. در مدل بنیش هر چقدر مقدار به دست آمده از رابطه زیر بالاتر باشد، احتمال تقلب نیز بیشتر است. بر اساس مدل تبیین شده در صورتی که امتیاز مدل ام اسکور بیشتر از ۲/۲۲ باشد، بیانگر نشانه‌هایی از احتمال تقلب در شرکت است.

$$M\text{-Score} = -6.065 + 0.823 DSRI + 0.906 GMI + 0.593 AQI + 0.717 SGI + 0.107 DEP$$

که در آن؛ شاخص تقلب بنیش (M-Score) است. شاخص حسابهای دریافتی به فروش (DSRI)؛ برابر است با نسبت حسابهای دریافتی به فروش سال جاری تقسیم بر نسبت حسابهای دریافتی به فروش سال گذشته است. شاخص حاشیه فروش (GMI)؛ برابر است با نسبت بهای تمام شده کالای فروش رفته به فروش سال جاری تقسیم بر نسبت بهای تمام شده کالای فروش رفته به فروش سال گذشته است. شاخص کیفیت دارایی (AQI)؛ برابر است با یک منهای نسبت دارایی‌های جاری و دارایی‌های ثابت مشهود به کل دارایی‌های سال جاری تقسیم بر یک منهای نسبت دارایی‌های جاری و دارایی‌های ثابت مشهود به کل دارایی‌های سال گذشته است. شاخص رشد فروش (SGI)؛ برابر است با نسبت فروش سال جاری به فروش سال گذشته است. شاخص هزینه استهلاک (DEPI)؛ برابر است با نسبت هزینه استهلاک به مجموع هزینه استهلاک و دارایی‌های ثابت سال جاری تقسیم بر نسبت هزینه استهلاک به مجموع هزینه استهلاک و دارایی‌های ثابت سال گذشته است.

متغیرهای مستقل

این پژوهش شامل متغیر مستقل پنتاگون (پنج ضلعی) تقلب می باشد که شامل پنج بعد فشار (فشار خارجی و اهداف مالی) و فرصت (ماهیت صنعت، اثربخشی نظارت)، منطقی‌سازی (تغییرات حسابرسی)، شایستگی (تغییر مدیرعامل) و تکبر (دوگانگی وظیفه مدیر عامل) به شرح زیر است:

فشار خارجی (External Pressure): در این پژوهش برای محاسبه فشار خارجی مطابق با پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از متغیر اهرم مالی که از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها است، استفاده می‌شود.

اهداف مالی (Financial Target): در این پژوهش برای محاسبه اهداف مالی مطابق با پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از نسبت سود پس از کسر مالیات به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

ماهیت صنعت (Nature of Industry): در این پژوهش برای محاسبه ماهیت صنعت مطابق با پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از نسبت حسابهای دریافتی به فروش سال جاری منهای نسبت حسابهای دریافتی به فروش سال گذشته استفاده می‌شود.

اثربخشی نظارت (Effectiveness Monitoring): در این پژوهش برای محاسبه اثربخشی نظارت مطابق با پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از متغیر نسبت استقلال اعضاء هیئت مدیره که از نسبت مدیران مستقل به کل اعضای هیئت مدیره استفاده می‌شود.

تغییر حسابرس (Change in Auditor): در این پژوهش برای محاسبه تغییر حسابرس مطابق با پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از یک متغیر ساختگی استفاده می‌شود. در صورتیکه حسابرس شرکت تغییر کرده باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر می‌گیرد.

تغییر مدیرعامل (Change In Director): در این پژوهش برای محاسبه تغییر مدیرعامل مطابق با پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از یک متغیر ساختگی استفاده می‌شود. در صورتیکه مدیرعامل شرکت تغییر کرده باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر می‌گیرد.

دوگانگی وظیفه مدیر عامل (Dualism Position of CEO): در این پژوهش برای محاسبه دوگانگی وظیفه مدیر عامل مطابق با پژوهش راجمن و همکاران (۲۰۲۳) از یک متغیر ساختگی استفاده می‌شود. در صورتیکه مدیرعامل دارای دوگانگی وظیفه باشد (مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد) عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر می‌گیرد.

مدل آماری فرضیه‌های پژوهش

$$Fraudulent\ Financial\ Reporting_{it}$$

$$= \beta_0 + \beta_1 External\ Pressure_{i,t} + \beta_2 Financial\ Target_{i,t} \\ + \beta_3 Nature\ of\ Industry_{i,t} + \beta_4 Effectiveness\ Monitoring_{i,t} \\ + \beta_5 Change\ in\ Auditor_{i,t} + \beta_6 Change\ In\ Director_{i,t} \\ + \beta_7 Dualism\ Position\ of\ CEO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

یافته‌ها پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی تنظیم و طبقه‌بندی داده‌ها، نمایش ترسیمی، و محاسبه مقادیری از قبیل نما، میانگین، میانه و... می‌باشد که حاکی از مشخصات اعضای جامعه مورد بحث است. نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مدل را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، میانه، بیشینه و کمینه، چولگی و کشیدگی و... است.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل

| نام متغیر | میانگین | بیشینه | کمینه | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
|------------------------|---------|--------|--------|--------------|--------|--------|
| تغییر حسابرس | ۰/۳۴۵ | ۱/۰۰۰ | -۰/۰۰۰ | ۰/۴۰۶ | ۱/۴۳۸ | ۳/۰۶۷ |
| تغییر مدیرعامل | ۰/۳۳۱ | ۱/۰۰۰ | -۰/۰۰۰ | ۰/۴۷۱ | ۰/۷۳۱ | ۱/۵۱۹ |
| دوگانگی وظیفه مدیر | ۰/۳۴۶ | ۱/۰۰۰ | -۰/۰۰۰ | ۰/۴۷۶ | ۰/۶۴۹ | ۱/۴۲۲ |
| اثربخشی نظارت | ۰/۵۰۷ | ۱/۰۰۰ | -۰/۱۶۷ | ۰/۲۲۳ | -۰/۰۵۴ | ۲/۰۹۹ |
| فشار خارجی | ۰/۷۱۸ | ۴/۳۴۶ | -۰/۰۳۳ | ۰/۶۱۲ | ۳/۳۷۴ | ۱۶/۴۵۳ |
| اهداف مالی | -۰/۱۱۳ | ۰/۸۳۸ | -۰/۶۶۱ | -۰/۲۰۱ | -۰/۱۹۴ | ۴/۹۹۸ |
| گزارشگری مالی متقلبانه | -۱/۹۳۷ | ۱۳/۳۰۷ | -۳/۸۹۶ | ۲/۱۹۴ | ۳/۷۳۹ | ۱۹/۲۴۵ |
| ماهیت صنعت | ۰/۰۴۲ | ۱۰/۶۴۷ | -۴/۴۴۵ | ۰/۸۳۱ | ۵/۶۵۲ | ۶۵/۸۸۹ |

آزمون فرضیه‌های پژوهش

قبل از تخمین لازم است، آزمون‌های تشخیصی انجام شود. لذا، آزمون‌های اف-لیمر، هاسمن ولدویچ، عامل تورم واریانس انجام شده که در نگاره (۲)، بیان شده است. لذا، با توجه به نتایج آزمون‌های اف لیمر و هاسمن که کمتر از ۰/۰۵ شده، مدل پژوهش از روش اثرات ثابت تابلویی برآورد شده و نیز بر اساس، نتایج آزمون ولدریچ، مشخص شد که مدل دارای همبستگی نیست. مطابق نتایج معیار عامل تورم واریانس متغیرهای پژوهش مشکل همخطی ندارد. در نهایت، با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره اف که معنی داری کل مدل را نشان می‌دهد کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر رد شده و مشخص می‌شود که مدل پژوهش معنادار است.

نگاره ۲. نتایج تخمین آزمون‌های تشخیصی و تخمین مدل پژوهش در جهت آزمون فرضیه‌ها

| متغیر | ضریب | انحراف استاندارد | آماره تی | احتمال | VIF |
|------------------------|---------------|------------------|-----------------------------|---------------|------|
| فشار خارجی | ۰/۳۸۹ | ۰/۰۵۹ | ۶/۵۸۷ | ۰/۰۰۰ | ۱/۵۷ |
| اهداف مالی | ۱/۴۰۸ | ۰/۲۶۹ | ۵/۲۳۴ | ۰/۰۰۰ | ۱/۷۸ |
| ماهیت صنعت | ۰/۳۸۲ | ۰/۱۷۴ | ۲/۱۹۵ | ۰/۰۱۲۳ | ۱/۶۴ |
| اثربخشی نظارت | ۰/۴۶۸ | ۰/۰۹۸ | ۴/۷۷۶ | ۰/۰۰۰ | ۱/۲۳ |
| تغییر حسابرس | ۰/۰۶۲ | ۰/۰۲۷ | ۲/۲۹۶ | ۰/۰۱۱۵ | ۱/۵۶ |
| تغییر مدیرعامل | ۰/۲۳۲ | ۰/۰۳۳ | ۷/۰۳۰ | ۰/۰۰۰ | ۱/۸۹ |
| دوگانگی وظیفه مدیر | ۰/۰۵۵ | ۰/۰۲۶ | ۲/۱۱۵ | ۰/۰۱۳۴ | ۱/۹۳ |
| C | -۲/۲۱۷ | ۰/۱۴۵ | -۱۵/۲۸۹ | ۰/۰۰۰ | --- |
| ضریب تعیین | ۰/۶۲۸۶ | | آماره اف (احتمال) | ۱۰/۴۹ (۰/۰۰۰) | |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۶۱۶۱ | | آماره آزمون ولدریچ (احتمال) | ۰/۰۰۷ (۰/۹۶۲) | |
| آماره اف-لیمر (احتمال) | ۷۹/۶۹ (۰/۰۰۰) | | آماره هاسمن (احتمال) | ۲۱/۵۷ (۰/۰۰۰) | |

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیرهای فشار خارجی و اهداف مالی مبین شاخصی برای ارزیابی بعد فشار است. مقدار ضریب این متغیر مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه اول است، در صورتی که ضرایب مذکور معنادار باشد نشان‌دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر به ترتیب برابر ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اول پژوهش مبنی بر بعد فشار به صورت فشار خارجی و اهداف مالی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد، در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

متغیرهای ماهیت صنعت و اثربخشی نظارت مبین شاخصی برای ارزیابی بعد فرصت است. مقدار ضریب این متغیرها مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه دوم است، در صورتی که ضرایب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر به ترتیب برابر $0/0123$ و $0/000$ می‌باشد و کمتر از سطح خطای $0/05$ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه دوم پژوهش مبنی بر بعد فرصت به صورت ماهیت صنعت و اثر بخشی نظارت تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارند، رد نمی‌شود.

متغیر تغییر حسابرس مبین شاخصی برای ارزیابی بعد منطقی‌سازی است. مقدار ضریب این متغیر مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه سوم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر $0/0115$ می‌باشد و کمتر از سطح خطای $0/05$ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه سوم؛ بعد منطقی‌سازی به صورت تغییر حسابرس تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد، رد نمی‌شود.

متغیر تغییر مدیرعامل، مبین شاخصی برای ارزیابی بعد شایستگی است. مقدار ضریب این متغیر مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه چهارم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر $0/0000$ می‌باشد و کمتر از سطح خطای $0/05$ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه چهارم؛ بعد شایستگی به صورت تغییر مدیر عامل تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد، رد نمی‌شود.

متغیر دوگانگی وظیفه مدیر عامل، مبین شاخصی برای ارزیابی بعد تکبر است. مقدار ضریب این متغیر مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه پنجم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر $0/0134$ می‌باشد و کمتر از سطح خطای $0/05$ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه پنجم؛ بعد تکبر به صورت دوگانگی وظیفه مدیر عامل تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد، رد نمی‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

گزارشگری مالی نقش مهمی در تخصیص سرمایه ایفا می‌کند و به سرمایه‌گذاران و ذینفعان مختلف بینش دقیق و قابل اعتمادی در مورد عملکرد و وضعیت مالی یک شرکت خاص ارائه می‌دهد. از طرفی، گزارشگری مالی متقلبانه می‌تواند، به شکل سوء استفاده، دستکاری، یا اصلاح شواهد پشتیبان، یا سوابق حسابداری که عمداً تهیه شده است، یا به شکل گزارش‌های مالی که حقایق را ارائه نمی‌دهد، یا عمداً یک رویداد، معامله یا اطلاعات مالی را حذف می‌کند و ماهیت مهمی دارد که همراه با بکارگیری یک اصل حسابداری است که قابل توجیه نیست. بنابراین؛ هدف اصلی پژوهش مزبور بررسی عوامل تعیین‌کننده تقلب در صورت‌های مالی بر اساس نظریه پنتاگون با استفاده از روش تابلویی با اثرات ثابت در طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ بوده و داده‌های پژوهش از ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که پس از اعمال محدودیت‌های مورد نظر انتخاب شده و جمع‌آوری شده است.

فرضیه اول، مشخص نمود که اثرات بعد فشار به صورت فشار خارجی و اهداف مالی بر گزارشگری مالی متقلبانه تأثیر مثبت و معناداری را داشته است. بر این اساس، فشار خارجی و اهداف مالی شرایطی را ایجاد می‌کند که مدیریت در پی اهدافی همانند؛ ثبات مالی و توانایی شرکت برای کسب سود، فشار بر مدیریت برای انطباق با الزامات و انتظارات تحلیلگران خارجی، سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان و سایر اشخاص ثالث، وضعیت مالی پرسنل مدیریتی شرکت که توسط عملکرد مالی شرکت تهدید می‌شوند و فشار بیش از حد بر مدیریت یا کارکنان عملیاتی برای دستیابی به اهداف مالی تعیین شده توسط هیئت مدیره، به ارتکاب و پنهان کردن تقلب هدایت شوند. نتیجه به دست آمده در این بخش با مطالعات؛ (عنایت و چربری، ۲۰۲۴)، (راچمن و همکاران، ۲۰۲۳)، (نارسا و همکاران، ۲۰۲۳)، (فیتیری و همکاران، ۲۰۱۹) و (فلاح حمیدی و همکاران، ۱۴۰۰) هم‌سو می‌باشد.

فرضیه دوم، نشان داد که اثرات بعد فرصت به صورت ماهیت صنعت و اثر بخشی نظارت تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه داشته است. بر این اساس، ماهیت صنعت وضعیت ایده آل یک شرکت در فعالیت‌های صنعتی

مشخص می‌کند و یکی از شاخص‌های یک شرکت ایده آل، توانایی شرکت در سرکوب و کاهش تعداد مطالبات شرکت و افزایش دریافت‌های جریان نقدی است. وضعیت ایده آل شرکت را می‌توان از طریق مانده حساب‌های خاصی که بر اساس قضاوت‌ها و برآوردهای ذهنی تعیین می‌شوند، اندازه‌گیری کرد. از طرفی، نظارت بر ارزیابی حساب‌های غیرقابل وصول و موجودی منسوخ شده، می‌تواند فرصت‌هایی را برای مدیران فراهم کند، تا گزارشگری مالی متقلبانه انجام دهند و با توجه به تئوری نمایندگی؛ وجود اطلاعات نامتقارن بین مالکان و مدیریت شرکت فرصت‌هایی را برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند که، تا صورت‌های مالی خود را دستکاری کنند. نتیجه به دست آمده در فرضیه دوم، با مطالعات؛ (ویجیانتی و همکاران، ۲۰۲۴)، (راچمن و همکاران، ۲۰۲۳)، (تاناکوتا، ۲۰۱۶)، (ساری و همکاران، ۲۰۲۰) و (رجب دری، ۱۴۰۱) هم‌سو می‌باشد.

فرضیه سوم مشخص نمود که بعد منطقی‌سازی به صورت تغییر حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد. این مبین آن است که، در مفهوم تئوری نمایندگی، مالک با در نظر گرفتن منافع خود، اختیارات خود را در خصوص مدیریت شرکت به مدیر عامل تفویض می‌کند. این بر اساس قراردادی است که وظایف این دو را از هم جدا می‌کند. نتیجه قرارداد این است که مدیریت اطلاعات دقیق مربوط به عملکرد شرکت را درک کرده و می‌داند. مدیریت عملکرد شرکت را به گونه‌ای حفظ خواهد کرد که در چشم ذینفعان خوب به نظر برسد. به همین دلیل، مدیریت یک حسابرسان انتخاب می‌کند که منافع آنها را دنبال کند. اگر حسابرسان انتخاب شده مطابق با منافع مدیریت نباشد و اعتماد سرمایه گذاران را به خطر بیندازد و یا اگر احتمال آن برود که مدیریت شرکت حسابرسانی را انتخاب کند، که بتوانند در جهت منافع هر یک از طرفین با یکدیگر همکاری کنند تا در گزارش‌های مالی و نظرات حسابرسانی دستکاری کنند، مدیریت تمایل به جایگزینی حسابرسان پیدا خواهد کرد، که این امر با تئوری تقلب پنتاگون مطابقت دارد. نتیجه به دست آمده در فرضیه سوم، با مطالعات؛ (عنایت و چیری، ۲۰۲۴)، (راچمن و همکاران، ۲۰۲۳)، (سیلویانا و ویندی، ۲۰۲۱)، (الفاح و همکاران، ۲۰۱۷) و (کولیونندو همکاران، ۱۴۰۲) هم‌سو می‌باشد.

اما، در فرضیه چهارم، مشخص گردید که بعد شایستگی به صورت تغییر مدیر عامل تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد. بر این اساس، تغییر مدیران امری است که به طور طبیعی در دنیای سازمان‌های تجاری اتفاق می‌افتد. این تغییر مدیران به دلایل مختلفی از ملاحظات برای بهبود عملکرد شرکت تا موضوعات مورد علاقه سیاسی رخ می‌دهد. تغییر مدیران می‌تواند؛ باعث تضاد منافع شود که می‌تواند منجر به اقدامات دستکاری در گزارش‌های مالی شود. مدیری که می‌داند به زودی جایگزین خواهد شد، از زمان باقی مانده برای دستکاری گزارش‌های مالی برای دریافت پاداش‌های بیشتر استفاده می‌کند. لذا، تغییر مدیر تأثیر مثبتی بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد. نتیجه به دست آمده در فرضیه چهارم، با مطالعات؛ (عنایت و چیری، ۲۰۲۴)، (راچمن و همکاران، ۲۰۲۳)، (هاندویو و مادولیدی، ۲۰۲۱)، (هاندوکو و ناتاسیا، ۲۰۱۹) و (احمدی و همکاران، ۱۴۰۳) هم‌سو می‌باشد.

نهایتاً، در فرضیه پنجم، مشخص گردید؛ که بعد تکبر به صورت دوگانگی وظیفه مدیر عامل تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد. چراکه، دوگانگی وظیفه مدیر عامل موقعیتی است، که در آن یک مدیر عامل یا رئیس شرکت دارای موقعیت‌های متعددی در پست‌ها داخلی و خارجی با وظایف متعدد شده و با احساس نگرش برتری نسبت به دیگران، تکبر را تجربه نماید. ظهور غرور و تکبر در مدیریت سبب رشد نفوذ در شرکت شده و ارکان داخلی شرکت را در جهت منافع خود تحت فشار می‌گذارد. البته، این عامل در چارچوب نظریه نمایندگی سبب تضاد منافع بین مدیریت و مالکان شده و گزارشگری مالی متقلبانه را افزایش می‌دهد. نتیجه به دست آمده در فرضیه پنجم، با مطالعات؛ (یووانکا و سوگیارتی، ۲۰۲۴)، (راچمن و همکاران، ۲۰۲۳)، (هوراث، ۲۰۱۱) و (احمدی و همکاران، ۱۴۰۳) هم‌سو می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

- از نظر عملی، نتایج این پژوهش می‌تواند مرجعی برای شرکت‌ها برای اجرای آزمون‌های شخصی برای کارکنان آینده باشد، تا بتوانند سیستم کنترل داخلی را متناسب با ویژگی‌های کارکنان خود تعیین کنند. همچنین این پژوهش فقط به حرفه حسابداری محدود نمی‌شود و انتظار می‌رود مطالعات بیشتر حجم نمونه را به حرفه‌های

- مختلف با پتانسیل ارتکاب تقلب گسترش دهند. لذا می‌توان به شرکت‌ها و موسسات حسابرسی نیز پیشنهاد کرد؛ که نقش پنج ضلعی تقلب را در گزارشگری مالی متقلبانه در نظر بگیرند.
- نتایج این پژوهش می‌تواند، به کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی کمک نماید، که عوامل خطر مبتنی بر مدل پنج ضلعی تقلب در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران توسعه یابد.
 - با توجه به نتایج پژوهش و تاثیر پنج ضلعی تقلب بر گزارشگری مالی متقلبانه به سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان پیشنهاد می‌شود؛ در ارزیابی شرکت‌ها و اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری به ابعاد پنج ضلعی تقلب توجه نمایند.
 - همچنین پیشنهاد می‌شود؛ سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی، مقررات و استانداردهایی برای کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌ها در انتخاب روش‌های متعدد حسابداری و مقررات دولتی، که می‌تواند منجر به تقلب شود، تدوین نمایند.
- درنهایت؛ خاطرنشان می‌گردد که باتوجه‌به محدود بودن دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است، تسری نتایج به سایر دوره‌های زمانی بایستی با احتیاط انجام گیرد.

منابع

- احمدی، سید جلال. فغانی ماکرانی، خسرو. فاضلی، نقی. (۱۴۰۳). تکنیک‌های داده کاوی و پیش بینی تقلب صورت‌های مالی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*. ۱۱۳(۵۲): ۱۵-۲۸.
- رجب دری، حسین. (۱۴۰۱). تدوین مدل شش ضلعی تقلب مالی با رویکرد اسلامی: بررسی اهمیت و تعامل اجزا. *مطالعات دین، معنویت و مدیریت*. ۹(۱۷): ۵-۳۱.
- عظیمی، احمد. قلیزاده، مرضیه. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر سازوکارهای نظارت بیرونی بر ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و بیش سرمایه‌گذاری (مطالعه موردی در صنعت دارو). *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*. ۲(۱۲): ۱۱۹-۱۳۰.
- فلاح حمیدی، حامی، فغانی ماکرانی، خسرو و ذبیحی، علی. (۱۴۰۰). قدرت و بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه. *اقتصاد مالی*. ۱۵(۵۴): ۳۷۹-۴۰۰.
- کولیوند، عباس. حسنی، محمد. متین فرد، مهران. (۱۴۰۲). ارائه مدل توسعه‌یافته پیش‌بینی تقلب با تمرکز بر مؤلفه‌های کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های تولیدی. *پیشرفت‌های حسابداری*. ۱۵(۱): ۱-۲۹.
- Achmad, T., Ghozali, I., Helmina, M. R. A., Hapsari, D. I., & Pamungkas, I. D. (2023). Detecting Fraudulent Financial Reporting Using the Fraud Hexagon Model: Evidence from the Banking Sector in Indonesia. *Economies*, 11(1), 1-17.
- Akinbowale, O. E., Klingelhöfer, H. E., & Zerihun, M. F. (2023). Application of Forensic Accounting Techniques in the South African Banking Industry for the Purpose of Fraud Risk Mitigation. *Cogent Economics and Finance*, 11(1), 1-21.
- Alhadab, M., Abdullatif, M., & Mansour, I. (2020). Related Party Transactions and Earnings Management in Jordan: The Role of Ownership Structure. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 18(3), 505-531.
- Almaqtari, Faozi A., Abdulwahid Abdullah Hashed, Mohd Shamim, & Waleed M. Al-Ahdal. (2021). Impact of corporate governance mechanisms on financial reporting quality: A study of Indian GAAP and Indian Accounting Standards. *Problems and Perspectives in Management*. 18(1). 37-54.
- Aprian, F. H., Fauzi, A., & Mardi. (2023). The Effect of Financial Stability, Nature of Industry and Total Accrual on Fraudulent Financial Statements. 2(2), 436-449.

- Association of Certified Fraud Examiners Indonesia. (2019). *Survei Fraud Indonesia 2019*.
- Beneish, M.D. (1999). The Detection of Earnings Manipulation. *Financial Analyst Journal*, 24-26.
- Biduri, S. and Tjahjadi, B. (2024), "Determinants of financial statement fraud: the perspective of pentagon fraud theory (evidence on Islamic banking companies in Indonesia)", *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- Cabello, A., Moncarz, E., Moncarz, R., & Moncarz, B. (2009). The Rise and Collapse of Enron: Financial Innovation, Errors and Lessons. *Contaduría y Administración*, 218, 17-37.
- Cressey, D. R. (1953). *Other People's Money: a Study in the Social Psychology of Embezzlement* (F. Press (ed.)).
- Efendi, M. A. (2018). *The Power of Good Corporate Governance Teori dan Implementasi* (edisi 2). Salemba Empat.
- Evander, E., & Ratnaningsih, E. (2018). Pengaruh Good Corporate Governance terhadap Manajemen Laba Melalui Aktivitas Riil. *Equilibrium Jurnal Bisnis & Akuntansi*, XII(1), 17–32.
- Firnanti, F., Pirzada, K., & Budiman, B. (2019). Company Characteristics, Corporate Governance, Audit Quality Impact on Earnings Management. *Accounting and Finance Review*, 4(2), 43–49
- Fitri, F. A., Syukur, M., & Justisa, G. (2019). Do The Fraud Triangle Components Motivate Fraud In Indonesia? *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 13(4), 63–72.
- Handoko, B. L., & Natasya. (2019). Fraud Diamond Model for Fraudulent Financial Statement Detection. *International Journal of Recent Technology and Engineering*, 8(3), 6865–6872.
- Handoyo, B. R., & Madolidi. B. B. I. (2021). The influence of internal audit and internal control toward fraud prevention, *International Journal of Financial, Accounting, and Management* 3(1), 45-64.
- Hasnan, S., Othman, N., Mohamed Hussain, A. R., & Ali, M. M. (2022). The influence of fraud triangle factors on real earnings management. *Journal of Governance & Regulation*, 11(2), 94–106.
- Hartanto, R., Lasmanah, L., Mustafa, M., & Purnamasari, P. (2019). Analysis of Factors That Influence Financial Statement Fraud In The Perspective Fraud Triangle: Empirical Study on Banking Companies In Indonesia.
- Howarth, C. (2011). Putting the Freud in Fraud: Why the Fraud Triangle Is No Longer Enough.
- Imen, F. & Anis, J. (2021). The Moderating Role of Audit Quality on the Relationship between Auditor Reporting and Earnings Management: Empirical Evidence from Tunisia. *EuroMed Journal of Business*, 16(4), 416–430.
- Inayah, J. Z. & Chariri, A. (2024). The Determinants of Financial Statement Fraud: Fraud Pentagon Perspective. *Jurnal Akuntansi Aktual*, 11(1), 19-34.
- Ismael, H. R. & Kamel, H. (2020). Internal Audit Quality and Earnings Management: Evidence from the UK. *Managerial Auditing Journal*, 36(7), 951–978
- Jaya, I. M. L. M., & Poerwono, A. A. A. (2019). Pengujian Teori Fraud Pentagon Terhadap Kecurangan Laporan Keuangan pada Perusahaan Pertambangan di Indonesia. *Jurnal Ilmu Akuntansi*, 12(2), 158–167.

- Jensen, M. C., & Meckling, Wi. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Cost and Ownership Structure. *Journal of Financial Economic* 3, 3, 305–360.
- Maniatis, A. (2022). Detecting the Probability of Financial Fraud Due to Earnings Manipulation in Companies Listed in Athens Stock Exchange Market. *Journal of Financial Crime*, 29(2), 603–619.
- Muchran, M., Eka, S N., & Hasan, A. (2023) Analisis Fraud Diamond Dalam Mendeteksi Financial Statement Fraud Pada Perusahaan Manufaktur Di Bei Tahun 2018-2020. *Al-Buhuts*, 19, 524-531.
- Narsa, N., Afifa, L., & Wardhaningrum, O.(2023). Fraud triangle and earnings management based on the modified M-score: A study on manufacturing company in Indonesia. *Heliyon* 9 (2023) e13649.
- Nurjanna, N., Muchran, M., & Sulisyanti, R. (2024). Financial Statement Fraud Analysis through Hexagon Fraud Theory Approach. *Contemporary Journal on Business and Accounting*, 4(1), 29-38. <https://doi.org/10.58792/cjba.v4i1.48>.
- Priantara, D. (2013). *Fraud Auditing & Investigation*. Mitra Wacana Media.
- Pushparaj, P., & Kushwaha, B. P. (2023). Communicate your audience through Virtual Influencer: A Systematic Literature Review. *Journal of Content, Community and Communication* 17: 31–45.
- Rachman, Muhammad Nurielhuda. Suhendro, Saring. Azhar, Rialdi. (2023). Analysis of factors affecting fraudulent financial reporting in fraud pentagon perspective, *ASIAN JOURNAL OF ECONOMICS AND BUSINESS MANAGEMENT*, 2(1): 342 – 352.
- Rusmana, O., & Tanjung, H. (2019). Identifikasi Kecurangan Laporan Keuangan dengan Fraud Pentagon Studi Empiris BUMN Terdaftar di Bursa Efek Indonesia. *Jurnal Ekonomi, Bisnis Dan Akuntansi*, 21(4).
- Saputra, R. A. (2016). Pengaruh Fraud Indicators Terhadap Fraudulent Financial Statement (Studi Empiris pada Perusahaan yang Listed di BEI Tahun 2013-2015).
- Sari, M. P., Pramasheilla, N., Fachrurrozie, Suryani, T., & Pamungkas, I. D. (2020). Analysis of Fraudulent Financial Reporting with KAP Big Four as a Moderation Variabel: Crowe’s Fraud’s Pentagon. *International Journal of Financial Research*, 11(5), 180–190.
- Sari, M. P., Mahardika, E., Suryandari, D., & Raharja, S. (2022). The Audit Committee as Moderating the Effect of Hexagon’s Fraud on Fraudulent Financial Statements in Mining Companies Listed on the Indonesia Stock Exchange. *Cogent Business and Management*, 9(1), 1–24
- Selviana, S., & Weny, C. D. (2021). Pengaruh Audit Tenure, Ukuran KAP, dan Pergantian Auditor Terhadap Integritas Laporan Keuangan (Studi Empiris pada Perusahaan Sektor Transportasi yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia Tahun 2017-2019). *Publikasi Riset Mahasiswa Akuntansi (PRIMA)*, 2(2), 169–183.
- Septriani, Y., & Handayani, D. (2018). Mendeteksi Kecurangan Laporan Keuangan dengan Analisis Fraud Pentagon. *Jurnal Akuntansi Dan Bisnis Politeknik Caltex Riau*, 11.
- Shonhadji, N. & Irwandi, S. A. (2023). Fraud Prevention in the Indonesian Banking Sector Using Anti-Fraud Strategy. *Banks and Bank Systems*, 19(1), 12–23.
- Sihombing, K. S., & Rahardjo, S. N. (2014). Pengaruh Fraud Diamond dalam Mendeteksi Financial Statement Fraud (Studi Empiris pada Perusahaan Ritel yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia Tahun 2014 – 2016). *Diponegoro Journal of Accounting*, 3(2), 1–12.

- Singleton, T. W. & Singleton, A. J. (2010). *Fraud Auditing and Forensic Accounting* (4th Edition). New Jersey: John Wiley & Sons.
- Sitanggang, R. P., Karbhari, Y., Matemilola, B. T., & Ariff, M. (2020). Audit Quality and Real Earnings Management: Evidence from the UK Manufacturing Sector. *International Journal of Managerial Finance*, 16(2), 165–181.
- Skousen, C. J., Smith, K. R., & Wright, C. J. (2009). Detecting and Predicting Financial Statement Fraud: The Effectiveness of the Fraud Triangle and SAS No. 99. *SSRN Electronic Journal*, 99.
- Sofa, M., & Sholichah, M. (2019). Pengaruh Fraud Risk Factor Menurut Fraud Pentagon terhadap Kecurangan Laporan Keuangan. *Journal of Islamic Accounting and Tax*, 2(2), 127–139.
- Summers, S. L., & Sweeney, J. T. (1998). Fraudulently misstated financial statements and insider trading: An empirical analysis. *The Accounting Review*, 73(1), 131–146.
- Tesa, C., & Harto, P. (2016). Fraudulent Financial Reporting: Pengujian Teori Fraud Pentagon pada Sektor Keuangan dan Perbankan di Indonesia. *Simposium Nasional Akuntansi XIX*, Lampung.
- Tiffani, L. & Marfuah. (2015). Deteksi Financial Statement Fraud dengan Analisis Fraud Triangel pada Perusahaan Manufaktur yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia. *Jurnal Akuntansi dan Auditing Indonesia*, 19(2), 112–125.
- Troy, S. (2023). *Enron Scandal: The Fall of a Wall Street Darling*. Investopedia.
- Ulfah, M., Nuraina, E., & Wijaya, A. L. (2017). Pengaruh Fraud Pentagon dalam Mendeteksi Fraudulent Financial Reporting (Studi Empiris pada Perbankan di Indonesia yang Terdaftar di BEI). Paper Dipresentasikan Di Forum Ilmiah Pendidikan Akuntansi, 5(1), 399–417.
- Widyasari, P. A., Harindahyani, S., & Rudiawarni, F. A. (2017). Strategi Bisnis dalam Praktik Manajemen Laba pada Perusahaan Manufaktur di Indonesia. *Jurnal Keuangan dan Perbankan*, 21(3), 397–411.
- Wijayanti, D.M., Senjani, Y.P. and Farah, W. (2024), "The role of Machiavellian personality, altruistic personality, religiosity, whistleblowing system, and accounting firm size in mitigating fraud intention", *Journal of Financial Crime*, Vol. 31 No. 1, pp. 119-134.
- Wolfe, D. T., & Hermanson, D. R. (2004). The Fraud Diamond : Considering the Four Elements of Fraud: Certified Public Accountant. *The CPA Journal*, 74(12), 38–42.
- Wu, H., Chang, Y., Li, J., & Zhu, X. (2021). Financial Fraud Risk Analysis Based on Audit Information Knowledge Graph. *Procedia Computer Science*, 199, 780–787.
- Yovanka, S., & Sugiarti, Y. (2024). Fraud Pentagon Analysis in Preventing Academic Fraud during Online Learning in the COVID-19 Period. *Perspektif Akuntansi*, 7(1), 58–78. <https://doi.org/10.24246/persi.v7i1.p58-78>.



Paper type: Research Article

The Impact of Innovation on Environmental, Social and Governance Performance

Samaneh Karimi¹, Mojgan Safa^{2*}, Reza Gholami Jamkarani³

Received: 2024/10/27

Accepted: 2025/01/18

Abstract

The focus of companies on sustainability issues has increased significantly in recent years as a result of the prevalence of environmental pollution and the climate change crisis. and companies' interest in sustainability issues has increased significantly (in accordance with institutional theory), which is a result of social pressures to do so. Innovation is associated with environmental innovations or environmental design, and these are among the tools that promote the development of a sustainable corporate culture. The aim of this study is to examine the relationship between innovative investment and the company's environmental, social and governance performance. The statistical sample consists of 85 companies on the Tehran Stock Exchange from 2017 to 2022. This research is quantitative, descriptive, semi-experimental, library and correlational. Multivariate regression with fixed effects of year and industry, and Stata version 17 software were used to test the research hypotheses. The results show that companies that invest more in innovation have better environmental, social and governance performance than other companies. These findings are consistent with institutional theory, and companies that focus more on sustainability issues recognize the importance of innovation in achieving these goals, which leads to a better corporate image and reputation.

Keywords: Environmental, Social and governance performance, Investment in innovation, Institutional theory.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Karimi, S; Safa, Mojgan; Gholami Jamkarani. (2025). The impact of innovation on environmental, social and governance performance. *Accounting and Corporate Governance Researches*,3(8),35 -53. (In Persian).

1. MSc. Student, Department of Accounting ,Qom Branch, Islamic Azad University, Qom ,Iran.
2. Assistant Prof, Department of Accounting, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom-Iran.
*Corresponding Author: Dr.mojgansafa@iau.ac.ir
3. Associate Prof, Department of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.



نوع مقاله: پژوهشی

تاثیر نوآوری بر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

سمانه کریمی^۱، مژگان صفا^{۲*}، رضا غلامی جمکرانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

چکیده

تمرکز شرکت‌ها بر روی مسائل پایداری در سال‌های اخیر که در نتیجه شیوع آلودگی‌های زیست محیطی و بحران تغییرات اقلیمی به طور قابل توجهی افزایش یافته است و علاقه شرکت‌ها به مسائل پایداری افزایش فزاینده‌ای (منطبق با نظریه نهادی) یافته که این امر در نتیجه فشارهای اجتماعی برای انجام این کار است. نوآوری با ابداعات زیست محیطی و یا طراحی زیست محیطی همراه است و این‌ها از جمله ابزارهایی هستند که توسعه فرهنگ شرکتی پایدار را ارتقا می‌دهند. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری نوآورانه و عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت است. نمونه آماری مشتمل بر ۸۵ شرکت بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ است. این پژوهش کمی، توصیفی، نیمه تجربی، کتابخانه‌ای و از نوع همبستگی می‌باشد. از رگرسیون چندمتغیره با اثرات ثابت سال و صنعت، و نرم‌افزار استاتا ورژن ۱۷ برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که بیشتر در نوآوری سرمایه‌گذاری می‌کنند، عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بهتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. این یافته‌ها با تئوری نهادی سازگار است و شرکت‌هایی که بیشتر بر مسائل پایداری متمرکز هستند، اهمیت نوآوری در دستیابی به این اهداف را تشخیص می‌دهند که منجر به تصویر و شهرت بهتر شرکت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، سرمایه‌گذاری در نوآوری، تئوری نهادی.



10.71600/JACGR.2024.



استناد: کریمی، سمانه؛ صفا، مژگان؛ غلامی جمکرانی، رضا. (۱۴۰۳). تاثیر نوآوری بر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳ (۸)، ۵۳ - ۳۵.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. * نویسنده مسئول: Dr.mojgansafa@iau.ac.ir

۳. دانشیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

در سال‌های اخیر، شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان تمرکز خود را به سمت پایداری شرکت‌های بسیار مهم معطوف کرده‌اند (Melinda and Wardhani 2020). موضوع پایداری بیشتر سازمان‌ها را به سمت توجه بیشتر و بیشتر به محیط‌زیست، حفاظت از آن (Kotze et al. 2010) و توسعه فرهنگ شرکتی پایدار که بهینه‌سازی عملیات تجاری را تشویق می‌کند (Nowak et al. 2011) سوق می‌دهد. پایداری مستلزم رفاه دائمی و ایده‌آل فزاینده (زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی) به منظور ایجاد کیفیت زندگی برای نسل‌های آینده است که کمتر از زندگی فعلی نیست. پایداری شرکت اغلب با در نظر گرفتن عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مشاهده می‌شود (Drempetic et al. 2019). جنبه زیست محیطی به توانایی یک شرکت در استفاده کارآمد از منابع طبیعی در فرآیندهای خود اشاره دارد و در نتیجه انتشارات محیطی را کاهش می‌دهد. بعد اجتماعی ظرفیت یک شرکت برای ارتقای ارزش‌های اخلاقی و ایجاد اعتماد در کارکنانش، تضمین احترام به حقوق بشر را اندازه‌گیری می‌کند. در نهایت، بعد حاکمیت به ظرفیت یک شرکت برای عمل به منافع سهامداران خود از طریق سیستم‌های مدیریت شرکتی کارآمد و فرآیندهای موثر اشاره دارد (Dicuonzo et al. 2022).

یک ابزار مفید برای ترویج کسب و کار پایدار، نوآوری است (De Santis and Presti 2018). واضح است که تلاش برای دستیابی به اهداف پایداری، مانند افزایش منابع و بهره‌وری انرژی، به طور جدایی‌ناپذیری با پیشرفت تکنولوژی مرتبط است. بدون فناوری و نوآوری فرصتی برای رشد وجود نخواهد داشت، چه رسد به صنعتی شدن و بدون صنعتی شدن، نه توسعه اقتصادی و نه رفاه برای افراد وجود خواهد داشت (Carayannis et al. 2018). در واقع، به طور گسترده در ادبیات به رسمیت شناخته شده است که بین نوآوری و عملکرد پایدار رابطه وجود دارد (Ahmad and Wu 2021). با این حال، نتایج قطعی نیست. از یک طرف، مطالعات قبلی رابطه را به صورت دو جهته تحلیل کرده‌اند (مسئولیت اجتماعی شرکت-نوآوری و نوآوری-مسئولیت اجتماعی شرکت) (Gallego-Álvarez et al. 2011). از سوی دیگر، یافته‌های قبلی از نظر نشانه‌ها مختلط هستند، و هم رابطه مثبت (Du and Li 2019) و یک رابطه منفی (Mithani 2017) را نشان می‌دهند.

بر اساس تئوری نهادی، ارزش‌های نهادینه شده در یک جامعه اغلب بیانگر آرمان‌هایی هستند که سازمان‌ها برای خود تعیین می‌کنند تا از آن پیروی کنند (Meyer and Roman 1991). در چارچوب این ارزش‌ها، پایداری، به ویژه در سناریوی فعلی، یکی از ارکان اصلی تصمیمات استراتژیک و رشد میان مدت تا بلندمدت شرکت است. از این نظر، نظریه نهادی ممکن است توضیح دهد که چگونه فشارهای وارد شده توسط جامعه بر رویه‌های پایداری شرکت و تغییرات در شیوه‌های سازمانی داخلی از نظر فرآیندها، شیوه‌ها و ساختارهای داخلی جدید تأثیر می‌گذارد (Lombardi et al. 2021). همانطور که توسط کمیسیون اروپا^۱ (۲۰۰۸) مشاهده شد، تعامل با سهامداران می‌تواند فعالیت نوآورانه شرکت‌ها را به سمت شیوه‌های پایدارتر سوق دهد (Carrasco and Buendía- Martínez 2016). شرکت‌های فعال در بخش صنعتی، به دلیل انتشار آلاینده‌های ناشی از فعالیت‌های تولیدی، از جمله شرکت‌های اصلی مسئول آلودگی محیط زیست هستند (Nartey 2018). در چند دهه گذشته، بخش صنعت شروع به پذیرش مفهوم پایداری کرده است، همانطور که توسط شرکت‌های بزرگی که استراتژی‌های پایداری را بیان می‌کنند و گزارش‌های سالانه منتشر می‌کنند که پیشرفت به سمت اهداف اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی را دنبال می‌کند، نشان داده است (Kunz 2013). این تلاش‌ها به کاهش قابل توجه اثرات زیست محیطی فرآیندهای تولید از طریق کاهش ضایعات، حفظ منابع و توسعه ابتکارات تولید پاک کمک کرده است (Kotze et al. 2010). با توجه به ملاحظات فوق، این مطالعه تحلیل می‌کند که آیا شرکت‌های بخش صنعتی از نوآوری برای بهبود عملکرد پایداری خود در پاسخ به فشار نهادی استفاده می‌کنند یا خیر.

تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را در ایران افشا کردند رو به رشد است و اهمیت مشارکت زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به طور فزاینده‌ای برجسته شده است (گزارشات مالی). مطالعه حاضر با ارائه شواهد تجربی شاخص‌های اندازه‌گیری نوآوری را در ۴ گروه عمده قرار می‌دهد و سپس با هم جمع می‌کند، شاخص‌های نوآوری عبارتند از: هزینه تحقیق و توسعه، آموزش کارکنان، سرمایه‌گذاری و مجموع دارایی‌ها که به گسترش ادبیات در مورد این موضوع می‌پردازد. اول، این مطالعه با تجزیه و تحلیل تأثیر سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه، توانایی شرکت‌ها برای توسعه اختراعات، بر بهبود شیوه‌های پایدار شرکت‌های صنعتی که در بازار سهام تهران فعالیت می‌کنند، به ادبیات قبلی کمک می‌کند. دوم، این مطالعه بینش‌های مفیدی را برای مدیرانی که سعی در ایجاد استراتژی‌های نوآوری دارند، ارائه می‌دهد. این مطالعه با بهبود درک اهمیت نوآوری در بهبود شیوه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی برای شرکت‌های بخش صنعتی به ادبیات موجود کمک می‌کند. علاوه بر این، شواهد تجربی از توانایی نوآوری به عنوان ابزاری ارزشمند برای توسعه صنعت پایدار از طریق سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه ارائه می‌کند. تعداد کمی از مطالعات تجربی رابطه بین ابتکارات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت و عملکرد نوآورانه را نشان داده‌اند (Zhang et al. 2020a). با این حال، مطالعات با تمرکز بر رابطه بین عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و عملکرد اقتصادی و مالی یک شرکت رایج است (Do and Kim 2020). علاوه بر این، مطالعات کمی که رابطه بین عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و نوآوری را بررسی می‌کنند، بر نوآوری سبز متمرکز شده‌اند (Xu et al. 2021). به طور کل تعیین رابطه بین نوآوری و عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در بازار سهام و سرمایه ایران نوآورانه است. بنابراین این مطالعه بر بررسی تأثیر نوآوری بر عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ متمرکز است، تا مشخص نماید نوآوری بر عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی چگونه تأثیر می‌گذارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعداد فزاینده‌ای از اقدامات توسط جامعه بین‌المللی برای هدایت شرکت‌ها به سمت توسعه پایدار، مانند توافقنامه پاریس در مورد تغییرات آب و هوایی در سال ۲۰۱۵ و دستور کار ۲۰۳۰ برای اهداف توسعه پایدار وجود دارد که هدف آن تحریک انتخاب‌های سرمایه‌گذاری که از کیفیت محیطی محافظت می‌کنند، می‌باشد. (Ying and Xin-gang 2021). علاقه نشان داده شده توسط سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان به موضوعات پایداری شرکتی (Melinda and Wardhani 2020) باعث شده است که بیشتر سازمان‌ها با توسعه فرهنگ شرکتی پایدار توجه فزاینده‌ای به محیط‌زیست داشته باشند (Kotze et al. 2010). دستیابی به عملکرد پایدار مستلزم آن است که شرکت‌ها جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را در استراتژی کسب و کار ادغام کنند و امتیاز زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پرکاربردترین متغیر در ادبیات برای اندازه‌گیری عملکرد پایدار است (Xu et al. 2021). اگرچه اقتصاد دیجیتال در سال‌های اخیر به طرز چشمگیری توسعه یافته است، اما انگیزه برای نوآوری دیجیتال سازمانی هنوز وجود ندارد و اندازه بازار داده‌های موجود بسیار کمتر از ارزش واقعی آن است (2025, Yue Xia et al). انتخاب شرکت‌ها برای ادغام شیوه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی اغلب اثرات مثبتی از نظر کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت محصول و رضایت مشتری بالاتر دارد. این مزایا اغلب منجر به بهبود عملکرد شرکت می‌شود. در واقع، برخی از مطالعات نشان داده‌اند که شیوه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیر مثبت و قابل توجهی بر بازده دارایی‌ها (Almeyda and Darmansya 2019) و همچنین بر مزیت رقابتی و شهرت شرکت دارند (Zhai et al. 2018). به عقیده دیگران، با این حال، ادغام شیوه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی لزوماً سودآوری شرکت را بهبود نمی‌بخشد، به دلیل هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه که مسیر پایداری به آن نیاز دارد. در واقع، دستیابی و بهبود عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نیازمند سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در تحقیق و توسعه است (Fernandez et al. 2021).

در محیط کسب‌وکار کنونی با رقابت شدید و تغییرات روزافزون، نوآوری لازمه بقا شرکت‌هاست (2024.boushehri et al). نوآوری نشان دهنده ابزاری است که اکثر شرکت‌ها برای شروع مسیر تغییر پایدار خود، جهت مدیریت درآمد، مسئولیت اجتماعی شرکت، مسئولیت‌پذیری و شفافیت استفاده می‌کنند، اتخاذ این نوآوری‌ها در سه بعد پایداری (یعنی زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی) در نظر می‌گیرند (Barbieri 2010). ظرفیت نوآوری شرکت‌ها را می‌توان از طریق هزینه‌های تحقیق و توسعه یا خروجی فناوری، مانند اختراعات یا درخواست‌های ثبت اختراع اندازه‌گیری کرد (Broadstock et al. 2020). ادبیات قبلی ارتباط بین نوآوری و عملکرد پایدار را بررسی کرده‌است، اگرچه نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد (Ahmad and Wu 2021). به طور خاص، مطالعاتی وجود دارد که رابطه را به صورت دو طرفه تحلیل می‌کند (یعنی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت و نوآوری و بین نوآوری و مسئولیت اجتماعی شرکت (Gallego-Álvarez et al. 2011)، بعضی‌ها یک ارتباط مثبت پیدا کرده‌اند (Du and Li 2019) یا یک ارتباط منفی (Mithani 2017). برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، سرمایه‌گذاری‌ها در نوآوری با محوریت پایداری از سال ۲۰۱۵ تا کنون بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است و توسعه ثبت اختراعاتی که در بهبود عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مفید هستند نیز به طور پیوسته در حال افزایش است (Xu et al. 2021). بنابراین، شرکت‌هایی که می‌خواهند عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را بهبود بخشند باید با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه در فعالیت‌های نوآورانه شرکت کنند.

یک شکل مرتبط از نوآوری برای اهداف پایداری، نوآوری سبز است. در حالی که نوآوری به عنوان بهبود مستمر در توانایی کلی شرکت‌ها برای تولید نوآوری برای توسعه محصولات جدید برای برآوردن نیازهای بازار تعریف می‌شود، تغییر به مفهوم نوآوری سبز مستلزم تغییر در مفهوم نوآوری فناورانه، با تمرکز بر جنبه‌های نوآوری زیست محیطی یا نوآوری محیطی همراه است (Ahmad and Wu 2021). ادغام نوآوری‌های زیست محیطی در استراتژی شرکت به طور فزاینده‌ای رایج است و یکی از عواملی است که می‌تواند رقابت‌پذیری شرکت را تقویت کند (Zhai et al. 2018)، ایجاد ارزش بلندمدت به نفع سهامداران و بهبود تعامل با سهامداران مرتبط با شرکت است (Ilyas and Osiyevskyy 2021). نوآوری سبز ابزار مفیدی برای ارتقای موفقیت پایدار یک صنعت و در عین حال حفظ مزایای زیست محیطی آن است (Zhang et al. 2020b). بنابراین در زمینه زیست محیطی، ارزیابی تأثیر فعالیت‌های تجاری بر محیط‌زیست و توانایی شرکت برای ارائه محصولات و خدماتی که می‌تواند با چالش‌های آب و هوایی و محیطی مواجه شود، ضروری است. استفاده کارآمد از منابع طبیعی، بهینه‌سازی فرآیندهای تولید (نوآوری زیست محیطی) و توسعه فن‌آوری‌هایی که اثرات زیست محیطی را کاهش می‌دهند اقدامات معمولی یک استراتژی شرکتی متمرکز بر نوآوری زیست محیطی هستند. به طور خاص، نوآوری زیست محیطی بر اساس منطق رفتار «مسئولانه» در نتیجه کاهش فشارهای اکولوژیکی ناشی از فرآیندهای تولید و مقاوم کردن سرمایه طبیعی در برابر این فشارها اشاره دارد. اگرچه چنین استراتژی بهبود عملکرد و تصویر شرکت را تضمین می‌کند، در حالی که به طور مثبت توسط سرمایه‌گذاران نهادی ارزش‌گذاری می‌شود، مستلزم متحمل شدن هزینه‌های قابل توجهی است که بر سودآوری تأثیر منفی می‌گذارد (García-Sánchez 2020). اگرچه سرمایه‌گذاری در نوآوری‌های زیست محیطی و طراحی زیست محیطی ممکن است در کوتاه‌مدت بر عملکرد مالی تأثیر منفی بگذارد، بازده چنین سرمایه‌گذاری‌هایی ممکن است از هزینه نسبی سرمایه‌گذاری اولیه در بلندمدت فراتر رود (García-Sánchez 2021). بنابراین، برای توسعه این قابلیت‌های تکنولوژیکی و اجرای نوآوری‌های سازگار با محیط زیست شرکت‌ها باید در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کنند.

بر اساس موارد فوق، علاقه دانشگاهیان و متخصصان بر تأثیر زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر عملکرد اقتصادی و مالی شرکت متمرکز شده‌است (Do and Kim 2020)، در حالی که مطالعات کمی به طور تجربی رابطه بین عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و عملکرد نوآوری را به طور کلی بررسی کرده‌اند (Zhang et al. 2020b). از آنجایی که پایداری یک ارزش نهادینه شده در جامعه مدرن را نشان می‌دهد، همانطور که توسط شرکت‌های متعددی که مدل‌های کسب و کار را مطابق با نیازهای اجتماعی جدید مبتنی بر کارایی اقتصادی و احترام به محیط زیست و حقوق بشر توسعه داده‌اند، نشان می‌دهد تحلیل آن جالب است.

آیا شرکت‌ها در پاسخ به فشارهای اجتماعی، نوآوری را به عنوان ابزاری برای بهبود عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود می‌شناسند یا خیر؟ کمسیون اروپا (۲۰۰۸) نشان داده است که چگونه ذینفعان شرکتی بر فعالیت نوآورانه شرکت‌ها به سمت شیوه‌های پایدارتر تأثیر می‌گذارند (Carrasco and Buendía-Martínez 2016). با توجه به این ملاحظات و با توجه به اینکه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بیانی از مفهوم اقتصاد سبز، مسئولیت اجتماعی و سرمایه‌گذاری مسئولانه است، این مطالعه با هدف تجزیه و تحلیل اینکه آیا توانایی نوآوری قابل اندازه‌گیری از طریق سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه است یا خیر، یا عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را بهبود می‌بخشد (Fernandez et al. 2021).

پیشینه داخلی

میر شاه ولایتی و نظری زاده (۱۴۰۳) در پژوهش خود نشان می‌دهند که سه عنصر نگاه سیستمی، نزدیکی جغرافیایی و شبکه‌سازی را می‌توان به‌عنوان ارکان اصلی شکل‌گیری مفاهیم و موضوعات مرتبط با همکاری در نوآوری برشمرد که البته میزان گرایش به این سه عنصر در مفاهیم مختلف همکاری در نوآوری متفاوت است. علاوه بر این، براساس عناصر یادشده، می‌توان مفاهیم را در سه دسته نگاه سیستمی، نگاه مکانی و نگاه شبکه‌ای دسته‌بندی کرد. حرکت از مفاهیم اولیه همچون نزدیکی و قرابت جغرافیایی به مفاهیم شبکه‌سازی و موضوعاتی اعم از تاب‌آوری و پایداری ضمن آنکه به نوعی دلالت بر توسعه مفهومی همکاری در نوآوری دارد، می‌تواند ابزاری برای سنجش سطح بلوغ میل به مشارکت در نوآوری باشد.

بوشهری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان "راهبرد شرکت‌های پیشگام تولید تجهیزات پزشکی ایران در دستیابی به نوآوری فناورانه: بررسی نقش عوامل محیطی" دریافته‌اند که راهبردهای اتخاذشده توسط شرکت‌ها، تشابه زیادی داشته و راهبردهای کسب‌وکار، فناوری و تحقیق و توسعه اتخاذشده با یکدیگر همراستا هستند.

قاسمی و کشتکار هرانکی (۱۴۰۳) در پژوهشی به ارائه یک الگوی جدید اکتساب دانش سه‌مرحله‌ای «آماده‌سازی و شناخت دانش»، «عملی‌سازی دانش» و «تثبیت‌سازی دانش» را نشان دادند که نسبت به سایر الگوهای مطرح‌شده، افزون‌بر مراحل ساده، تأکید بسیار زیادی بر استخراج دانش صریح عمومی‌سازی‌نشده، پیش از هرگونه انجام دوباره فرایند اکتساب دانش ضمنی کارکنان سازمان‌های دولتی، دارد.

گرامی و ذهبی (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که ساختار سرمایه بر عملکرد زیست‌محیطی، عملکرد حاکمیتی و عملکرد اجتماعی تأثیر دارد.

پاکدلان و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند از بین عوامل حاکمیت شرکتی متغیرهای نقش دوگانه مدیرعامل، اندازه حسابرس و استقلال کمیته حسابرسی با افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه معناداری دارند. همچنین نتایج نشان داد شاخص‌های اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و نقش دوگانه مدیرعامل می‌تواند با افشای مسئولیت زیست‌محیطی رابطه معناداری داشته باشد. تحریری و افسای (۱۴۰۰) نشان‌دادند که سطح افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با تلاش حسابرس رابطه منفی دارد. همچنین رابطه منفی بین سطح افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با کیفیت حسابرسی یافت شد، که این رابطه تحت تأثیر تلاش حسابرس قرار می‌گیرد.

حجازی و همکاران (۱۳۹۹) بیان کردند ویژگی‌های شرکتی و قدرت اعتباردهندگان با سطح و عمق افشای زیست محیطی رابطه معناداری دارد، درحالی که رابطه معناداری بین قدرت سهامداران و حسابرسان با گزارشگری زیست محیطی وجود ندارد. طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهند که، شرکت‌های ایرانی ترجیح می‌دهند اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی را در گزارش هیات مدیره به شکل اطلاعات اخباری افشا کنند. بیشترین افشا در بخش منابع انسانی و سپس در بخش محصولات و خدمات بوده‌است. آنها همچنین دریافته‌اند که شرکت‌ها تمایل دارند اخبار بی‌طرفانه سپس اخبار خوب را بیشتر از اخبار بد افشا کنند.

پیشینه خارجی

یو شیا و همکاران^۱ (۲۰۲۵) در پژوهشی نشان می‌دهند که زیرساخت دیجیتال و محیط نظارتی به طور مثبت و قابل توجهی یک نوآوری دیجیتال است. جریان عناصر داده در یک اکوسیستم نوآوری دیجیتال رابطه بین عوامل خارجی و نوآوری دیجیتال سازمانی را واسطه می‌کند.

گرگوری^۲ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای نشان داد با کنترل بخش صنعتی و رتبه‌رتبه‌بندی، مشخص شد که برای بسیاری از ترکیب‌ها بین اندازه شرکت و رتبه‌بندی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی رابطه معناداری وجود ندارد.

پینه‌ریو و همکاران^۳ (۲۰۲۴) نشان می‌دهند که کیفیت سازمانی تأثیر عمده‌ای بر عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی دارد. شرکت‌ها زمانی که در کشورهایی با آزادی اقتصادی بیشتر و آزادی تجارت بین‌المللی فعالیت می‌کنند، به شیوه‌های محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بیشتری می‌پردازند.

دیکوانزو و همکاران^۴ (۲۰۲۲) هدف از پژوهش خود را بررسی این موضوع که آیا و تا چه حد رویه‌های محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تحت تأثیر نوآوری است که با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و تعداد ثبت اختراعات توسعه‌یافته توسط شرکت‌ها اندازه‌گیری می‌شود، قرار دادند. یافته‌ها، تحلیل تجربی نشان می‌دهد که بین شیوه‌های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و نوآوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. شرکت‌هایی که بیشتر در تحقیق و توسعه و ثبت اختراع سرمایه‌گذاری می‌کنند عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بهتری دارند.

فرضیه های پژوهش

برای رسیدن به هدف پژوهش و مطالب بیان شده و سوال پژوهش فرضیه به شکل ذیل تدوین می‌گردد و در فرآیند انجام پژوهش آزمون خواهد شد:

فرضیه پژوهش: نوآوری بر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیر مثبت دارد.

روش پژوهش

این پژوهش راهبردی/کمی، هدف‌گرایی/توصیفی، رویکرد/تجربی و راهکار/کتابخانه‌ای می‌باشد. روش پژوهش این مطالعه از نظر محتوا و ماهیت از نوع همبستگی است، که با به کارگیری داده‌های تاریخی استخراج شده از قیمت سهام، گزارش فعالیت هیأت‌مدیره ارقام صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل ارتباط همبستگی می‌پردازد. انجام این پژوهش در چهارچوب استدلال قیاسی/استقرایی شکل خواهد گرفت. شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری این پژوهش است. روش انتخاب جامعه آماری دردسترس، از نوع نمونه‌گیری غربالگری می‌باشد و از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی که پایان سال مالی شرکت‌ها پایان اسفندماه باشد و سال مالی در طول دوره پژوهش تغییر نکرده باشد، جزء شرکت‌های تولیدی و صنعتی باشند، شرکت‌ها از ابتدای سال ۱۳۹۶، تا پایان سال ۱۴۰۱ عضو فعال بورس اوراق بهادار باشند و گزارشات مالی مورد نیاز شرکت‌ها طی دوره پژوهش موجود باشد، به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند. بنابراین شرکت‌های باقیمانده در دسترس ۱۲۸ شرکت می‌باشند. در ادامه گزارشات فعالیت هیأت مدیره، صورت‌های مالی و گزارش تفسیری مدیریت ۱۲۸ شرکت باقیمانده بررسی شد. ۸۵ شرکت اطلاعات مورد نیاز برای تعریف متغیر نوآوری

1. Yue Xia et al

2. Gregory

3. Pinheiro et al

4. Dicuonzo et al

را به صورت کامل طبق تعریف بیان شده در این پژوهش طی دوره (۱۳۹۶-۱۴۰۱) افشا نموده‌اند. بنابراین ۴۷۷ مشاهده نهایی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده‌است.

این مطالعه پیرو پژوهش دیکوانزو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) فرضیه پژوهش را با استفاده از مدل (۱) آزمایش نماید:

$$ESG_{it} = \alpha_0 + \beta_1 Inov_{it} + \beta_2 CsrCom_{it} + \beta_3 TA_{it} + \beta_4 Mkt_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۱:}$$

در جایی که، ESG نشان‌دهنده امتیاز جامع عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت، Inov نوآوری شرکت است. ضریب مورد علاقه β_1 است و مقدار مثبت آن نشان می‌دهد که نوآوری رتبه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت را افزایش می‌دهد.

متغیر وابسته- عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی: در این پژوهش برای محاسبه میزان عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی از الگوی داده‌های ریفینیتی ایگون به شرح نگاره (۱) با ۸۶ امتیاز که از گزارش‌های مالی شرکت‌ها استخراج شده است، استفاده می‌شود:

نگاره ۱: شاخص‌های ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

| مؤلفه‌ها | شاخص‌ها | بعد |
|---|--|-----|
| افشای دریافت گواهینامه‌های تطابق سیستم مدیریت محیطی | سیستم مدیریت زیست محیطی | |
| افشای دریافت جایزه مربوط به رعایت مسایل زیست محیطی | | |
| انرژی و آب مصرفی به تفکیک منبع و میزان آن | انرژی و بهره‌وری آب | |
| میزان انرژی و آب صرفه جویی شده به دلیل بهبود فرایندهای شرکت | | |
| فعالیت‌های شرکت جهت کاهش مصرف آب و انرژی | | |
| میزان آب و انرژی تجدید پذیر قابل مصرف | مسائل محیطی محصولات و خدمات و زنجیره تامین | |
| افشای فعالیت‌های شرکت برای رعایت مسایل زیست محیطی از بعد مشتریان و مصرف‌کنندگان و زنجیره تامین و اشخاص ثالث از جمله برگزاری یا شرکت در همایش‌های زیست محیطی، مانور زیست محیطی و ... | | |
| اقدامات جهت کاهش تاثیر فعالیتها بر اقلیم | | |
| افشای خطرات بالقوه فعالیت‌های شرکت برای سلامتی انسان و محیط زیست | مسائل محیطی محصولات و خدمات و زنجیره تامین | |
| افشای آموزشی به کارکنان برای تولید با توجه به ملاحظات زیست محیطی و کاهش اثرات زیانبار آن (برحسب ساعت یا هزینه) | | |
| افشای آموزشی به مشتریان برای مصرف با توجه به ملاحظات زیست محیطی و کاهش اثرات زیانبار آن (برحسب ساعت یا هزینه) | | |
| افشای گزارشگری محیطی در بخش جداگانه | آموزش محیطی | |
| افشای سیاست‌های آبی محیطی شرکت | | |
| افشای استراتژیها برای مدیریت تاثیرات برتنوع زیستی و منابع طبیعی | آموزش محیطی | |
| افشای اقدامات در جهت کاهش آثار مخرب پیشگیری یا رفع آسیبها از طریق احیای زمین و خاک و جنگلو توسعه فضای سبز | | |
| افشای کل ضایعات و طبقه بندی به عنوان خطرناک و غیر خطرناک و نحوه دفع مناسب | | |
| | آلودگی، آلودگی و ضایعات | |

| | |
|--|--|
| افشای میزان آلودگی | |
| افشای اقدامات انجام شده برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای سمی | |
| افشای استراتژیهای مبتنی بر بازار سرمایه و مبتنی بر جوامع مدیریت ریسک اجتماعی مثلا معاینات ادواری واکسیناسیون بیمه عمر حوادث بیکاری و | سرمایه گذاری مسولیت اجتماعی |
| افشای کل ساعات آموزشی و تشریح فعالیتها یا هزینه آموزش کل نیروی کار | یادگیری و آموزش اجتماعی |
| افشای گزارش عملکرد اجتماعی در بخش جداگانه | شفافیت سازی اجتماعی |
| ارائه سیاستهای آتی اجتماعی | |
| افشای قوانین ، آیین نامه ها و اصول داوطلبانه سلامت تولید | |
| تعداد ساعات کاری از دست رفته به علت حوادث یا تعداد کل حوادث | سلامت تولید |
| اقدامات جهت کاهش عوامل زیان آور محیط کار | |
| افشای حفظ حریم خصوصی مشتریان | |
| گارانتی و خدمات پس از فروش | |
| تعداد شکایات دریافتی از مشتریان یا میزان پرداخت خسارت | مسائل اجتماعی و مشتریان و زنجیره تامین |
| افشای رویه های مربوط به انتخاب تامین کننده | |
| اراءه مشخصات ، کیفیت ، دوام و ایمنی محصولات | |
| افشای توانمندیهای تجاری با شرکت رقیب | اجتماعی |
| افشای اطلاعاتی در خصوص توسعه محصولات شرکت یا پروژه های تحقیقاتی برای بهبود تولید یا افشای منابع | حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی |
| افشای مبالغ حقوق و دستمزد و سایر مزایا | |
| میزان استخدام و خروج نیروی کار یا نمودار ترکیب نیروی کار | حقوق نیروی کار |
| افشای شکایات نیروی کارو پرداخت جرایم به آنها | |
| تدابیر کاری انعطاف پذیر و فعالیتهای رفاهی برای کارکنان و خانواده هایشان | |
| افشای استانداردهای ایمنی و سلامت کار | |
| کل صدمات و مرگ و میر کارمند و پیمانکار، نوع و میزان بهره وری نیروی کار | سلامت و امنیت و بهره وری |
| نیروی کار کودک و حمایت از کودک کارو خیابانی | |
| رعایت اصول داوطلبانه حقوق بشر | رعایت اصول حقوق بشر |
| افشای کمکهای مالی برای حمایت از فعالیتهای اجتماعی ، جذب کارآموز و ارتباط با دانشگاهها | توسعه اجتماعی و بشردوستانه |
| کمکهای مالی به قربانیان بلایای طبیعی و کشورهای خارجی | |
| تشکیل اتحادیه های کارگری و تعاونی | |
| سیستم انتقادات و پیشنهادات | ادراک اجتماعی و ذینفعان |
| سنجش میزان رضایت مشتریان و کارکنان | |
| افشای سیاستها و رویه های جذب و استخدام و پاداش | |
| افشای تفکیک کارمندان هر طبقه براساس سن و جنس و عضویت در گروه های اقلیت | عدم تبعیض و شمول اجتماعی |
| افشای میزان پاداش کارکنان ، نحوه جبران عملکرد کارکنان | |
| افشای اقدامات شرکت برای مدیریت ریسک سرمایه گذاربهها از جمله تنوع بخشی | مدیریت ریسک سرمایه گذاری |
| افشای گزارش کنترل داخلی | اقدامات نظارتی و مدیریت ریسک |
| افشای گزارش حسابرسی | |
| افشای چارچوب یکپارچه مدیریت ریسک واحد اقتصادی (ERM) | |
| افشای راهبری شرکتی در بخش جداگانه | |
| افشای سیاستهای راهبری آتی | |
| افشای معاملات با اشخاص وابسته | شفاف سازی راهبردی |
| افشای میزان حضور در بازار و فرهنگ سازمانی و . . . | |
| افشای دوگانگی | ترکیب هیات مدیره |

| | |
|--|--------------------------|
| تجربه صنعتی و مالی | |
| تعداد جلسات هیات مدیره | |
| میزان حضور اعضای هیات مدیره در جلسات | |
| وجود زنان در هیات مدیره | |
| تعداد سالهای حضور هیات مدیره | حاکمیتی |
| موظف بودن یا نبودن | |
| تعداد جلسات مدیران غیر موظف | |
| افشای تعداد کمیته ها | |
| تعداد جلسات کمیته ها | |
| افشای کمیته ریسک | |
| کمیته حسابرسی | کمیته ها |
| کمیته انتصابات و جبران عملکرد | |
| کمیته CG، CSR، ESG | |
| افشای مدیران مستقل هر کمیته | |
| نحوه انتخاب حسابرس و جایگزین و حق الزحمه | |
| افشای میزان حقوق و پاداش مدیران | |
| افشای طرح جبران خدمات و سایر مزایای مدیران | جبران عملکرد |
| فاکتورهای کیفی و کمی ارزیابی عملکرد مدیران | |
| افشای اطلاعات از قوانین مرتبط تجاری حقوقی | انطباق با قوانین |
| دعای حقوقی یا انتظار دادخواهی قضایی شرکت | |
| افشای کدها و نظام نامه ها و منشورهای اخلاقی | |
| افشای اقدامات شرکت برای جلوگیری و مبارزه با فساد | اخلاق و فساد اصول رفتاری |
| آموزشی اخلاق حرفه ای | |
| افشای پیشنهاد تقسیم سود متعلق به سهامداران | |
| افشای اساسنامه | رعایت حقوق سهامداران |
| افشای اطلاعات تماس و آدرس الکترونیکی و مس‌ول پاسخگویی سهام | |
| افشای دستور العمل مالکیت سهام شرکت توسط مدیران | |

منبع: فخاری و همکاران (۱۳۹۶)

متغیر مستقل - نوآوری: با استناد به پژوهش نمازی و مقیمی (۱۳۹۸) شاخص‌های اندازه‌گیری نوآوری در ۴ گروه عمده قرار می‌گیرند، داده هر بعد به صورت نسبی از حداکثر هر بعد در نظر گرفته می‌شود (بر بیشترین مقدار گروه تقسیم می‌شود) سپس با هم جمع می‌شوند. این گروه‌ها عبارتند از:

- هزینه تحقیق و توسعه: برابر با نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه و آزمایشگاهی به دارایی‌ها است. از آنجایی که هزینه‌های تحقیق و توسعه و آزمایشگاهی در صورت‌های مالی افشا نمی‌شوند، از مجموع دارایی‌های نامشهود به عنوان تقریبی آن استفاده می‌شود. از لگاریتم دارایی‌های نامشهود برای شناسایی این زمینه استفاده شده است.
- آموزش کارکنان: این متغیر برابر با نسبت ساعات آموزش به کل کارکنان شرکت در سال است که در گزارش فعالیت مدیره بخش توسعه نیروی انسانی درج می‌شود.
- سرمایه فکری (درصد کارکنان حرفه‌ای و تکنیکی در شرکت): این متغیر برابر با نسبت تعداد کارکنان حرفه‌ای (تعداد کارکنان دارای تحصیلات دانشگاهی) به کل کارکنان شرکت است که در گزارش فعالیت مدیره بخش توسعه نیروی انسانی درج می‌شود.

➤ ارزش دارایی‌ها: که از طریق جمع دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود در ترازنامه (میزان سرمایه استفاده شده برای تحصیل ماشین آلات، تجهیزات و نرم افزار) به دست می‌آید.

متغیرهای کنترلی: مطابق پژوهش دیکوانزو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) متغیرهای کنترلی ذیل به مدل رگرسیون اضافه و در نگاره (۲) تعریف می‌شوند: کمیته مسئولیت اجتماعی شرکت (Csr-Com)، اندازه شرکت (TA)، ارزش بازار به دفتری (Mkt)، بازده دارایی‌ها (ROA).

نگاره ۲: نحوه اندازه‌گیری متغیرهای کنترلی

| نام (علامت اختصاری) | شرح |
|--------------------------------------|--|
| کمیته مسئولیت اجتماعی شرکت (Csr-Com) | متغیر دوجویی است، اگر شرکت در سال مورد نظر کمیته مسئولیت اجتماعی داشته باشد برابر با یک، در غیراینصورت صفر است |
| اندازه شرکت (TA) | لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت است. |
| ارزش بازار به دفتری (Mkt) | برابر با نسبت ارزش بازار سهام به حقوق صاحبان سرمایه شرکت است و ارزش بازار از حاصل ضرب تعداد سهام در قیمت پایان سال سهام محاسبه می‌شود. |
| بازده دارایی‌ها (ROA) | نسبت سود خالص بر ارزش دفتری دارایی‌ها |

منبع: دیکوانزو و همکاران (۲۰۲۳)

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش با استفاده از ۴۷۷ مشاهده از اطلاعات ۸۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ طی ۶ سال جمع‌آوری شده است. به دلیل اینکه بعضی شرکت‌ها اطلاعات مورد نیاز برای تعریف متغیر نوآوری را به صورت کامل طبق تعریف بیان شده در این پژوهش افشا نموده‌اند، این مشاهدات حذف و نمونه دردسترس به صورت نامتوازن تهیه شده است. آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمیته و بیشینه است. با توجه به نتایج درج شده در نگاره‌های (۳) و (۴) مقدار میانگین (۰/۷۴۳) متغیر عملکرد ESG شرکت‌ها کمی بیشتر از میانه آن (۰/۷۴) است و توزیع آن چوایی خفیف و به راست دارد. مقدار کمیته (۰/۵۴۷) و بیشینه (۰/۸۶) نشان می‌دهد عملکرد ESG شرکت‌ها در برنامه شرکت‌ها وجود دارد و رو به رشد است.

نگاره ۳: توصیف متغیرهای پژوهش

| متغیر | میانه | میانگین | انحراف معیار | کمیته | بیشینه | نحوه محاسبه |
|---------------------|-------|---------|--------------|---------|---------|-------------|
| عملکرد ESG | ۰/۷۴ | ۰/۷۴۳ | ۰/۰۴۹ | ۰/۵۴۷ | ۰/۸۶ | نسبت |
| نوآوری | ۱/۸۲ | ۱/۸۸ | ۰/۳۳ | ۱/۲۵۴ | ۳/۳۹۶ | مجموع |
| اندازه شرکت | ۰/۲۲ | ۰/۲۵۱ | ۰/۱۶ | ۰/۰۰۷ | ۰/۸۲۵ | لگاریتم |
| ارزش بازار به دفتری | ۴/۱۳ | ۶/۸۵۵ | ۱۳/۸۰۲ | -۴۹/۷۰۴ | ۲۲۷/۶۸۳ | نسبت |
| بازده دارایی‌ها | ۰/۱۹ | ۰/۲۰۵ | ۰/۱۶۸ | -۰/۳۸۶ | ۰/۷ | نسبت |

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مقدار میانگین (۱/۸۸) متغیر نوآوری شرکت‌ها کمی بیشتر از میانه آن (۱/۸۲) است و توزیع آن چوایی خفیف و به راست دارد. مقدار کمیته (۱/۲۵۴) و بیشینه (۳/۳۹۶) نشان می‌دهد نوآوری شرکت‌ها در به با اینکه رشد داشته است، انحراف معیار آن از عملکرد

ESG شرکت‌ها بیشتر است و سرعت رشد آن کمتر از عملکرد ESG شرکت‌ها بوده است. ۲۷۱ مشاهده کمیته مسئولیت اجتماعی تشکیل داده و ۲۰۶ مشاهده فاقد کمیته مسئولیت اجتماعی بوده اند.

نگاره ۴: متغیرهای کیفی پژوهش

| کمیته مسئولیت اجتماعی | تعداد | درصد | درصد تجمعی |
|-----------------------|-------|-------|------------|
| ۰ | ۲۰۶ | ۴۳/۱۹ | ۴۳/۱۹ |
| ۱ | ۲۷۱ | ۵۶/۸۱ | ۱۰۰ |
| جمع | ۴۷۷ | | ۱۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهشگر

صحیح بودن نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیون تا حد بسیار زیادی به مقادیر خطا و ویژگی‌های آن بستگی دارد که این ویژگی‌ها را فرض‌های کلاسیک رگرسیون می‌نامند. در واقع روش مربعات معمولی بر اساس وجود همه فرض‌های مزبور بنا نهاده شده است. اگرچه برقراری این مفروضات جهت برآورد مدل به روش مربعات معمولی ضروری است، اما عدم برقراری برخی از آن‌ها، به ویژه در نمونه‌های بزرگ خللی به نتایج رگرسیون وارد نمی‌کند زیرا یکی از مزایای داده‌های پانل، کاهش مشکلات احتمالی ناشی از عدم برقراری فروض کلاسیک است (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

جهت بررسی همبستگی متغیرها در این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی همواره بین مثبت یک و منفی یک می‌باشد. هر چقدر این ضریب به عدد مثبت یک نزدیک‌تر باشد نشان از وجود همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر است و چنانچه ضریب همبستگی به عدد منفی یک نزدیک‌تر باشد، مفهوم آن همبستگی زیاد و معکوس بین آنها است. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در نگاره ماتریسی (۵) ارائه شده است. نتایج به دست آمده از ضرایب همبستگی بین متغیرها بیانگر نبود وابستگی شدید بین آنها می‌باشد، در نتیجه می‌توان متغیرهای پژوهش را در مدل‌های پژوهش گردآوری نمود و آزمون رگرسیون انجام داد.

نگاره ۵: ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

| متغیرها | عملکرد ESG | نوآوری | کمیته مسئولیت اجتماعی | اندازه شرکت | ارزش بازار به دفتری | بازده دارایی‌ها |
|-----------------------|------------|--------|-----------------------|-------------|---------------------|-----------------|
| عملکرد ESG | ۱ | | | | | |
| نوآوری | ۰/۱۵ | ۱ | | | | |
| کمیته مسئولیت اجتماعی | ۰/۱۷ | ۰/۳۶ | ۱ | | | |
| اندازه شرکت | -۰/۰۶ | ۰/۱۳ | ۰/۰۷ | ۱ | | |
| ارزش بازار به دفتری | ۰/۰۹ | -۰/۰۵ | -۰/۰۶ | -۰/۰۶ | ۱ | |
| بازده دارایی‌ها | -۰/۰۸ | ۰/۱۹ | ۰/۱ | -۰/۲۴ | -۰/۰۷ | ۱ |
| همخطی (VIF) | ۱/۹۳۴ | ۱/۴۳ | ۱/۲۶ | ۱/۲۲ | ۱/۸۸ | ۱/۸۸ |

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج حاصل شده از برآوردگر رگرسیون مربعات معمولی در نگاره (۶) سمت راست، مقدار به دست آمده آماره فیشر ۱۷/۱۲ است که این مقدار از مقدار آماره مربوطه در نگاره استاندارد بیشتر است و همچنین سطح احتمال آماره مدل برابر با صفر است که کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه مدل آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، و در نتیجه حداقل یک متغیر مستقل و یا کمکی با متغیر وابسته رابطه معناداری در این سطح اطمینان دارد. مقدار ضریب تعیین ۰/۳۴۱ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۳۴/۱ درصد از تغییرات متغیر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) تحت تاثیر متغیر نوآوری و سایر متغیرهای مدل است. با توجه به اینکه مقدار میانگین VIF برابر با ۳/۱۶ است، و VIF متغیرهای پژوهش به نوبه خود بیشتر از ۱۰ نمی‌باشد در نتیجه هم‌خطی در مدل پژوهش فرضیه محتمل نیست. مقدار سطح احتمال برای متغیر نوآوری برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و این مقدار از ۰/۰۵ کمتر است، و همچنین قدرمطلق مقدار آماره تی- استیودنت ۳/۵۸ است که از ۱/۹۶ بیشتر است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیر نوآوری بر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) تاثیر معناداری دارد، همچنین با توجه به مقدار ۰/۰۲۷ ستون ضرایب متغیر نوآوری، رابطه مثبت است، و با افزایش یک واحد در متغیر نوآوری، عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) ۰/۰۲۷ واحد افزایش می‌یابد. در نتیجه فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل شده از برآوردگر رگرسیون مربعات معمولی در نگاره (۶) سمت چپ بدون حضور متغیرهای کنترلی، مقدار به دست آمده آماره فیشر ۱۸/۴۳ است که این مقدار از مقدار آماره مربوطه در نگاره استاندارد بیشتر است و همچنین سطح احتمال آماره مدل برابر با صفر است که کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه مدل آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، و در نتیجه حداقل یک متغیر مستقل و یا کمکی با متغیر وابسته رابطه معناداری در این سطح اطمینان دارد. مقدار ضریب تعیین ۰/۲۹۷ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۲۹/۷ درصد از تغییرات متغیر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) تحت تاثیر متغیر نوآوری است. با توجه به اینکه مقدار میانگین VIF برابر با ۳/۳۵ است، و VIF متغیرهای پژوهش به نوبه خود بیشتر از ۱۰ نمی‌باشد در نتیجه هم‌خطی در مدل پژوهش فرضیه محتمل نیست. مقدار سطح احتمال برای متغیر نوآوری برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و این مقدار از ۰/۰۵ کمتر است، و همچنین قدرمطلق مقدار آماره تی- استیودنت ۵/۰۶ است که از ۱/۹۶ بیشتر است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیر نوآوری بر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) تاثیر معناداری دارد، همچنین با توجه به مقدار ۰/۰۳۴ ستون ضرایب متغیر نوآوری، رابطه مثبت است، و با افزایش یک واحد در متغیر نوآوری، عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) ۰/۰۳۴ واحد افزایش می‌یابد. در نتیجه فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

نگاره ۶: نتایج آزمون اثر نوآوری بر عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

| عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) | | | | | | | | |
|--|---------|---------|-----------------|-----------|---------|-----------------|---------|---------|
| مدل بدون متغیرهای کنترلی | | | | مدل پژوهش | | | | متغیرها |
| متغیرها | ب.ت. | آماره t | احتمال معناداری | ب.ت. | آماره t | احتمال معناداری | متغیرها | |
| نوآوری | ۰/۰۲۷ | ۰/۰۰۷ | ۳/۵۸ | ۰/۰۳۴ | ۰/۰۰۷ | ۳/۵۸ | ۰/۰۲۷ | |
| کمیته مسئولیت اجتماعی | ۰/۰۲۲ | ۰/۰۰۵ | ۴/۴۵ | - | ۰/۰۰۵ | ۴/۴۵ | ۰/۰۲۲ | |
| اندازه شرکت | -۰/۱۸ | ۰/۰۱۳ | -۴/۱ | - | ۰/۰۱۳ | -۴/۱ | -۰/۱۸ | |
| ارزش بازار به دفتری | ۰/۰۰۰۰۴ | ۰/۰۰۰۰۸ | ۰/۵۱ | - | ۰/۰۰۰۰۸ | ۰/۵۱ | ۰/۰۰۰۰۴ | |
| بازده دارایی‌ها | -۰/۳۶ | ۰/۰۱۴ | -۶/۱۲ | - | ۰/۰۱۴ | -۶/۱۲ | -۰/۳۶ | |
| عرض از مبدأ | ۰/۶۷ | ۰/۰۱۵ | ۴۳/۸۵ | ۰/۶۴۶ | ۰/۰۱۴ | ۴۳/۸۵ | ۰/۶۷ | |
| ضریب تعیین | | | ۰/۳۴۱ | | | ۰/۳۴۱ | ۰/۲۹۷ | |
| مقدار آماره فیشر | | | ۱۷/۱۲ | | | ۱۷/۱۲ | ۱۸/۴۳ | |

| | | |
|-----------------------------|--------------|--------------|
| سطح احتمال آماره فیشر | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| تعداد مشاهدات | ۴۷۷ | ۴۷۷ |
| میانگین VIF | ۳/۱۶ | ۳/۳۵ |
| اثرات سال و صنعت | لحاظ شده است | لحاظ شده است |
| اثرات استحکام (vce(robust)) | اجرا شده است | اجرا شده است |

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تمرکز شرکت‌ها بر روی مسائل پایداری در سال‌های اخیر در نتیجه بدتر شدن آلودگی زیست محیطی و بحران تغییرات اقلیم به طور قابل توجهی افزایش یافته است (Ying and Xin-gang 2021). علاقه فزاینده شرکت‌ها به مسائل پایداری نیز همانطور که توسط نظریه نهادی پیشنهاد شده‌است، نتیجه فشارهای اجتماعی برای انجام این کار است (Meyer and Roman 1991). این امر اتخاذ سیاست‌های تولید پایدارتر (Kotze et al. 2010) و توسعه مدل‌های کسب‌وکار در راستای الزامات جدید محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را تشویق کرده‌است. ابزاری برای دستیابی به این اهداف و به طور کلی برای توسعه پایدار، ترویج کاهش اثرات زیست محیطی فرآیندهای کسب و کار از طریق استفاده کارآمد از منابع نوآوری است. نوآوری به طور کلی با نوآوری محیطی از نظر نوآوری‌های زیست محیطی یا طراحی زیست محیطی همراه است که از جمله ابزارهایی هستند که توسعه فرهنگ شرکتی پایدار را ارتقا می‌دهند (Ahmad and Wu 2021) و رقابت پذیری شرکت را تقویت می‌کنند (Ilyas and Osiyevskyy 2021). اگرچه اهمیت نوآوری در بهبود عملکرد محیطی، اجتماعی و حکمرانی در ادبیات به رسمیت شناخته شده است، اما هنوز تنها چند مطالعه تجربی وجود دارد که این رابطه را (Zhang et al. 2020a) با تمرکز بر رابطه بین محیطی، اجتماعی و حکومت و نوآوری سبز (Xu et al. 2021) تحلیل می‌کند. این امر ناشی از افزایش توجه دانشگاهیان به بررسی رابطه بین عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و عملکرد اقتصادی و مالی شرکت‌ها است (Do and Kim 2020). هدف این مطالعه پر کردن این شکاف با بررسی رابطه بین تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری و عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت است. تجزیه و تحلیل بر روی نمونه‌ای از ۸۵ شرکت متمرکز بود که به مدت ۶ سال از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ مشاهده شدند و یک چارچوب یکپارچه ارائه می‌کند که روابط بین اتخاذ شیوه‌های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و نوآوری شرکت را برجسته می‌کند. این مطالعه عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را در نظر گرفته تا بینشی در مورد نقش شرکت‌ها در کمک به عملکرد پایدار ارائه نماید. برای این منظور، این مطالعه فعالیت پیشگیرانه یک شرکت در نوآوری و ارتباط بالقوه بین نوآوری و عملکرد محیطی، اجتماعی و حکومت را تجزیه و تحلیل می‌کند.

نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که بیشتر در نوآوری سرمایه‌گذاری می‌کنند، عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بهتری نسبت به شرکت‌های کمتر نوآور نشان می‌دهند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش دیکوانزو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) همراستا و همسو است. این یافته‌ها با ادعای تئوری نهادی سازگار است که شرکت‌هایی که بیشتر بر مسائل پایداری متمرکز هستند، اهمیت نوآوری در دستیابی به این اهداف را تشخیص می‌دهند که منجر به تصویر و شهرت بهتر شرکت می‌شود. پایداری زیست محیطی و نوآوری دو دستورالعمل اصلی نسل بعدی کشورها است که یک طرح با هدف حمایت از کشورهای عضو آسیب‌دیده از همه‌گیری کووید-۱۹ و ترویج اقتصاد پایدار و بدون انتشار کربن است. بنابراین، نوآوری و آگاهی زیست محیطی باید توسط همه بازیگران با رویکردی یکجانبه و هم افزایی مورد توجه قرار گیرد، زیرا برای اینکه جامعه بر پایه‌های محکم توسعه و شکوفایی در آینده تکیه کند، نوآوری باید به طور فزاینده‌ای با پایداری همراه شود و بالعکس. بنابراین، رابطه مثبت بین عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و

نوآوری بسیار مهم است زیرا این امر نشان دهنده آگاهی شرکت‌های صنعتی از ابزار سرمایه‌گذاری در نوآوری، هم برای توسعه پایدار و هم برای بقا است. در واقع، برای شرکت‌ها ضروری است که اهداف پایداری را با اهداف رقابت شرکتی ادغام کنند، زیرا آنها دو بعد نزدیک به هم مرتبط را نشان می‌دهند. در این زمینه، نوآوری مؤثرترین راه برای دستیابی به اهداف پایداری سازمانی و محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است. مالمیر و همکاران (۱۳۹۹) نیز نتایج همسویی با پژوهش حاضر به دست آورند، آنان دریافتند که نوآوری بر مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی تاثیر مثبت دارد و نوآوری از طریق مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی تاثیر مثبت می‌گذارد. جامعه دانشگاهی، دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران می‌توانند از پیامدهای نظری و عملی نتایج این مطالعه برای رسیدگی به مشکلات ادغام فناوری‌های جدید در شیوه‌های پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با درک بهتر از اثرات مثبت نوآوری بر پایداری شرکت استفاده کنند. بنابراین یافته‌های پژوهش پیش‌رو دارای دانش‌افزایی است، زیرا نتایج حاصله می‌تواند شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری در نوآوری تشویق کند تا تاثیر مثبتی بر پایداری داشته باشند. با توجه به همبستگی مثبت و معنادار بین نوآوری شرکتی و شیوه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، تنظیم‌کننده‌های ملی باید قوانین مرتبط با شیوه‌های پایداری را تقویت کنند تا از شفافیت بیشتر در افشا اطمینان حاصل کنند، به‌ویژه با توجه به چارچوب‌های نظری متفاوتی که برای افشای غیرمالی وجود دارد که مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی را محدود می‌کند. با توجه به تاثیر نوآوری زیست‌محیطی بر رویه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حکمرانی، این مطالعه با نشان دادن یک رابطه مثبت، پیامدهای عملی مهمی را برای دست‌اندرکاران و شرکت‌های سرمایه‌گذار در نوآوری ارائه می‌کند. به عبارت دیگر، شرکت‌ها باید تشویق شوند تا به طور مستمر سطح نوآوری خود را با بهبود عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود افزایش دهند. بنابراین، برای سیاست‌گذاران مهم است که یارانه‌های خاصی را برای فعالیتهای نوآورانه شرکت‌ها منتشر کنند، بنابراین به‌طور غیرمستقیم از شیوه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی آنها نیز حمایت می‌کنند.

در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهشی بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی (کیفی و کمی) بر رابطه بین نوآوری و عملکرد زیست محیطی - اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهشی بررسی تاثیر ریسک سیستماتیک بر رابطه بین نوآوری و عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد. و در نهایت پیشنهاد می‌شود در پژوهشی بررسی تاثیر فناوری‌های دیجیتال بر رابطه بین نوآوری و عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این‌ها، مطالعات آتی می‌تواند این موضوعات را در بخش‌های مختلف اقتصادی بررسی کرده و تفاوت‌ها یا شباهت‌های بین نتایج را بررسی کند.

منابع

- بوشهری، علیرضا؛ باقری، ابوالفضل؛ آتشگر، کریم و محبت طلب، علی. (۱۴۰۳). راهبرد شرکت‌های پیشگام تولید تجهیزات پزشکی ایران در دستیابی به نوآوری فناورانه: بررسی نقش عوامل محیطی. مدیریت نوآوری، ۱۳(۱)، ۳۱-۷۰.
- پاکدلان، سعید، آذربراهمان، علیرضا، و ضیائی، زکیه. (۱۴۰۰). بررسی رابطه شاخص‌های حاکمیت شرکتی بر افشای زیست محیطی و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی. شباک، ۷(۵)(۶۲)، ۱۱-۲۰.
- تحریری، آرش، و افسای، اکرم. (۱۴۰۰). تاثیر افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر تلاش حسابرس و کیفیت حسابرسی. دانش حسابداری، ۱۲(۳)(۴۶)، ۶۹-۸۸.
- حجازی، رضوان، علی‌زاده اقدم، صونا، و یوسفی‌اصل، فرزانه. (۱۳۹۹). قدرت ذینفعان و افشای زیست محیطی. حسابداری سلامت، ۹(۲)(۲۴)، ۲۵-۴۵.
- فخاری، حسین، ملکیان، اسفندیار، و جفایی رهنی، منیر. (۱۳۹۶). تبیین و رتبه‌بندی مولفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله‌مراتبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۸۷.
- قاسمی، نعمت‌اله و کشتکار هرانکی، مه‌رمان. (۱۴۰۳). الگوی فراترکیب اکتساب دانش برای سازمان‌های دولتی. مدیریت نوآوری، ۱۳(۱)، ۱-۳۰.
- طالب‌نیا، قدرت‌اله، علیخانی، راضیه، و مران‌جوری، مهدی. (۱۳۹۱). ارزیابی کمی و ماهیت افشای اطلاعات حسابداری زیست محیطی و اجتماعی در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۹(۶۹)، ۴۳-۶۰.
- گرامی، آمنه، و ذهبی، معصومه. (۱۴۰۱). ساختار سرمایه و عملکرد زیست محیطی، حاکمیتی و اجتماعی شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۷۵)، ۵۲-۶۳.
- میر شاه ولایتی، فرزانه و نظری زاده، فرهاد. (۱۴۰۳). مرور نظام‌مند و تحلیل هم‌واژگانی مفاهیم و موضوعات مرتبط با همکاری در نوآوری. مدیریت نوآوری، ۱۳(۱)، ۱۶۹-۱۹۸.
- مالمیر آمنه، عباسی حمیده، دری سیدرضا. شناسایی تاثیر نوآوری از طریق مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی (سازمان تامین اجتماعی اراک). مجله مهندسی فرآیندها. ۱۳۹۹؛ ۷(۱۳): ۲۱-۳۱.
- نمازی، محمد، و مقیمی، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی نقش میانجی چالش‌های نوآوری در رابطه بین سازه‌های نوآوری و عملکرد مالی و اقتصادی شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۴)(۳۸)، ۷۹-۱۰۳.

Ahmad, M. and Wu, Y. (2021), "Combined role of green productivity growth, economic globalization, and eco-innovation in achieving ecological sustainability for OECD economies", Journal of Environmental Management, Vol. 302, p. 113980.

Almeyda, R. and Darmansya, A. (2019), "The influence of environmental, social, and governance (ESG) disclosure on firm financial performance", IPTEK Journal of Proceedings Series, Vol. 5, p. 278.

Barbieri, J.C. (2007), "Organizações inovadoras sustent_aveis", in Organizações inovadoras sustent_aveis: uma reflexão sobre o futuro das organizações, Atlas.

- Broadstock, D.C., Matousek, R., Meyer, M. and Tzeremes, N.G. (2020), "Does corporate social responsibility impact firms' innovation capacity? The indirect link between environmental and social governance implementation and innovation performance", *Journal of Business Research*, Vol. 119, pp. 99-110.
- Carayannis, E.G., Sindakis, S. and Walter, C. (2015), "Business model innovation as lever of organizational sustainability", *The Journal of Technology Transfer*, Vol. 40 No. 1, pp. 85-104.
- Carrasco, I. and Buendía-Martínez, I. (2016), "From the business strategy result to a source of economic development: the dual role of csr", *Journal of Small Business Strategy*, Vol. 26 No. 1, pp. 69-86.
- De Santis, F. and Presti, C. (2018), "The relationship between intellectual capital and big data: a review", *Meditari Accountancy Research*, Vol. 26 No. 3, pp. 361-380.
- Dicuonzo, G., Donofrio, F., Rinaldo, S., & Dell'Atti, V. (2022). The effect of innovation on environmental, social and governance (ESG) practices. *Meditari Accountancy Research*, 30(4), 1191-1209.
- Do, Y. and Kim, S. (2020), "Do higher-rated or enhancing ESG of firms enhance their long-term sustainability? Evidence from market returns in Korea", *Sustainability*, Vol. 12 No. 7, pp. 1-22.
- Drempetic, S., Klein, C. and Zwergel, B. (2019), "The influence of firm size on the ESG score: corporate sustainability ratings under review", *Journal of Business Ethics*, Vol. 167 No. 2, doi: 1007/10/s10551-019-04164-1.
- Du, K.R. and Li, J.K. (2019), "Towards a green world: how do green technology innovations affect total factor carbon productivity", *Energy Policy*, Vol. 131, pp. 240-250.
- European Commission (2008), *European Competitiveness Report*, European Commission Enterprise and Industry, available at: www.eurosfair.prd.fr/7pc/doc/1251892016_competitivite_ue_2008.pdf
- Fakhari, H. Malekian, E. and Jafai Rahani, M. (2016). Explaining and ranking the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting by the hierarchical analysis method in companies admitted to the stock exchange. *Two Quarterly Journals of Value and Behavioral Accounting*, 2(4), 153-187.
- Fernandez, S., Torrecillas, C. and Labra, R.E. (2021), "Drivers of eco-innovation in developing countries: the case of Chilean firms", *Technological Forecasting and Social Change*, Vol. 170, doi: 1016/10/j. techfore.120902/2021.
- García-Sánchez, I.M., Gallego-Álvarez, I. and Zafra-Gómez, J.L. (2021), "Do independent, female and specialist directors promote eco-innovation and eco-design in agri-food firms?", *Business Strategy and the Environment*, Vol. 30 No. 2, pp. 1136-1152.

- García-Sánchez, I.M., Oliveira, M.C. and Martínez-Ferrero, J. (2020), "Female directors and gender issues reporting: the impact of stakeholder engagement at country level", *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, Vol. 27 No. 1, pp. 369-382.
- Gerami, A. and Dhahabi, M. (1401). Capital structure and environmental, governance and social performance of the company in the companies admitted to the stock exchange. *Accounting and Management Perspective*, 5(75), 52-63.
- Hijazi, R. Ali Zadeh Aghdam, S. and Yousefi Asal, F. (2019). Stakeholder power and environmental disclosure. *Health Accounting*, 9(2)(24), 25-45.
- Ilyas, I.M. and Osiyevskyy, O. (2021), "Exploring the impact of sustainable value proposition on firm performance", *European Management Journal*, doi: 1016/10/j.emj.09/009/2021.
- Kunz, N.C., Moran, C.J. and Kastle, T. (2013), "Conceptualising 'coupling' for sustainability implementation in the industrial sector: a review of the field and projection of future research opportunities", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 53, pp. 69-80.
- Lombardi, R., Cosentino, A., Sura, A. and Galeotti, M. (2021), "The impact of the EU directive on nonfinancial information: novel features of the Italian case", *Meditari Accountancy Research*, doi:1108/10/MEDAR-06-2019-0507.
- Melinda, A. and Wardhani, R. (2020), "The effect of environmental, social, governance, and controversies on firms' value: evidence from Asia", *Advanced Issues in the Economics of Emerging Markets*, Vol. 27.
- Meyer, J. and Roman, B. (1991), "Institutionalized organizations: formal structure as myth and ceremony", *The new institutionalism in organizational analysis*, The University of Chicago Press, Chicago, pp. 1-91.
- Mithani, M.A. (2017), "Innovation and CSR – do they go well together?", *Long Range Planning*, Vol. 50 No. 6, pp. 699-711.
- Namazi, M. and resident, F. (2018). Investigating the mediating role of innovation challenges in the relationship between innovation structures and financial and economic performance of the company. *Financial Accounting Research*, 10(4)(38), 79-103.
- Nowak, A., Leymann, F. and Schumm, D. (2011), "The differences and commonalities between green and conventional business process management", *Institute of Architecture of Application Systems*, Institute of Architecture of Application Systems, doi: 1109/10/DASC.105/2011.
- Pakdelan, S. Azarbrahman, A. and Ziyai, Za. (1400). Investigating the relationship between corporate governance indicators on environmental disclosure and social responsibility disclosure. *Shabak*, 7(5)(62), 11-20.

- Tahriri, A. and Afsai, A. (1400). The impact of environmental, social and governance disclosure on the auditor's effort and audit quality. *Accounting Knowledge*, 12(3)(46), 69-88.
- Taleb-Niya, Q. Alikhani, R. and Maran-Jouri, M. (2011). Assessing the quantity and nature of disclosure of environmental and social accounting information in Iran. *Accounting and auditing reviews*, 19(69), 43-60.
- Xu, J., Liu, F. and Shang, Y. (2021), "R&D investment, ESG performance and green innovation performance: evidence from China", *Kybernetes*, Vol. 50 No. 3, pp. 737-756.
- Ying, Z. and Xin-Gang, Z. (2021), 'The impact of renewable portfolio standards on carbon emission trading under the background of China's electricity marketization reform', *Energy*, Vol. 226, p. 120322.
- Yue Xia, Md Gapar Md Johar, How external factors influence organisational digital innovation: Evidence from China, *Technology in Society*, Volume 81, 2025, 102802, ISSN 0160-791X, <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2024.102802>.
- Zhai, Y.M., Sun, W.Q., Tsai, S.B., Wang, Z., Zhao, Y. and Chen, Q. (2018), "An empirical study on entrepreneurial orientation, absorptive capacity, and SMEs' innovation performance: a sustainable perspective", *Sustainability*, Vol. 10 No. 2, doi: 3390/10/su10020314.
- Zhang, F., Qin, X. and Liu, L. (2020a), "The interaction effect between ESG and green innovation and its impact on firm value from the perspective of information disclosure", *Sustainability*, Vol. 12 No. 5, doi: 3390/10/su12051866.
- Zhang, Y., Sun, J., Yang, Z. and Wang, Y. (2020b), "Critical success factors of green innovation: technology, organization and environment readiness", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 264, p. 121701, doi: 1016/10/j.jclepro.121701/2020.



Paper type: Research Article

Investigating the Relationship between Management Turnover, Credit Risk and Performance in Companies Subject to Article 44 before and after the Transfer between 2015 and 2021

Mohsen Hamidian^{1*}, Mansour Khojasteh Ahvazi²

Received: 2024/07/06

Accepted: 2025/01/02

Abstract

The opportunistic behavior of credit risk, as well as the performance of companies, is strongly challenged by the fundamental changes in a country such as the creation of the privatization process and also the managers turnover at the top of the board of directors. The new CEO can significantly affect the company's activities and ultimately increase value creation. However, the new CEO also brings considerable uncertainty to the company, which can affect its credit risk. The purpose of this research was to investigate the relationship between management turnover, credit risk and performance in companies subject to Article 44 before and after the transfer between 2015 and 2021. The statistical method used in this research was multivariable regression method using panel data method. In this research, the sample included three groups of companies that were transferred through the stock exchange and over-the-counter (OTC), negotiation and auction methods. The data of the research was collected and tested between 2015 and 2021. The results of the findings showed that there was an inverse and significant relationship between the company management turnover and credit risk, return on assets, return on equity and company equity in companies that were transferred through Article 44. Moreover, the results of the comparison between the companies transferred through the three methods of stock exchange, OTC, negotiation and auction indicated that companies that were transferred through the stock exchange and OTC have performed better than other methods.

Keyword: Management Turnovers, Credit Risk, Firm Performance, privatization.



10.71600/JACGR.2024.



How to cite this article: Hamidian, M; Khojasteh Ahvazi, M (2024). Investigating the Relationship between Management Turnover, Credit Risk and Performance in Companies Subject to Article 44 before and after the Transfer between 2015 and 2021. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(8),55-72. (In Persian)

1. Associate Prof, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author: hamidian_2002@yahoo.com

2. PhD. Candidate, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: پژوهشی

بررسی رابطه تغییر مدیریت با ریسک اعتباری و عملکرد در شرکتهای مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از
واگذاری بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰

محسن حمیدیان^{۱*}، منصور خجسته اهوازی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

چکیده

رفتنار فرصت طلبانه ریسک اعتباری و همچنین عملکرد شرکت‌ها، با تغییر بنیادی یک کشور مانند ایجاد فرایند خصوصی سازی و همچنین جابجایی مدیران در راس هیئت مدیره به شدت به چالش کشیده می شود. مدیرعامل جدید می تواند فعالیت های شرکت را به شیوه ای معنی دار تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت ارزش آفرینی را نیز افزایش دهد. با این حال، مدیرعامل جدید نیز عدم قطعیت قابل توجهی برای شرکت به ارمغان می آورد که می تواند بر ریسک اعتباری آن مؤثر باشد. هدف این تحقیق بررسی رابطه تغییر مدیریت با ریسک اعتباری و عملکرد در شرکتهای مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از واگذاری بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ می باشد. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق روش رگرسیون چند متغیره به شیوه پانل دیتا است. برای انجام این تحقیق نمونه شامل سه گروه از شرکتهایی است که به روش واگذاری از طریق بورس و فرابورس، مذاکره و مزایده واگذار شده اند. داده های این پژوهش در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا سال ۱۴۰۰ گردآوری و مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج حاصل از یافته ها نشان داد بین تغییر مدیریت شرکت با ریسک اعتباری، بازدهی دارایی ها، بازدهی حقوق صاحبان سهام و ارزش ویژه شرکت در شرکتهایی که از طریق اصل ۴۴ واگذار شده اند رابطه ای معکوس و معنی دار وجود دارد. همچنین نتایج مقایسه ای بین شرکتهای واگذار شده از سه روش بورس و فرابورس، مذاکره و مزایده واگذار شده اند؛ شرکتهایی که از طریق بورس و فرابورس واگذار شده اند عملکرد بهتری نسبت به سایر روش ها داشته اند.

واژه های کلیدی: تغییر مدیریت شرکت، ریسک اعتباری، عملکرد شرکت، خصوصی سازی.



10.71600/JACGR.2024.



استناد: حمیدیان، محسن و خجسته اهوازی، منصور. (۱۴۰۳). بررسی رابطه تغییر مدیریت با ریسک اعتباری و عملکرد در شرکتهای مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از واگذاری بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰. پژوهش های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۸)، ۷۲ - ۵۵.

۱. دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: hamidian_2002@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

کشورهای مختلف دنیا، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را با اجازه دادن به سرمایه‌های خصوصی ترویج کرده‌اند و بیشتر آنها مانند ایتالیا و اقتصادهای در حال گذار اروپای مرکزی به نتایج مثبتی دست یافتند (لین^۱، ۲۰۲۱). با این حال، پیامدهای منفی نیز در برخی از کشورها مانند روسیه دیده شده است؛ که به جای معرفی خصوصی‌سازی به صورت گام‌به‌گام، همانطور که چین انجام داده است، استراتژی «شوکرمانی» را اتخاذ کردند. (پان و همکاران^۲، ۲۰۲۳). هدف اصلی اصلاحات مالکیت این است که انواع مختلف شرکت‌ها را قادر سازد تا با ایجاد یک محیط منصفانه و رقابتی و تقویت حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی، توانایی‌های خود را به حداکثر برسانند. برای این منظور، باید مرکز ثقل اقتصاد را از بنگاه‌های دولتی به سمت بنگاه‌های خصوصی با خصوصی‌سازی و ارتقای رشد شرکت‌های خصوصی تغییر داد و همچنین دولت را از کسب‌وکار از طریق محدود کردن دخالت‌ها جدا کرد (کوان^۳، ۲۰۲۰).

در ایران نیز یکی از راه‌های دستیابی به توسعه پایدار، انتقال مالکیت از مالکیت دولتی به مالکیت خصوصی بیان شده است (جوهری، ۱۳۹۷). در اقتصاد ایران ۸۰ درصد سهام کارخانه‌ها و بنگاه‌های بزرگ دولتی مشمول اصل خصوصی‌سازی می‌شوند (سعیدی و بابالویان، ۱۳۹۱). تصویب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مجلس شورای اسلامی ایران نیز گویای همین امر است. در حوزه بورس نیز یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروز در بورس اوراق بهادار تهران مطرح است مسئله خصوصی‌سازی است و با توجه به تأثیر ورود این‌گونه از شرکت‌ها به بازار اوراق بهادار تهران ضرورت ایجاد می‌نماید تا تحقیقاتی در این زمینه صورت گیرند که بتوانند راهکارهایی برای افزایش کارایی شرکت‌هایی که با توجه به اصل ۴۴ در بورس اوراق بهادار تهران واگذار شده‌اند ارائه داد و موجب افزایش بازدهی و کارایی این شرکت‌ها شد (ودیدی، ۱۳۸۷).

اما یکی از موضوعاتی که می‌تواند این فرایند را تحت تأثیر قرار دهد، موضوع تغییر و جابجایی مدیران است (وانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۴). یافته‌های گذشته در مورد تأثیر جابجایی هیئت‌مدیره محدود و مبهم است که نیاز به انجام تحقیقات سیستماتیک‌تر برای توضیح عملکرد شرکت پس از جابجایی و در نظر گرفتن شرایطی که بر این رابطه تأثیر می‌گذارد را نشان می‌دهد. به عنوان مثال با تکیه بر تئوری پردازش اطلاعات، تأثیر منفی جابجایی مدیران بر عملکرد شرکت در آینده به دلیل اختلال در توانایی بسط اطلاعات هیئت‌مدیره است (وانگ و همکاران^۵، ۲۰۲۳). به‌طور کلی اما در اغلب شرکت‌ها در سال‌های اخیر، تغییرات مدیرعامل، رویدادی بسیار قابل مشاهده بوده و به عنوان پدیده آتی شرکت از آن یاد شده است. احتمالاً مدیرعامل جدید می‌تواند فعالیت‌های شرکت را به شیوه‌ای معنی‌دار تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت سود را نیز افزایش دهد. با این حال، مدیرعامل جدید نیز عدم قطعیت قابل توجهی برای شرکت به ارمغان می‌آورد که می‌تواند بر ریسک اعتباری آن مؤثر باشد (پان و همکاران، ۲۰۱۳). تغییر مدیریت شرکت با ریسک اعتباری، ارزش ویژه هر سهم، بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام در ارتباط می‌باشد، یعنی هرچقدر در یک شرکت تغییرات مدیریتی بیشتر وجود داشته باشد احتمال اینکه بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی‌ها افزایش یابد کمتر خواهد بود (ژانگ و همکاران^۶، ۲۰۲۴). و همچنین با تغییر در مدیریت شرکت احتمال آن می‌رود که ریسک اعتباری افزایش یابد زیرا با توجه به این مطلب که مدیریت جدید هنوز با شرایط درونی شرکت آشنایی پیدا نکرده است و با شرایط بیرونی شرکت و همچنین صنعتی که به آن وارد شده است ناآشنا می‌باشد در این صورت توانایی مدیریت نسبت به سودآوری آتی نیز کاهش خواهد یافت و در زمانی که تغییر در مدیریت شرکت وجود داشته باشد با توجه به ناآشنایی مدیریت و ائتلاف زمان برای آشنایی مدیریت با حساب‌ها و اوضاع مالی شرکت و همچنین تسلط بر شرایط و اثرات تغییر در مدیریت احتمال ریسک اعتباری شرکت بالاتر خواهد رفت (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ تینگ^۷، ۲۰۱۱). بر این

1 Lin

2 Pan et al

3 KWAN

4 Wang et all

5 Wong et al

6 Zhang et al

7 Ting

اساس در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا زمانی که تغییر مدیریت شرکت در شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از واگذاری افزایش می‌یابد ریسک اعتباری و عملکرد شرکت نیز افزایش خواهد یافت یا خیر؟

مبانی نظری و فرضیه های پژوهش

چبجوکه و همکاران^۱ (۲۰۲۳) به بررسی عملکرد شرکت و جابجایی مدیرعامل پرداختند. نتایج نشان داد که عملکرد شرکت با جابجایی مدیرعامل رابطه منفی و معناداری دارد. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های منتخب مدیرعامل، یعنی تجربه و سن مدیریت، رابطه بین عملکرد شرکت و جابجایی مدیرعامل را تعدیل می‌کند.

وانگ و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی رویکرد اقتضایی در مورد تأثیر تغییر هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت پرداختند. نتایج نشان داد که تغییر هیئت‌مدیره بر عملکرد آتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و دفعات جلسات هیئت‌مدیره قبل از جابجایی، تنوع شغلی هیئت‌مدیره، قدرت مدیرعامل نسبت به هیئت‌مدیره و دوره تصدی هیئت‌مدیره این تأثیر منفی را تعدیل می‌کند.

وانگ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی ملی‌سازی شرکت‌های خصوصی و ریسک اعتباری: شواهدی از اصلاحات مالکیت مختلط در چین پرداختند. نتایج نشان داد که اجرای ملی‌سازی شرکت‌های خصوصی، ریسک اعتباری را افزایش می‌دهد و این اثر در طول زمان از یک قاعده U شکل معکوس پیروی می‌کند. آزمون‌های دیگر نشان می‌دهد که اثر ملی‌سازی شرکت‌های خصوصی بر ریسک اعتباری عمدتاً از طریق سه کانال: ۱- تضعیف حاکمیت شرکتی، ۲- تشدید گسترش بدهی و ۳- کاهش کارایی سرمایه‌گذاری عمل می‌کند.

بویکری و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی مالکیت دولتی پس از خصوصی‌سازی و ریسک پذیری بانک پرداختند. نتایج نشان داد که بانک‌های خصوصی شده سطوح بالاتری از ریسک‌پذیری را پس از خصوصی‌سازی نسبت به همتایان غیرخصوصی شده‌شان دارند. علاوه بر این، بانک‌های نیمه خصوصی شده سطوح بالاتری از ریسک‌پذیری را نسبت به بانک‌های کاملاً خصوصی شده نشان می‌دهند. همچنین بین سطح مالکیت باقیمانده دولتی و ریسک پذیری رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌شود.

نتایج تحقیق بروکمن (۲۰۰۹) در بررسی رابطه بین تغییر مدیریت با ریسک نکول و ارزش شرکت نشان‌دهنده وجود رابطه معکوس و معنادار بین تغییر مدیریت با ریسک نکول و وجود رابطه مستقیم و معنادار بین ارزش شرکت با تغییر مدیریت است.

خواجه حسنی و همکاران ۱۴۰۳ به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر رابطه بین چرخش مدیر عامل و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که چرخش مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد همچنین یافته‌ها بیانگر این بود که استقلال هیات مدیره، اندازه هیات مدیره و تعداد جلسات هیات مدیره بر رابطه بین چرخش مدیر عامل و عملکرد شرکت تأثیر مثبتی دارد و در نهایت تنوع جنسیتی مدیرعامل بر رابطه بین چرخش مدیر عامل و عملکرد شرکت تأثیر معناداری ندارد. یافته‌های تحقیق ضمن پر کردن خلاء تحقیقاتی صورت گرفته در این حوزه می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و سایر ذینفعان اطلاعات حسابداری در امر تصمیم‌گیری راهگشا باشد.

صفرزاده و همکاران ۱۴۰۱ به بررسی تأثیر تغییر مدیریت بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که تغییر مدیریت بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنادار و مثبتی دارد.

بهرامی ۱۴۰۰ به بررسی تأثیر خصوصی سازی بر سودآوری شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که خصوصی سازی تأثیری بر نرخ بازده دارایی‌ها ندارد و همچنین خصوصی سازی تأثیر بر بازده حقوق صاحبان سهام نیز ندارد. بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که شرکت های خصوصی شده سیاست های صحیح و تدابیر لازم و اقدامات مؤثر در جهت به کارگیری روش ها و فنون مدیریت برای افزایش سودآوری شرکت های دولتی خصوصی شده اتخاذ نمایند.

بیداری و فنایی (۱۴۰۰) در بررسی اثر تغییر مدیرعامل بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه، نشان دادند تغییر مدیرعامل تأثیر معکوس و معناداری بر عملکرد و ارزش شرکت‌ها دارد.

طاهر پور و همکاران ۱۳۹۹ به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر تغییرهای عملکرد و کارکرد شرکت‌های عرضه‌شده در بازار سرمایه ایران پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که خصوصی‌سازی در ارتقای عملکرد و کارکرد اسمی بنگاه‌ها موثر است، ولی به توسعه عملکرد و کارکردهای حقیقی بنگاه‌ها منجر نمی‌شود. شکل‌گیری حاکمیت شرکتی، ماهیت سهامدار غالب پس از خصوصی‌سازی، نوع کنترل مدیریت بر کیفیت، و جهت تأثیر خصوصی‌سازی بر تغییرهای عملکرد و کارکرد بنگاه‌ها موثر است.

رشیدی (۱۳۹۹) در بررسی نقش توانایی مدیران در تعدیل شرایط اعتباری و کاهش پراکندگی بازده سهام نشان داد توانایی مدیران تأثیر معناداری بر استفاده از شرایط مبتنی بر عملکرد در قراردادهای اعتباری دارد؛ همچنین تأثیر توانایی مدیران بر سررسید بدهی شرکت‌ها، تأیید شده است و ریسک محدودیت مالی تأثیر معناداری بر ارتباط بین توانایی مدیران و پراکندگی بازده ندارد.

جامی و همکاران ۱۳۹۸ به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر سود تقسیمی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج نشان داد که میانگین عملکرد مالی و سود تقسیمی شرکتها قبل از خصوصی‌سازی با میانگین عملکرد مالی و سود تقسیمی شرکتها بعد از خصوصی‌سازی تفاوت معنی داری وجود دارد.

خوش‌طینت و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی ارتباط بین شاخص‌های مالی و تغییر مدیرعامل، نشان دادند شاخص‌های مالی شرکت‌ها رابطه معکوس معنی‌داری با احتمال تغییر مدیرعامل در این شرکت‌ها دارد. بر اساس شاخص نایجل کرک در رگرسیون لوچیت عملکرد مالی در حدود ۱۰ درصد و سایر عوامل بیش از ۹۰ درصد تغییرات مدیرعامل در شرکت‌های مورد بررسی را تبیین نموده است.

رستمی و عباسی اصل (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین تغییر مدیریت شرکت با ریسک نکول و عملکرد شرکت، نشان می‌دهند که بین تغییر مدیریت شرکت با ریسک نکول رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین رابطه تغییر مدیریت با سه معیار ارزیابی عملکرد یعنی بازدهی دارایی‌ها، بازدهی حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی به صورت معکوس و معنادار می‌باشد. سعیدی و بابالویان (۱۳۹۱) در بررسی عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ عرضه شده در بورس اوراق بهادار تهران قبل و بعد از خصوصی‌سازی، نشان می‌دهند که هیچ‌یک از معیارهای عملکردی قبل و بعد از واگذاری تفاوت معناداری ندارد و عملکرد مالی شرکت‌های واگذار شده مشمول اصل ۴۴ که در بورس اوراق بهادار تهران عرضه شده‌اند، بعد از واگذاری بهبود نیافته است.

فرایند خصوصی‌سازی

به‌طور کلی علت اصلی نابرابری بین شرکت‌هایی که تحت انواع مختلف مالکیت فعالیت می‌کنند این است که دولت کنترل بخش عمده‌ای از منابع کشور را که بیشتر آن را به شرکت‌های دولتی تخصیص می‌دهد، حفظ می‌کند. این منابع شامل (۱) منابعی که به دلیل اثر شبکه قوی منجر به انحصار می‌شوند، (۲) زمین و سایر منابع طبیعی، (۳) مجوزهای ویژه برای مشاغلی که نیاز به مجوز ورود به بازار دارند، (۴) منابع مرتبط با سرمایه‌گذاری، (۵) منابع مربوط به صندوق‌های صنعتی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، (۶) حقوق تعیین قیمت و (۷) دارایی‌های دولتی تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم؛ بنابراین به دلیل این نقاط ضعف، هدف خصوصی‌سازی گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به اقتصاد بازار است، تغییر از مالکیت عمومی با محوریت شرکت‌های دولتی به مالکیت خصوصی با محوریت شرکت‌های خصوصی و سایر شرکت‌های غیردولتی راهی است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد. به‌طور کلی، این امر از طریق خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و رشد شرکت‌های خصوصی حاصل می‌شود (کوان، ۲۰۲۰).

واژه خصوصی‌سازی در سال ۱۹۸۳ برای اولین بار در فرهنگ لغات و ادبیات دانشگاهی بدین‌صورت تعریف شده است. خصوصی‌سازی عبارت است از تغییر کنترل یا مالکیت از سیستم دولتی به سیستم خصوصی. همچنین در تعریفی دیگر فروش یا انتقال مالکیت صنایع ملی شده، دارایی‌های دولتی و دیگر مؤسسات تجاری و اقتصادی دولتی به سرمایه‌گذاران خصوصی یا بدون از دست دادن کنترل بر روی این سازمان‌ها خصوصی‌سازی گفته می‌شود. خصوصی‌سازی فرآیندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها در بسیاری از کشورها برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا در می‌آورند. طبق ادبیات خصوصی‌سازی، هدف خصوصی‌سازی در سه حوزه مالی، اقتصادی و اجتماعی سیاسی شامل افزایش کارایی بنگاه‌ها، توزیع مناسب درآمد، کوچک‌سازی دولت، توانمندسازی بخش خصوصی، گسترش بازار سرمایه، افزایش رقابت، تأمین منافع مصرف‌کنندگان از طریق واگذاری مالکیت و مدیریت

بنگاه‌های اقتصادی دولتی با بخش غیردولتی است (کریم و همکاران، ۱۳۹۴). در ایران نیز بر اساس مصوبه مورخه ۱۳۷۰/۴/۱۶ و با توجه به اصول ۳۴ و ۱۳۸ قانون اساسی و اهداف برنامه ۵ ساله اول، به منظور ارتقای کارایی فعالیت‌ها و کاهش حجم تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی، سیاست واگذاری سهام متعلق به دولت به سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی تصویب شد. همچنین مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی متکی است و حدود هر بخش مشخص شده است و مطابق با این اصل در سال‌های بعدی واگذاری همه سهام دولتی و متعلق به دولت در ۵۳۱ شرکت مجاز اعلام شد که در سال ۱۳۸۵ در راستای اجرای اصل ۴۴، سهام شرکت ملی صنایع مس به عنوان اولین شرکت در بورس اوراق بهادار عرضه شد (سعیدی و بابالویان، ۱۳۹۱).

تغییر مدیریت و ریسک اعتباری

اعتبار معرف مقدار پولی است که در تاریخی در آینده پرداخت خواهد شد و از آن جهت که ممکن است پرداخت‌های مورد انتظار محقق نشوند، ریسک اعتباری وجود دارد (رزمی و همکاران، ۱۴۰۱). به عبارتی ریسک اعتباری احتمال زیان ناشی از اعطای اعتبارات در نتیجه عدم تحقق تعهدات قرارداد در اثر عدم تمایل طرف مقابل قرارداد به انجام آن یا عدم توانایی برای بازپرداخت یا به هر دلیل دیگری است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱). این ریسک به نوعی حامل مفهوم مخاطره اخلاقی بعد از انعقاد قرارداد است. ریسک اعتباری از آن جهت حائز اهمیت است که بانک‌ها با استفاده از اقلام بدهی در ترانزنامه خود شامل بدهی به سهامداران، بانک مرکزی، سایر بانک‌ها و سپرده‌های افراد به اعطای اعتبار و تسهیلات می‌پردازند و اگر این اعتبار دهی منجر به بلوکه شدن دارایی‌های بانکی یا به عبارتی افزایش تسهیلات غیر جاری شود، توانایی بانک در کسب درآمد و نیز تأدیه بدهی هایش تضعیف می‌شود. از این جهت مدیریت مناسب ریسک اعتباری متضمن وجود یک نظام سالم با پایین بودن احتمال ورشکستگی، ناتوانی و درماندگی مالی معتقدند کاهش ریسک خواهد بود (حیدرزاده هنزائی، ۱۴۰۱).

تا به امروز، تعداد زیادی از ادبیات به طور گسترده عوامل تعیین‌کننده ریسک اعتباری (ریسک نکول) شرکت‌ها را بررسی کرده‌اند. بررسی ادبیات نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات موجود، اثرات محرک عوامل درون‌زا مانند نقدشوندگی سهام (بروگارد و همکاران^۱، ۲۰۱۷)، حاکمیت شرکتی (سویتزر و همکاران^۲، ۲۰۱۸)، اهرم مالی (کاتکارد و همکاران^۳، ۲۰۲۰) و افشای اطلاعات (وانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۱) را بررسی کرده‌اند. همچنین بخش دیگری از ادبیات تأثیر آنها بر نکول شرکت را از منظر عوامل برون‌زا، مانند خطر اخلاقی (کاستیلو و همکاران^۵، ۲۰۲۰)، قوانین مالی و تسهیل کمی (هسو و چن^۶، ۲۰۲۲) بررسی کرده است.

به طور کلی، مطالعات قبلی به طور کامل پیچیدگی محرک‌های ریسک اعتباری شرکت‌ها را در نظر نگرفته‌اند. یعنی علاوه بر این عوامل تغییرات و جابجایی مدیران و همچنین این جابجایی در شرکت‌های واگذاری شده می‌تواند بر ریسک اعتباری مؤثر باشد. در واقع، رفتار فرصت‌طلبانه نکول در فرآیند کسب و کار شرکت‌ها، علاوه بر عواملی که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، با تغییر نهادی یک کشور نیز به شدت به چالش کشیده می‌شود. علاوه بر این، در طول این فرآیند، مکانیسم‌های تأثیرگذار نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است که گاهی نتایج متناقضی را به دنبال دارد به عنوان مثال تغییر مالکیت، به عنوان شکل خاصی از تغییر نهادی، تاکنون به دلیل اثرات متفاوت آن بر ریسک نکول شرکت مورد مطالعه قرار نگرفته است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲).

بر اساس تئوری، اقتصادی بخش خصوصی از انگیزه بالایی برای کار و تلاش و کسب سود برخوردار است و از نیروی انسانی، سرمایه و سایر عوامل تولید حداکثر استفاده را میکند این بخش هزینه‌های تولید کمتر و بازدهی و سودآوری بیشتری نسبت به بخش عمومی دارد و سیستم حاکم بر هزینه‌ها و درآمدهای آن که بر اساس اصل سودآوری سامان یافته، از نظر استفاده بهینه از منابع توجه

1 Brogaard et al

2 Switzer

3 Cathcart et al

4 Wang et al

5 Castillo et al

6 Hsu & Chen

خاصی داشته تا کارایی و اثر بخشی مناسبتری را برای اقتصاد به ارمغان می آورد. در نهایت با توسعه خصوصی سازی به اصلاح الگوی مصرفی پرداخته میشود که مهمترین عامل سوق دهنده آن سودآوری بیشتر است (شبروانی، ۱۳۹۷).

در دهه ۱۹۵۰ فعالیتهای اقتصادی دولتها بسیار مطلوب و اثر بخش بود اما با گسترش دامنه فعالیت ها در دهه ۱۹۸۰، مشکلاتی نظیر ضعف سیستم مدیریت عدم وجود انگیزه در کارکنان تعدد اهداف عملیاتی عدم حمایت‌های کارا، عدم وجود سیستم حسابرسی مناسب و ... بر فعالیتهای اقتصادی دولتها تأثیر مخرب گذاشت و موجب عدم موفقیت آنها در تحقق اهدافشان گردید این مشکلاتی که گریبان دولتها را گرفت باعث شد تا دولتها با اقداماتی نظیر: حذف حمایت شرکتهای از رقابت داخلی و خارجی، حذف اهداف غیرتجاری شرکتهای، از بین بردن امکان دستیابی شرکتهای به تسهیلات ارزان، ایجاد استقلال در مدیریت و اداره شرکتهای و ... بدون انتقال مالکیت و مدیریت نگاههای دولتی به افزایش کارایی و بهره وری آنها بپردازند اما در اکثر کشورها این سیاست با شکست مواجه شد زیرا در سازمانهای دولتی افزایش کارایی، تضمین استقلال مدیریت به بکارگیری انضباط مالی کاری بسیار سخت است (حسن پور، ۱۳۹۷). در نتیجه گرایش به سوی انجام سیاستهای آزادسازی، مقررات زدایی و خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت و مدیریت جهت مقابله با مشکلات اقتصادی و افزایش کارایی، به طور گسترده مورد توجه دولتهای سرتاسر دنیا قرار گرفت. در ایران به منظور ارتقاء کارایی فعالیتهای کاهش حجم تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی و خدماتی غیرضروری و نیز ایجاد تعادل اقتصادی و استفاده بهینه از امکانات کشور در سال ۱۳۷۳ سیاست واگذاری سهام متعلق به دولت و سازمانها و شرکتهای دولتی تصویب شد اما از آن زمان تا کنون موفقیت سیاست خصوصی سازی و اجرای آن به یکی از پیچیده ترین دغدغه های اقتصادی مدیران تبدیل شده و در حال حاضر به نحو کارا و اثر بخش اجرا نشده است صاحب نظران خصوصی سازی هر کدام از ابعاد خاصی به تقسیم بندی اهداف خصوصی سازی پرداخته اند. برای نمونه هنری گیبون^۱ اهداف خصوصی سازی را در موارد زیر بیان میدارد (شبروانی، ۱۳۹۷):

۱- افزایش کارایی از طریق رقابتی کردن هر چه بیشتر کالاها و خدمات به نفع مصرف کنندگان ۲- افزایش و گسترش مالکیت در جامعه دستیابی به بالاترین ارزش در مورد کالا یا خدماتی که دولت آن را میفروشد

حال با عنایت بر آنچه که ارائه گردید یکی از مباحث چالش برانگیز خصوصی سازی در ایران این است که ادعا می شود خصوصی سازی بر عملکرد و ریسک اعتباری و دیگر متغیرهای بنگاههای مشمول و واگذاری اثرات متفاوتی داشته است. بنابراین با توجه به اهمیت ویژه خصوصی سازی در این تحقیق به بررسی رابطه تغییر مدیریت با ریسک اعتباری و عملکرد در شرکتهای مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از واگذاری بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ پرداخته شده است.

همچنین در مورد جابجایی مدیران نیز می توان گفت، از آنجایی که افزایش طول مدت حضور مدیرعامل شرکت به عنوان تصمیم گیرنده شرکت و افزایش دوران تصدی این فرد باعث افزایش حس مسئولیت پذیری اش نسبت به کنترل و نظارت بر تصمیمات اتخاذ شده می گردد و نحوه اجرای برنامه ها نیز هماهنگ و هدفمند می شود و در نهایت باعث آشنایی بیشتر آنها با ویژگی های شرکت و شناخت بیشتر فرصت ها و تهدیدهای پیش روی شرکت خواهد شد که نسبت به تصمیمات اتخاذ شده و کنترل برنامه های آن حساسیت بیشتری را از خود نشان دهند (کومار و همکاران، ۲۰۲۴). از سوی دیگر در صورتی که مدیرعامل تغییر بیشتری داشته باشند در این صورت به دلیل ناآشنایی با شرایط داخلی و خارجی شرکت و نوع صنعتی که به آن وارد شده باعث افزایش ریسک های تجاری و غیرتجاری شرکت می گردند و آنچه قدر مسلم به نظر می رسد این مطلب است که در صورتی که تغییر این فرد افزایش یابد زمانی که شخص دیگری جایگزین می گردد به علت اینکه می خواهد قابلیت های فردی خود را سریعاً به رخ دیگران بکشد و خود را به اثبات برساند با پذیرش ریسک بیشتر باعث افزایش ریسک نکول در شرکت شده و همچنین با کاهش تغییر مدیریت عملکرد شرکت نیز بهبود خواهد یافت (رستمی و عباسی اصل، ۱۳۹۴). بر این اساس فرضیه اول به شرح زیر ارائه می شود:

فرضیه اول: تغییر در مدیریت با ریسک اعتباری در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

تغییر مدیریت و عملکرد شرکت

مدیرعامل را مغز متفکر کسب و کار شرکت می‌دانند. دلیل این که هرگونه اقدام انجام شده توسط مدیرعامل و یا اقدام انجام گرفته شده علیه مدیرعامل شرکت، بر راهبرد شرکت، سیاست‌ها و عملکرد آینده آن تأثیر خواهد داشت (خوش‌طینت و همکاران، ۱۳۹۷). با مراجعه به مبانی نظری می‌توان دریافت، مطالعات بسیار گسترده و جالبی در این زمینه انجام شده که هریک از آنها با توجه به مسائل و مباحث گوناگون موجود در این رابطه به این موضوع توجه نموده‌اند. معمولاً مدیران عامل، مواضع خود را به دلایل مختلف، از جمله عملکرد ضعیف که یکی از شایع‌ترین دلایل برکناری است، از دست می‌دهند (بیداری و همکاران، ۱۴۰۰). برخی از اولین مطالعات در مورد تغییر مدیرعامل شرکت و عملکرد شرکت در دهه ۱۹۸۰ انجام شده‌اند. بسیاری از این مطالعات به این نتیجه دست‌یافته‌اند که شرکت‌های با عملکرد ضعیف، با احتمال بیش‌تری تغییر مدیرعامل را تجربه کرده‌اند (خوش‌طینت و همکاران، ۱۳۹۷).

در مورد اثرات تغییر مدیریت بر عملکرد شرکت نظرات مختلفی ارائه شده است. یافته‌های گذشته در مورد تأثیر جابجایی هیئت‌مدیره محدود و مبهم است که نیاز به انجام تحقیقات سیستماتیک‌تر برای توضیح عملکرد شرکت پس از جابجایی و در نظر گرفتن شرایطی که بر این رابطه تأثیر می‌گذارد را نشان می‌دهد. با تکیه بر تئوری پردازش اطلاعات، می‌توان گفت تأثیر منفی تغییر مدیران بر عملکرد شرکت در آینده به دلیل اختلال در توانایی بسط اطلاعات هیئت‌مدیره است. علاوه بر این، هیئت‌مدیره‌هایی که قبل از جابجایی، توانایی بسط اطلاعات بالاتری را توسعه داده‌اند، بهتر می‌توانند اختلال در پردازش اطلاعات ناشی از تغییر هیئت‌مدیره را کاهش دهند. (وانگ و همکاران^۱، ۲۰۲۳). همچنین برخی دیدگاه‌ها معتقدند مدیرعامل جدید می‌تواند فعالیت‌های شرکت را به شیوه‌ای معنی‌دار تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت سود را نیز افزایش دهد. با این حال، مدیرعامل جدید نیز عدم قطعیت قابل توجهی برای شرکت به ارمغان می‌آورد (پان و همکاران، ۲۰۱۳) به بیان دیگر، تغییر مدیرعامل پدیده‌ای است که با توجه به مسائل پیش روی شرکت‌ها و بهره‌مندی مدیران از نقش نمایندگی صاحبان شرکت‌ها، می‌توان در صورت قصور مدیران، اقدام به تغییر آنها نمود و بنابراین، این پدیده دیر یا زود در هر سازمانی به چشم خواهد خورد (خوش‌طینت و همکاران، ۱۳۹۷). ژانگ (۲۰۱۳) نیز نشان می‌دهند عملکرد عملیاتی شرکت در اثر تغییر قبلی کاهش یافته و پیرو تغییر جدید بهبود یافته است.

همچنین در مورد عملکرد شرکت‌ها پس از خصوصی‌سازی نیز تحقیقاتی انجام شده است. دو دیدگاه غالب برای توضیح ناکارآمدی شرکت‌های دولتی هستند. دیدگاه سیاسی نشان می‌دهد که بارهای اجتماعی در نتیجه فشار سیاسی منجر به ناکارآمدی شرکت‌های دولتی می‌شود؛ درحالی‌که دیدگاه مدیریتی استدلال می‌کند که مسائل مربوط به نمایندگی در بین مدیران شرکت‌های دولتی مسئول این ناکارآمدی است (پان و همکاران، ۲۰۲۳). تخصیص منابع توسط دولت منجر به انحصار بازار در انحصار شرکت‌های دولتی و فضای رقابتی ناعادلانه شده است. شرکت‌های دولتی با گسترش کسب‌وکار بدون توجه به سودآوری به دلیل وضعیت خاص خود و مزایای سیاست‌های دولتی، ظرفیت تولید مازاد تولید می‌کنند و فعالیت‌های تجاری آنها نیز فعالیت‌های شرکت‌های خصوصی را تحت فشار قرار می‌دهد. این وضعیت کارایی استفاده از منابع را کاهش می‌دهد و در نتیجه ضررهای زیادی را برای اقتصاد به همراه دارد. علاوه بر این، سود به دست آمده و دارایی‌های کسب‌شده توسط شرکت‌های دولتی در نتیجه تخصیص منابع ترجیحی توسط دولت، مشکلاتی مانند سطح پایین کارایی شرکت‌ها را پوشانده است. خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی به دلیل موجب کاهش انحصار و در نتیجه بهبود فضای رقابت و افزایش سودآوری می‌شود، البته امکان دارد به دلیل ضعف حمایت‌های مالی، در کوتاه‌مدت این موضوع با شکست مواجه شود (کوان، ۲۰۲۰). نتایج تحقیق فانگ هو و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی تأثیر دوره تصدی در مدیریت عالی شرکت، کارایی شرکت و مالکیت نشان‌دهنده این بود که بین دوره تصدی در مدیریت عالی شرکت با مالکیت دولتی و کارایی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتیجه مطالعه هانگ^۲ (۲۰۱۱) نشان‌دهنده بهبود عملکرد در تمام ابعاد بعد از فرایند خصوصی‌سازی می‌باشد. در ایران نیز

1 Wong

2 Huang.z, wang

لشکری و هژبری الساداتتی (۱۳۹۱) در بررسی تأثیرات خصوصی‌سازی بانک ملت بر بازده روزانه بانک‌های خصوصی نشان دادند از میان ۹ رخدادهای مربوط به واگذاری سهام بانک ملت از طریق بورس اوراق بهادار تهران در ۸ رخداد، عکس‌العمل قابل‌ملاحظه‌ای از طرف سرمایه‌گذاران مشاهده نگردیده است و تنها در رخداد هفتم که مربوط به واگذاری بلوک ۴ درصدی سهام این بانک است شاهد کاهش معنی‌داری در بازده روزانه سهام بانک‌های خصوصی موجود در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌ایم. بر این اساس فرضیات چهارم تا ششم به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم: تغییر در مدیریت با بازدهی دارایی‌ها در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

فرضیه سوم: تغییر در مدیریت با بازدهی حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

فرضیه چهارم: تغییر در مدیریت با ارزش ویژه هر سهم در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

روش پژوهش

با توجه به تقسیم‌بندی علمی از نظر هدف این پژوهش، از نوع پژوهش کاربردی و از آنجا که موضوع این پژوهش بررسی تأثیر جریان‌های نقدی و نسبت سرمایه در گردش بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، لذا می‌توان این پژوهش را در زمره پژوهش‌های توصیفی قرارداد. از نظر تئوریک جزء پژوهش‌های اثباتی و از منظر استدلال نیز جزء قیاسی-استقرایی است. همچنین، روش شناسی پژوهش از نوع پس‌رویدادی می‌باشد، بدین معنی که پژوهش بر اساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش از صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی و همچنین از اطلاعات اولیه تابلوی بورس (گردآوری شده در نرم افزار ره آورد نوین) استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک صورت گرفت بدین صورت که شرکت‌هایی که حائز شرایط حضور در نمونه باشند به عنوان نمونه برگزیده شدند و در صورت نداشتن شرایط از نمونه کنار گذاشته خواهند شد.

نمونه آماری می‌بایست شرایط زیر را دارا باشد :

۱- بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ در راستای اصل ۴۴ واگذار شده باشند.

۲- اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش را افشا نموده باشند.

و در نهایت با توجه به شرایط در نظر گرفته شده تعداد ۷۳ شرکت به عنوان نمونه آماری برگزیده شدند.

متغیرها و مدل تحقیق

مدل آماری پژوهش

برای بررسی ارتباط بین تغییر در مدیریت شرکت با ریسک اعتباری از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$Risk_{it} = x_0 + x_1 Ceochange_{it} + x_2 Ceochange_{it-1} + x_3 Debt_{it} + x_4 Lnasset_{it} + x_5 Same - dir_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

Ceochange = تغییر در مدیریت شرکت (اگر مدیر عامل شرکت تغییر کرده باشد بر ۱ و در غیر اینصورت برابر با ۰)

Debt = نسبت بدهی‌های شرکت (کل بدهی تقسیم بر کل داراییها)

LNASSET_{it} = لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت

Same-dir = یکسان بودن مدیریت شرکت و رئیس هیئت مدیره (اگر مدیریت شرکت همان رئیس هیئت مدیره نیز باشد عدد ۱ و

در غیر این صورت عدد صفر)

Lnasset = اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم کل دارایی‌های شرکت

مدل ریسک اعتباری ریچارد تافلر

$$Risk = 1 - \frac{e^{-z-score}}{1+e^{-z-score}} \quad (۲)$$

Z-score = مدل پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن

که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$Z = 1/2X_1 + 1/4X_2 + 3/3X_3 + 0/6X_4 + 9/999X_5 \quad (۳)$$

$$\frac{\text{سرمایه در گردش}}{\text{کل دارایی}} = X_1 \quad (۴)$$

$$\frac{\text{انباشته سود}}{\text{کل دارایی}} = X_2 \quad (۵)$$

$$\frac{\text{درآمد قبل از بهره و مالیات}}{\text{کل دارایی}} = X_3 \quad (۶)$$

$$\frac{\text{ارزش حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش دفتری بدهی}} = X_4 \quad (۷)$$

$$\frac{\text{کل فروش}}{\text{کل دارایی}} = X_5 \quad (۸)$$

ریسک عدم پرداخت طبق تحقیق ریچارد تافلر در سال ۲۰۰۷ با استفاده از Z به دست آمده از مدل آلتمن که در معادله بالا قرار داده شده محاسبه خواهد شد.

در این تحقیق برای اندازه‌گیری عملکرد از سه شاخص بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش ویژه هر سهم استفاده شده است. برای آزمون فرضیه دوم مبنی بر اینکه بین تغییر در مدیریت با بازدهی دارایی‌های شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد از یک مدل رگرسیونی به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$ROA_{it} = x_0 + x_1 Ceochange_{it} + x_2 Ceochange_{it-1} + x_3 Debt_{it} + x_4 Lnasset_{it} + x_5 Same - dir_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۹)$$

بازده دارایی‌ها: برابر با سود خالص بر کل دارایی‌ها

برای آزمون فرضیه سوم مبنی بر اینکه بین تغییر در مدیریت با بازدهی حقوق صاحبان سهام شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد از یک مدل رگرسیونی به صورت زیر استفاده خواهیم نمود:

$$ROE_{it} = x_0 + x_1 Ceochange_{it} + x_2 Ceochange_{it-1} + x_3 Debt_{it} + x_4 Lnasset_{it} + x_5 Same - dir_{it} + x_7 Direct_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱۰)$$

بازده حقوق صاحبان سهام: برابر است با سود خالص بر حقوق صاحبان سهام

برای آزمون فرضیه چهارم مبنی بر اینکه بین تغییر در مدیریت با ارزش ویژه هر سهم رابطه معنی‌داری وجود دارد از یک مدل رگرسیونی به صورت زیر استفاده خواهیم نمود:

$$NVS_{it} = x_0 + x_1 Ceochange_{it} + x_2 Ceochange_{it-1} + x_3 Debt_{it} + x_4 Lnasset_{it} + x_5 Same - dir_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱۱)$$

$$\text{ارزش ویژه هر سهم} = \frac{\text{کل ارزش ویژه سهام شرکت}}{\text{تعداد سهام شرکت}} \quad (۱۲)$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع‌آوری، تلخیص، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. در واقع این آمار، داده‌ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می‌کند و طرح یا الگوی کلی از داده‌ها را برای استفاده سریع و بهتر از آنها به دست می‌دهد. در یک جمع‌بندی با استفاده مناسب از آمار توصیفی می‌توان ویژگی‌های یک دسته از اطلاعات را بیان کرد.

نگاره ۱. آمار توصیفی

| NVS | ROE | ROA | Same-dir | Lnasset | Debt | Ceochange | Risk | |
|--------|--------|-------|----------|---------|-------|-----------|-------|----------------|
| ۰.۶۵۶ | ۰.۲۱۰ | ۰.۱۶۶ | ۰.۰۹۲۸ | ۱۵.۸۲۰ | ۰.۴۵۷ | ۰.۴۱۷ | ۰.۸۴۸ | میانگین |
| ۰.۶۴۶ | ۰.۲۰۶ | ۰.۱۴۹ | ۰.۰۸۵۴ | ۱۵.۵۷۳ | ۰.۴۳۹ | ۰.۰۰۰ | ۰.۸۲۵ | میانه |
| ۰.۷۱۱ | ۰.۷۸۲ | ۰.۶۸۱ | ۰.۱۵۳ | ۲۱.۵۷۱ | ۰.۷۷۱ | ۱.۰۰۰ | ۰.۹۴۳ | بیشترین |
| ۰.۴۳۱ | ۰.۵۱۳ | ۰.۴۰۳ | ۰.۰۰۸۴ | ۱۱.۴۰۶ | ۰.۳۸۴ | ۰.۰۰۰ | ۰.۵۵۹ | کمترین |
| ۰.۷۶۱ | ۰.۲۲۷ | ۰.۱۶۹ | ۰.۱۸۴ | ۱.۸۳۸۱ | ۰.۱۴۴ | ۰.۵۰۰ | ۰.۳۱۷ | انحراف معیار |
| ۱.۱۱۲ | ۰.۴۸۷ | ۰.۱۹۶ | ۱.۰۹۲ | ۰.۵۹۵ | ۰.۳۳۳ | ۰.۲۳۴ | ۱.۱۱۲ | چولگی |
| ۲.۵۵۴ | ۱.۷۸۴ | ۱.۳۶۸ | ۲.۱۸۸ | ۳.۴۴۵ | ۳.۹۴۵ | ۱.۰۰۸ | ۲.۷۵۱ | کشیدگی |
| ۲.۰۸۲۷ | ۲.۰۲۸ | ۲.۰۶۰ | ۷.۵۴۶ | ۴۱.۶۲۳ | ۳.۰۴۷ | ۱.۰۹۴ | ۱.۵۳۷ | جاک برا |
| ۰.۰۷۶۵ | ۰.۰۹۵۴ | ۰.۱۱۲ | ۰.۰۰۰ | ۰.۰۰۰ | ۰.۰۵۰ | ۰.۸۷۸ | ۰.۷۴۱ | احتمال جاک‌برا |

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر (اندازه شرکتها) برابر با ۱۵.۸۲۰ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود میانه متغیر اندازه شرکتها نیز ۱۵.۵۷۳ می‌باشد که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. همچنین نزدیک بودن مقدار میانگین و میانه برای متغیر اندازه شرکتها نشان دهنده نرمال بودن این متغیر می‌باشد. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر اندازه شرکتها برابر با ۱.۸۳۸ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای تحقیق متغیر اندازه شرکتها یکی از متغیرهای دارای کمترین میزان پراکندگی می‌باشد. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. مثلاً ضریب چولگی برای متغیر اندازه شرکتها برابر ۰.۵۹۵ می‌باشد، یعنی این متغیر تقریباً چولگی به راست دارد و به اندازه ۰.۵۹۵ از مرکز تقارن انحراف دارد. پارامتر کشیدگی یا پخی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می‌نامند. اگر کشیدگی حدود صفر باشد، یعنی منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضع متعادل و نرمالی دارد، اگر این مقدار مثبت باشد منحنی برجسته و اگر منفی باشد منحنی پهن می‌باشد.

آزمون فرضیه اول: تغییر در مدیریت با ریسک اعتباری در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

نگاره ۲. نتایج برآورد فرضیه اول

| علامت اختصاری | ضریب برآوردی | آماره t | سطح معنی داری |
|------------------------------|--------------|---------|---------------------|
| (Constant) | -۰/۱۴۶ | -۳/۸۷۷ | ۰/۰۰۰ |
| CEO CHANGE _{it} | -۰/۰۲۷ | -۵/۴۰۹ | ۰/۰۰۰ |
| CEOC HANGE _{it1} | ۰/۰۰۲ | ۰/۲۲۴ | ۰/۸۲۲ |
| DEBT | -۰/۲۹۲ | -۱/۶۳۱ | ۰/۱۰۳ |
| LNASSET | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۳۷ | ۰/۵۹۱ |
| SAMEDIR | ۰/۰۲۱ | ۰/۱۱۶ | ۰/۹۰۸ |
| آماره F فیشر | ۲/۴۴۷ | | احتمال F فیشر ۰/۰۰۳ |
| ضریب تعیین (R ²) | ۰/۲۳۹۰ | | دوربین واتسون ۱/۷۵ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۲۲۳۰ | | |

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود. سطح معنی داری کمتر از (۰/۰۵) است و مقدار آماره t بدست آمده برابر با -۵/۴۰۹ می باشد که نشان دهنده رابطه معکوس بین تغییر در مدیریت با ریسک اعتباری در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ می باشد.

آزمون فرضیه دوم: تغییر در مدیریت با بازدهی دارایی‌ها در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

نگاره ۳. نتایج برآورد فرضیه دوم

| علامت اختصاری | ضریب برآوردی | آماره t | سطح معنی داری |
|------------------------------|--------------|---------|---------------------|
| (Constant) | ۰/۵۴۷ | ۳/۳۵۸ | ۰/۰۰۱ |
| CEO CHANGE _{it} | -۰/۹۳۱ | -۴/۲۲۶ | ۰/۰۰۰ |
| CEOC HANGE _{it1} | ۰/۴۰۱ | ۲/۳۴۸ | ۰/۰۲۰ |
| DEBT | -۰/۰۰۴ | -۳/۴۱۵ | ۰/۰۰۱ |
| LNASSET | -۰/۱۵۸ | -۳/۱۶۹ | ۰/۰۰۲ |
| SAMEDIR | ۰/۰۹۰ | ۴/۶۵۴ | ۰/۰۰۰ |
| آماره F فیشر | ۴/۹۳۱ | | احتمال F فیشر ۰/۰۰۰ |
| ضریب تعیین (R ²) | ۰/۳۸۹ | | دوربین واتسون ۲/۴۴ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۴۱۳۳۵۴۰ | | |

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود. سطح معنی داری کمتر از (۰/۰۵) است و مقدار آماره t بدست آمده برابر با -۴/۲۲۶ می باشد که نشان دهنده رابطه معکوس بین تغییر در مدیریت با بازدهی دارایی‌ها در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ می باشد.

آزمون فرضیه سوم: تغییر در مدیریت با بازدهی حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

نگاره ۴. نتایج برآورد فرضیه سوم

| علامت اختصاری | ضریب برآوردی | آماره t | سطح معنی داری |
|------------------------------|--------------|---------|---------------|
| (Constant) | -۰/۲۷۶ | -۳/۶۷۶ | ۰/۰۰۰ |
| CEO CHANGE _{it} | -۰/۸۵۳ | -۳/۰۵۷ | ۰/۰۰۰ |
| CEOC HANGE _{it1} | -۰/۱۲۲ | -۰/۲۹۵ | ۰/۷۶۸ |
| DEBT | -۰/۰۰۲ | -۳/۴۸۱ | ۰/۰۰۱ |
| LNASSET | -۰/۵۲۵ | -۳/۸۳۱ | ۰/۰۰۰ |
| SAMEDIR | ۰/۱۲۰ | ۱/۱۰۸ | ۰/۲۶۹ |
| فیشر F آماره | ۵/۳۲۹ | | ۰/۰۰۰ |
| ضریب تعیین (R ²) | ۰/۲۵۷ | | ۱/۸۷۵ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۲۲۸ | | دوربین واتسون |

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود. سطح معنی داری کمتر از (۰/۰۵) است و مقدار آماره t بدست آمده برابر با ۳/۰۵۷- می باشد که نشان دهنده رابطه معکوس بین تغییر در مدیریت با بازدهی حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ می باشد.

آزمون فرضیه چهارم: تغییر در مدیریت با ارزش ویژه هر سهم در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ رابطه دارد.

نگاره ۵. نتایج برآورد فرضیه چهارم

| علامت اختصاری | ضریب برآوردی | آماره t | سطح معنی داری |
|------------------------------|--------------|---------|---------------|
| (Constant) | ۰/۵۵۱ | ۵/۹۳۲ | ۰/۰۰۰ |
| CEO CHANGE _{it} | -۰/۳۶۲ | -۲/۳۲۷ | ۰/۰۲۱ |
| CEOC HANGE _{it1} | -۰/۳۰۵ | -۱/۳۲۴ | ۰/۱۸۶ |
| DEBT | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۳۱ | ۰/۴۶۵ |
| LNASSET | -۰/۲۲۶ | -۲/۹۶۶ | ۰/۰۰۳ |
| SAMEDIR | ۰/۰۰۹ | ۲/۸۶ | ۰/۰۰۴ |
| فیشر F آماره | ۲/۰۸۰ | | ۰/۰۱۸ |
| ضریب تعیین (R ²) | ۰/۲۶۸ | | ۱/۸۷۵ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۲۳۵ | | دوربین واتسون |

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود. سطح معنی داری کمتر از (۰/۰۵) است و مقدار آماره t بدست آمده برابر با ۲/۳۲۷- می باشد که نشان دهنده رابطه معکوس بین تغییر در مدیریت با ارزش ویژه هر سهم در شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ می باشد.

نگاره شماره ۶. مقایسه وضعیت ریسک اعتباری و عملکرد در شرکتهای مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از واگذاری

| شيوه واگذاری | ریسک اعتباری قبل از واگذاری | عملکرد قبل از واگذاری | | | عملکرد بعد از واگذاری | | | ریسک اعتباری بعد از واگذاری |
|--------------------|--------------------------------|-----------------------|-------|-------|-----------------------|-------|-------|-----------------------------------|
| | | NVS | ROE | ROA | NVS | ROE | ROA | |
| بورس و فرا بورس | ۰.۹۶۵ | ۰.۱۲۳ | ۰.۱۴۷ | ۰.۵۶۳ | ۰.۷۴۵ | ۰.۱۹۸ | ۰.۲۱۵ | ۰.۶۴۱ |
| مذاکره | ۰.۹۰۶ | ۰.۲۶۳ | ۰.۳۳۸ | ۰.۷۴۱ | ۰.۹۴۱ | ۰.۲۲۳ | ۰.۲۸۹ | ۰.۶۴۳ |
| مزایده | ۰.۸۸۴ | ۰.۲۷۴ | ۰.۳۴۸ | ۰.۶۴۱ | ۰.۹۷۸ | ۰.۲۰۱ | ۰.۲۵۳ | ۰.۵۲۳ |

نتایج حاصل شده از مقایسه ریسک اعتباری و عملکرد شرکتهای واگذار شده از طرق مختلف در راستای اصل ۴۴ نشان داد که شرکتهای واگذار شده از طریق بورس و فرا بورس در ابتدای واگذاری وضعیت مالی ضعیف تری نسبت به شرکتهای واگذار شده از طریق مذاکره و مزایده داشته اند اما به دلیل شفافیت موجود در بورس و فرا بورس بعد از واگذاری وضعیت بهتری از نظر عملکردی و ریسک پیدا کرده اند؛ اما شرکتهایی که از طریق مذاکره و یا مزایده واگذار شده اند از نظر ریسک اعتباری و عملکرد بعد از واگذاری دچار افت فاحشی شده اند، در ضمن قابل ذکر است برخی از شرکتهای واگذار شده به شیوه های مذاکره و مزایده با توجه به شرایط بوجود آمده در آنها دوباره به دولت بازگردانده شده اند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

رفتار فرصت طلبانه ریسک اعتباری و همچنین عملکرد شرکتهای، با تغییر نهادی یک کشور مانند ایجاد فرایند خصوصی سازی و همچنین جابجایی مدیران در راس هیئت مدیره به شدت به چالش کشیده می شود. همانطور که گفته شد در بسیار از کشورها فرایند خصوصی و انتقال مالکیت به بخش خصوصی در سالهای گذشته انجام شده است. بر این اساس در این پژوهش به بررسی مقایسه ای رابطه تغییر مدیریت شرکت با ریسک اعتباری و عملکرد شرکت در شرکتهای مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از واگذاری پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های اول تا سوم نشان داد بین تغییر مدیریت شرکت با ریسک اعتباری در شرکتهایی که از طریق بورس و فرا بورس، مذاکره و مزایده واگذار شده اند رابطه ای معکوس و معنی دار وجود دارد. در مورد رابطه تغییر مدیریت با ریسک اعتباری نظریات متفاوتی ارائه شده است مطابق با یک دیدگاه چنانچه مدیرعامل تغییر بیشتری داشته باشند در این صورت به دلیل ناآشنایی با شرایط داخلی و خارجی شرکت و نوع صنعتی که به آن وارد شده باعث افزایش ریسک های تجاری و غیرتجاری شرکت می گردند. به خصوص در شرکتهای تازه واگذار شده این موضوع به دلیل ساختار مالکیت قبلی، این مسئله می تواند بیشتر نمود پیدا کند؛ اما در طرف مقابل برخی دیدگاهها معتقدند که انتصاب مدیرعامل جدید می تواند منجر به بهبود نظارت بر شرکت و کاهش ریسک اعتباری شود. این نتایج هم راستا با نتایج بروکمن (۲۰۰۹) است که نشان داد رابطه معکوس و معناداری بین تغییر مدیریت با ریسک نکول وجود دارد؛ اما در تضاد با یافته های رستمی و عباسی اصل (۱۳۹۴) است که نشان می دهند که بین تغییر مدیریت شرکت با ریسک نکول رابطه ای مستقیم و معنادار وجود دارد.

نتایج فرضیه های چهارم تا ششم نشان داد بین تغییر مدیریت شرکت با بازدهی دارایی ها، بازدهی حقوق صاحبان سهام و ارزش ویژه شرکت رابطه ای معکوس و معنی دار وجود دارد. در مورد رابطه تغییر مدیریت با عملکرد نیز دیدگاههای مختلفی وجود دارد. برخی دیدگاهها معتقدند مدیرعامل جدید می تواند فعالیت های شرکت را به شیوه ای معنی دار تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت سود را نیز افزایش دهد. با این حال، مدیرعامل جدید نیز عدم قطعیت قابل توجهی برای شرکت به ارمغان می آورد. مبتنی بر تئوری پردازش اطلاعات، تأثیر منفی جابجایی مدیران بر عملکرد شرکت در آینده به دلیل اختلال در توانایی بسط اطلاعات هیئت مدیره است؛ بنابراین می توان گفت در شرکتهای تازه واگذاری شده، تغییر مدیریت احتمالاً به سبب ناآشنایی مدیران جدید با روال سرمایه گذاری و تأمین مالی شرکت،

منجر به کاهش عملکرد شده است. این نتیجه در تطابق با نتایج وانگ و همکاران (۲۰۲۳)، چیچوکه و همکاران (۲۰۲۳)، بیداری و فنایی (۱۴۰۰) و خوش‌طینت و همکاران (۱۳۹۷) و در تضاد با یافته‌های مطالعه هانگ (۲۰۱۱) می‌باشد.

با توجه به این نتایج به متولیان خصوصی‌سازی پیشنهاد می‌شود که علیرغم نتایج مثبت خصوصی‌سازی، در مورد عواقب آن هوشیار باشند؛ چراکه تغییرات ناگهانی مدیران در شرکت‌های تازه واگذاری شده، علیرغم کاهش احتمال ریسک اعتباری، به دلیل ناآشنایی آنها با محیط شرکت و همچنین هزینه‌های تغییر مدیریت می‌تواند منجر به کاهش بازدهی و عملکرد شرکت نیز شود. همچنین به سهامداران پیشنهاد می‌شود برای کسب بازدهی بالاتر از شرکت‌های تازه واگذاری شده از سهام شرکت‌هایی را نگهداری و یا بخرند که دارای تغییرات کمتری در سطوح مدیریتی خود می‌باشند.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که محققان آتی به بررسی تأثیر تغییر مدیریت شرکت و ساختار مالکیت آنها بر ورشکسته شدن و یا محدودیت تأمین مالی، در شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ قبل و بعد از واگذاری بپردازند.

به سهامداران و سایر سرمایه‌گذاران و همچنین دست‌اندرکاران واگذاری شرکت‌های دولتی و همچنین دست‌اندرکاران سازمان خصوصی‌سازی پیشنهاد می‌گردد که به تغییرات در مدیریت شرکت‌های واگذار شده توجه ویژه‌ای معطوف دارند زیرا با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق در شرکت‌هایی که دارای تغییرات بیشتری در مدیریت خود می‌باشند احتمال بروز ریسک اعتباری در اینگونه از شرکتها با توجه به تغییراتی که در مدیریت شرکت بوجود می‌آید و همچنین به دلیل عدم آشنایی مدیریت با شرایط داخلی شرکتی که به آن وارد شده است و همچنین به دلیل هزینه‌هایی که با تغییر در مدیریت به شرکت تحمیل می‌گردد احتمال بروز ریسک اعتباری را در این گونه از شرکتها افزایش می‌دهد. با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق پیشنهاد می‌گردد جهت افزایش بازدهی بالاتر در داراییها، حقوق صاحبان سهام و ارزش ویژه شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ مسئولین ذیربط این شرکتها و متولیان امر سعی در این امر داشته باشند تا از تغییرات مدیریت شرکت تا حد ممکن جلوگیری نمایند زیرا با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق در صورتیکه تغییرات مدیریت در شرکت کمتر باشد بازدهی داراییها، بازدهی حقوق صاحبان سهام و ارزش ویژه شرکت‌های واگذار شده از طریق اصل ۴۴ افزایش می‌یابد.

منابع

- احمدی، مرضیه؛ صحت، سعید؛ نیکومرام، هاشم و خلیلی عراقی، مریم (۱۴۰۱) اثرات کارایی و ریسک مالی (ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی، ریسک نقدینگی و توانگری مالی) بر روی عملکرد شرکت‌های بیمه پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران: مطالعه موردی در ایران، *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱۰(۳۷)، ۱۶۷-۲۱۹
- بهرامی، ده شنی (۱۴۰۰) تأثیر خصوصی‌سازی بر سودآوری شرکت‌ها، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۵(۳)، ۵۹-۶۸
- بیداری، محمدعلی و فنایی، سپیده (۱۴۰۰) بررسی اثر تغییر مدیرعامل بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه، *کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی*، دوره ۷
- جامی، مجید، کریمی، محمود، و همت جوی، فرزاد. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر سود تقسیمی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۲(۱۲)، ۱۰۸-۱۱۸.
- جوهری مریم ۱۳۹۷ " تأثیر خصوصی‌سازی بر نقدینگی بازار و شاخص بازار سهام " پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی
- حسن پور رسول ۱۳۹۷ " تعیین آثار خصوصی‌سازی کنترل بر وضعیت مالی و عملکرد شرکت‌های واگذارشده به بخش خصوصی " پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران
- حیدرزاده هنزائی، علیرضا (۱۴۰۱) بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر ثبات مالی در نظام بانکداری اسلامی، *رهیافت‌های نوین مدیریت جهانی و حکمرانی اسلامی*، ش ۶، ۱۰۵-۱۲۳
- خواجه حسینی ن. و رئیس زاده س. م. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر رابطه بین چرخش مدیر عامل و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۸(۳۰)، ۱۹۱-۲۰۵.
- خوش‌طینت، محسن؛ زمانیان فر، لیلا و دهقان نیری، محمود (۱۳۹۷) ارتباط بین شاخص‌های مالی و تغییر مدیرعامل، *حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۷)، ۱۰۷-۱۳۰
- رزمی، ندا؛ لعل بار، علی و حسن نژاد، سلیمان (۱۴۰۱) بررسی تأثیر طول عمر واحد تجاری (سن شرکت) در روش تحلیل چندبعدی برای پیش‌بینی ریسک اعتباری مشتریان حقوقی (مورد مطالعه بانک‌های تجاری)، *مدیریت کسب‌وکار*، ۱۴(۵۶)، ۲۲۸-۲۴۷
- رستمی، محمدرضا و عباسی اصل، مهدی (۱۳۹۴) بررسی ارتباط بین تغییر مدیریت شرکت با ریسک نکول و عملکرد شرکت، *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱(۱۵) ۱۸۳-۲۰۴
- رشیدی، محسن (۱۳۹۹) نقش توانایی مدیران در تعدیل شرایط اعتباری و کاهش پراکندگی بازده سهام، *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۸(۳۰)، ۱۳۹-۱۲۳
- سعیدی، علی و بابالویان، شهرام (۱۳۹۱) عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ عرضه شده در بورس اوراق بهادار تهران قبل و بعد از خصوصی‌سازی، *جستارهای اقتصادی ایران*، ۹(۱۸)، ۲۸-۹۰
- شیروانی سمیه ۱۳۹۷ " بررسی اثر تعدیل‌کنندگی بیش اطمینانی مدیران بر رابطه بین خصوصی‌سازی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی شفق
- صفرزاده، محمد، & برنک، سجاد. (۱۴۰۱). تأثیر تغییر مدیریت بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۵(۶۰)، ۱۱۲-۱۲۴.
- طاهرپور کلانتری جیب الله، مدرس عبدالحمید، علایی کلجاهی رضا. تأثیر خصوصی‌سازی بر تغییرهای عملکرد و کارکرد شرکت‌های عرضه‌شده در بازار سرمایه ایران فرایند مدیریت و توسعه ۱۳۹۹؛ ۳۳ (۱): ۷۹-۵۷

کریم، محمدحسین، شفاف‌ی شهری، وحید و نصری، لیلا (۱۳۹۴) ارزیابی فرآیند خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی)، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳ (۱۱)، ۴۹-۶۲

لشکری، محمد و هژبرالساداتی، مرتضی (۱۳۹۱) تأثیرات خصوصی‌سازی بانک ملت بر بازده روزانه بانک‌های خصوصی موجود در بورس اوراق بهادار تهران، *مطالعات اقتصادی*، ۱ (۱)، ۵۳-۷۰

ودیدی، محمدحسین و سعید آسیابانی (۱۳۸۷) مقایسه قیمت واگذاری سهام شرکت‌های دولتی مشمول خصوصی‌سازی با قیمت محاسبه‌شده بر مبنای مدل نسبت قیمت بازار به سود هر سهم (P/E) شرکت‌های مشابه، *تحقیقات مالی* شماره ۲۶، دوره ۱۰.

- Ali, Searat, Benjamin Liu, Jen Je Su (2018) Does corporate governance quality affect default risk? The role of growth opportunities and stock liquidity, *International Review of Economics & Finance* Volume 58, November 2018, Pages 422-448
- Boubakri, Narjess, Sadok El Ghouli, Omrane Guedhami, Mahmud Hossain (2020) Post-privatization state ownership and bank risk-taking: Cross-country evidence, *Journal of Corporate Finance*, Volume 64, October 2020, 101625, <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2020.101625>
- Brogaard, Jonathan, Li Dan, Xia Ying (2017) Stock liquidity and default risk, *Journal of Financial Economics* Volume 124, Issue 3, June 2017, Pages 486-502, <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2017.03.003>
- Brookman, J. & P. D. Thistle. (2009) CEO tenure, the risk of termination and firm value". *Journal of Corporate Finance* 15 (3): 315-330
- Castillo, José A., Andrés Mora-Valencia, Javier Perote (2020) Moral hazard and default risk of SMEs with collateralized loans, *Finance Research Letters* Volume 26, September 2018, Pages 95-99
- Cathcart, Lara, Alfonso Dufour, Ludovico Rossi, Simone Varotto (2022) The differential impact of leverage on the default risk of small and large firms, *Journal of Corporate Finance* Volume 60, February 2020, 101541
- Chijoke-Mgbame, A.M., Boateng, A., Mgbame, C.O. and Yekini, K.C. (2023), "Firm performance and CEO turnover: the moderating role of CEO attributes", *Corporate Governance*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CG-04-2022-0190>
- Fang Hu, Sidney C. M. Leung (2010), Top Management Turnover, Firm Performance and Government Control: Evidence from China's Listed State-Owned Enterprises American Accounting Association annual meeting and seminar participants at the Seoul National University
- Hsu, Feng-Jui, Sheng-Hung Chen (2021) US quantitative easing and firm's default risk: The role of Corporate Social Responsibility (CSR), *The Quarterly Review of Economics and Finance* Volume 80, May 2021, Pages 650-664, <https://doi.org/10.1016/j.qref.2021.03.017>
- Huang.z, wang.k, (2011), "ultimate privatization and change in firm performance : evidence from china chin economic review, vol.22 pp. 121- 132
- Hyun Jung Nam, Yo Han an (2017) Default Risk and Firm Value of Shipping & Logistics Firms in Korea, *The Asian Journal of Shipping and Logistics*, Volume 33, Issue 2, July 2017, Pages 61-65, <https://doi.org/10.1016/j.ajsl.2017.06.003>
- Kumar, N. N., & Mohnot, R. (2024). Nonlinear effect of CEO tenure on stock price crash risk. *Finance Research Letters*, 68, 105969.
- KWAN, Chi Hung (2020) China's Unfinished Ownership Reform: Privatization and a Fair and Competitive Environment Remain to be Achieved, Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, *Public Policy Review*, Vol.16, No.3, September 2020

- Lin, Justin Yifu (2021) State-owned enterprise reform in China: The new structural economics perspective, *Structural Change and Economic Dynamics*, Volume 58, September 2021, Pages 106-111, <https://doi.org/10.1016/j.strueco.2021.05.001>
- Pan, Xia, Wenyin Cheng, Yuning Gao (2023) The impact of privatization of state-owned enterprises on innovation in China: A tale of privatization degree, *Technovation* Volume 118, 102587, <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2022.102587>
- Pan, Y. Wang, T. Y. & S. Weisbach, M, (2013), “Learning about CEO Ability and Stock Return Volatility”, Available at: <http://www.nber.org/papers/w18882>
- Switzer, Lorne N. , Qiao Tu , Jun Wang (2018) Corporate governance and default risk in financial firms over the post-financial crisis period: International evidence, *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, Volume 52, January 2018, Pages 196-210, <https://doi.org/10.1016/j.intfin.2017.09.023>
- Ting, W. (2011). Top management turnover and firm default risk: Evidence from the Chinese securities market. *China Journal of Accounting Research*, 4(1-2), 81-89.
- Wang, Jinbo Maosheng Ran, Qing Huang, Wanli Li (2022) Nationalization of private enterprises and default risk: Evidence from mixed-ownership reform in China, *Economic Analysis and Policy* Volume 76, December 2022, Pages 534-553, <https://doi.org/10.1016/j.eap.2022.09.005>
- Wang, Hua, Wei Wang, Shadi Emad Areef Alhaleh (2021) Mixed ownership and financial investment: Evidence from Chinese state-owned enterprises, *Economic Analysis and Policy* Volume 70, June 2021, Pages 159-171, <https://doi.org/10.1016/j.eap.2021.02.006>
- Wang, Y., Xu, M., Al-Shammari, M., & Banerjee, S. N. (2024). Conformity or differentiation? The role of CEO turnover. *International Review of Financial Analysis*, 103636.
- Wong, Wei Qiang, Sze-Sze, Kevin Koh, Yen H. Tong (2023) Does board turnover enhance firm performance? A contingency approach, *corporate governance*, Volume31, Issue3, Pages 405-424 <https://doi.org/10.1111/corg.12455>
- Zhang, J, (2013), “Conflict-Induced Forced CEO Turnover and Firm Performance”, Available at: <http://spectrum.library.concordia.ca>.
- Zhang, H., Peng, J., & Zhou, M. (2024). CEO turnovers as organizational responses to shocks in competition. *International Review of Economics & Finance*, 96, 103650.



Paper type: Research Article

(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Financial Resilience Model in the Hotel Industry to Predict Financial Distress

Seyyedeh Maryam Abolhasani Komleh¹, Mohammad Hassan Gholizadeh^{2*}, Mehdi Meshki Miavaghi³

Received: 2023/10/12

Accepted: 2023/12/26

Abstract

Recently, Covid-19 crisis has faced the hotel industry with many financial risks, which has led to the closure of some hotels and the unemployment of their employees due to the lack of income. Therefore, the financial resilience of hotel industry was taken into account to predict financial distress. In this research, a financial resilience model of the hotel industry was presented in order to predict financial distress with a quantitative approach (structural equation modeling). After reviewing the research background, the attitude of hotel managers was examined through a researcher-made questionnaire. The participants were selected from 135 hotels in Tehran in the spring of 2023. The research method was descriptive-correlational. In order to analyze the data, structural equation modeling was used. The results showed that the intervening factor “environmental protection” did not have much effect on the financial resilience of the hotel industry in predicting financial distress. Therefore, the hotel industry can provide the basis for financial resilience through the use of identified strategies to predict financial distress so that this industry can become financially resilient and continue to exist in crisis conditions.

Keywords: Financial resilience, Financial distress, Covid-19 crisis, Tourism industry, Hotel industry, Structural equation modeling.



10.71600/JACGR.2024.



How to cite this article: Abolhasani Komleh, S; Gholizadeh, M.H; Meshki Miavaghi, M. (2024). Financial Resilience Model in the Hotel Industry to Predict Financial Distress. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(8),73 -89. (In Persian)

1. PhD in Financial Engineering, Department of Management, Rasht branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

2. Associate Prof, Department of Management, University of Guilan, Rasht, Iran.

*Corresponding Author: Gholizadeh@guilan.ac.ir

3. Associate Prof, Department of Finance, Payame Noor University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: پژوهشی

(مقاله منتخب سومین همایش بین المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

ارائه الگوی تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری جهت پیش بینی درماندگی مالی

سیده‌مریم ابوالحسنى كومه^۱، محمدحسن قلی‌زاده^{۲*}، مهدی مشکی‌میاوقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

اخیرا بحران کووید-۱۹، صنعت هتلداری را با مخاطرات مالی زیادی مواجه نموده است، به گونه‌ای که به دلیل عدم کسب درآمد، منجر به تعطیلی برخی هتل‌ها و بیکاری کارکنان آنها شده است. از این رو تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش بینی درماندگی مالی با رویکرد کمی (مدلسازی معادلات ساختاری) ارائه شده است. پس از مروری بر پیشینه پژوهش، نگرش مدیران هتل از طریق یک پرسشنامه‌ی محقق ساخته، بررسی شد. شرکت کنندگان از بین ۱۳۵ هتل استان تهران در بهار ۱۴۰۲ انتخاب شدند. روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی می‌باشد. به منظور تحلیل داده‌ها از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد عامل مداخله‌گر "حفظ محیط زیست" بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش بینی درماندگی مالی تأثیر چندانی ندارد. بنابراین، صنعت هتلداری می‌تواند جهت پیش بینی درماندگی مالی از طریق به کارگیری راهبردهای شناسایی شده، زمینه را برای تاب‌آوری مالی فراهم نماید تا این صنعت بتواند در شرایط بحران، از لحاظ مالی تاب‌آور شده و به حیات خود ادامه دهد.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری مالی، بحران کووید ۱۹، صنعت گردشگری، صنعت هتلداری، مدلسازی معادلات ساختاری.



10.71600/JACGR.2024.



استناد: ابوالحسنى كومه، سیده مریم؛ قلی‌زاده، محمدحسن؛ مشکی‌میاوقی، مهدی. (۱۴۰۳). ارائه الگوی تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری جهت پیش بینی درماندگی مالی. پژوهش های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۸)، ۸۹-۷۳.

۱. دانش آموخته دکتری مهندسی مالی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (دبیر آموزش و پرورش شهرستان لاهیجان)

۲. دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. *نویسنده مسئول: Gholizadeh@guilan.ac.ir

۳. دانشیار گروه مالی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

در دنیای متلاطم امروز، صنعت هتلداری با مخاطرات زیادی مواجه می‌باشد. از این رو بررسی توانایی این صنعت در رویارویی با شوک وارد شده در اثر بحران‌ها و بلایای طبیعی و میزان کاهش عملکرد و زمان بازگشت به عملکرد طبیعی، اهمیت قابل توجهی دارد. از آنجا که مشاغل صنعت هتلداری شدیداً تحت تأثیر شوک ناگهانی بلایای طبیعی قرار دارند، موضوع تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری بررسی می‌شود. هم‌اکنون، بحران کرونا و ویروس به‌ویژه بخش‌های خدماتی، از جمله صنعت گردشگری و هتلداری را مخاطره‌پذیر کرده است. بنابر آمار سازمان جهانی گردشگری اعمال محدودیت‌های سفر، موجب کاهش ۹۷ درصدی ورود گردشگران بین‌المللی در سراسر جهان شد. طبق بررسی‌های شورای جهانی سفر و گردشگری با شیوع کرونا، بیش از ۷۵ میلیون شغل در صنعت گردشگری در معرض خطر هستند. اگر بحران کرونا مهار نشود، میزان خسارت در اقتصاد گردشگری بین‌المللی به ۸۰ درصد خواهد رسید (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، ۲۰۲۰). آمار فوق نشان می‌دهد نیروی انسانی شاغل در هتل‌ها، در معرض آسیب زیادی بابت بحران کرونا هستند که منجر به از دست دادن شغل آنان شده است. نیز خروجی‌های مالی بسیاری از هتل‌های زنجیره‌ای جهان که تا قبل از بحران کرونا از لحاظ صورت‌حساب‌های مالی وضعیت مطلوبی داشتند، نشان می‌دهد که اقتصاد این صنعت در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارد (کورالا و اچاریا^۲، ۲۰۲۰). از سویی، درک جامعه از افزایش عدم اطمینان و ناامنی و همچنین تلاطم‌های اقتصادی و محیطی و عوامل استرس‌زا منجر به افزایش احساس آسیب‌پذیری در بسیاری از مناطق جهان شده است (هادسون^۳، ۲۰۱۰). برای درک بهتر از چگونگی دستیابی مؤثر به توسعه پایدار، برخی محققان به بررسی تاب‌آوری مالی صنایع پرداختند (شپارد و ویلیامز^۴، ۲۰۱۶). منظور از تاب‌آوری مالی برای یک بنگاه اقتصادی (مانند هتل)، توانایی و ظرفیت برخورد و مقابله با شرایط بحران^۵ و شوک و پاسخ انعطاف‌پذیر در مواجهه با مخاطرات است^۶. با توجه به مسئله تبیین شده و به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری صنعت هتلداری از تبعات بحران‌ها، ضروری است که پژوهش‌هایی برای تقویت تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری انجام شود و ارتقاء تاب‌آوری به‌عنوان بخشی از طراحی و برنامه‌ریزی و استراتژی‌های دستیابی به توسعه‌ی پایدار در نظر گرفته شود.

هرچند پژوهش‌هایی مانند کیتس (۱۹۷۷)^۷، بریگوگلیو^۸ و همکاران (۲۰۰۸)^۹، شون و باینر^{۱۰} (۲۰۰۹)^{۱۱}، هالگیت^{۱۲} (۲۰۱۴)^{۱۳}، غیاثوند و عبدالشاه (۲۰۱۵)^{۱۴} و (رحمان باریبیا^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۰) تاب‌آوری را در زمینه‌های متنوع مانند صنعت گردشگری بررسی نمودند، لکن پژوهش‌های بسیار اندکی به بررسی تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری به‌طور مشخص پرداختند. در این راستا ارایه الگوی تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی به‌عنوان حوزه پژوهشی جدید بین‌رشته‌ای در حوزه گردشگری و مالی، از مهمترین جنبه‌های نوآوری این پژوهش به‌شمار می‌آید. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر، پاندمی کووید-۱۹ به صنعت هتلداری آسیب زیادی وارد نموده و منجر به غیرفعال شدن هتل‌ها و بیکاری کارکنان آنها شده است؛ بنابراین بررسی تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری با رویکرد کمی، به تدوام کسب و کار هتلداری کمک قابل توجهی می‌نماید. نیز این صنعت یکی از آسیب‌پذیرترین صنایع متأثر از بحران کرونا می‌باشد و بررسی تاب‌آوری مالی این صنعت، می‌تواند الگویی برای صنایع مشابه به‌منظور پیش‌بینی درماندگی مالی باشد.

1. Organisation for Economic Co-operation and Development

2. Koirala & Acharya

3. Hudson

4. Sheppard & Williams

۵. از دیدگاه کلارک، بحران رویدادی بدون برنامه است که موجب وارد آمدن صدمه یا حتی مرگ کارکنان، مشتریان یا مردم جامعه و ورشکستگی ایجاد وقفه در عملیات یک سازمان شود و خسارت‌های فیزیکی یا محیطی به دنبال داشته باشد، و موقعیت مالی سازمان یا تصور عامه مردم از کارگزاران یا سازمان را تهدید کند (کاش و دارلینگ، ۱۹۹۸).

6. www.ehyacenter.com

7. Briguglio L

8. Schoon I and Bynner J

9. Hallegatte S

10. Rahman Barbhuiya

به‌منظور بررسی نظرات مدیران صنعت هتلداری و ارائه مدل تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری به‌منظور پیش‌بینی درماندگی مالی، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته به‌صورت الکترونیکی تهیه و از مدیران هتل‌های استان تهران در فصل بهار ۱۴۰۲ پرسش به‌عمل آمد. مدت زمان پاسخگویی برای هر پاسخ‌دهنده، به‌طور متوسط ۱۵ دقیقه به طول انجامید. سپس، یافته‌های حاصل از داده‌ها، تحلیل و مدل تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی طراحی شد. در نهایت بحث و نتایج حاصل از پژوهش بیان گردید. لذا، سؤال اصلی این پژوهش به این شرح در نظر گرفته شد: مدل مناسب تاب‌آوری مالی برای صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های مرتبط محققین، نشان داد برخی پژوهش‌ها در زمینه تاب‌آوری مالی، تاب‌آوری مالی در صنعت گردشگری و نیز صنعت هتلداری به‌صورت مجزا انجام شده است. در ادامه خلاصه‌ای از این پژوهش‌ها بیان می‌شود.

تاب‌آوری مالی

منظور از «تاب‌آوری»، «توانایی خانوارها، جوامع و ملت‌ها، در جذب شوک‌های خارجی و بازیابی از آنها و همچنین قابلیت انطباق و تغییر ساختارها در برابر تغییرات بلندمدت» است. اصول تاب‌آوری برای طراحی یک سیستم تاب‌آور شامل: آمادگی، پاسخدهی، خود-انتظامی، تنوع‌بخشی و افزونگی، یادگیری و نوآوری، آستانه‌ها و اتصال است (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ (۲۰۱۴) به نقل از چاوشی و کبیریان، ۱۳۹۹). مؤلفه‌های تاب‌آوری در پژوهش بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۶) شامل: ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازارهای خرد، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی می‌باشد. او بعدها (۲۰۰۹) مؤلفه زیست محیطی را به مؤلفه‌های تاب‌آوری اقتصادی اضافه کرد. بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۸)، چارچوب کلی ریسک ملی حاصل کسر آسیب‌پذیری از تاب‌آوری ملی یک کشور را ارائه کردند. بر اساس پژوهش او (۲۰۱۴) کشورهای کوچک از لحاظ اقتصادی به میزان بسیار بالایی مستعد قرار گرفتن در معرض شوک‌های اقتصادی خارجی می‌باشند و ثبات اقتصاد کلان و انعطاف‌پذیری بازار خرد، سیاست‌هایی هستند که منجر به افزایش تاب‌آوری اقتصادی این کشورها شده است. بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۸)، تاب‌آوری مالی را به‌عنوان قابلیت یک بنگاه اقتصادی برای جلوگیری از شوک‌های اقتصادی و بازیابی سریع به عملکرد اصلی می‌دانند. این تعریف به شوک اجتماعی-اقتصادی اشاره دارد که رویدادی غیرمنتظره است و تأثیر زیادی بر بنگاه اقتصادی دارد. تادل و مانینا^۲ (۲۰۰۹) تاب-آوری مالی را به‌عنوان توانایی فرد در دستیابی و استفاده از توانایی‌های داخلی و منابع و پشتیبانی مناسب، قابل قبول و قابل دسترسی خارجی در شرایط سخت مالی تعریف می‌کنند. پژوهش در مورد تاب‌آوری مالی، مبنایی را برای تقویت این مفهوم و بهبود امنیت و ثبات اقتصاد در برابر بحران‌های مختلف ارائه می‌کند (کابزون^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). مجمع جهانی اقتصاد^۴ (۲۰۱۳) چارچوبی برای تاب‌آوری کشورها در نظر گرفته است که برای حوزه‌های مالی دارای پنج مؤلفه اصلی ثبات^۵، افزونگی^۶، نظام تدبیر^۷، واکنش‌پذیری^۸ و بازیابی^۹ است که سه مؤلفه اول آن، به‌عنوان «مشخصه‌های تاب‌آوری» و دو مؤلفه بعدی، به‌عنوان «عملکرد تاب‌آورانه» لحاظ می‌شود. در پژوهش بری^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۵)، تاب‌آوری نظام مالی به‌صورت ظرفیت نظام مالی برای انطباق در پاسخدهی شوک‌های کوتاه‌مدت و تغییرات بلندمدت اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، در عین استمرار در انجام وظایف در برابر بخش واقعی اقتصاد تعریف شد. نتایج پژوهش آنها نشان داد شاخص تاب‌آوری نظام مالی پیشنهادی از ۷ عامل

1. Organization for Economic Co-operation and Development
2. Tadele and Manyena
3. Cabezon E
4. <https://www.weforum.org>
5. Robustness
6. Redundancy
7. Resourcefulness
8. Response
9. Recovery
10. Berry

مؤثر بر تاب‌آوری شامل: تنوع، ساختار اتصال شبکه نظام مالی، اندازه نظام مالی نسبت به اقتصاد ملی، ترکیب دارایی‌ها، ترکیب بدهی‌ها، شفافیت و پیچیدگی و نسبت اهرم نظام مالی تشکیل شده است. رضایی صوفی^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، روشی دقیق برای ارتقاء تاب‌آوری مبتنی بر شبیه‌سازی عامل محور ارائه دادند. مدل پیشنهادی آنها هزینه‌های ناشی از مواجهه شدن با بحران‌های مالی را که بعضاً باعث ورشکستگی بانک‌ها شده است، نیز کاهش می‌دهد.

درماندگی مالی

گوردون (۱۹۷۱) درماندگی مالی را کاهش قدرت سودآوری شرکت، طوری که احتمال عدم توانایی بازپرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش دهد، تعریف کرده است. از دیدگاه ویتاکر (۱۹۹۹) درماندگی مالی به مفهوم کاهش جریان‌های نقدی شرکت از مجموع هزینه‌های بهره مربوط به بدهی‌های بلندمدت می‌باشد. پیش‌بینی درماندگی مالی با ارائه هشدارهای لازم می‌تواند شرکت‌ها را نسبت به وقوع درماندگی مالی و ورشکستگی هوشیار نماید تا بتوانند دست به اقدام‌های به موقع بزنند. از نقطه نظر اقتصادی، درماندگی مالی به معنای زیان ده بودن شرکت است. در واقع در این حالت نرخ بازدهی سرمایه کمتر از نرخ هزینه سرمایه می‌باشد. (راعی و فلاح پور، ۱۳۸۷).

در نهایت، پیش‌بینی بحران مالی به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا با جلوگیری از خطر از بین رفتن سرمایه خود، از آن به عنوان ابزاری برای کاهش خطر سود سرمایه‌گذاری خود استفاده کنند. مدیران واحد تجاری نیز در صورت اطلاع به موقع از خطر ورشکستگی می‌توانند اقدام‌هایی پیشگیرانه اتخاذ کنند. درماندگی مالی و ورشکستگی، با هزینه‌های زیادی که به همراه دارد، صدمات جبران ناپذیری را به اقتصاد یک کشور وارد می‌کند. لذا پیش‌بینی درماندگی مالی می‌تواند به جلوگیری از درماندگی مالی کمک کند (مکاج و گنزالس براوو، ۲۰۱۴). پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها، به عنوان یکی از موضوعات مهم در حوزه مالی و اقتصادی مطرح است (وقفی و همکاران، ۱۳۹۷). درماندگی رویدادی که تأثیر زیادی بر مدیریت، سهامداران، کارکنان، بستانکاران، مشتریان و سایر افراد ذینفع می‌گذارد. (آلمن، ۱۹۶۸). به این دلیل اگر بتوان در مورد امکان وقوع ورشکستگی پیش از رخداد واقعی آن اطلاعاتی به دست آورد، می‌توان از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن کاسته و یا حتی جلوگیری کنیم (پورزمانی و کلاتری، ۱۳۹۱). در حوزه‌ی مالی، یک شرکت زمانی درمانده‌ی مالی تلقی می‌شود که در ایفای تعهدات به اعتباردهندگان، دچار مشکل شود. بدهی‌های یک شرکت، ممکن است برای تأمین مالی عملیات آن استفاده شود؛ اما با این کار، بیشتر در معرض تجربه‌ی درماندگی مالی قرار می‌گیرد (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین درماندگی مالی شرایطی است که در آن یک هتل نتواند تعهدات مالی خود را به دلیل هزینه‌های ثابت بالا، دارایی‌های غیر نقدشونده یا درآمدهای حساس به رکود اقتصادی، پرداخت کند. هتل‌های با اهرم بالا بیشترین آسیب را در دوره‌های درماندگی مالی می‌بینند. سعیدی و همکار (۱۳۸۸) به مدل‌بندی پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه‌های بیز پرداختند.

صنعت گردشگری

صنعت گردشگری در زمره صنعت‌های پر درآمد و کم‌هزینه دنیا محسوب می‌شود و از هر ۱۵ نفر شاغل در سطح دنیا یک نفر در این بخش فعال می‌باشند. بنابراین، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هر کشوری باید برای افزایش درآمد از طریق گردشگری برنامه‌ریزی کنند، ولی باید توجه داشته باشند که این افزایش نباید توسعه پایدار گردشگری را مخاطره‌پذیر نماید (صادقی و همکار، ۱۳۹۴). پژوهش ارتاس^۲ و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد محیط کار پراسترس و هزینه‌های افزایشی غالباً بر نگهداری^۳، منابع انسانی، کمک دولت، تبلیغات و استراتژی‌های قیمت‌گذاری و محصول تأثیر می‌گذارد. فانتین^۴ و همکار (۲۰۲۰) معتقدند که گردشگران نقش مهمی در بازیابی اجتماعی و اقتصادی یک مقصد پس از وقوع بحران، کاهش خطر در آینده و افزایش تاب‌آوری

1. Soufi H
2. Ertas
3. Maintenance
4. Fountain J

دارند. شپرد^۱ و همکار (۲۰۱۶) بیان کردند گسترش مفهوم تاب‌آوری بیانگر رشد روزافزون علاقه افرادی است که می‌خواهند بدانند چگونه ممکن است جوامع با تغییرات بهتر سازگار شوند. آنها مدل جامعی را برای تاب‌آوری ارائه دادند. بررسی‌های گیرش^۲ (۲۰۱۸) حاکی از آن است که هر چند دو مفهوم تاب‌آوری و مدیریت بحران ذاتاً به هم پیوند خورده‌اند، لکن مطالعات موجود بیشتر مفهوم اول را در اولویت قرار می‌دهد. نتایج پژوهش چاوشی و کبیریان (۱۳۹۹) نشان داد تاب‌آوری با نهادهای مالی، ابزارهای مالی، نهاد ناظر و قوانین و مقررات و بازارها و ناشران ارتباط معنی‌داری دارد و اثر مثبت نهادهای مالی و اثر منفی ابزارهای مالی قابل توجه است. نتایج پژوهش یاراحمدی و صالحی (۱۳۹۸) بیان کرد که مهمترین مؤلفه‌های بحران در صنعت گردشگری شامل: بلایای طبیعی، تضادهای داخلی، اپیدمی‌ها، شکست‌های تکنولوژیکی، امنیت، بحران‌های اقتصادی، بحران‌های فرهنگی - اجتماعی، بحران‌های زیست محیطی، بحران‌های حوزه بهداشت و درمان و ... است. امنیت به‌عنوان زیربنایی‌ترین اصل در تدوین استراتژی توسعه گردشگری در جهان به شمار می‌آید. بین گردشگری، ثبات، توسعه و امنیت رابطه‌ای تعریف شده وجود دارد (رحیم پور، ۱۳۸۴).

فناوری‌های دیجیتال در شرایط بحران که تحت تأثیر آن عملکرد بسیاری از شرکت‌ها به دلیل فعالیت‌های از راه دور در معرض خطر قرار گرفته است، نقش ویژه‌ای ایفا خواهند کرد. اگرچه تعداد زیادی از فناوری‌های تاب‌آور (از جمله جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل خودکار ریسک و اقدام‌های خودکار کاهش ریسک) را می‌توان از طریق اتصال داخلی دیجیتال ایجاد کرد. راه‌حل‌های متعددی وجود دارد که افزایش پایداری، تاب‌آوری و رقابت‌پذیری تولید را در بلندمدت باعث می‌شوند (بریکو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). نیال (۲۰۲۰)، حرکت به سمت گردشگری هوشمند را برای به حداقل رسانیدن مرادوات حضوری بین گردشگران و هتلداران، در شرایط بحران ضروری می‌داند. بنا به پیشنهاد کمیسیون اروپا، به‌منظور سرمایه‌گذاری در زنجیره‌های ارزش کلیدی که برای تاب‌آوری و استقلال راهبردی آتی اروپا در زمینه تحولات دیجیتال و سبز ضروری هستند، تسهیلات سرمایه‌گذاری راهبردی^۴ جدیدی لحاظ شد. به‌علاوه، راهبردهای کاهش ریسک را می‌توان در صنعت توسعه داد تا به‌عنوان زیربنای عملکرد تاب‌آور صنعت در آینده عمل کنند (بریکو و همکار، ۲۰۲۱).

صنعت هتلداری

صنعت هتلداری بخش مهمی از صنعت گردشگری است. صنعت هتلداری به نوعی با مفهوم مهمان‌نوازی^۵ مرتبط می‌باشد که می‌توان این مفهوم را به‌عنوان «رفتاری دوستانه و سخاوتمندانه در قبال بازدیدکنندگان و میهمانان» تعریف کرد (آریفین و مقزی^۶، ۲۰۱۲). هتل‌ها، سازمانی مالی-تعاملی هستند که سطح بالایی از تعامل اجتماعی بین گردشگران، گردشگران و کارکنان شاغل و از جانب دیگر نوعی تعامل مالی بین هتل و گردشگران، هتل و کارکنان و ذی‌نفعان و عرضه‌کنندگان بیرونی برقرار است. یک هتل می‌تواند با ارکان و عوامل خارج از محیط خود رابطه متقابل داشته باشد ولی به‌عنوان یک نهاد منفک از محیط خارج حفظ گردد و باقی‌ماند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸). هتل‌ها و سازمان‌های شبیه به آنها مانند مهمانسراها به‌واسطه افت شدید عایدات متأثر از بحران کرونا، برای کاهش هزینه‌های ثابت و متغیر خود به اقدام‌هایی مانند عدم انجام تعهدات مالی و تعطیل کردن بسیاری از بخش‌ها اقدام کردند که تا پیش از این منبعی برای درآمد هرچه بیشتر این هتل‌های مجلل^۷ بودند (نتاوات^۸، ۲۰۲۰). نتایج پژوهش هوگ^۹ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد پس از کرونا بسیاری از شرکت‌های ضعیف فعال مرتبط با گردشگری نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند. به‌علاوه، پژوهش پاتل^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۰)، حاکی از آن است که فعالین بخش گردشگری که نتوانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند، به‌دلیل شوک مالی حاصل از شیوع کرونا حذف خواهند شد.

1. Sheppard, V.A.
2. Girish
3. Maija Breque
4. Strategic Investment Facility
5. Hospitality
6. Ariffin & Maghzi
7. Royal Hotel
8. Netawate
9. Hoque
10. Patel

گردشگری و هتلداری صنایعی متکی به خدمات هستند و نیروی انسانی توانمند، آگاهی بیشتر و دید روشن‌تری برای ارائه خدمات مطلوب دارند (ضرغام، ۱۳۹۱). لذا هتل‌ها بایستی برای دستیابی به اهداف و اجرای استراتژی‌های خود اقدام‌هایی مؤثر در حوزه مدیریت منابع انسانی انجام دهند و علاوه بر شناسایی خود و عوامل محیطی موثر، قابلیت سازگار شدن با تحولات محیط بیرونی را کسب کرده و شرایط را مدیریت نمایند. بنابراین واکنش سریع مدیران منابع انسانی در بحران‌ها، شناسایی مستمر چالش‌های موجود و تلاش برای نوآوری و خلاقیت در این زمان، بسیار مهم است (شهبازیان و هاشمی، ۱۳۹۹). فاض و همکاران (۱۳۹۹)، مدلی را برای کنترل شوک مالی در شرایط شیوع ویروس کرونا در صنعت هتلداری در شهر مشهد مقدس طراحی نمودند. مدل پیشنهادی آنها، شامل: ابعاد داخلی (دانش عاطفی-روان‌شناختی، دانش رهبری، دانش محیطی، دانش برنامه‌ریزی منابع انسانی و دانش آشکار و ضمنی) و ابعاد خارجی (بازاریابی اطمینان بخش، جامعه‌پذیری متناسب، ساختار مالی آینده‌نگرانه، انعطاف‌پذیری مالی و کارکرد چند زمینه‌ای) است. کشور ایران، با وجود داشتن قابلیت‌های گردشگری از نظر تاریخی و فرهنگی و نیز از نظر جاذبه‌های طبیعی و جذب اکوتوریسم در تمامی فصول، مشکلاتی مانند نداشتن تأسیسات و تسهیلات زیربنایی و امکانات رفاهی، حمل و نقل، خدمات گردشگری، مراکز اقامتی و پذیرایی و ... در حد استاندارد دارد (سبحانی و شادی، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش مالازیزی^۱ و همکار (۲۰۲۰) نشان می‌دهد ارائه‌دهندگان خدمات گردشگری در مقصد باید به کارکنان خود بهداشت محیط و مسائل بهداشتی را به صورت پیوسته آموزش دهند تا از ریسک گردشگران برای سفر به مقصد و استفاده از هتل و ... کاسته شود. نتایج پژوهش کلر^۲ (۲۰۲۰) حاکی از آن است که ویروس‌شناسان و متخصصان اپیدمیولوژی به دولت‌ها پیشنهاد کردند اقدام‌های اضطراری گسترده‌ای را برای مهار همه‌گیر شدن و کنترل شوک اقتصادی گردشگری انجام دهند. اقدام‌های بهداشتی دولتی عملکرد گردشگری را ممکن است فلج کند؛ لذا سیستم گردشگری بین‌المللی آنها به یک شوک دچار خواهد شد. پژوهش راناسینگه^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در بررسی راه‌های برون‌رفت از شرایط بحران در هتلداری و گردشگری نشان از شوک مالی هتل-ها ناشی از لغو رزرو بسیاری از هتل‌ها توسط گروه‌های گردشگران داد. لذا برای برون‌رفت از شرایط شوک مالی، تغییرات ساختاری گسترده‌ای در این صنعت باید انجام شود تا اعتماد دوباره گردشگران حاصل شود. بر اساس پژوهش ستیادی^۴ (۲۰۱۹)، هتل‌ها علاوه بر ایجاد مدل‌های جدید تجاری از روابط با مشتریان، کارمندان، سرمایه‌گذاران و سایر سهامداران، از شبکه‌های اجتماعی برای بهبود کارایی در زنجیره‌های تأمین و ایجاد اطمینان خود استفاده می‌کنند. دولت می‌بایست برای افزایش امکان بقاء، بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو و کاهش تهدیدات در دوره پساکرونا با توسعه و تقویت و حفظ صنعت گردشگری و هتلداری، از سرمایه‌گذاران و شاغلین این حوزه حمایت کند (سیجانیوندی و همکاران، ۱۴۰۰).

مانسیو^۵ (۲۰۲۰) بیان می‌کند که بهبود ذهنیت گردشگران نسبت به بخش‌های خدمات مجلل گردشگری (مانند هتل‌های مجلل)، نیاز به طراحی مدلی در تمامی زمینه‌های بازاریابی و ارائه خدمت دارد به طوری که شرایطی متفاوت با شرایط گذشته را به گردشگران عرضه کند. قربانی و همکاران (۱۳۹۸) بیان داشتند که حرکت به سمت ساختار سازمانی و مالی هوشمند می‌تواند هتل‌ها و سازمان‌های گردشگری را در مقابل محیط و اتفاقات آن محافظت کند. لیوسینگال (۲۰۱۹)، نحوه به‌کارگیری یک استراتژی سبک‌داری و هزینه محور^۶ و ارتباط آن با ساختار سرمایه، یعنی نسبت بدهی و تأمین مالی سهام را در شرکت‌های هتلداری بررسی کردند. آنها نشان دادند این استراتژی به‌طور گسترده‌ای در صنعت هتلداری استفاده شده و نسبت هزینه به درآمد و درجه فرانشیز افزایش یافته است، ولی داری و شدت سرمایه^۷، کاهش یافته است. بازاریابی به مدیران هتل‌ها کمک می‌کند به تجزیه و تحلیل مشتریان خود بپردازند و از این طریق مشتریان وفادار خود را تشخیص داده و با استفاده از نظرات آنان، سعی در رضایتمندی سایر مشتریان خود و وفادارسازی آنان کند (سبحانی و شادی، ۱۳۹۵). شدت رقابت در هتلداری ایران به نرخ اشغال

1. Malazizi
2. Keller
3. Ranasinghe
4. Setiadi
5. Manthiou
6. An asset-light and fee-oriented strategy
7. capital intensity

بیشتر، درآمد زیادتر و منفعت مالی بالاتر برمی‌گردد و رقابتی میان ارائه خدمات با کیفیت به مسافران و رقابت در رضایتمندی مشتریان و ارائه خدمات متناسب با خواست‌ها و سلیقه آنان وجود ندارد (رنجبریان و همکاران، ۱۳۹۳).

فرضیه‌های پژوهش

- با توجه به پیشینه پژوهش و نیز سوال پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تعیین شد:
- فرضیه ۱: شرایط علی بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۲: تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری بر راهبردها تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۳: شرایط زمینه‌ای بر راهبردهای تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۴: شرایط مداخله‌گر بر راهبردهای تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری تأثیر مثبت دارد.
- فرضیه ۵: راهبردها بر پیامدهای تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری تأثیر مثبت دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و توصیفی - همبستگی می‌باشد. با توجه به سوالات این پژوهش، پرسشنامه‌ای مطابق استانداردهای مطرح و نتایج حاصل از مدل مفهومی تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری در شرایط بحران (ابوالحسنی و همکاران، ۱۴۰۱) تهیه شد. هدف از طراحی این پرسشنامه، سنجش نظرات مدیران هتل‌ها در مورد تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری است. جامعه آماری مورد نظر، مدیران هتل‌های استان تهران است. ابزار گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته است. سوالات (گویه‌های) آن بر اساس پیشینه پژوهش و نیز مدل‌سازی مفهومی تاب‌آوری مالی در شرایط بحران (ابوالحسنی و همکاران، ۱۴۰۱) تعیین شد. در مدل مفهومی این پژوهش، متغیرهای مستقل به‌عنوان "شرایط علی"، "شرایط زمینه‌ای" و "شرایط مداخله‌گر" و متغیرهای میانجی به‌عنوان "تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری" و "راهبردها" و متغیر وابسته اصلی، "پیامدها" در نظر گرفته شد. از مدیران مالی هتل‌های تهران خواسته شد به پرسشنامه بدون نامی که حاوی ۸۵ سوال با طیف لیکرت پاسخ دهند. روایی محتوای سوالات با استفاده از آزمون لاوشه توسط چندین استاد خبره مالی و گردشگری، مورد تأیید قرار گرفت. سپس پایایی سوالات آزمون به روش آلفای کرونباخ، با ۶۰ شرکت‌کننده بررسی و مقادیر آن برای تمامی سوالات، بیش از ۰/۷ حاصل گردید. بر اساس روش بارکلای^۱ و همکاران، (۱۹۹۵)، حداقل حجم نمونه، ۸۰ نمونه تعیین شد، لکن این پرسشنامه در بهار ۱۴۰۲ به صورت الکترونیکی در اختیار تعدادی از هتل‌های استان تهران قرار گرفت که در نهایت، به‌منظور افزایش دقت مدل، ۲۳۵ مورد قابل قبول، تجزیه و تحلیل گردید. در پژوهش حاضر داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس بر اساس روش حداقل مربعات جزئی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای اندازه‌گیری پایایی از معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) استفاده شده است. برای اندازه‌گیری روایی همگرا از روش تحلیل عاملی تأییدی از معیارهای بار عاملی و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده شد. نیز برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار پی‌ال‌اس استفاده گردید.

یافته‌ها

به‌منظور آشنایی بیشتر با نظرات کارکنان شرکت‌کننده در این تحقیق، پاسخ‌های آنها به پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت.

سنجش توزیع نرمال و غیرنرمال داده‌ها

به‌منظور بررسی آزمون نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف^۲ استفاده شد؛ زیرا در صورت نرمال بودن توزیع داده‌ها برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیرنرمال بودن از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کرد. از این آزمون در سطح خطای ۵ درصد برای انتخاب روش آماری مناسب برای تحلیل داده‌ها استفاده

می‌شود. در تفسیر نتایج آزمون، چنانچه سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ بیشتر باشد، در آن صورت توزیع به‌دست آمده، توزیع نرمال است و چنانچه سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کوچکتر باشد، آنگاه توزیع فوق نرمال نمی‌باشد و مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار smart PLS مناسب‌ترین روش است. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نشان داد در تمام متغیرها، سطح معنی‌داری به سطح خطای در نظر گرفته شده نرسیده است، لذا توزیع داده‌ها نرمال نیست و برای آزمون مدل نهایی تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار smart PLS استفاده شد.

روایی و پایایی پرسشنامه

پایایی از طریق آلفای کرونباخ^۱ (سازگاری درونی^۲ ابزار) و شاخص پایایی ترکیبی^۳ (ارتباط سوالات با سازه زیربنایی) مورد سنجش قرار داده شد. برای سنجش روایی از روایی همگرا^۴ و روایی سازه^۵ استفاده شده است.^۶ ملاک مناسب بودن این آماره برای پایا بودن یک مؤلفه این است که مقدار آلفا بالاتر از ۰/۷ باشد (کرونباخ، ۱۹۵۱). نتایج پایایی سوالات به روش آلفای کرونباخ نشان داد مقادیر آلفای کرونباخ برای تمام سازه‌های مدل مفهومی پژوهش بیشتر از ۰/۷ شدند.

روایی همگرا معیاری است که میانگین واریانس تبیین شده یک سازه را توسط سوالات خود می‌سنجد. این معیار را با AVE نشان می‌دهند. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مقدار مناسب برای میانگین واریانس استخراج‌شده را برای ۰/۵ به بالا معرفی کرده‌اند. برای سنجش روایی همگرا در تحلیل عاملی تأییدی بایستی دو معیار بار عاملی و میانگین واریانس استخراج‌شده در نظر گرفته شود. از سویی دیگر، مگنر و همکاران (۱۹۹۶)، مقدار ۰/۴ به بالا را برای میانگین واریانس استخراج‌شده کافی دانسته‌اند. مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده برای همه سازه‌های این مدل بیشتر از ۰/۴ شد.

ورتس و همکاران^۷ (۱۹۷۴) برای تعیین پایایی سازه‌ها، معیار پایایی ترکیبی (CR) را معرفی نمودند. برتری این معیار نسبت به آلفای کرونباخ این است که پایایی سازه‌ها با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد، در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، از این معیار نیز استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار CR برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۳). محاسبات روش پایایی ترکیبی سوالات نشان داد که این مقادیر نیز برای تمام سازه‌ها بیشتر از ۰/۷ می‌باشد و این شاهدهی دیگر بر پایایی ابزار پژوهش است.

سنجش روایی همگرا (بار عاملی) و تدوین مدل ساختاری

برای اندازه‌گیری روایی همگرای سازه‌های مدل مفهومی پژوهش، از روش تحلیل عاملی تأییدی^۸ (CFA) استفاده گردید. روش تحلیل عاملی تأییدی، یکی از روش‌های معتبر علمی برای اندازه‌گیری روایی سازه است که به برآورد بار عاملی و روابط بین مجموعه‌ای از شاخص‌ها و عوامل می‌پردازد. بار عاملی معرف همبستگی شاخص‌ها با عامل مربوطه است و مانند هرگونه همبستگی دیگر تفسیر می‌شود (هومن، ۱۳۹۱). بار عاملی نیز باید بزرگ‌تر از ۰/۴ باشد و گویه‌هایی با بار عاملی کمتر از ۰/۴

1. Cronbach
2. Internal Consistency
3. Composite reliability
4. Average Variance Extracted
5. Construct validity

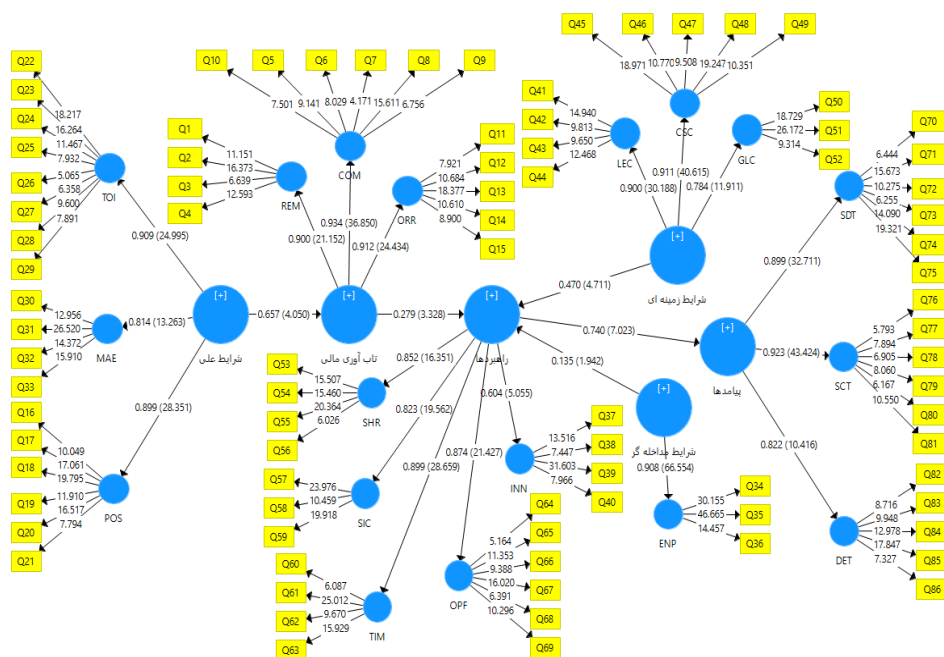
۶. پرسشنامه مذکور محقق ساخته و مبتنی بر یک الگوی پارادیمی کیفی طراحی شده است، لذا از آنجا که سوالات (گویه‌ها) بر اساس یک الگوی پارادیمی کیفی استخراج شده که در آن ساختار عاملی مشخص است، لذا نیازی به انجام تحلیل عاملی اکتشافی به منظور کشف مجدد ساختار عاملی نیست. به علاوه، از آنجا که پرسشنامه مذکور، محقق ساخته است، روایی سازه بررسی می‌شود. به عبارتی با توجه به وجود ساختار عاملی اولیه، نیاز است که این ساختار عاملی به تأیید داده‌ها بر اساس تحلیل عاملی تأییدی برسد. در کل به‌کارگیری ابزار تدوین شده بر اساس پژوهش‌های مبتنی بر گراندد تئوری، بدون انجام روایی سازه‌ای به‌منظور سنجش وضعیت جامعه آماری از اعتبار بیرونی ساقط است و نتایج قابل تعمیم نخواهد بود.

7. Werts et al.
8. Confirmatory factor Analysis

بایست حذف گردند (هولاند^۱، ۱۹۹۹). در واقع، بارهای عاملی بالای ۰/۴ نشان‌دهنده ارتباط مناسب هر گویه یا مؤلفه با زیر مؤلفه یا بعد زیربنایی خودش است.

مقدار آماره t معیاری برای سنجش معنی‌داری رابطه بین دو سازه در الگوهای رگرسیونی مانند معادلات ساختاری است. اگر مقادیر t از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر باشد با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که ضریب اثر معنی‌دار است و عامل روی سازه مورد نظر تأثیر معنی‌داری دارد.

از آنجایی که مدل طراحی شده، دارای ۲ لایه است، تحلیل عاملی مرتبه اول و تحلیل عاملی مرتبه دوم برای این سازه‌ها مورد سنجش قرار گرفت. در ادامه، به تحلیل عاملی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش به‌طور هم‌زمان پرداخته شد. نیز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش الگویابی معادلات ساختاری^۲ (SEM) با نرم افزار از نسل دوم معادلات ساختاری تحت عنوان روش‌های مربعات جزئی یا PLS^3 ، به شرح شکل ۱ طراحی شد^۴.



شکل ۱. بارهای عاملی و ضرایب مسیر الگوی تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی

نتایج نگاره ۱ نشان داد تمامی بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۴ شده و از نظر آماری معنی‌دار هستند (در سطح خطای ۰/۰۵، مقدار آماره t آنها بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است). لذا می‌توان نتیجه گرفت که اجزاء الگو در لایه اول و دوم مناسب بوده یا به‌اصطلاح سوالات (گویه‌ها)، سازه‌های مورد نظر را به‌خوبی سنجیده است.

برازش مدل

به‌منظور اعتباریابی الگوی تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی، علاوه بر مقادیر ضرایب مسیر و بارهای عاملی، دیگر شاخص‌های مهم برازش مدل (مقدار تبیین R^2 و شاخص برازش کلی الگو (GoF)) اندازه‌گیری گردید. یک

1. Hulland
2. Structural Equation Modeling (SEM)
3. Partial Least Square (PLS)

۴. بعد از استخراج بالقوه الگو در مرحله کیفی، به‌منظور تدوین و توسعه الگو، یک مرحله کمی مبتنی بر ابزار کمی (پرسشنامه) انجام شد. از آنجا که به دنبال توسعه الگو هستیم از نوع دوم معادلات ساختاری یا همان روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده کردیم.

پژوهشگر باید از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد برازش مدل استفاده کند، زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به‌طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد (کلانتری، ۱۳۹۲).

معیار R^2 : میزان تأثیر یک متغیر مستقل (یک عامل) بر روی یک متغیر وابسته را نشان می‌دهد. معیار قضاوت بدین‌گونه است که مقادیر R^2 کوچکتر از ۰/۱۹ را برازش ضعیف، بین ۰/۱۹ تا ۰/۳۳ را برازش متوسط و بالای ۰/۳۳ را برازش قوی گویند (این معیار فقط برای متغیرهای وابسته (درون‌زا) محاسبه می‌شود و نشان‌دهنده میزان تبیین متغیرهای مستقل از واریانس متغیر وابسته است). یافته‌ها نشان داد که تمامی مقادیر R^2 مربوط به متغیرهای درون‌زای مدل به غیر از فناوری، بیشتر از ۰/۶۱۲ است که دلالت بر برازش مناسب مدل ساختاری دارد.

درنهایت به بررسی برازش کلی مدل پرداخته شده است. در اینجا، هر دو بخش اندازه‌گیری و ساختاری به‌عنوان یک مدل واحد با هم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. معیار برازش کلی الگو (GoF) بر اساس میانگین مقادیر اشتراکی و مقادیر R^2 به دست می‌آید و نشان‌دهنده وضعیت کلی برازش الگو است. و در صورتی که از ۰/۳۶ بالاتر باشد، به‌طور کل نشان‌دهنده برازش کلی مناسب الگو است (آیکن و همکاران، ۲۰۰۸). مقدار GoF با فرمول زیر محاسبه گردید.

$$Gof = \sqrt{\text{communalities} \times R^2} = \sqrt{0.771 \times 0.514} = 0.630$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این مقدار برابر ۰/۶۰۳ است که از ۰/۳۶ بیشتر می‌باشد و نشان می‌دهد که الگو، برازش قوی با داده‌ها دارد.

لذا در مجموع، می‌توان گفت که مدل تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی، برازش مناسبی با داده‌های جامعه آماری دارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح نگاره ۱ است:

نگاره ۱. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

| فرضیه‌ها | مسیر | ضریب مسیر | مقدار t | نتیجه آزمون |
|----------|--|-----------|---------|-----------------|
| فرضیه ۱ | شرایط علی بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی | ۰/۶۵۷ | ۴/۰۵۰ | نمی‌توان رد کرد |
| فرضیه ۲ | تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی بر راهبردها | ۰/۲۷۹ | ۳/۳۲۸ | نمی‌توان رد کرد |
| فرضیه ۳ | شرایط زمینه‌ای بر راهبردها | ۰/۴۷۰ | ۴/۷۱۱ | نمی‌توان رد کرد |
| فرضیه ۴ | شرایط مداخله‌گر بر راهبردها | ۰/۱۳۵ | ۱/۹۴۲ | رد می‌شود |
| فرضیه ۵ | راهبردها بر پیامدها | ۰/۷۴۰ | ۷/۰۲۳ | نمی‌توان رد کرد |

بر اساس داده‌های مندرج در این نگاره (فرضیه ۱)، شرایط علی (ساختار سیاسی کشور، زیرساخت‌های صنعت هتلداری، اقتصاد کلان کشور) بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی (مدیریت درآمد، مدیریت هزینه و مدیریت ریسک) تأثیر مثبتی (۰/۶۶) دارد و این تأثیر از لحاظ آماری معنی‌دار (۴/۱۵ = مقدار آماره t) است. به علاوه، داده‌های مندرج در ردیف ۲ این نگاره (فرضیه ۲)، نشان می‌دهد که تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی بر راهبردها (تقویت نیروی انسانی، تقویت همکاری‌های بین‌نهادی، بازاریابی صنعت هتلداری، تأمین مالی بهینه، فناوری)، تأثیر مثبت (۰/۲۸) و معنی‌داری (۳/۲۸ = مقدار آماره t) دارد. همچنین داده‌های مندرج در ردیف ۳ این نگاره (فرضیه ۳)، نشان می‌دهد که شرایط زمینه‌ای (بسترهای قانونی، ملاحظات فرهنگی و اجتماعی، موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی کشور) بر راهبردها تأثیر مثبت (۰/۴۷) و معنی‌داری (۴/۵۴ = مقدار آماره t) دارد. داده‌های مندرج در ردیف ۴ این نگاره (فرضیه ۴)، نشان می‌دهد که شرایط مداخله‌گر (حفظ محیط زیست) بر راهبردها، تأثیر مثبت (۰/۱۴) دارد ولی این تأثیر از نظر آماری معنی‌دار نیست (۱/۸۶ = مقدار

آماره t). داده‌های مندرج در ردیف ۵ این نگاره (فرضیه ۵) حاکی از آن است که راهبردها، تأثیر مثبت (۰/۷۴) و معنی‌داری (۷/۲۳) مقدار آماره t) بر پیامدها (توسعه پایدار کشور، تقویت ظرفیت صنعت توریسم در مواجهه با بحران‌ها، توسعه صنعت توریسم در کشور) دارد.

تحلیل فوق نشان داد مشارکت‌کنندگان بر این باورند که راهبردهای مورد نظر بر پیامدهای تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی، بیشترین تأثیر را دارد. آن‌ها معتقدند شرایط علی بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی تأثیر زیادی دارد. نیز از منظر شرکت‌کنندگان در پژوهش، تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی بر راهبردها تأثیر کمی دارد. همچنین، از دیدگاه آن‌ها، شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته شده بر راهبردهای تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی تأثیر مناسبی دارد. به‌علاوه، تحلیل فوق دلالت بر آن دارد که از نگاه کارکنان هتل‌ها، شرایط مداخله‌گر بر راهبردهای مورد نظر تأثیر چندانی ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدهای تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی، از دیدگاه مدیران صنعت هتلداری، شناسایی و تأیید شد. از دیدگاه مدیران صنعت هتلداری، هر چند اغلب اجزای الگوی تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی با پیشینه موجود مطابقت دارد، ولی حفظ محیط زیست به‌عنوان عامل مداخله‌گر تأثیر چندانی بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی ندارد. لذا این یافته با یافته‌های پژوهش محققانی مانند یاراحمدی و صالحی (۱۳۹۸): لاجوردی و همکاران (۱۳۹۵): بریگوگیو (۲۰۰۹) و صفی و مقدم (۱۳۹۳) در مورد نقش حفظ محیط زیست بر تاب‌آوری همخوانی ندارد. نتایج حاصل، گویای آن است که: از نگاه مدیران هتل‌ها، ۱- شرایط علی (ساختار سیاسی کشور، زیرساخت‌های صنعت هتلداری، اقتصاد کلان کشور) بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی (مدیریت درآمد، مدیریت هزینه، مدیریت ریسک) تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ ۲- تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی بر راهبردها (تقویت نیروی انسانی، تقویت همکاری‌های بین‌نهادی، بازاریابی صنعت هتلداری، تأمین مالی بهینه، فناوری) تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ ۳- شرایط زمینه‌ای (بسترهای قانونی، ملاحظات فرهنگی و اجتماعی، موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی کشور) بر راهبردهای مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ ۴- شرایط مداخله‌گر (حفظ محیط زیست) بر راهبردهای تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی تأثیر مثبتی دارد؛ اما این تأثیر، از لحاظ آماری معنادار نیست؛ ۵- راهبردها بر پیامدهای تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی (توسعه پایدار کشور، تقویت ظرفیت صنعت توریسم در مواجهه با بحران‌ها، توسعه صنعت توریسم در کشور) تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در نهایت، مدل تاب‌آوری مالی در صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی بر اساس نظر مدیران هتل‌ها ارایه شد. صنعت هتلداری کشور می‌تواند با توجه به شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، از طریق کاربرد راهبردها و استراتژی‌های شناسایی شده، زمینه را برای تاب‌آوری مالی جهت پیش‌بینی درماندگی مالی فراهم نماید تا پیامدها و نتایج مورد نظر محقق گردد.

نتایج این پژوهش اطلاعات مفیدی را در مورد عوامل اثرگذار بر تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی در اختیار فعالان صنعت هتلداری قرار می‌دهد و این نتایج می‌تواند در برنامه‌ریزی برای انجام فعالیت‌های هتلداری به‌ویژه در بحران‌های مالی به‌کار گرفته شود. به‌نظر می‌رسد تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری جهت پیش‌بینی درماندگی مالی موضوعی است که باید به‌شکل جدی به آن پرداخته شود تا هتل‌ها بتوانند به کسب و کار خود ادامه دهند و از بیکاری کارکنان هتل جلوگیری به‌عمل آید و در نتیجه منجر به توسعه پایدار کشور و افزایش بهره‌وری صنعت هتلداری شود. این پژوهش، راهبردهای مناسبی را به دست‌اندرکاران و نهادهای نظارتی هتلداری توصیه می‌نماید به‌گونه‌ای که به کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها در امور هتلداری منجر می‌شود. نیز این پژوهش زمینه‌ای را برای پژوهش‌های آتی فراهم نمود تا ظرفیت صنعت هتلداری در مواجهه با بحران‌ها تقویت شود و صنعت هتلداری رونق یابد و در نتیجه، شاهد اعتلای روزافزون رضایتمندی گردشگران و افزایش درآمد برای ذی‌نفعان صنعت هتلداری باشیم. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آتی با استفاده از روش‌های پژوهش کیفی و کمی به

واکاوی و بررسی موشکافانه هر یک از ابعاد شناسایی شده تاب‌آوری مالی صنعت هتلداری در شرایط کرونا بپردازند. نیز پیشنهاد می‌شود تاب‌آوری مالی در کسب و کارهای دیگر در راستای پیش بینی درماندگی مالی بررسی و نتایج آن با این پژوهش مقایسه شود.

منابع

- ابراهیمی، مهدی؛ ضرغام بروجنی، حمید و سخندان، الناز. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد فرآیند مدیریت بحران مقصدهای گردشگری. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۷(۲۸)، ۱۰۳-۱۲۳.
- بازرگان هرندی، عباس. (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران، انتشارات دیدار.
- چاوشی، سیدکاظم و کبیریان، محمدحسین. (۲۰۲۰). ارایه الگوی تاب‌آوری بازار سرمایه ایران با مدلسازی معادلات ساختاری. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۱(۴۳)، ۱۰۶-۱۳۰.
- حسنوند، افسانه؛ یاسوری، مجید و حاجی نژاد، علی. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی بعد از زلزله (مورد مطالعه: دهستان سیلاخور شهرستان دورود). جغرافیا و مخاطرات محیطی، ۸(۴)، ۵۱-۶۶.
- خلیلی فرد، رامین؛ احمدی، فائز و حسینی، سید فاطمه. (۱۳۹۹). مدیریت پایدار مالی، کنترل هزینه‌ها و رشد درآمدهای داخلی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری، <https://civilica.com/doc/1126984>.
- رحیم پور، علی. (۱۳۸۴). جهانگردی، امنیت و توسعه. ماهنامه بازاریابی. شماره ۱۷. تهران.
- سبحانی، جاوید و شادی، محمدعلی. (۱۳۹۵). مطالعه نقش بازاریابی هتل‌ها در توسعه گردشگری ایران. دومین کنفرانس بین‌المللی ایده‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. سنگاپور.
- سعیدی، علی؛ آقایی، آرزو. (۱۳۸۸). پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه‌های بیز. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۲)، -.
- سیجانیوندی، شادیه؛ منصور، کمال و امامی، الهام. (۱۴۰۰). تأثیر بحران ویروس کرونا بر صنعت گردشگری و هتلداری و ارائه راه حل‌ها. همایش ملی مدیریت کسب و کار در شرایط بحران.
- شهبازیان، سلاله و هاشمی قینانی، فیروزه. (۱۳۹۹). چالش‌های مدیریت منابع انسانی در دوران گذار از بحران کرونا و ارائه راهکار در صنعت هتلداری ایران. فصلنامه مدیریت گردشگری، دوره ۱۵ (ویژه نامه کووید ۱۹)، ۲۱۷-۲۵۲.
- صادقی، سجاد و جدیری عباسی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی زیر ساخت‌های صنعت گردشگری و پتانسیل‌های موجود بر توسعه هتلداری تبریز. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- صفی، سمیه و مقدم، مریم. (۱۳۹۳). نقش صنعت هتلداری در توسعه گردشگری با بررسی آمار گردشگران و میزان اقامت در هتل‌های همدان. اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار، تهران، <https://civilica.com/doc/357281>
- عابدین‌نژاد، آزاده و میرزایی علی اکبر. (۱۳۹۸). نقش هتل‌ها در پیشبرد و توسعه صنعت جهانگردی مطالعه‌ی موردی هتل‌های ۴ و ۵ ستاره تهران. جغرافیایی فضای گردشگری، ۸(۳۰)، ۶۵-۸۲.
- غیاثوند، ابوالفضل و عبدالشاه، فاطمه. (۱۳۹۴). مفهوم و ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی ایران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۵(۵۹)، ۱۶۱-۱۸۷.
- محمدی، شاکری؛ تقوی و احمدی. (۲۰۱۸). تبیین مفهوم، ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اقتصادی. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۰(۷۵)، ۸۹-۱۲۰.
- فائز، علی؛ صالحی، الله کرم و قانع. (۱۳۹۹). طراحی مدل کنترل شوک مالی در شرایط شیوع ویروس کرونا در صنعت هتلداری (مورد مطالعه: هتل‌های پنج ستاره کلان شهر مشهد مقدس). اقتصاد و مدیریت شهری، ۹(۲۳)، ۱۴۳-۱۶۲.

قربانی، امیر؛ دانایی، ابوالفضل؛ زرگر، سید محمد و همتیان، هادی. (۱۳۹۸). پست مدرنیسم و طراحی مدل سازمان هوشمند مدیریت گردشگری (مورد مطالعه: دفاتر ارائه خدمات گردشگری و هتل‌های سه ستاره شهر بیرجند). *نشریه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*. ۲۸(۸)، ۵۰-۶۹

نظری مقدم، اسرین؛ سیاحیان دهکردی، مزده و فراهانی، بنفشه، (۱۳۹۳). نگاهی به سبک‌های بازاریابی در هتل‌های ایران. *همایش ملی گردشگری، سرمایه‌های ملی و چشم‌انداز آینده، اصفهان*. <https://civilica.com/doc/319445>.
یاراحمدی، محمدهادی و صالحی، عصمت، (۱۳۹۸). بررسی تأثیر مدیریت بحران بر صنعت گردشگری. *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، مهندسی صنایع، اقتصاد و حسابداری*. <https://civilica.com/doc/933410>

Abedinnejad, A., & Mirzaee, A. A. (2019). The role of hotels in the promotion and development of the tourism industry Case Study of Tehran 4- & 5-Star Hotels. *Geographical Journal of Tourism Space*, 8(30), 65-82. [In Persian]

Ariffin A. A. M., & Maghzi A. (2012). "A preliminary study on customer expectations of hotel hospitality: Influences of personal and hotel factors", *International Journal of Hospitality Management*, 31(1), 191-198.

Barbhuiya, M. R., & Chatterjee, D. (2020). Vulnerability and resilience of the tourism sector in India: Effects of natural disasters and internal conflict. *Tourism Management Perspectives*, 33, 100616.

Bazargan Harandi, A. (2016). *An Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods: Common Approaches in Behavioral Sciences*. [In Persian]

Berry, C., Ryan-Collins, J., & Greenham, T. (2015). *Financial System Resilience Index: Building a Strong Financial System*. New Economics Foundation.

Boorman, J., Fajgenbaum, J., Ferhani, H., Bhaskaran, M., Arnold, D., & Kohli, H. A. (2013). The Centennial resilience index: Measuring countries' resilience to shock. *Global Journal of Emerging Market Economies*. 5(2), 57-98.

Breque, M., De Nul, L., & Petridis, A. (2021). *Industry 5.0: towards a sustainable, human-centric and resilient European industry*. Luxembourg, LU: European Commission, Directorate-General for Research and Innovation.

Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2008). Economic vulnerability and resilience: concepts and measurements. *Oxf Dev Stud*. 37(3):1810-2611.

Briguglio, L. (2014). *A vulnerability and resilience framework for small states*. London: Commonwealth Secretariat.

Buheji, M. (2018). *Understanding the Power of Resilience Economy: An Inter-Disciplinary Perspective to Change the World Attitude to Socio-Economic Crisis*. AuthorHouse.

Cabazon, E., Hunter, L., Tumbarello, P., Washimi, K., & Wu, Y. (2019). Enhancing macroeconomic resilience to natural disasters and climate change in the small states of the Pacific. *Asian Pac Econ Lit*. 33(1):113-30.

Cartier, E. A., & Taylor, L. L. (2020). Living in a wildfire: The relationship between crisis management and community resilience in a tourism-based destination. *Tourism Management Perspectives*. 34, 100635, 1-12, <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2020.100635>.

Chavoshi, S. K., & Kabirian, M. H. (2020). A Model of Iran's Capital Market Resilience Using Structural Equation Modeling. *Quarterly Journal of Financial Engineering and Securities Management*. 11(43), 106-130. [In Persian]

Coles, T. (2021). Tourism, Brexit and the climate crisis: on intersecting crises and their effects. *Journal of Sustainable Tourism*. 29(9), 1529-1546.

- Ebrahimi, M., Zargham Borujeni, H., & Sokhandan, E. (2017). Tourism Destinations Crisis Management Process Performance Evaluation. *Journal of Strategic Management Studies*, 7(28), 103-123. [In Persian]
- Ertaş, M., Sel, Z. G., Kırlar-Can, B., & Tütüncü, Ö. (2021). Effects of crisis-on-crisis management practices: a case from Turkish tourism enterprises. *Journal of Sustainable Tourism* .29(9), 1490-1507.
- Faiz, A., Salehi, A., and Ghane, S. (2019). Designing a financial shock control model in the conditions of the outbreak of the corona virus in the hotel industry (case study: five-star hotels in the holy city of Mashhad). *Economics and urban management*. 9(23), 143-162. [In Persian]
- Fountain, J., & Cradock-Henry, N. A. (2020). Recovery, risk and resilience: Post-disaster tourism experiences in Kaikōura, New Zealand. *Tourism Management Perspectives*. 35, 100695, 1-11, <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2020.100695>.
- Ghiasvand, A., and Abdolshah, F. (2014). The concept and evaluation of Iran's economic resilience. *Economic Research Quarterly*, 15(59), 161-187. [In Persian]
- Ghorbani, A., Danaei, D., Zargar, D., & Hematiyan, D. (2019). Identification of organizational intelligence factors in organizations providing tourism services in South Khorasan Province. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 9(30), 137-156. [In Persian]
- Glaser, B. (2013). What is grounded theory. It's online at: <http://www.groundedtheory.com/what-is-gt.aspx>
- Hallegatte, S. (2014). Economic resilience: definition and measurement. *World Bank Policy Research Working Paper (6852)*. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2432352.
- Hassanvand, A., Hajinejad, A., & Yasouri, M. (2020). The Factors Affecting Economic Resilience of Rural Settlements after the Earthquake (Case Study: Silakhkor Rural District, Dorood). *Journal of Geography and Environmental Hazards*, 8(4), 51-66. [In Persian]
- Hoque, A., Shikha, F. A., Hasanat, M. W., Arif, I., & Hamid, A. B. A. (2020). The effect of Coronavirus (COVID-19) in the tourism industry in China. *Asian Journal of Multidisciplinary Studies*, 3(1), 52-58.
- Jethwaney, J. (2020). Covid-19 Disaster: Interdependence of Crisis Communication and Socio-Economic Resilience. In *Disaster Management for 2030 Agenda of the SDG*. Palgrave Macmillan, Singapore, 333-358.
- Kash, T. J. & Darling, J. R. (1998). Crisis management: prevention, diagnosis and intervention. *Leadership & Organization Development Journal*.
- Khalilifard, R., Ahmadi, F., and Hosseini, S. F. (2019). sustainable financial management, cost control and internal revenue growth, the fourth international conference on financial management, trade, banking, economics and accounting, <https://civilica.com/doc/1126984>. [In Persian]
- Koirala, J., & Acharya, S. (2020). Impact of Novel Corona Virus (COVID-19 or 2019-nCoV) on Nepalese Economy. Available at SSRN 3560638.
- Konstantakis, K. N., Soklis, G., & Michaelides, P. G. (2017). Tourism expenditures and crisis transmission: A general equilibrium GVAR analysis with network theory. *Annals of Tourism Research*. 66, 74-94.
- Li, Y., & Singal, M. (2019). Capital structure in the hospitality industry: The role of the asset - light and fee -oriented strategy. *Tourism Management*, 70, 124 - 133.
- Malazizi, N., & Birsal, H. (2020). Post Corona World: Tourism Movements in the Context of Global Health Safety. *Electronic Turkish Studies*, 15(3).
- Manthiou, A. (2020). Applying the EEE customer mindset in luxury: reevaluating customer experience research and practice during and after corona. *Journal of Service Management*.

- Mohammadi, T., Shakeri, A., Taghavi, M., & Ahmadi, M. (2017). Explaining the concepts, dimensions and components of economic resilience. *Basij Strategic Studies*, 20(75), 89-120. [In Persian]
- Nazari Moghadam, E., Sayahian Dehkordi, M., and Farahani, B. (2013). A look at marketing styles in Iranian hotels. National conference on tourism, national capitals and future prospects, Isfahan, <https://civilica.com/doc/319445>. [In Persian]
- Netawate, R. S. (2020). Study of Corona Virus and its Impact on Tourism Sector of India. *Studies in Indian Place Names*, 40(73), 31-34.
- Patel, P. K., Sharma, J., Kharoliwal, S., & Khemariya, P. (2020). The Effects of Nobel Corona Virus (Covid-19) in the Tourism Industry in India. *Int. J. Eng. Res. Technol*, 9, 780-788.
- Pennington-Gray, L. (2018). Reflections to move forward: Where destination crisis management research needs to go. *Tourism Management Perspectives*. 25, 136–139.
- Prayag, G. (2018). Symbiotic relationship or not? Understanding resilience and crisis management in tourism. *Tourism Management Perspectives*. 25, 133-135. <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2017.11.012>.
- Rahimpour, A. (1384). Tourism, security and development. *Marketing Monthly*. Number 17. Tehran. [In Persian]
- Ranasinghe, R., Damunupola, A., Wijesundara, S., Karunarathna, C., Nawarathna, D., Gamage, S., ... & Idroos, A. A. (2020). Tourism after corona: Impacts of OVID 19 pandemic and way forward for tourism, hotel and mice industry in Sri Lanka. *Hotel and Mice Industry in Sri Lanka* (April 22, 2020).
- Rose, A., & Krausmann, E. (2013). An economic framework for the development of a resilience index for business recovery. *International Journal of Disaster Risk Reduction*. 5, 73-83.
- Sadeghi, S., and Jodeiri Abbasi, M. (1394). Investigating the infrastructure of the tourism industry and the existing potentials on the development of the hotel industry in Tabriz. The second international research conference in engineering, science and technology. [In Persian]
- Safi, S., and Moghadam, M. (2013). The role of the hotel industry in the development of tourism by examining the statistics of tourists and the amount of stay in Hamadan hotels. The first national conference on geography, tourism, natural resources and sustainable development, Tehran, <https://civilica.com/doc/357281>. [In Persian]
- Schoon, I., & Bynner, J. (2003). Risk and Resilience in the life course: implications for interventions and social policies. *Journal of Youth Studies*. 6(1), 21–31
- Setiadi, R. (2019). Assessment of utilization of social media marketing for providing reliable information-based decision making for business service excellence in hotel sector. *Journal of Management Information and Decision Sciences*, 22(4), 398-407.
- Shahvazian, S., and Hashemi Qinani, F. (2019). The challenges of human resources management during the transition from the corona crisis and providing a solution in the hotel industry of Iran. *Tourism Management Quarterly*, Volume 15 (Special Letter on Covid-19). 217-252. [In Persian]
- Sheppard, V. A., & Williams, P. W. (2016). Factors that strengthen tourism resort resilience. *Journal of Hospitality and Tourism Management*. 28, 20-30.
- Sijanivandi, S., Mansouri, K., and Emami, E. (1400). The impact of the corona virus crisis on the tourism and hotel industry and providing solutions. National Conference on Business Management in Crisis. [In Persian]
- Sobhani, J., and Shadi, M. A. (2015). Studying the role of hotel marketing in the development of Iranian tourism. The second international conference of new ideas in management, economics and accounting. Singapore. [In Persian]

- Soufi, H. R., Esfahanipour, A., & Shirazi, M. A. (2022). A quantitative approach for analysis of macroeconomic resilience due to socio-economic shocks. *Socio-Economic Planning Sciences*. 79, 101101.
- Strauss, A. L. & Corbin, J. M. (2008). *Pesquisa qualitativa: Técnicas e procedimentos para o desenvolvimento de teoria fundamentada*. (2 ed.). Porto Alegre: Artmed.
www.ehyacenter.com
- Yar Ahmadi, M. H., and Salehi, E. (2018). Investigating the impact of crisis management on the tourism industry. *The third international conference on management, industrial engineering, economics and accounting*, <https://civilica.com/doc/933410>. [In Persian]
- Zaman, G., & Vasile, V. (2014). Conceptual framework of economic resilience and vulnerability at national and regional levels. *Romanian Journal of Economics*. 2(48), 5-18.



Paper type: Research Article

Investigating the Relationship between Fees Paid to Audit Partners, Audit Quality and Income from Auditors' Consulting Services

Mohammad Mohammadi^{1*}, Hadis Mahmoudvand²

Received: 2023/10/24

Accepted: 2024/10/08

Abstract

The main purpose of the research was to investigate the relationship between the fees paid to audit partners, audit quality and income from auditors' consulting services in companies listed on Tehran Stock Exchange. The statistical population of this research was companies admitted to Tehran Stock Exchange during the period of 2017 to 2022. In order to test the validity of the research hypotheses, multivariable regression based on panel data with fixed effects was used through EViews 11 software. The results of the first hypothesis showed that the salaries and benefits of audit partners had a positive and direct effect on the consulting income from the sale of consulting services to non-audit clients. Also, the results of the second hypothesis indicated that audit quality had a negative effect on consulting income from the sale of consulting services to non-audit clients. Moreover, other hypotheses showed that audit quality resulting from the auditor tenure, the size of the audit institution and the expertise of the auditor in the industry had a negative and inverse effect on the consulting income from the sale of consulting services to non-audit clients. Regarding the explanation of the results from the researcher's point of view, it can be stated that the auditing profession was created in order to reduce the information asymmetry between managers and shareholders by creating reliability in the financial statements of companies; therefore, the auditor's duty is to protect the rights of investors by playing the role of validating the financial statements and commenting on their generalities.

Keywords: Fees paid to audit partners, Audit quality, Income from auditors' consulting services.



10.71600/JACGR.2024.



How to cite this article: Mohammadi, M; Mahmoudvand, H (2024). Investigating the Relationship between Fees Paid to Audit Partners, Audit Quality and Income from Auditors' Consulting Services. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(8),91 -115. (In Persian)

1. Assistant prof , Department of Accounting, Parandak Institute of Higher Education, Saveh, Iran.

Corresponding Author: mkz.mohamadi@gmail.com

2. MSc.in accounting, Department of Accounting, Parandak Institute of Higher Education, Saveh, Iran.



نوع مقاله: پژوهشی

بررسی ارتباط بین حق الزحمه پرداختی به شرکای حسابرسی، کیفیت حسابرسی و درآمد حاصل از خدمات مشاوره حسابرسان

محمد محمدی^{۱*}، حدیث محمودوند^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷

چکیده

هدف اصلی پژوهش بررسی ارتباط بین حق الزحمه پرداختی به شرکای حسابرسی، کیفیت حسابرسی و درآمد حاصل از خدمات مشاوره حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت از طریق نرم افزار ایویوز ۱۱ استفاده شده است. نتایج فرضیه اول نشان داد حقوق و مزایای شرکای حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی تاثیر مثبت دارد. همچنین، نتایج فرضیه دوم نشان داد کیفیت حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی تاثیر منفی دارد. سایر فرضیه‌ها نیز نشان دادند که کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی تاثیر منفی دارد. در ارتباط با تبیین نتایج از دیدگاه پژوهشگر می‌توان بیان داشت حرفه حسابرسی به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران از طریق ایجاد قابلیت اطمینان بر صورت‌های مالی شرکت‌ها به وجود آمده است به گونه‌ای که وظیفه حسابرس حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران از طریق ایفای نقش اعتباردهی به صورت‌های مالی و اظهار نظر در مورد کلیات آنها است.

واژه‌های کلیدی: حق الزحمه پرداختی به شرکای حسابرسی، کیفیت حسابرسی، درآمد حاصل از خدمات مشاوره حسابرسان.



10.71600/JACGR.2024.



استناد: محمدی، محمد و محمودوند، حدیث (۱۴۰۳). بررسی ارتباط بین حق الزحمه پرداختی به شرکای حسابرسی، کیفیت حسابرسی و درآمد حاصل از خدمات مشاوره حسابرسان. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۸)، ۹۱-۱۱۵.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی پرندک، ساوه، ایران. * نویسنده مسئول: mkz.mohamadi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی پرندک، ساوه، ایران.

مقدمه

برخی از مدیران بر این باورند که هرچقدر میزان حق الزحمه پرداختی به شرکای حسابرسی افزایش پیدا کند به همان نسبت درآمدهای مشاوره ناشی از فروش خدمات مشاوره توسط حسابرسان به شرکت افزایش پیدا کرده و شرکت‌های حسابرسی و حسابرسان به جای پرداختن به افزایش کیفیت حسابرسی به دنبال افزایش میزان خدمات مشاوره‌ای خواهند بود (دکيسر و همکاران^۱، ۲۰۲۱). اقلام تعهدی اختیاری یکی از ابعاد مهم کیفیت حسابرسی است، به این ترتیب که هرچقدر اقلام تعهدی اختیاری در سود بالا باشد، نشان دهنده کیفیت حسابرسی پایین می باشد که در نهایت میزان حق الزحمه حسابرسی و همچنین حق الزحمه‌های دریافتی ناشی از مشاوره‌ها را کاهش خواهد داد (مريچ^۲، ۲۰۱۹). حسابرسی عنصری از حاکمیت شرکتی است که به عنوان ابزار کنترل کننده انگیزه‌های مدیریت جهت دستگاه‌ها را محدود می کند (فور و همکاران^۳، ۲۰۱۸). از دیدگاه تجربی حسابرسان دارای تخصص در صنعت به منظور حفظ اعتبار و شهرت حرفه ای خود و نیز اجتناب از دعاوی قضایی جهت بهبود کیفیت حسابرسی تلاش می کنند و چسبندگی افزایشی و یا کاهش می به عنوان رضایت حسابرس برای افزایش و یا کاهش حق الزحمه حسابرسی در نتیجه افزایش و یا کاهش در هزینه های حسابرسی مد نظر قرار می گیرد (چه و همکاران^۴، ۲۰۲۰). حسابرسان شکاک، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، شواهد بیشتری می جویند. لذا افزایش سطح کمی یا کیفی شواهد لازم، باعث برآورد سطح بالاتری از تلاش به وسیله حسابرس می شود. این تلاش می تواند در قالب افزایش ساعت کاری بروز کند. در نتیجه حسابرس از نظر ذهنی، سطح بالاتری از حقوق و مزایا را متناسب با تلاش خود خواهد دانست (بیردسلی و همکاران^۵، ۲۰۲۱). به بیان دیگر از یک سو حسابرسان شکاک نسبت به حسابرسان بی طرف، خود را محق سطح بالاتری از حقوق و مزایا می دانند و از سوی دیگر، در موسسات حسابرسی اغلب بحث شکاکیت یا بی طرفی در حقوق و مزایا منعکس نمی شود. در نتیجه انتظار می رود که حسابرسان شکاک نسبت به حسابرسان بی طرف، از حقوق و مزایای دریافتی خود رضایت کمتری داشته باشند (دونلسون و همکاران^۶، ۲۰۲۰).

منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه حسابرسی تامین می شود که از انعقاد قرارداد با صاحب کاران عاید می شود (لیمی و همکاران^۷، ۲۰۲۱). حسابرسان جهت قیمت گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است (کیکوتنه و همکاران^۸، ۲۰۱۹). عوامل توصیفی که در اغلب مطالعات مدنظر قرار گرفتند شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بوده است. حسابرسان مستقل به دلیل ارائه خدمات حسابرسی، نقش مهمی در حفظ منافع عمومی در بازارهای سرمایه ایفا می کنند. گزارش‌های حسابرسی یکی از مواردی است که به عنوان راهنمای سرمایه گذاران در هنگام تصمیم گیری استفاده می شود و کیفیت پایین این گزارش‌ها می تواند به تخصیص نامناسب منابع در جامعه منجر شود (مريچ^۲، ۲۰۱۹). ارزش نهایی فعالیت حسابرسی و برآورد حق الزحمه حسابرسی در کمک به استفاده کننده و تشخیص کیفیت اطلاعات دریافت شده می باشد، از این رو استفاده کنندگان اطلاعات می بایست صلاحیت حسابرس را پذیرفته و میزان حق الزحمه های برآوردی را به صورت استاندارد قبول نمایند تا به اظهارنظر وی اعتماد کنند و در شرایطی که اطمینان استفاده کنندگان جلب نشوند خدمات حسابرسی به صورت کامل تحقق نمی یابد (دونلسون و همکاران^۶، ۲۰۲۰). در فرایند حسابرسی، عوامل ریسک صاحبکار با حق الزحمه حسابرسی ارتباط دارد، چرا که این عوامل بر فعالیت های عملیاتی حسابرس طی فرایند حسابرسی تاثیرگذار است (دروچر و همکاران^۹، ۲۰۱۶). با توجه به این جوانب، تمرکز مشتری ممکن است ریسک حسابرسی را تحت تاثیر و حسابرسان از طریق تغییرات حق الزحمه حسابرسی تلاش کنند این ریسک مربوط به نوسانات حق الزحمه حسابرسی را پوشش دهند. به عبارت دیگر، اگر حسابرسان از تاثیرات تمرکز

1. Dekeyser et al
2. Marriage
3. Ford & Marriage
4. Che et al.
5. Beardsley et al
6. Donelson et al
7. limei et al
8. Ciconte et al
9. Dorucher et al

مشتری و حق الزحمه دریافتی بابت خدمات غیر حسابرسی آگاه شوند می‌توان انتظار داشت که آن را عاملی موثر در برنامه‌ریزی حسابرسان بدانند و در کانون توجه قرار دهند (فورد و مریج، ۲۰۱۸).

حرفه حسابرسی به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران از طریق ایجاد قابلیت اطمینان بر صورت‌های مالی شرکت‌ها به وجود آمده است. به گونه‌ای که وظیفه حسابرس حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران از طریق ایفای نقش اعتباردهی به صورت‌های مالی و اظهار نظر در مورد کلیات آن‌ها است. برای انجام این وظایف حسابرس باید مستقل و بی‌طرف باشد و حق الزحمه‌های حسابرسی خود را برای درآمدهای تخصصی حسابرسی و مشاوره‌های غیر حسابرسی باید بر مبنای استانداردهای موجود تعیین نماید (فورد و مریج، ۲۰۱۸). هدف حسابرسی، ارائه اطمینان درباره صورت‌های مالی است. اما در این باره باید پاسخ داد که چگونه استفاده کنندگان اطلاعات مالی سطح اطمینان ارائه شده و اعتمادپذیری اطلاعات را ارزیابی می‌کنند (ساندگرن و همکاران^۱، ۲۰۱۷). بنابراین تا هنگامی که حسابرسی انجام نشده است، نمی‌توان کیفیت حسابرسی و میزان حق الزحمه‌های دریافتی بابت خدمات مشاوره‌ای و غیر مشاوره‌ای را ارزیابی کرد (چن و همکاران^۲، ۲۰۱۱).

احتمال این که حسابرس هر مورد از تعریف‌های با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس بستگی دارد و هر چقدر حسابرس، استانداردهای حسابرسی و حسابداری مرتبط با اصول کشف انحرافات را به دقت بررسی نموده و آنها را گزارش نماید به همان نسبت می‌تواند بر روی کیفیت حسابرسی در بازه‌های زمانی بلندمدت تاثیر داشته باشد. بنگاه‌های اقتصادی با هدف درآمدزایی و سودآوری تشکیل می‌شوند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند. موسسه‌های حسابرسی نیز برای تداوم فعالیت نیازمند درآمد و سود هستند (ساندگرن و ساوانتروم، ۲۰۱۷). بنابراین موسسه‌ای را می‌توان موفق دانست که از بیشینه ظرفیت خود برای ایجاد درآمد استفاده کند (کیکوته و همکاران، ۲۰۱۹). به همان نسبتی که حسابرسان در صنعت مورد نظر تخصص پیدا می‌کنند، میزان حق الزحمه حسابرسی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند و به تبع آن دانش تخصصی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود و از آن‌ها انتظار می‌رود که در مقایسه با حسابرسان غیر متخصص در شناخت گزارش‌های متقلبانه دقت بیشتری داشته باشند و بتوانند با توجه به الگوریتم‌های از پیش تعیین شده میزان حق الزحمه‌های استاندارد را نیز دریافت نمایند (دروچر و همکاران، ۲۰۱۶). افزایش مورد انتظار در هزینه حسابرسی، نشان‌دهنده نیاز به تلاش بیشتر تیم حسابرسی است. همچنین حسابرسان به منظور پوشش ریسک اقامه دعوا نیز حق الزحمه‌های خود را افزایش می‌دهند. چسبندگی افزایشی حق الزحمه‌های حسابرسی نشان دهنده این است که حسابرسان به منظور پوشش هزینه‌های مورد انتظار حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی را به میزان کافی افزایش نمی‌دهند، بنابراین ممکن است به منظور دستیابی به سود مورد انتظار کار حسابرسی را بطور کامل انجام ندهد و منجر به کاهش کیفیت حسابرسی گردد (چه و همکاران، ۲۰۲۰). در مقابل در صورتی که تلاش مورد انتظار حسابرس در نتیجه کاهش حجم فعالیت‌های صاحبکار و یا پیچیدگی‌های آن، کمتر شود، انتظار کاهش حق الزحمه حسابرسی نیز وجود دارد (کیکوته و همکاران، ۲۰۱۹). با این حال کاهش در حجم عملیات شرکت‌ها و یا تغییر در آن‌ها ممکن است با ریسک بالاتر از جمله کاهش ارزش دارایی همراه باشد. حسابرسان نیز کارکنان شرکت‌های حسابرسی هستند که بحث رضایت شغلی و بعد رضایت از حقوق و مزایا برای آنها وجود دارد (چه و همکاران، ۲۰۲۱). رضایت از حقوق و مزایا از عوامل درون سازمانی و برون سازمانی تاثیر می‌پذیرد که از جمله عوامل برون سازمانی موضوع الزامات حرفه‌ای به ویژه تردید حرفه‌ای است (هل ماس، ۲۰۰۲). تردید حرفه‌ای به عنوان یکی از ویژگی‌های ذاتی حسابرس دارای دو بعد قالب شکاکیت و بی طرفی است که در نهایت می‌تواند بر روی حق الزحمه دریافتی برای خدمات حسابرسی و خدمات مشاوره‌ای تاثیر بسزایی بگذارد (مریج، ۲۰۱۹). قیمت گذاری خدمات حسابرسی بیانگر مراحل و چگونگی تعیین قیمت جهت خدمات حسابرسی من جمله حق الزحمه حسابرسی است. لذا حسابرسی موفق است که بتواند با توجه به ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی بهترین برآورد را از حق الزحمه خود داشته باشد تا ضمن حفظ کیفیت کار، آن را با حداقل هزینه انجام دهد (دروچر و همکاران، ۲۰۱۶). افزایش رقابت در بازار حسابرسی و در نتیجه آن، افزایش موسسات خصوصی حسابرسی در این بازار از یک طرف و از طرف دیگر اهمیت موضوع قیمت گذاری خدمات حسابرسی برای موسسات حسابرسی تحقیق در زمینه قیمت گذاری خدمات حسابرسی را با اهمیت می‌نماید. باتوجه به مطالب بیان شده مسئله اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین

1. Sundgren et al

2. chen et al

حقوق و مزایای شرکای حسابرسی و کیفیت حسابرسی با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس استانداردهای حسابرسی، حسابرس هنگام ارزیابی ریسک حسابرسی، باید از محیط کنترل داخلی شامل نگرش و شیوه اجرایی مدیریت شناخت داشته باشد (دکیسر و همکاران، ۲۰۲۱). به منظور شناسایی و برآورد ریسک حسابرسی، ارزیابی مناسب وضعیت کلی شرکت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بیردسلی و همکاران، ۲۰۲۱). این شناخت و ارزیابی از پیشینه و فرهنگ نیز تأثیر می‌پذیرد. ادبیات در حال رشد مربوط به عوامل تعیین کننده قیمت گذاری حسابرسی اثبات کرده است که حق الزحمه حسابرسی به عوامل ریسک مرتبط با ویژگی‌های صاحبکار از قبیل، اندازه و پیچیدگی صاحبکار، کیفیت کنترل داخلی، راهبری شرکتی و ریسک تجاری مرتبط است (بوش و همکاران، ۲۰۱۳). این شرایط موجب شده است حرفه حسابرسی به تدریج تلاش کند تا از این قافله عقب نماند و همگام با تغییرات فناوری در راستای نیازهای جامعه حرکت کند. در این محیط کاربران برای تصمیم‌گیری به اطلاعات مختلفی از جمله اطلاعات مالی درباره بنگاه‌های اقتصادی نیاز از سه بعد نظارتی، اطلاعاتی و تضمین کننده، می‌توان به دلایل تقاضای بازار سرمایه برای خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر توجه کرد (کریم و همکاران، ۲۰۱۲). در نقش نظارتی، مالکان برای نظارت بر نماینده، جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه، عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی، به حسابرسی روی می‌آورند. در بخش اطلاعاتی از دید سرمایه‌گذاران، حسابرسی نوعی ساز و کار برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی است که فرآیند ارزشمندی تلقی می‌شود. صورتهای مالی به عنوان مهمترین مجموعه اطلاعات مالی محسوب می‌شود، اما مساله تردید در مورد قابلیت اتکای اطلاعات است که از تضاد منافع سرچشمه می‌گیرد و نیاز به حسابرسی را به درجه عملی می‌رساند (بیردسلی و همکاران، ۲۰۲۱).

افزون بر تضاد منافع، مسائل دیگری از قبیل عدم دسترسی مستقیم کاربران به اطلاعات، موجب تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل شده است. از آنجا که کیفیت حسابرسی چند بعدی و نادیدنی است، پژوهشگران در جستجوی جانشین‌ها و شاخص‌هایی از کیفیت حسابرسی مانند نظر کارشناسان برای تعیین درونداد داده‌ها و نتایج کیفیت حسابرسی هستند (گرفین، ۲۰۱۲). بعضی از پژوهشگران از بروندهای عینی به عنوان مبنایی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی استفاده می‌کنند بعنوان نمونه وجود نرخ پایینی از دادخواهی در موسسه حسابرسی با کسب رتبه خوبی از نظر جایگاه و اعتبار در بررسی همپیشگان، آستانه‌ای برای تعیین کیفیت حسابرسی قلمداد می‌شوند (بیردسلی و همکاران، ۲۰۲۱). در نبود شاخص برای سنجش کیفیت حسابرسی می‌توان از شهرت حسابرسی نیز استفاده کرد. کار حسابرسی به عنوان یک فعالیت نظارتی و یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، برای جلب و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران به وجود تقارن اطلاعاتی، منصفانه بودن بازار و نیز منصفانه بودن اطلاعات در دسترس، ضروری است (دروچر و همکاران، ۲۰۱۶).

حسابرسی مستقل از طریق اعتباردهی به صورتهای مالی، تضمین قابلیت ارتقا و تعیین کیفیت اطلاعات مالی، موجب حمایت از حقوق تمامی ذینفعان شرکت می‌شود (مریج، ۲۰۱۹). کیفیت حسابرسی می‌تواند در بازه‌های زمانی بلندمدت و با توجه به الگوریتم‌های از پیش تعیین شده درآمدهای مشاوره ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تأثیر بسزایی بگذارد هرچقدر کیفیت حسابرسی با توجه به الگوریتم‌های درآمدهای مشاوره‌ای افزایش پیدا کند به همان نسبت حقوق و مزایای حسابرسان نیز افزایش پیدا کرده و در بازه‌های زمانی بلندمدت می‌تواند علاوه بر افزایش ارزش شرکت بر روی کیفیت حسابرسی شرکت‌ها نیز تأثیر بگذارد (کیکونته و همکاران، ۲۰۱۹). قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی تاکنون موضوع بسیاری از پژوهشگران حسابرسی بوده و در بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی عوامل آن پرداخته شده است (چه و همکاران، ۲۰۲۰). شرکت‌های صاحبکار می‌توانند با آگاهی از عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی در مذاکره در زمینه حسابرسی و کنترل جنبه‌های درونی که بر حق الزحمه حسابرسی

تأثیر دارند، فعال تر ظاهر شوند (ساندگرنند و ساوانتروم، ۲۰۱۷). در نقش تنظیم‌کننده‌ای حساب‌رسان با ضمانت کردن کیفیت اطلاعات مندرج در صورتهای مالی، هزینه‌های نشأت گرفته از دعوی حقوقی را کاهش می‌دهند و مدیران را در مقابل اشخاص ثالث بیمه می‌کنند (بیردسلی و همکاران، ۲۰۲۱).

فرایند حسابرسی از ابتدا تا انتها به شرط برخورداری از سطح کیفی مناسب، نیاز استفاده‌کننده گزارش مالی را به ارزیابی کیفیت اطلاعات، پیش از استفاده در فرآیند تصمیم‌گیری، برطرف می‌کند و زمینه مناسبی برای اخذ تصمیمات اقتصادی مطلوب فراهم می‌آورد (دونلسون و همکاران، ۲۰۲۰). حق الزحمه حسابرسی یکی از مهم‌ترین مسایل حرفه حسابرسی هست. از این رو مورد توجه مجامع حرفه‌ای حسابرسی و مقررات‌گذاران حرفه، حساب‌رسان، پژوهشگران و دانشگاهیان بوده و در استانداردهای حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای قرار گرفته است (چنی نک، ۲۰۱۷). بویژه رابطه حق الزحمه حسابرسی با استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی در کانون توجه بوده است (چه و همکاران، ۲۰۲۰). در پژوهش‌های پیشین دو جنبه از تأثیر حق الزحمه بر کیفیت حسابرسی مطرح شده است. نخست، افزایش حق الزحمه حسابرسی، می‌تواند بر استقلال حسابرسان اثر منفی بگذارد. دوم حق الزحمه بیشتر، تأثیر مثبت دارد و موجب تلاش بیشتر حسابرسان و افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود (هل مز، ۲۰۱۸). معمولاً مدیران بنگاه‌های صاحبکار به دنبال کاهش هزینه‌های حسابرسی هستند، ولی حساب‌رسان در پی حفظ یا افزایش حق الزحمه حسابرسی و افزایش دامنه حسابرسی در هنگام مواجهه با افزایش خطر حسابرسی هستند (ماریچ، ۲۰۱۹). رقابت در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی نیز بر حق الزحمه حسابرسی و در نهایت کیفیت حسابرسی موثر است (ساندگرنند و ساوانتروم، ۲۰۱۷).

حقوق و مزایای شرکای حسابرسی می‌تواند در بازه‌های زمانی بلندمدت بر درآمدهای مشاوره ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تأثیر مثبتی بگذارد علاوه بر این اطلاع از عوامل موثر بر میزان حق الزحمه حسابرسی برای حساب‌رسان نیز مفید است، چرا که آن‌ها قادر به قیمت‌گذاری مناسب خدمات حسابرسی خود خواهند شد. با توجه به مطالب بیان شده مسئله اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین حقوق و مزایای شرکای حسابرسی و کیفیت حسابرسی با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

چه و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان حقوق و مزایای شرکای حسابرسی، کیفیت حسابرسی و درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون پرداختند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد که بین حقوق و مزایای شرکای حسابرسی با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسان رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد بین کیفیت حسابرسی با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسان هیچ‌گونه رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها با توجه به الگوریتم‌های مربوط به حقوق و مزایای شرکای حسابرسی حاکی از آن بود که هر چقدر میزان حق الزحمه‌های حسابرسی در ارتباط با خدمات مشاوره‌ای افزایش پیدا کند به همان نسبت در بازه‌های زمانی بلندمدت با افزایش کیفیت حسابرسی باعث افزایش میزان بهره‌وری و کارایی شرکت‌ها خواهد شد.

بیردسلی و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان میزان تأثیرگذاری بخش‌پذیری حق الزحمه خدمات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش آماری پانل دیتا پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچقدر میزان بخش‌پذیری در حق الزحمه‌های حسابرسی به تفکیک و با توجه به الگوریتم‌های موجود باشد به همان نسبت با توجه به این که حق الزحمه مشاوره‌های تخصصی حسابرسی و مشاوره‌های غیرحسابرسی از همدیگر جدا می‌شود در بازه‌های زمانی بلندمدت می‌تواند باعث افزایش کیفیت حسابرسی شرکت‌ها شود. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که کیفیت حسابرسی از الگوریتم‌های دیگری مانند افزایش نوسانات قیمت سهام و ارزش شرکت و همچنین الگوهای خدمات‌دهی حساب‌رسان تأثیر پذیرفته و در بازه‌های زمانی بلندمدت با افزایش کیفیت حسابرسی می‌توان افزایش میزان حق الزحمه‌های دریافتی حساب‌رسان را نیز انتظار داشت.

1. jennings at al.

2. helms at al.

دکیسر و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان میزان تاثیرگذاری الگوریتم‌های اقتصادی شرکت‌ها بر کیفیت حسابرسی با توجه به حق الزحمه‌های دریافتی حسابرسان به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون چند متغیره پرداختند. آن‌ها نشان دادند که الگوریتم‌های اقتصادی شرکت‌ها در بازه‌های زمانی بلندمدت با توجه به الگوهای از پیش تعیین شده می‌تواند بر کیفیت حسابرسی شرکت‌ها تاثیر بگذارد. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچقدر کیفیت حسابرسی شرکت‌ها افزایش پیدا کند به همان نسبت حق الزحمه حسابرسی افزایش پیدا کرده و در نهایت می‌تواند الگوریتم‌های اقتصادی شرکت‌ها را با توجه به ارزش و میزان سودآوری شرکت‌ها تحت تاثیر قرار دهد. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچقدر میزان حق الزحمه حسابرسی دریافتی حسابرسان افزایش پیدا کند میزان نوسانات اقتصادی شرکت‌ها به سمت مثبت حرکت کرده و در نهایت باعث افزایش کیفیت حسابرسی شرکت‌ها در جهت مثبت خواهد شد.

چن و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان میزان تاثیرگذاری کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه دریافتی و ارزش شرکت‌ها به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش آماری پانل دیتا پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچقدر میزان کیفیت حسابرسی شرکت‌ها افزایش پیدا کند به همان نسبت حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها تحت تاثیر مثبت قرار گرفته و در نهایت می‌تواند بر روی نوسانات قیمت سهام و ارزش شرکت‌ها تاثیر مثبتی بگذارد. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که با افزایش کیفیت حسابرسی می‌توان افزایش سودآوری شرکت‌ها را در بازه‌های زمانی بلندمدت انتظار داشت و در نهایت همین عامل باعث افزایش میزان حق الزحمه‌های پیشنهادی از سوی حسابرسان خواهد شد. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که با افزایش کیفیت حسابرسی می‌توان، افزایش سودآوری و به تبع آن افزایش نوسانات قیمت سهام در جهت مثبت را انتظار داشت.

دونلسون و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی میزان تاثیرگذاری اهرم مالی بر کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی خدمات مشاوره‌ای و غیر مشاوره‌ای به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از معادلات ساختاری پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچقدر میزان اهرم مالی شرکت‌ها با توجه به نوسانات مربوط به اندازه شرکت افزایش یا کاهش پیدا کند به همان نسبت کیفیت حسابرسی شرکت‌ها تحت تاثیر قرار گرفته و می‌تواند الگوریتمی در جهت افزایش یا کاهش حق الزحمه خدمات مشاوره‌ای و غیر مشاوره‌ای باشد. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچقدر میزان خدمات و هزینه‌های مربوط به حق الزحمه مشاوره‌ای و غیر مشاوره‌ای افزایش پیدا کند به همان نسبت می‌تواند باعث افزایش یا کاهش کیفیت حسابرسی شده و در نهایت بر روی الگوریتم‌های مربوط به بهره‌وری و کارایی شرکت‌ها تاثیر بگذارد که این خود عاملی در جهت افزایش یا کاهش نوسانات اهرم مالی می‌باشد. همچنین نتایج تحقیقات نشان داد که کیفیت حسابرسی می‌تواند از اندازه شرکت‌ها نیز تاثیر مثبتی بپذیرد.

کیکوتنه و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان الگوریتم‌های کیفیت حسابرسی و میزان تاثیرگذاری آن بر حق الزحمه و کارایی و بهره‌وری شرکت‌ها به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش آماری پانل دیتا پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچقدر الگوریتم‌های حرفه‌ای حسابرسان در ارتباط با کیفیت خدمات افزایش پیدا کند به همان نسبت می‌توان انتظار افزایش کیفیت حسابرسی شرکت‌ها را داشت. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که خدمات حرفه‌ای و مشاوره‌ای حسابرسان می‌تواند تحت تاثیر الگوریتم‌های مربوط به اندازه شرکت‌ها قرار گرفته و با افزایش رتبه اعتباری میزان کیفیت حسابرسی شرکت‌ها نیز افزایش پیدا کند. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها با توجه به معیارهای موجود در ارتباط با استانداردهای حسابرسی حاکی از آن بود که با افزایش کیفیت حسابرسی، میزان بهره‌وری و کارایی شرکت‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند.

امیری و فخاری (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی: با رویکرد الگوی معادلات همزمان در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ با جامعه آماری شامل ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان از آن داشت که اثر دوسویه‌ای معکوس و معناداری میان خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی وجود دارد. این نتایج می‌تواند برای حسابرسان و همچنین نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذار مفید باشد.

وارسته و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان تمایل حسابرسان به گزارش تخلفات بر اساس نظریه شناخت اجتماعی در بین حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی خصوصی در سال ۱۳۹۸ پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی آزمون شده (خودکارآمدی و منبع کنترل بیرونی) تاثیر مثبت و معناداری بر گزارش تخلفات حسابرسان دارد. همچنین میزان اثر غیرمستقیم متغیرهای یاد شده به واسطه رضایت شغلی (متغیر میانجی) تشدید شده است که اثر غیرمستقیم خودکارآمدی بر گزارش تخلفات معنادار و اثر غیرمستقیم منبع کنترل بر گزارش تخلفات فاقد معناداری می‌باشد. نتایج پژوهش دیدگاه جدیدی در رابطه با نحوه بهبود جایگاه گزارشگری تخلفات در سازمان‌ها و موسسات حسابرسی ارائه می‌نماید.

عارف‌منش و میرحاجی طرزجانی (۱۴۰۰)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی تاثیر دوره جستجوی حسابرس به عنوان علامت ریسک حسابرسی بر انتخاب حسابرس و حق الزحمه حسابرسی در طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ پرداختند. طبق نتایج بدست آمده رابطه مثبت معناداری بین مدت زمان دوره جستجوی حسابرس و نوع حسابرس جدید وجود دارد و همچنین نتایج پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین مدت زمان دوره جستجوی حسابرس جدید و حق الزحمه حسابرس جدید می‌باشد.

رشیدی (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رقابت بازار، چسبندگی حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ با استفاده از داده‌های ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بر اساس نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد که رقابت بالاتر منجر به تغییر چسبندگی حق الزحمه (از نوع کاهش) شده و بنابراین، سرعت اصلاح قیمت رو به پایین می‌تواند بیانگر قدرت چانه‌زنی محدود حسابرسان نسبت به صاحبکاران باشد که در نهایت منجر به تغییر کیفیت حسابرسی می‌گردد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: حقوق و مزایای شرکای حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیرگذار است.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیرگذار است.

فرضیه سوم: بین کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرس در صنعت با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیرگذار است.

فرضیه چهارم: بین کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیرگذار است.

فرضیه پنجم: بین کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی با درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیرگذار است.

نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش به سه گروه طبقه بندی می‌شود:
الف) متغیر وابسته:

درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی شرکت i در سال t ($\ln \text{Salary}$).
برابراست با لگاریتم میزان حق الزحمه‌های دریافتی موسسه حسابرسی بابت خدمات مشاوره‌ای به مدیران شرکت‌ها جهت اهداف مالی سازمان که میزان این حق الزحمه طبق قرارداد های مشاوره‌ای غیرحسابرسی ثبت شده در جامعه حسابداران رسمی قابل دریافت است (چه و همکاران، ۲۰۲۰).

ب) متغیر مستقل

۱- حقوق و مزایای شرکای حسابرسی شرکت i در سال t ($\text{FE_AuditFirms}_{i,t}$).

۲- کیفیت حسابرسی شرکت i در سال t ($\text{AQ}_{i,t}$).

- حقوق و مزایای شرکای حسابرسی ($FE_AuditFirms_{i,t}$):

برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی سازمان ها در سال مورد بررسی (دروچر و همکاران، ۲۰۱۶).

- کیفیت حسابرسی ($AQ_{i,t}$):

متغیر مصنوعی ای است که اگر حسابرسی شرکت توسط حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی رتبه یک انجام شده باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود (دونلسون و همکاران، ۲۰۲۰).

کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرس در صنعت ($AQ - SP_{i,t}$):

کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی ($AQ - SIZE_{i,t}$):

کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی ($AQ - TEN_{i,t}$):

کیفیت حسابرسی ناشی از سه عامل به شرح زیر محاسبه خواهد شد (بیردسلی و همکاران، ۲۰۲۱):

| نوع متغیر | نام متغیر | نماد متغیر | تعریف عملیاتی متغیر |
|-----------|----------------------|------------|--|
| مستقل | تخصص حسابرس در صنعت | AUDIT_SP | تخصص حسابرس در صنعت. این معیار از نسبت مجموع دارایی های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی های صاحبکاران در این صنعت بدست می آید (عبدل القادر و همکاران، ۲۰۰۹) |
| | اندازه موسسه حسابرسی | AUDIT_SIZE | متغیر مجازی است، در صورتیکه حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی و باشد عدد یک در غیر اینصورت عدد صفر می گیرد. |
| | دوره تصدی حسابرسی | TEN_AUDIT | سنواتی که موسسه حسابرسی خدمات حسابرسی برای شرکت ارائه نموده است. |

(ج) متغیرهای کنترلی:

۱- نرخ رشد فروش شرکت i در سال t ($LnSales_{i,t}$).

۲- اندازه شرکت i در سال t ($LnTA_{i,t}$).

۳- اهرم مالی شرکت i در سال t ($Leverage_{i,t}$).

۴- نسبت سودآوری شرکت i در سال t ($ROA_{i,t}$).

۵- نسبت جریانهای نقدی شرکت i در سال t ($CashFlow_{i,t}$).

۶- متغیر مصنوعی زیان شرکت i در سال t ($Loss_{i,t}$).

۷- نرخ رشد سرمایه گذاری شرکت i در سال t ($ShortInv_{i,t}$).

۸- عمر شرکت i در سال t ($FE_Years_{i,t}$).

۹- صنعت مورد فعالیت شرکت i در سال t ($FE_industry_{i,t}$).

نرخ رشد فروش ($LnSales_{i,t}$):

نرخ رشد فروش شرکت برابر است با تغییرات در فروش شرکت که نحوه محاسبه آن به صورت زیر است (مریج، ۲۰۱۹):

$$LnSales_{i,t} = \frac{S_{i,t} - S_{i,t-1}}{S_{i,t-1}}$$

$LnSales_{i,t}$ = نرخ رشد فروش شرکت i در سال t .

$S_{i,t}$ = فروش خالص شرکت i در سال t .

$S_{i,t-1}$ = فروش خالص شرکت i در سال $t-1$ می باشد.

اندازه شرکت $(LnTA_{i,t})$:

برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها (ساندگرنند و ساوانتروم، ۲۰۱۷).

اهرم مالی $(Leverage_{i,t})$:

برابر است با مجموع بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها (کیکوتته و همکاران، ۲۰۱۹).

نسبت سودآوری $(ROA_{i,t})$:

برابر است با میزان سود خالص شرکت در سال جاری تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها (چه و همکاران، ۲۰۲۱).

نسبت جریان‌های نقدی $(CashFlow_{i,t})$:

برابر است با حاصل تقسیم خالص جریان‌های نقدی عملیاتی بر مجموع فروش در سال جاری (دونلسون و همکاران،

۲۰۲۰).

متغیر مصنوعی زیان شرکت $(Loss_{i,t})$:

متغیر مصنوعی‌ای است که اگر شرکت مورد بررسی در سال مورد نظر زیان کرده باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر

خواهد بود (ساندگرنند و ساوانتروم، ۲۰۱۷).

نرخ رشد سرمایه‌گذاری $(ShortInv_{i,t})$:

نحوه محاسبه نرخ رشد سرمایه‌گذاری به صورت زیر می‌باشد (کیکوتته و همکاران، ۲۰۱۹):

$$ShortInv_{i,t} = INV_{i,t} - INV_{i,t-1} / INV_{i,t-1}$$

$INV_{i,t}$ = برابر است با مانده سرمایه‌گذاری در سال جاری.

$INV_{i,t-1}$ = برابر است با مانده سرمایه‌گذاری در سال ماقبل جاری.

عمر شرکت $(FE_Years_{i,t})$:

برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت در بازار سرمایه (دکیسر و همکاران، ۲۰۲۱).

صنعت مورد فعالیت $(FE_industry_{i,t})$:

صنعت مورد فعالیت برابر است با اثرات ثابت صنعت مورد فعالیت (چه و همکاران، ۲۰۲۰).

مدل‌های پژوهشی

برای آزمون فرضیه اول تا پنجم به ترتیب از مدل شماره ۱ تا ۵ به شرح زیر بهره گرفته خواهد شد. در این مدل اگر ضرایب

β_i (ضرایب مربوط به متغیرهای مستقل) در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار باشد به ترتیب فرضیه‌های اول تا پنجم پژوهش مورد تأیید قرار خواهد گرفت. مدل‌های ریاضی پژوهش برگرفته از پژوهش چه و همکاران^۱ (۲۰۲۱) به صورت زیر برآورد شده است:

مدل مربوط به فرضیه اول:

$$\begin{aligned} LnSalary = & \alpha_0 + b_1 FE_AuditFirms_{i,t} + b_2 LnSales_{i,t} + \beta_3 LnTA_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} \\ & + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 CashFlow_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 ShortInv_{i,t} + \beta_9 FE_Years_{i,t} \\ & + \beta_{10} FE_industry_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل مربوط به فرضیه دوم:

$$\begin{aligned} LnSalary = & \alpha_0 + b_1 AQ_{i,t} + b_2 LnSales_{i,t} + \beta_3 LnTA_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} \\ & + \beta_6 CashFlow_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 ShortInv_{i,t} + \beta_9 FE_Years_{i,t} \\ & + \beta_{10} FE_industry_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل مربوط به فرضیه سوم:

$$\begin{aligned} \text{LnSalary} = & \alpha_0 + b_1 \text{AQ} - \text{SP}_{i,t} + b_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} \\ & + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل مربوط به فرضیه چهارم:

$$\begin{aligned} \text{LnSalary} = & \alpha_0 + b_1 \text{AQ} - \text{SIZE}_{i,t} + b_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} \\ & + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل مربوط به فرضیه پنجم:

$$\begin{aligned} \text{LnSalary} = & \alpha_0 + b_1 \text{AQ} - \text{TEN}_{i,t} + b_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} \\ & + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

در این مدل‌ها داریم:

\dot{I}_t بیان گر شرکت (واحدهای مقطعی) و t بیان گر سال می‌باشد.

$\varepsilon_{i,t}$ = خطای تصادفی شرکت \dot{I} در سال t .

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، از نوع کاربردی به شمار می‌آید. پژوهش حاضر از نقطه نظر روش استنتاج، از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. این نوع از پژوهش مشتمل بر گردآوری اطلاعات دقیق به منظور آزمون فرضیه یا پاسخ به سوالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می‌باشد. این پژوهش از دیدگاه فرآیند اجرایی از نوع پژوهش علی-همبستگی که با بهره‌گیری از اطلاعات تاریخی گذشته (شبه تجربی) و بر اساس استدلال قیاسی-استقرایی صورت می‌پذیرد که هدف از آن آزمون فرضیات بیان شده در جهت مشاهده رابطه علی میان متغیرهای مستقل و میزان اثرگذاری آنها بر متغیر وابسته و کشف میزان همبستگی میان متغیرها است. همچنین قلمرو تحقیق بازه زمانی ۶ ساله از ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ را دربر گرفته و مکان تحقیق بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. جهت انتخاب نمونه از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است و شرکت‌های بورسی که شرایط ذیل را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند:

- ۱- با توجه به اطلاعات مورد نیاز از سال ۱۳۹۵، شرکت‌هایی که حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۵ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و نام آن‌ها تا پایان سال ۱۴۰۰ از فهرست شرکت‌های یاد شده، حذف نشده باشد.
- ۲- در طول دوره موردنظر، سهام آن‌ها به طور فعال در بورس معامله شده باشد.
- ۳- به منظور افزایش قابلیت مقایسه شرکت‌های مورد بررسی، دوره مالی آنها باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی نداشته باشند.
- ۴- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک‌ها و بیمه‌ها) به دلیل متفاوت بودن عملکرد آن‌ها، نباشند.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش آمار توصیفی

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

| متغیر | تعداد | میانگین | انحراف معیار | کمترین | بیشترین | چولگی | کشدگی |
|--|-------|---------|--------------|--------|---------|--------|---------|
| درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی | ۶۱۲ | ۰/۲۵۳ | ۰/۲۱۶ | ۰/۷۸۴ | ۰/۰۷۹ | ۱/۱۳۴ | ۰/۶۸۹ |
| حقوق و مزایای شرکای حسابرسی | ۶۱۲ | ۰/۵۰۳ | ۰/۰۸۴ | ۰/۵۴۱ | ۰/۵۳۹ | -۰/۰۲۸ | ۱/۸۵۵ |
| کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت | ۶۱۲ | ۰/۲۵۶ | ۰/۱۷۹ | ۰/۶۳۷ | ۰/۶۳۹ | ۰/۸۱۸ | -۰/۰۴۹ |
| کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی | ۶۱۲ | ۰/۴۲۱ | ۰/۲۶۸ | ۰/۶۶۲ | ۰/۰۵۹ | ۱/۱۰۶ | ۴/۹۱۱ |
| کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی | ۶۱۲ | ۰/۳۳۸ | ۰/۱۹۳ | ۰/۵۴۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۱۷۶ | -۰/۹۴۱ |
| نرخ رشد فروش | ۶۱۲ | ۰/۳۵۱ | ۰/۰۵۲ | ۰/۸۷۴ | ۰/۰۷۴ | -۰/۴۵۸ | ۶/۸۹۶ |
| اندازه شرکت | ۶۱۲ | ۰/۱۷۸ | ۰/۱۱۷ | ۰/۴۷۴ | ۰/۰۰۴ | ۱/۵۰۷ | ۳/۱۱۸ |
| اهرم مالی | ۶۱۲ | ۴/۴۳۴ | ۰/۴۵۸ | ۶/۵۸۲ | ۶/۰۰۵ | ۰/۷۴۴ | ۰/۶۰۹ |
| نسبت سودآوری | ۶۱۲ | ۰/۱۷۸ | ۰/۱۶۲ | ۰/۵۸۷ | ۰/۰۰۵ | ۱/۳۴۹ | ۱/۳۹۱ |
| نسبت جریان‌های نقدی | ۶۱۲ | ۰/۴۹۷ | ۰/۱۵۰ | ۰/۸۲۵ | ۰/۸۱۲ | -۰/۰۰۷ | -۰/۱۸۴ |
| متغیر مصنوعی زبان شرکت | ۶۱۲ | ۰/۶۶۴ | ۲/۶۷۱ | ۰/۵۹۳ | ۰/۰۳۴ | ۲۴/۵۹۳ | ۶۰۷/۱۸۸ |
| نرخ رشد سرمایه‌گذاری | ۶۱۲ | ۰/۱۴۱ | ۰/۷۲۹ | ۰/۲۵۴ | ۰/۰۰۱ | ۱۹/۷۲۸ | ۴۲۰/۲۳۴ |
| عمر شرکت | ۶۱۲ | ۰/۷۱۰ | ۰/۰۴۲ | ۰/۵۹۹ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۳۳ | ۰/۴۴۳ |
| صنعت مورد فعالیت | ۶۱۲ | ۰/۶۶۶ | ۰/۰۵۰ | ۰/۶۵۸ | ۰/۰۰۲ | -۳/۶۳۳ | ۵۰/۹۵۷ |

با توجه به نگاره ۱، میانگین درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی، حقوق و مزایای شرکای حسابرسی، کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت، کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی شرکت‌های نمونه به ترتیب برابر با ۰/۲۵۳، ۰/۵۰۳، ۰/۲۵۶، ۰/۴۲۱ و ۰/۳۳۸ بوده و کمترین و بیشترین مقدار آن برابر با ۰/۵۴۱ و ۰/۵۳۹ می‌باشد. بررسی میزان چولگی و کشیدگی این متغیر که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می‌دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال نیست. بر اساس آمار توصیفی ارائه شده در نگاره ۱، میانگین نرخ رشد فروش شرکت‌های نمونه طی بازه زمانی تحقیق مثبت و به ترتیب برابر با ۰/۳۵۱ بوده است. همچنین میانگین مثبت اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت سودآوری، نسبت جریان‌های نقدی، کیفیت حسابرسی، متغیر مصنوعی زبان شرکت، نرخ رشد سرمایه‌گذاری، عمر شرکت، صنعت مورد فعالیت و نسبت وجوه نقد به ترتیب برابر با ۰/۱۷۸، ۴/۴۳۴، ۰/۱۴۱، ۰/۶۶۴، ۰/۷۱۰، ۰/۶۶۶، ۰/۷۲۹، ۰/۲۵۴ و ۰/۵۷۳ بوده است.

پیش‌آزمون‌های مربوط به برآورد مدل رگرسیون ترکیبی

برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا نه، از آزمون چاو یا F مقید و به منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره ۲. نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل (۱)

| آزمون | تعداد | آماره | مقدار آماره | درجه آزادی | P-Value |
|-------|-------|----------|-------------|------------|---------|
| چاو | ۶۱۲ | F | ۵/۸۷۴ | (۴۹۸،۱۰۱) | ۰/۰۲۴ |
| هاسمن | ۶۱۲ | χ^2 | ۳/۱۷۲ | ۱۱ | ۰/۰۰۱ |

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن (۰/۰۲۴)، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. هم چنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن (۰/۰۰۱) که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و سوال H_1 پذیرفته می شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود.

برای سنجش اعتبار مدل و بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک لازم است علاوه بر بررسی عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، آزمون هایی در ارتباط با نرمال بودن باقیمانده ها، همسانی واریانس ها، استقلال باقیمانده ها و عدم وجود خطای تصریح مدل (خطی بودن مدل) نیز انجام شود. برای آزمون نرمال بودن جملات خطا از آزمون های مختلفی می توان استفاده کرد. یکی از این آزمون ها، آزمون جارکیو- برا می باشد که در این تحقیق نیز از این آزمون استفاده شده است. نتایج آزمون جارکیو- برا حاکی از این است که باقیمانده های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند، به طوری که احتمال مربوط به این آزمون (۰/۳۱۹) بزرگ تر از ۰/۰۵ می باشد. یکی دیگر از مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس باقیمانده ها می باشد. در صورتی که واریانس ها ناهمسان باشند برآورد کننده خطی نارایب نبوده و کم ترین واریانس را نخواهد داشت. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس ها از آزمون برش پاگان استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۳۸)، سوال صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می باشد. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. هم چنین در این مطالعه برای آزمون همبسته نبودن باقیمانده ها که یکی از مفروضات تجزیه و تحلیل و تحلیل رگرسیون می باشد و خود همبستگی نامیده می شود از آزمون دوربین واتسون (D-W) استفاده شده است. با توجه به نتایج اولیه برآورد مدل مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۴۵ بوده و از آن جایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ می باشد می توان نتیجه گرفت باقیمانده ها مستقل از هم می باشند. علاوه بر این، برای آزمون این که مدل دارای رابطه خطی است و این که آیا مدل مورد نظر تحقیق از نظر رابطه خطی بودن و یا غیر خطی بودن درست تبیین شده است یا خیر از آزمون رمزی استفاده گردیده است. با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی (۰/۱۳۵) بزرگ تر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین سوال صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی باشد. خلاصه نتایج آزمون های فوق در نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره ۳. نتایج آزمون های مربوط به مفروضات آماری مدل (۱)

| آماره Ramsey | | آماره Durbin-Watson | | آماره Breusch-Pagan | | آماره Jarque-Bera | |
|--------------|-------|---------------------|---------|---------------------|---------|-------------------|--|
| P-Value | F | D | P-Value | F | P-Value | χ^2 | |
| ۰/۱۳۵ | ۲/۰۰۷ | ۲/۴۵ | ۰/۰۳۸ | ۷/۹۴۲ | ۰/۳۱۸ | ۱/۳۲۵ | |

با توجه به نتایج حاصل از آزمون های چاو و هاسمن و هم چنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل (۱) تحقیق با استفاده از روش داده های پانل و به صورت اثرات ثابت برآورد می شود. نتایج مربوط به آزمون های چاو (جهت مشخص نمودن استفاده از روش داده های پانل یا ترکیبی) و هاسمن (جهت مشخص کردن استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی در روش داده های پانل) برای مدل (۲) در نگاره ۴ ارائه شده است.

نگاره ۴. نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل (۲)

| آزمون | تعداد | آماره | مقدار آماره | درجه آزادی | P-Value |
|-------|----------|-------|-------------|------------|---------|
| چاو | F | ۴/۰۵۰ | (۴۹۸،۱۰۱) | ۰/۰۱۵ | ۰/۰۲۴ |
| هاسمن | χ^2 | ۹/۵۸۲ | ۱۱ | ۰/۰۴۸ | ۰/۰۰۱ |

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن (۰/۰۱۵)، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. هم چنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن (۰/۰۴۷) که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و سوال H_1 پذیرفته می شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز نتایج آزمون جارکیو- برا حاکی از این است که باقیمانده های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند، به طوری که احتمال مربوط به این آزمون (۰/۹۱۷) بزرگ تر از ۰/۰۵ می باشد. هم چنین با توجه به سطح اهمیت آزمون برش پاگان که کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۳۸)، سوال صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می باشد. در این سوال برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. در آزمون خود همبستگی باقیمانده های مدل که با استفاده از آماره دوربین واتسون (DW) انجام شده، مقدار آماره دوربین- واتسن ۲/۲۹ بوده و از آن جایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ می باشد می توان نتیجه گرفت باقیمانده ها مستقل از هم می باشند. علاوه بر این، با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگ تر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۱۳۴)، بنابراین سوال صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی باشد. خلاصه نتایج آزمون های فوق در نگاره ۵ ارائه شده است.

نگاره ۵. نتایج آزمون های مربوط به مفروضات آماری مدل (۲)

| آماره Jarque-Bera | | آماره Breusch-Pagan | | آماره Durbin-Watson | | آماره Ramsey | |
|-------------------|----------|---------------------|-------|---------------------|-------|--------------|-------|
| P-Value | χ^2 | P-Value | F | D | F | P-Value | F |
| ۰/۹۱۷ | ۱/۹۲۳ | ۰/۰۳۸ | ۴/۷۷۸ | ۲/۲۹ | ۲/۰۱۵ | ۰/۱۳۴ | ۲/۰۱۵ |

با توجه به نتایج حاصل از آزمون های چاو و هاسمن و هم چنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل (۲) تحقیق با استفاده از روش داده های پانل و به صورت اثرات ثابت برآورد می شود. نتایج مربوط به آزمون های چاو (جهت مشخص نمودن استفاده از روش داده های پانل یا ترکیبی) و هاسمن (جهت مشخص کردن استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی در روش داده های پانل) برای مدل (۳) در نگاره ۶ ارائه شده است.

نگاره ۶. نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل (۳)

| آزمون | تعداد | آماره | مقدار آماره | درجه آزادی | P-Value |
|-------|----------|-------|-------------|------------|---------|
| چاو | F | ۶/۵۶۳ | (۴۹۸،۱۰۱) | ۰/۰۰۵ | ۰/۰۲۴ |
| هاسمن | χ^2 | ۴/۲۳۲ | ۱۱ | ۰/۰۴۲ | ۰/۰۰۱ |

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن (۰/۰۰۵)، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. هم چنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن (۰/۰۴۲) که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و سوال H_1 پذیرفته می شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز نتایج آزمون جارکیو- برا حاکی از این است که باقیمانده های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند بطوری که احتمال مربوط به

این آزمون (۰/۶۷۵) بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. هم چنین با توجه به سطح اهمیت آزمون برش پاگان که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۱۲۸)، سوال صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می باشد. در این سوال برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. در آزمون خود همبستگی باقیمانده های مدل که با استفاده از آماره دوربین واتسون (DW) انجام شده، مقدار آماره دوربین - واتسن ۲/۳۳ بوده و از آن جایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ می باشد می توان نتیجه گرفت باقیمانده ها مستقل از هم می باشند. علاوه بر این، با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۸۷۴) بنابراین سوال صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی باشد. خلاصه نتایج آزمون های فوق در نگاره ۷ ارائه شده است.

نگاره ۷. نتایج آزمون های مربوط به مفروضات آماری مدل (۳)

| آماره Ramsey | | آماره Durbin-Watson | | آماره Breusch-Pagan | | آماره Jarque-Bera | |
|--------------|-------|---------------------|---------|---------------------|---------|-------------------|--|
| P-Value | F | D | P-Value | F | P-Value | χ^2 | |
| ۰/۸۷۴ | ۰/۱۳۴ | ۲/۳۳ | ۰/۰۱۲ | ۸/۸۳۷ | ۰/۶۷۵ | ۱/۶۸۳ | |

با توجه به نتایج حاصل از آزمون های چاو و هاسمن و هم چنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل (۳) تحقیق با استفاده از روش داده های پانل و بصورت اثرات ثابت برآورد می شود.

نتایج مربوط به آزمون های چاو (جهت مشخص نمودن استفاده از روش داده های پانل یا ترکیبی) و هاسمن (جهت مشخص کردن استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی در روش داده های پانل) برای مدل (۴) در نگاره ۸ ارائه شده است.

نگاره ۸. نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل (۴)

| آزمون | آماره | مقدار آماره | درجه آزادی | P-Value |
|-------|----------|-------------|------------|---------|
| چاو | F | ۵/۵۸۸ | (۴۹۸، ۱۰۱) | ۰/۰۱۹ |
| هاسمن | χ^2 | ۶/۵۳۰ | ۱۱ | ۰/۰۳۸ |

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن (۰/۰۱۹)، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. هم چنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن (۰/۰۳۸) که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و سوال H_1 پذیرفته می شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز نتایج آزمون جاکویو - برا حاکی از این است که باقیمانده های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند، بطوری که احتمال مربوط به این آزمون (۰/۶۲۹) بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. هم چنین با توجه به سطح اهمیت آزمون برش پاگان که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۲۷) سوال صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می باشد. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. در آزمون خود همبستگی باقیمانده های مدل که با استفاده از آماره دوربین واتسون (DW) انجام شده، مقدار آماره دوربین - واتسن ۲/۳۴ بوده و از آن جایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ می باشد می توان نتیجه گرفت باقیمانده ها مستقل از هم می باشند. علاوه بر این، با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۹۵۴) بنابراین سوال صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی باشد. خلاصه نتایج آزمون های فوق در نگاره ۹ ارائه شده است.

نگاره ۹. نتایج آزمون های مربوط به مفروضات آماری مدل (۴)

| آماره Ramsey | | آماره Durbin-Watson | | آماره Breusch-Pagan | | آماره Jarque-Bera | |
|--------------|-------|---------------------|---------|---------------------|---------|-------------------|--|
| P-Value | F | D | P-Value | F | P-Value | χ^2 | |
| ۰/۹۵۴ | ۰/۰۴۷ | ۲/۳۴ | ۰/۰۲۷ | ۴/۵۷۸ | ۰/۶۲۹ | ۱/۶۳۸ | |

با توجه به نتایج حاصل از آزمون های چاو و هاسمن و همچنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل (۴) تحقیق با استفاده از روش داده‌های پانل و بصورت اثرات ثابت برآورد می‌شود. نتایج مربوط به آزمون های چاو (جهت مشخص نمودن استفاده از روش داده‌های پانل یا ترکیبی) و هاسمن (جهت مشخص کردن استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی در روش داده‌های پانل) برای مدل (۵) در نگاره ۱۰ ارائه شده است.

نگاره ۱۰. نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل (۵)

| آزمون | آماره | مقدار آماره | درجه آزادی | P-Value |
|-------|----------|-------------|------------|---------|
| چاو | F | ۵/۱۴۴ | (۴۹۸،۱۰۱) | ۰/۰۱۷ |
| هاسمن | χ^2 | ۹/۰۵۲ | ۱۱ | ۰/۰۴۵ |

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن (۰/۰۱۷)، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که می‌توان از روش داده‌های پانل استفاده نمود. همچنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن (۰/۰۴۵) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، سوال H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و سوال H_1 پذیرفته می‌شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز نتایج آزمون جاکوب- برا حاکی از این است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند بطوری که احتمال مربوط به این آزمون (۰/۶۷۹) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین با توجه به سطح اهمیت آزمون برش پاگان که کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۲۱)، سوال صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می‌توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می‌باشد. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. در آزمون خود همبستگی باقیمانده‌های مدل که با استفاده از آماره دوربین واتسون (DW) انجام شده، مقدار آماره دوربین- واتسن ۲/۴۲ بوده و از آن جایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت باقیمانده‌ها مستقل از هم می‌باشند. علاوه بر این، با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۷۳۰)، بنابراین سوال صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی‌باشد. خلاصه نتایج آزمون‌های فوق در نگاره ۱۱ ارائه شده است.

نگاره ۱۱. نتایج آزمون های مربوط به مفروضات آماری مدل (۵)

| آماره Ramsey | | آماره Durbin-Watson | | آماره Breusch-Pagan | | آماره Jarque-Bera | |
|--------------|-------|---------------------|---------|---------------------|---------|-------------------|--|
| P-Value | F | D | P-Value | F | P-Value | χ^2 | |
| ۰/۷۳۰ | ۰/۳۱۴ | ۲/۴۲ | ۰/۰۲۱ | ۸/۷۹۹ | ۰/۶۷۹ | ۱/۶۸۲ | |

با توجه به نتایج حاصل از آزمون های چاو و هاسمن و همچنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل (۵) تحقیق با استفاده از روش داده‌های پانل و بصورت اثرات ثابت برآورد می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش نتایج آزمون فرضیه اول

نگاره ۱۲. نتایج آزمون فرضیه اول با استفاده از روش اثرات ثابت

$$\text{LnSalary} = \alpha_0 + \beta_1 \text{FE_AuditFirms}_{i,t} + \beta_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} \\ + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} \\ + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

| متغیر | ضریب | آماره t | P-Value | رابطه |
|-----------------------------|---------|----------|---------|---------|
| جزء ثابت | -۰/۱۲۶۲ | ۰/۵۹۲۹ | ۰/۰۰۳۵ | منفی |
| حقوق و مزایای شرکای حسابرسی | ۰/۰۷۳۹ | ۲/۵۲۷۲ | ۰/۰۱۸۲ | مثبت |
| نرخ رشد فروش | ۰/۰۴۲۴ | ۲/۳۲۵۴ | ۰/۰۳۶۹ | مثبت |
| اندازه شرکت | -۰/۰۳۶۵ | ۰/۴۱۴۴ | ۰/۶۷۸۷ | بی معنی |
| اهرم مالی | ۰/۰۰۱۹ | ۴/۱۰۵۴ | ۰/۰۰۰۱ | مثبت |
| نسبت سودآوری | -۰/۰۱۷۱ | ۳/۳۵۵۱ | ۰/۰۰۲۶ | منفی |
| نسبت جریان‌های نقدی | ۰/۰۷۳۰ | ۱/۳۸۷۶ | ۰/۱۶۵۹ | بی معنی |
| کیفیت حسابرسی | -۰/۰۱۲۱ | ۲/۷۶۶۸ | ۰/۰۴۳۵ | منفی |
| متغیر مصنوعی زبان شرکت | ۰/۰۰۰۴ | ۴/۱۶۸۶ | ۰/۰۰۰۲ | مثبت |
| نرخ رشد سرمایه گذاری | ۰/۰۰۶۰ | ۳/۱۹۴۲ | ۰/۰۰۲۹ | مثبت |
| عمر شرکت | ۰/۵۶۲۵ | ۳/۸۰۰۳ | ۰/۰۰۵۳ | مثبت |
| صنعت مورد فعالیت | -۰/۰۶۶۵ | ۰/۳۳۰۲ | ۰/۷۴۱۴ | بی معنی |
| نسبت وجوه نقد | -۰/۰۲۶۴ | ۲/۴۹۴۶ | ۰/۰۲۱۱ | منفی |
| ضریب تعیین مدل | | ۰/۵۶۲۶ | | |
| آماره F | | ۶/۸۶۳۳ | | |
| (P-Value) | | (۰/۰۰۰۰) | | |

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کل مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۵۶/۲۶ درصد از درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی شرکت‌ها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در نگاره ۱۲، از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر حقوق و مزایای شرکای حسابرسی کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۱۸)، در نتیجه وجود تاثیر معنی‌داری حقوق و مزایای شرکای حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین سوال اول تحقیق پذیرفته شده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت حقوق و مزایای شرکای حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی شرکت‌ها، تاثیر معناداری وجود دارد. مثبت بودن ضریب این متغیر ناشی از وجود تاثیر مستقیم حقوق و مزایای شرکای حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی شرکت‌ها می‌باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی حقوق و مزایای شرکای حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی شرکت‌ها نیز به میزان ۰/۰۷۳ واحد افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه اول پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که حقوق و مزایای

شرکای حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر مثبت و مستقیمی می‌گذارد.

نتایج فرضیه دوم

نگاره ۱۳. نتایج آزمون فرضیه دوم با استفاده از روش اثرات ثابت

$$\text{LnSalary} = \alpha_0 + b_1 \text{AQ}_{i,t} + b_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

| متغیر | ضریب | آماره t | P-Value | رابطه |
|------------------------|---------|----------|---------|---------|
| جزء ثابت | ۰/۲۲۲۹ | ۴/۳۹۳۶ | ۰/۰۰۰۷ | مثبت |
| کیفیت حسابرسی | -۰/۰۶۱۷ | ۲/۵۲۹۸ | ۰/۰۲۶۷ | منفی |
| نرخ رشد فروش | -۰/۰۳۲۴ | ۲/۴۷۸۵ | ۰/۰۳۲۴ | منفی |
| اندازه شرکت | -۰/۰۳۳۶ | ۳/۱۳۸۱ | ۰/۸۴۵۶ | بی معنی |
| اهرم مالی | ۰/۰۲۹۵ | ۲/۷۱۵۵ | ۰/۰۳۱۸ | مثبت |
| نسبت سودآوری | ۰/۰۰۵۰ | ۲/۲۹۴۵ | ۰/۰۱۶۵ | مثبت |
| نسبت جریان‌های نقدی | -۰/۰۱۰۲ | ۳/۶۱۵۶ | ۰/۰۰۱۴ | منفی |
| متغیر مصنوعی زیان شرکت | ۰/۰۰۰۱ | ۲/۱۰۶۹ | ۰/۰۱۴۹ | مثبت |
| نرخ رشد سرمایه گذاری | ۰/۰۰۴۶ | ۳/۴۶۶۷ | ۰/۰۰۴۰ | مثبت |
| عمر شرکت | -۰/۰۷۱۴ | ۴/۱۰۷۴ | ۰/۰۰۰۶ | منفی |
| صنعت مورد فعالیت | ۰/۱۳۱۸ | ۲/۰۸۸۱ | ۰/۰۳۷۳ | مثبت |
| ضریب تعیین مدل | | ۰/۴۵۸۲ | | |
| آماره F | | ۱۱/۵۹۲ | | |
| (P-Value) | | (۰/۰۰۰۰) | | |

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کل مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۴۵/۸۲ درصد از درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد.

در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در نگاره ۱۳، از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر کیفیت حسابرسی کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۲۶)، در نتیجه وجود تاثیر معنی‌داری کیفیت حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش پذیرفته شده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت کیفیت حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی می‌باشد به طوری که با مشاوره به مشتریان غیرحسابرسی تاثیر معناداری می‌گذارد. منفی بودن ضریب این متغیر (۰/۰۶۱-) حاکی از وجود تاثیر معکوس کیفیت حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی می‌باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی کیفیت حسابرسی؛ درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی نیز به میزان ۰/۰۶۱ واحد کاهش می‌یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه دوم پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر منفی و معکوسی می‌گذارد.

نتایج فرضیه سوم

نگاره ۱۴. نتایج آزمون فرضیه سوم با استفاده از روش اثرات ثابت

$$\text{LnSalary} = \alpha_0 + \beta_1 \text{AQ} - \text{SP}_{i,t} + \beta_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} \\ + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} \\ + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

| متغیر | ضریب | آماره t | P-Value | رابطه |
|---|---------|----------|---------|---------|
| جزء ثابت | -۰/۴۶۱۷ | ۳/۷۶۷۹ | ۰/۰۰۵۹ | منفی |
| کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت | ۰/۰۹۲۶ | ۲/۶۸۵۰ | ۰/۰۱۳۷ | مثبت |
| نرخ رشد فروش | ۰/۰۴۲۴ | ۲/۳۲۶۴ | ۰/۰۲۹۵ | مثبت |
| اندازه شرکت | ۰/۰۰۱ | ۳/۰۱۷۴ | ۰/۰۰۶۱ | مثبت |
| اهرم مالی | -۰/۰۱۹۹ | ۱/۲۶۳۳ | ۰/۲۰۰ | بی معنی |
| نسبت سودآوری | -۰/۱۳۱۴ | ۲/۸۰۲۴ | ۰/۰۱۵۳ | مثبت |
| نسبت جریانهای نقدی | -۰/۰۰۷۹ | ۴/۱۶۷۶ | ۰/۰۰۰۹ | منفی |
| متغیر مصنوعی زبان شرکت | ۰/۰۰۵۱ | ۲/۲۸۸۵ | ۰/۰۲۲۵ | مثبت |
| نرخ رشد سرمایه گذاری | ۰/۰۱۳۰ | ۲/۳۸۳۷ | ۰/۰۱۷۱ | مثبت |
| عمر شرکت | ۰/۴۰۶۷ | ۴/۴۱۳۳ | ۰/۰۰۰۲ | مثبت |
| صنعت مورد فعالیت | ۰/۶۷۹۱ | ۶/۱۷۹۹ | ۰/۰۰۰۰ | مثبت |
| ضریب تعیین مدل | | ۰/۵۳۸۲ | | |
| آماره F | | ۹/۶۷۲۱ | | |
| (P-Value) | | (۰/۰۰۰۱) | | |

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۵۳/۸۲ درصد از کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می گردد. در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در نگاره ۱۴، از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۱۳)، در نتیجه وجود تاثیر معنی داری کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. بنابراین فرضیه سوم تحقیق پذیرفته شده و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر معناداری وجود دارد. مثبت بودن ضریب این متغیر (۰/۰۹۲) حاکی از وجود تاثیر مستقیم کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی نیز به میزان ۰/۰۹۲ واحد افزایش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید سوال سوم پژوهش می توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابرسی ناشی از تخصص حسابرسان در صنعت بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر مثبت و مستقیمی می گذارد.

نتایج آزمون سوال چهارم

نگاره ۱۵. نتایج آزمون فرضیه چهارم با استفاده از روش اثرات ثابت

$$\text{LnSalary} = \alpha_0 + b_1 \text{AQ} - \text{SIZE}_{i,t} + b_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} \\ + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} \\ + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

| متغیر | ضریب | آماره t | P-Value | رابطه |
|--|---------|----------|---------|---------|
| جزء ثابت | -۰/۱۳۸۴ | ۳/۶۶۵۳ | ۰/۰۰۶۱ | منفی |
| کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی | ۰/۴۹۴۰ | ۴/۱۴۷۷ | ۰/۰۰۰۷ | مثبت |
| نرخ رشد فروش | ۰/۳۲۴۷ | ۴/۴۷۸۵ | ۰/۰۰۲۵ | مثبت |
| اندازه شرکت | ۰/۰۳۸۶ | ۰/۴۱۴۶ | ۰/۶۷۸۶ | بی معنی |
| اهرم مالی | ۰/۰۱۴۳ | ۴/۷۳۹۵ | ۰/۰۰۰۹ | مثبت |
| نسبت سودآوری | -۰/۰۸۰۳ | ۲/۵۱۹۷ | ۰/۰۲۹۲ | منفی |
| نسبت جریان‌های نقدی | ۰/۲۵۵۹ | ۶/۴۴۷۹ | ۰/۰۰۰۰ | مثبت |
| متغیر مصنوعی زبان شرکت | -۰/۰۰۱۰ | ۳/۱۶۹۲ | ۰/۰۰۱۶ | منفی |
| نرخ رشد سرمایه‌گذاری | ۰/۰۰۰۶ | ۴/۰۴۷۵ | ۰/۰۰۰۱ | مثبت |
| عمر شرکت | ۰/۱۰۱۹ | ۳/۵۱۰۹ | ۰/۰۰۹۶ | مثبت |
| صنعت مورد فعالیت | ۰/۲۳۷۵ | ۲/۲۲۵۵ | ۰/۰۲۰۹ | مثبت |
| ضریب تعیین مدل | | ۰/۵۲۶۰ | | |
| آماره F | | ۸/۸۶۷۱ | | |
| (P-Value) | | (۰/۰۰۰۰) | | |

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۵۲/۶۰ درصد از درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در نگاره ۱۵، از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۰۱)، در نتیجه وجود تاثیر معنی‌داری کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق پذیرفته شده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر معناداری وجود دارد. مثبت بودن ضریب این متغیر (۰/۴۹۴) حاکی از وجود تاثیر مستقیم کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی می‌باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی؛ درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی نیز به میزان ۰/۴۹۴ واحد افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید سوال چهارم پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه موسسه حسابرسی بر درآمدهای مشاوره‌ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر مثبت و مستقیمی می‌گذارد.

نتایج آزمون فرضیه پنجم

نگاره ۱۶. نتایج آزمون فرضیه پنجم با استفاده از روش اثرات ثابت

$$\text{LnSalary} = \alpha_0 + \beta_1 \text{AQ} - \text{TEN}_{i,t} + \beta_2 \text{LnSales}_{i,t} + \beta_3 \text{LnTA}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} \\ + \beta_6 \text{CashFlow}_{i,t} + \beta_7 \text{Loss}_{i,t} + \beta_8 \text{ShortInv}_{i,t} + \beta_9 \text{FE_Years}_{i,t} \\ + \beta_{10} \text{FE_industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

| متغیر | ضریب | آماره t | P-Value | رابطه |
|---------------------------------|---------|---------|---------|---------|
| جزء ثابت | ۰/۲۳۳۸ | ۳/۲۷۸۰ | ۰/۰۰۱۸ | مثبت |
| کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی | -۰/۱۰۶۴ | ۴/۷۴۱۶ | ۰/۰۰۰۶ | منفی |
| نرخ رشد فروش | -۰/۲۱۴۵ | ۴/۳۲۹۸ | ۰/۰۰۴۵ | منفی |
| اندازه شرکت | -۰/۰۴۹۵ | ۴/۵۲۲۳ | ۰/۰۰۰۷ | منفی |
| اهرم مالی | ۰/۰۲۳۹ | ۲/۴۸۲۶ | ۰/۰۳۸۸ | مثبت |
| نسبت سودآوری | -۰/۰۰۶۰ | ۶/۱۳۲۵ | ۰/۰۰۰۰ | منفی |
| نسبت جریانهای نقدی | ۰/۰۱۰۰ | ۲/۲۰۰۵ | ۰/۰۴۱۱ | مثبت |
| کیفیت حسابرسی | -۰/۰۲۲۴ | ۳/۴۹۸۰ | ۰/۰۰۴۸ | منفی |
| متغیر مصنوعی زیان شرکت | -۰/۰۰۱۰ | ۲/۶۲۳۸ | ۰/۰۴۲۷ | منفی |
| نرخ رشد سرمایه گذاری | ۰/۰۱۳۱ | ۱/۶۴۶۶ | ۰/۱۰۰۳ | بی معنی |
| عمر شرکت | -۰/۱۶۲۴ | ۲/۹۴۲۸ | ۰/۰۴۶۲ | منفی |
| صنعت مورد فعالیت | ۰/۳۰۷۸ | ۳/۸۰۴۹ | ۰/۰۰۱۷ | مثبت |
| نسبت وجوه نقد | -۰/۰۷۱۹ | ۴/۳۵۷۵ | ۰/۰۰۰۲ | منفی |
| ضریب تعیین مدل | | ۰/۴۳۸۵ | | |
| آماره F | | ۸/۳۹۴ | | |
| (P-Value) | | (۰/۰۰۰) | | |

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۴۳/۸۵ درصد از درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می گردد. در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در نگاره ۱۶، از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۱)، در نتیجه وجود تاثیر معنی داری کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. بنابراین فرضیه پنجم تحقیق پذیرفته شده و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر معناداری وجود دارد. منفی بودن ضریب این متغیر (-۰/۱۰۶) حاکی از وجود تاثیر معکوس کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی نیز به میزان ۰/۱۰۶ واحد کاهش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید سوال پنجم پژوهش می توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابرسی ناشی از دوره تصدی حسابرسی بر درآمدهای مشاوره ای ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر منفی و معکوسی می گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری یافته‌ها

بحث و بررسی فرضیه اول

از آنجا که کیفیت حسابرسی چند بعدی و نادیدنی است، پژوهشگران در جستجوی جانشین‌ها و یا شاخص‌هایی از کیفیت حسابرسی مانند نظر کارشناسان برای تعیین درونداد داده‌ها و نتایج کیفیت حسابرسی هستند. بعضی از پژوهشگران از بروندادهای عینی به عنوان مبنایی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی استفاده می‌کنند (فورد و مریج، ۲۰۱۸). بعنوان نمونه وجود نرخ پایینی از دادخواهی در موسسه حسابرسی با کسب رتبه خوبی از نظر جایگاه و اعتبار در بررسی همپیشگان، آستانه‌ای برای تعیین کیفیت حسابرسی قلمداد می‌شوند. در نبود شاخص برای سنجش کیفیت حسابرسی می‌توان از شهرت حسابرسی نیز استفاده کرد. کار حسابرسی به عنوان یک فعالیت نظارتی و یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، برای جلب و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران به وجود تقارن اطلاعاتی، منصفانه بودن بازار و نیز منصفانه بودن اطلاعات در دسترس، ضروری است. حسابرسی مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی، تضمین قابلیت ارتقا و تعیین کیفیت اطلاعات مالی، موجب حمایت از حقوق تمامی ذینفعان شرکت می‌شود. کیفیت حسابرسی می‌تواند در بازه‌های زمانی بلندمدت و با توجه به الگوریتم‌های از پیش تعیین شده درآمدهای مشاوره ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر بسزایی بگذارد هرچقدر کیفیت حسابرسی با توجه به الگوریتم‌های درآمدهای مشاوره‌ای افزایش پیدا کند به همان نسبت حقوق و مزایای حسابرسان نیز افزایش پیدا کرده و در بازه‌های زمانی بلندمدت می‌تواند علاوه بر افزایش ارزش شرکت بر روی کیفیت حسابرسی شرکت‌ها نیز تاثیر بگذارد. حق الزحمه حسابرسی یکی از مهم‌ترین مسایل حرفه حسابرسی هست. از این رو مورد توجه مجامع حرفه‌ای حسابرسی برسی است و مقررات گذاران حرفه، حسابرسان، پژوهشگران و دانشگاهیان بوده و در استانداردهای حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای به آن توجه شده. بویژه رابطه حق الزحمه حسابرسی با استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی در کانون توجه بوده. در پژوهش‌های پیشین دو جنبه از تاثیر حق الزحمه بر کیفیت حسابرسی مطرح شده است. نخست، افزایش حق الزحمه حسابرسی، می‌تواند بر استقلال حسابرس اثر منفی بگذارد. دوم حق الزحمه بیشتر، تاثیر مثبت دارد و موجب تلاش بیشتر حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. معمولاً مدیران بنگاه‌های صاحبکار به دنبال کاهش هزینه‌های حسابرسی هستند، ولی حسابرسان در پی حفظ یا افزایش حق الزحمه حسابرسی و افزایش دامنه حسابرسی در هنگام مواجهه با افزایش خطر حسابرسی هستند. رقابت در قیمت گذاری خدمات حسابرسی نیز بر حق الزحمه حسابرسی و در نهایت کیفیت حسابرسی موثر است. چنین استدلال شده که رقابت برای بر کیفیت حسابرسی و در نتیجه برای مشتریان اطلاعات حسابداری باری زیانبار هست. حقوق و مزایای شرکای حسابرسی می‌تواند در بازه‌های زمانی بلندمدت بر درآمدهای مشاوره ناشی از فروش خدمات مشاوره به مشتریان غیر حسابرسی تاثیر مثبتی بگذارد. نتیجه حاصل از سوال اول، نظر وجود ارتباط معنی دار رابطه متغیر مستقل و وابسته با پژوهش مادامه مارزوک و عبدالوهاب (۲۰۲۳) و عبدالوهاب و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد ولی از نظر نوع ارتباط (مستقیم یا عکس) با نتایج پژوهش فریت و همکاران (۲۰۲۱) مرتبط و با پژوهش‌های احمد و دولمان (۲۰۱۹) و جول و همکاران (۲۰۱۸) در تضاد است.

بحث و بررسی فرضیه دوم، سوم، چهارم و پنجم

حرفه حسابرسی به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران از طریق ایجاد قابلیت اطمینان بر صورت‌های مالی شرکت‌ها به وجود آمده است. به گونه‌ای که وظیفه حسابرس حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران از طریق ایفای نقش اعتباردهی به صورت‌های مالی و اظهار نظر در مورد کلیات آن‌ها است. برای انجام این وظایف حسابرس باید مستقل و بی‌طرف باشد و حق الزحمه‌های حسابرسی خود را برای درآمدهای تخصصی حسابرسی و مشاوره‌های غیر حسابرسی باید بر مبنای استانداردهای موجود تعیین نماید. هدف حسابرسی، ارائه اطمینان درباره صورت‌های مالی است. اما در این باره باید پاسخ داد که چگونه استفاده کنندگان اطلاعات مالی سطح اطمینان ارائه شده و اعتمادپذیری اطلاعات را ارزیابی می‌کنند (ساندگرن و ساواتروم، ۲۰۱۷). بنابراین تا هنگامی که حسابرسی انجام نشده است، نمی‌توان کیفیت حسابرسی و میزان حق الزحمه‌های دریافتی بابت خدمات مشاوره‌ای و غیر مشاوره‌ای را ارزیابی کرد. و هر چقدر حسابرس، استانداردهای حسابرسی و حسابداری مرتبط با اصول کشف

انحرافات را به دقت بررسی نموده و آنها را گزارش نماید به همان نسبت می تواند بر روی کیفیت حسابرسی در بازه های زمانی بلندمدت تاثیر داشته باشد. بنگاه های اقتصادی با هدف درآمدزایی و سودآوری تشکیل می شوند و به فعالیت خود ادامه می دهند. موسسه های حسابرسی نیز برای تداوم فعالیت نیازمند درآمد و سود هستند. بنابراین موسسه های را می توان موفق دانست که از بیشینه ظرفیت خود برای ایجاد درآمد استفاده کند. به همان نسبتی که حسابرسان در صنعت مورد نظر تخصص پیدا می کنند، میزان حق الزحمه حسابرسی آن ها نیز افزایش پیدا می کند و به تبع آن دانش تخصصی آن ها نیز بیشتر می شود و از آن ها انتظار می رود که در مقایسه با حسابرسان غیر متخصص در شناخت گزارش های متقلبانه دقت بیشتری داشته باشند و بتوانند با توجه به الگوریتم های از پیش تعیین شده میزان حق الزحمه های استاندارد را نیز دریافت نمایند. افزایش مورد انتظار در هزینه حسابرسی، نشان دهنده نیاز به تلاش بیشتر تیم حسابرسی است. همچنین حسابرسان به منظور پوشش ریسک اقامه دعوا نیز حق الزحمه های خود را افزایش می دهد. چسبندگی افزایشی حق الزحمه های حسابرسی نشان دهنده این است که حسابرسان به منظور پوشش هزینه های مورد انتظار حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی را به میزان کافی افزایش نمی دهند، بنابراین ممکن است به منظور دستیابی به سود مورد انتظار کار حسابرسی را بطور کامل انجام نداده و منجر به کاهش کیفیت حسابرسی گردد. در مقابل در صورتی که تلاش مورد انتظار حسابرس در نتیجه کاهش حجم فعالیت های صاحبکار و یا پیچیدگی های آن، کمتر شود، انتظار کاهش حق الزحمه حسابرسی نیز وجود دارد. با این حال کاهش در حجم عملیات شرکت ها و یا تغییر در آن ها ممکن است با ریسک بالاتر از جمله کاهش ارزش دارایی همراه باشد. حسابرسان نیز کارکنان شرکت های حسابرسی هستند که بحث رضایت شغلی و بعد رضایت از حقوق و مزایا برای آنها وجود دارد. رضایت از حقوق و مزایا از عوامل درون سازمانی و برون سازمانی تاثیر می پذیرد که از جمله عوامل برون سازمانی موضوع الزامات حرفه ای به ویژه تردید حرفه ای است. تردید حرفه ای به عنوان یکی از ویژگی های ذاتی حسابرس دارای دو بعد قالب شکاکیت و بی طرفی است که در نهایت می تواند بر روی حق الزحمه دریافتی برای خدمات حسابرسی و خدمات مشاوره ای تاثیر بسزایی بگذارد قیمت گذاری خدمات حسابرسی بیانگر مراحل و چگونگی تعیین قیمت جهت خدمات حسابرسی من جمله حق الزحمه حسابرسی است. لذا حسابرسی موفق است که بتواند با توجه به ویژگی های واحد مورد رسیدگی بهترین برآورد را از حق الزحمه خود داشته باشد تا ضمن حفظ کیفیت کار، آن را با حداقل هزینه انجام دهد.

منابع

- امیری، اسماعیل و فخاری، حسین، (۱۴۰۰) خرید اظهارنظر حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی: با رویکرد الگوی معادلات همزمان، *دانش حسابرسی*، ۲۱(۸۲) ۴۸-۲۵
- رشیدی، محسن، (۱۴۰۰). بررسی رقابت بازار، چسبندگی حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی، *دانش حسابداری مالی*، ۸(۲۹) ۱۹۳-۱۷۳.
- عابدی صدقیانی، واعظ، سید علی، مظاهری، اسماعیل و انواری، ابراهیم، (۱۳۹۹) بررسی رابطه بین کاهش حق الزحمه حسابرسی در دوران بحران اقتصادی با کیفیت اطلاعات حسابداری، *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۲(۴۷) ۸۵-۵۹.
- عارف منش، زهره و میرحاجی طرزجانی، زهرالسادات، (۱۴۰۰). بررسی تاثیر دوره جستجوی حسابرس به عنوان علامت ریسک حسابرسی بر انتخاب حسابرس و حق الزحمه حسابرسی، *دانش حسابرسی*، ۲۱(۸۲) ۴۳-۲۵.
- عرب، روح اله، غلامرضا پور، محمد، امیرنیا، نرجس و کاظمی، سید پوریا، (۱۴۰۰) قدرت مدیرعامل، مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی: واکاوی نظریه های همسویی و سنگربندی، *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۸(۷۰) ۱۹۳-۱۶۷.
- کاظمی علوم، مهدی، رضازاده، جواد و کردستانی، غلامرضا، (۱۴۰۰) تبیین استراتژی امتیازدهی حسابرس به صاحبکار، *دانش حسابرسی*، ۲۱(۸۲) ۵۵-۷۲
- مشعشعی، سید محمد، مران جویری، مهدی و غلامی، مونا، (۱۴۰۰) ضعف کنترل داخلی و حق الزحمه حسابرسی: بررسی نقش تعدیل گر تخصص مالی کمیته حسابرسی، *دانش حسابرسی*، ۲۱(۸۳) ۷۷-۱۰۴

- وارسته، هاشم، نیکومرام، هاشم، جهانشاد، آزیتا و بنی‌مهد، بهمن، (۱۴۰۰). تمایل حسابرسان به گزارش تخلفات بر اساس نظریه شناخت اجتماعی، *دانش حسابرسی*، ۲۱(۸۲) ۷۱-۹۸
- علوی طبری، حسین، روح اله رجیبی و مهناز شهبازی، (۱۳۹۳)، رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتهای، *مجله دانش حسابداری*، ۲(۵) ۱۰۱-۷۵.
- کاظمی، حسین و عاطفه محمدنژاد(۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین مالکیت نهادی با عدم تقارن اطلاعاتی و عملکرد مالی شرکت‌ها، *فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری مالی*، ۱(۲) ۱۱۰-۱۲۸.
- کریمی، غلامرضا، (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین مالکین نهادی و محتوای اطلاعاتی سود، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۵۴) ۸۱-۱۰۰.
- نمازی، محمد و کرمانی، احسان، (۱۳۹۰). " تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ". *فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۳(۴) ۲۵-۴۹
- نوروش، ایرج، کریمی، غلامرضا و وافی ثانی، جلال، (۱۳۸۹). بررسی رابطه ساز و کارهای نظام راهبری شرکت و هزینه های نمایندگی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *تحقیقات حسابداری*، ۱(۷) ۲۷-۴.
- حساس یگانه، یحیی و علوی طبری، حسین، (۱۳۸۸)، رابطه بین منابع صرف شده بر روی حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل، *فصلنامه مطالعات حسابداری*، ۱(۴) ۷۲-۹۶.
- رجیبی، روح الله و محمدی خسویی، حمزه، (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۵۳) ۳۵-۵۲.
- سجادی، حسین. ابراهیمی مند، حسین، (۱۳۸۵)، عوامل افزایشده ی استقلال حسابرس مستقل، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۴۰(۵)، ۶۱-۸۰.
- Beardsley, E.L., Imdieke, A., Omer, T.C., 2021. The distraction effect of non-audit services on audit quality. *J. Account. Econ.* 71, (2–3) 101380.
- Che, L., Hope, O.-K., Langli, J.C., 2020. How Big-4 firms improve audit quality. *Manage. Sci.* 86 (10), 4552– Account 4572.
- Ciconte, W, Leiby, J., Willekens, M., 2019. Practice note: How is auditor commercialism related to audit quality? *Foundations for Auditing Research (FAR), FAR Project 2017B06*, July 2019.
- Dekeyser, S., Gaeremynck, A., Knechel, R., Willekens, M., 2021. The Impact of Partners' Economic Incentives Account on Audit Quality in Big 4 Partnerships. *Account. Rev.*, forthcoming. <https://doi.org/10.2308/TAR-2018-Account 0109>.
- Donelson, D., Ege, M., Imdieke, A., Maksymov, E., 2020. The revival of large consulting practices at the Big 4 and audit quality. *Acc. Organ. Soc.* 87.
- Dorucher, S., Bujaki, M., Brouard, F., 2016. Attracting Millennials: Legitimacy management and bottom-up socialization processes within accounting firms. *Crit. Perspect. Account.* 39, 1–24.
- Ford, J., Marriage, M., 2018. The big flaw: Auditing in crises. *Financial Times*, August 1.
- Limei Che, John Christian Langli, Tobias Svanström., 2021. Are audit partners' compensation and audit quality related to their consulting revenues? *J. Account. Public Policy*.
- Marriage, M., 2019. PWC to split audit practice and hire 500 experienced staff. *Financial Times*, June 5.
- Sundgren, S., Svanström, T., 2017. Is the public oversight of auditors effective? The impact of sanctions on loss of Clients, Salary and Audit Reporting? *Eur.Account. Rev.* 26 (4), 787–818.

- Chen, C.J.P., Su, X., Wu, X., 2011. Market competitiveness and Big 5 pricing: evidence from China's binary market. *The International Journal of Accounting* 42 (1), 1–24.
- Chen, H., Chen, J.Z., Lobo, G.J., Wang, Y., 2010. Effects of audit quality on earnings management and cost of equity capital: evidence from China. *Contemporary Accounting Research* 28 (3), 892–925.
- Bushee, b.J., Noe, c., (2013). Corporate Disclosure practices, Institutional Investors, and Stock returns volatility. *Journal of Accounting Research*. Vol. 38. p.171.
- Karim, W. A. (2012). "Audit Pricing, Audit Concentration and BiG4 Premium in Bangladesh", Working Paper, Saint Marys College of California, Available on www.ssrn.com.
- Griffin, A., and H. Lont & Yuan sun, 2012 " Agency Problems and Audit fees: Further Tests of the Free Cash Flow Hypothesis", *Journal of Finance* Vol 1, pp: 1-35 .
- Jennings, William W., Schnatterly , Karen and Seguin , Paul J., (2002), " Institutional Ownership Information and Liquidity ", *Innovations in Investments and orporate Finance* , volume 7, paper 41-71 .
- Helms, G.L., 2002, "Electronic testing and evidence gathering", *The CPA Journal*, Vol.72, No.3, pp.26-31.



Paper type: Review Article

(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Adaptive Learning Future Studies of Accounting with the Approach of Technologies in Higher Education

Jafar Behbahani¹, Mohammad Reza Pourali^{2*}

Received: 2023/10/12

Accepted: 2023/12/26

Abstract

Future studies and foresight are the basis for strategic decisions. Due to the uncertainty of future predictions, the study of future events and strategies based on future predictions are also completely uncertain. Therefore, the assumption that tomorrow may be fundamentally different from today is accepted. Accordingly, the current methods of accounting education, which are related to previous decades, need to be replaced by innovative, dynamic and new methods, and this change requires future research for future needs and realities. Currently, our education is based on mnemonic approaches and memorizing topics, and it is necessary to give way to interactive, analytical methods so that students participate more in classes and workshops. This method causes dynamism in learning processes and develops the power of reasoning and thinking. New educational methods include the use of technologies and new communication tools. The aim of this study was to re-design the subject of future studies in accounting education to identify the needs of using information and communication technologies as a strategy to improve teaching and learning processes in students. The lack of educational literature on adaptive learning and the need to integrate specialized knowledge was a reason for the necessity of this study. It is hoped that this review will add value to the theoretical reviews in the analytical literature of this field.

Keywords: Future studies, Foresight, Accounting, Learning, Higher education.



10.71600/JACGR.2024.



How to cite this article: Behbahani, J; Pourali, M.R. (2024). Adaptive Learning Future Studies of Accounting with the Approach of Technologies in Higher Education. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(8),117 -131. (In Persian)

1. Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Chalush Branch, Islamic Azad University, Chalush, Iran.

2. Associate Prof, Department of Accounting, Chalush Branch, Islamic Azad University, Chalush, Iran.

*Corresponding author :pourali@iauc.ac.ir



نوع مقاله: مروری

(مقاله منتخب سومین همایش بین‌المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

آینده‌پژوهی حسابداری با رویکرد فناوری‌های یادگیری تطبیقی در آموزش عالی

جعفر بهبهانی^۱، محمدرضا پورعلی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک است. با توجه به عدم قطعیت پیش‌بینی‌های آینده، مطالعه رخدادهای آینده و استراتژی‌های مبتنی بر پیش‌بینی آینده تماماً غیرقطعی است. لذا پذیرش این فرض که فردا ممکن است به‌طور اساسی با امروز متفاوت باشد، وجود دارد. بر این اساس، روش‌های کنونی آموزش حسابداری که مربوط به دهه‌های قبل است، نیازمند جایگزینی روش‌های مبتکرانه، پویا و جدید است و این تغییر، نیاز به آینده‌پژوهی برای نیازها و واقعیت‌های آینده دارد. در حال حاضر آموزش ما بر محفوظات استوار است و لازم است جای خود را به روش‌های تعاملی و تحلیلی بدهد و دانشجویان مشارکت بیشتری در کلاس و کارگاه به‌عهده گیرند. این روش موجب پویایی در فرآیندهای یادگیری شده و قدرت استدلال و تفکر را شکوفا می‌نماید. روش‌های جدید آموزشی شامل استفاده از فناوری‌ها و ابزار جدید ارتباطی است. هدف این مطالعه، طرح مجدد موضوع آینده‌پژوهی در آموزش حسابداری برای شناسایی نیازهای استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان یک استراتژی برای بهبود فرآیندهای تدریس و یادگیری در دانشجویان می‌باشد. کمبود ادبیات آموزشی در مورد یادگیری تطبیقی و لزوم تلفیق دانش تخصصی دلیلی بر ضرورت این مطالعه دارد. امید است این بررسی ارزش‌افزوده‌ای به مرورهای نظری در ادبیات تحلیلی این حوزه اضافه نماید.

کلیدواژه: آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری، حسابداری، یادگیری، آموزش عالی.



10.71600/JACGR.2024.



استناد: بهبهانی، جعفر و پورعلی، محمدرضا. (۱۴۰۳). آینده‌پژوهی حسابداری با رویکرد فناوری‌های یادگیری تطبیقی در آموزش عالی. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۸)، ۱۱۷-۱۳۱.

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. * نویسنده مسئول: pourali@iauc.ac.ir

مقدمه

آینده‌پژوهی^۱ را می‌توان به‌عنوان مطالعه نظام‌مند رویدادها و شرایط احتمالی آینده تعریف کرد و آینده‌نگاری^۲ را درک و تحلیل آینده‌های جایگزین و انتخاب‌های مرتبط با آن‌ها. به‌عبارت‌دیگر، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری هر دو به بررسی آینده‌ها اشاره دارد اما آینده‌نگاری به‌طور خاص به استفاده از روش‌ها و فن‌های آینده‌پژوهی برای اهداف مدیریتی اشاره دارد. آینده‌نگاری در مورد ایجاد چشم‌انداز و دیدگاهی از آینده همراه با مطالعات آینده است و ارتباط نزدیکی با سناریوسازی دارد.

آینده‌پژوهی یک هنر و علمی است که تأکید زیادی بر تخیل و خلاقیت در خلق آینده‌های ممکن مختلف دارد و هدف اصلی آن کشف و تسلط بر زنجیره‌های پیچیده علت و معلولی از طریق مفهوم‌سازی، رویکرد سیستمی و حلقه‌های بازخورد است که در نهایت نوآوری در زمینه‌های اجتماعی و فناوری ارائه می‌کند (موتی^۳، ۲۰۲۲). مؤسسه مطالعات فناوری آینده‌نگاری، آینده‌نگاری را به‌عنوان «یک فرآیند جمع‌آوری اطلاعات سامانمند، مشارکتی، آینده و میان‌مدت تا بلندمدت باهدف تصمیم‌گیری‌های امروزی و بسیج اقدامات مشترک» تعریف می‌کند (IPTS)^۴.

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری به‌عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک است. مطالعه آینده با پذیرش فرض عدم قطعیت است و آینده قابل پیش‌بینی نیست و استراتژی‌هایی که مبتنی بر پیش‌بینی آینده برای بلندمدت است، تماماً غیرقطعی است. برای اینکه یک شرکت یا بخش یا سازمان بتواند تغییرات را مدیریت کند، باید بپذیرد که فردا ممکن است به‌طور اساسی با امروز متفاوت باشد. لذا می‌بایست با یک نگرش و تفکر باز و خارج از چارچوب‌های فعلی به مسائل نگاه کند تا بتواند با تغییرات احتمالی در محیط اطراف خود سازگار شود. دقیقاً برای مقابله با عدم قطعیت‌ها و تغییرات مربوط به آینده است که آینده‌نگاری و برنامه‌ریزی برای وضعیت‌های آینده یک ابزار قدرتمندی هستند. ساختن چشم‌اندازهای آینده به معنای پیش‌بینی آن نیست، بلکه سعی می‌شود تصویری از آینده و اتفاقات آن ترسیم گردد تا آماده‌سازی بهتری برای تغییرات صورت گیرد.

بیشتر ریشه‌های آینده‌نگاری میدانی را می‌توان در ایالات متحده یافت، جایی که کاربرد فن‌های آینده‌نگاری در صنایع دفاعی و پس‌از آن در صنعت انرژی در دهه‌های ۵۰-۶۰ آغاز شد. در میان پیشگامان آینده‌نگاری، می‌توان شرکت رنده^۵ و موسسه هادسون^۶ (بنیان‌گذار اچ. کان) را یافت. در طول سال‌ها، دولت‌ها و شرکت‌ها شروع به انجام مطالعات آینده‌نگاری به‌منظور برنامه‌ریزی بهتر سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با فناوری کردند (ریگر^۷، ۲۰۰۱). در دهه ۱۹۷۰، ژاپن به‌طور فعال در پروژه‌های آینده‌نگاری فناوری که عمدتاً بر اساس نظرسنجی‌های پنج‌ساله دلفی بود، درگیر شد (براندرز^۸، ۲۰۰۹). اروپای غربی فعالیت‌های آینده‌نگاری را در دهه ۹۰ بر اساس نظرسنجی‌های دلفی، عمدتاً برای توسعه سیاست‌های مرتبط با علم و فناوری آغاز کرد. تا آن زمان تمرکز بیشتر بر روی پیش‌بینی بود تا بررسی فرصت‌های آینده. زمینه آینده‌نگاری به‌موازات آگاهی روزافزون از نیاز به جهت‌گیری آینده و تشخیص عدم قطعیت‌ها در مورد آینده، چه در سطح شرکت‌ها و چه در سطح دولتی، توسعه یافته است.

1. Futures studies

2. Foresight

3. Motti

4. Is one of the scientific institutes of the European Commission's Joint Research Centre, JRC

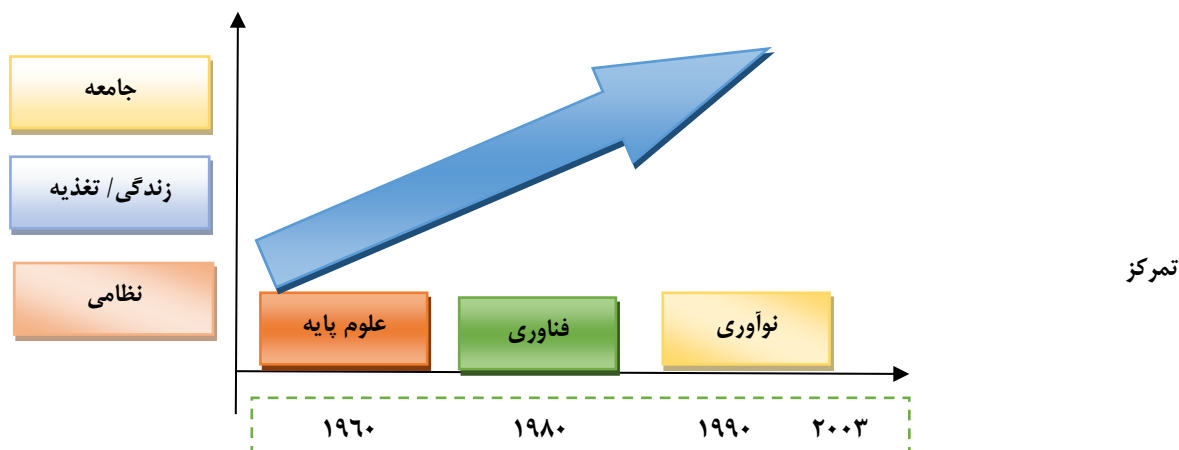
5. RAND Corporation

6. Hudson Institute (founded by H. Kahn)

7. Reger

8. Brandes

حوزه موضوعی



شکل ۱. ۴۰ سال مطالعات آینده‌نگاری (منبع: فاگرهایم، ۲۰۰۳، اقتباس شده از واگنر، رند)

علوم مختلف در حال پیشرفت‌های باورنکردنی است و نتایج آن به سرعت در حال تغییر دادن تمام شئون زندگی بشر اعم از اقتصاد و سیاست و اجتماع می‌باشد. بنابراین همه رشته‌های علمی در مسیر این تغییرات سریع قرار گرفته‌اند و اگر نتوانند با سرعت این تغییرات سازگاری و همراهی کنند، در معرض عقب‌ماندگی قرار می‌گیرند. در همین راستا، نهادهای آموزشی که پیش‌زمینه رشد و توسعه می‌باشند، لازم است روش‌ها و ابزار خود را روز آوری نماید تا بتواند نقش تأثیرگذار خود را حفظ و به‌عنوان نهاد مهم حفظ نمایند. یکی از ابزارهای مهم نهادهای آموزشی بخصوص آموزش عالی، موضوعات مربوط به یادگیری است که ضرورت تغییر و تحول در آن بشدت احساس می‌شود. اما، تعاریف متعددی برای یادگیری^۱ بیان شده است و توافق واحدی بر یک تعریف وجود ندارد. برخی از روانشناسان یادگیری را تغییری که بر اثر تجربه یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید می‌آید، می‌دانند (دانشنامه پژوه). برخی دیگر مثل ارنست راپیکت هیلگارد و مارکویز و همکاران یادگیری را تغییر نسبتاً پایدار در احساس، تفکر و رفتار فرد که بر اساس تجربه ایجاد شده باشد، تعریف نموده‌اند. معروف‌ترین این تعاریف تعریفی است که به‌وسیله کیمبل^۲ پیشنهاد شده است. کیمبل یادگیری را این‌گونه تعریف کرده است: "تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری (رفتار بالقوه) که در نتیجه تمرین تقویت‌شده، رخ می‌دهد."

یادگیری تطبیقی که گاهی به آن تدریس تطبیقی هم گفته می‌شود، در واقع روشی آموزشی است که در آن از الگوریتم‌های رایانه‌ای برای تعامل با یادگیرنده و ارائه منابع و فعالیت‌های یادگیری بر مبنای ویژگی‌ها و نیازهای فردی یادگیرنده استفاده می‌شود. لحاظ نمودن ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی در طراحی محیط‌های آموزشی، اثربخشی یادگیری را افزایش خواهد داد. ایده یادگیری تطبیقی در واقع ظهور یک مفهوم جدید نیست. بلکه ایده یادگیری تطبیقی در واقع ظهور یک مفهوم جدید نیست. این ایده از دهه ۱۹۶۰ وجود داشته است. یادگیری تطبیقی به‌عنوان یک فناوری آموزشی نوعی تکنیک داربستی است که برای کمک به همه ذینفعان در یک موسسه آموزشی، معلمان، دانش آموزان و مدیران مدرسه سفارشی شده است (کاستانه‌دا و سلوین، ۲۰۱۸)^۳. مفهوم ساده یادگیری انطباقی و یا تطبیقی، یادگیری با نیازهای فردی فراگیران است (هیکس^۴، ۲۰۱۵). برای نخستین بار سیستم یادگیری تطبیقی در جنوب آمریکا ارائه گردید (کاربونل^۵، ۱۹۷۰). آموزش تطبیقی^۶ یا هم‌سنجشی یک زمینه مطالعاتی دانشگاهی است که کیفیت آموزش یک کشور (یا گروهی از کشورها) را با استفاده از داده‌های استخراج‌شده از دیگر کشورها می‌آزماید. زمینه آموزش

1. Learning
2. Kimble
3. Castaneda and Selwyn
4. Hicks
5. Carbonell
6. Comparative Education

تطبیقی توسط بسیاری از پروژه‌های یونسکو و همچنین وزارت آموزش عالی کشورهای مختلف پشتیبانی می‌شود (برای ام، ۱۹۹۵). البته در برخی نوشته‌ها، یادگیری تطبیقی را مترادف با نظام آموزشی برخط که مبتنی بر رایانه است، دانسته‌اند. در رویکرد سنتی محتوا و مفاهیم دروس به یک‌شکل و به یک روش به همه یادگیرندگان که درک و هوش متفاوتی دارند، ارائه می‌شود. لذا یادگیری تطبیقی جایگزینی مؤثر برای رویکرد سنتی هست و قادر است توسعه‌ی آموزش و یادگیری را به سمت یک محیط یادگیری پویا سوق دهد. در این مسیر می‌بایست دو عامل اصلی را با توجه به خصوصیات فردی هر نفر در نظر گرفت. ابتدا ویژگی‌های یادگیرنده و سپس ویژگی‌های موضوع یادگیری. به اعتقاد چن^۲ (۲۰۰۶) از مسائل مهم یادگیری تطبیقی، شناسایی نیاز فراگیران، رفتار آموزشی و سرعت یادگیری فراگیران و طراحی برنامه آموزشی متناسب با ویژگی‌های مخاطب می‌باشد که محیط و آموزش الکترونیکی و مجازی فراهم‌کننده آن است. با توسعه فناوری، نسل‌های جدیدی از سامانه‌های مدیریت یادگیری بر مبنای یادگیری تطبیقی طراحی شده‌اند. این سامانه‌ها در واقع موج دوم یادگیری دیجیتالی، یعنی «شخصی‌سازی و تعامل» را بر اساس ویژگی و نیازهای فردی تولید کرده‌اند (بالغی‌زاده، ۱۴۰۰). سیستم مدیریت یادگیری^۳ که تحت وب می‌باشد، دارای اصول و معیارهایی است که هنگام پیاده‌سازی رعایت آن ضروری می‌نماید. این روش و فناوری برای اساتید علاوه بر اینکه موجب تخصیص بهینه زمان می‌گردد، داده‌های ارزشمندی را در مورد سطح پیشرفت هر دانشجو و توانایی او برای یادگیری ارائه می‌دهد و می‌تواند تجربه آموزشی شخصی مؤثر را برای هر دانشجو برنامه‌ریزی کند. البته در کشورهایی که از سامانه‌های آموزشی کاملاً خصوصی و سفارشی برخوردار هستند، این امکان وجود دارد که منابع و فعالیت‌های سفارش شده‌ای را بسازند که نیازهای یادگیری منحصر به فردی را برای هر دانش‌آموز یا دانشجویی را برطرف سازند. لذا اساتید می‌بایست اصول آموزشی متفاوتی را اتخاذ نموده و محتوایی را ارائه دهند که مناسب فرآیند یادگیری هر دانشجویی باشد. دانشجویان پس از کسب آموزش‌های فردی می‌توانند پتانسیل‌های شخصی خود را در داخل و خارج از کلاس توسعه دهند.

به اعتقاد وبر (۲۰۱۹) سه سطح انطباق برای ایجاد احساس قدرت در معلمان وجود دارد: بازخورد تطبیقی از وضعیت فعلی دانش‌آموزان، مسیرهای انطباقی که ارائه محتوا را تعریف می‌کند، و توانایی انطباقی معلمان برای انطباق تدریس خود بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به خاطر جایگاه اجتماعی که دارند، دارای نقش ارزنده‌ای در تربیت نیروی انسانی هستند و به حق جامعه از آنان انتظار کشف استعدادها و تربیت افراد نخبه دارند. صنایع تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی نیازمند نیروی کار متخصص و تحصیل کرده هستند. لذا می‌بایست مهم‌ترین مؤلفه آنان نوع و نحوه آموزش باشد تا بتواند هم نیاز بازار را تأمین کند و هم از جایگاه علمی خود به‌عنوان مرکز نخبه پروری دفاع کند. مطابق نظر هارمن (۲۰۰۰) تضمین کیفیت یک فرآیند ارزیابی و سامانمند مدیریت در نظام‌های دانشگاهی برای نظارت بر اهداف و اطمینان از دستیابی به خروجی‌های باکیفیت و بهبود مستمر کیفیت آن‌ها می‌باشد، به‌طور خلاصه رویکردی برای مدیریت کیفیت مناسب می‌باشد که بر روی مدیریت فرایند متمرکز شده و هدف از آن تطابق فرایندها با استانداردهایی که تعریف گردید می‌باشد (اولبور، ۲۰۰۷). نظام ارزشیابی به‌عنوان جزئی از نظام آموزش عالی بوده و می‌بایست برای ادامه حیات، افزایش کارایی، اثربخشی، بهبود و تعالی کیفیت این نظام در جهت تحقق اهداف تعیین شده در بستر ملی گسترش یابد.

پیاده‌سازی فناوری در برنامه‌های آموزشی یکی از چالش‌های بزرگ عصر ما بوده و مشخص نیست این مشکل تا چه زمانی برقرار باشد. البته از زمانی که موضوع همه‌گیری ویروس کرونا شروع شد، در بسیاری از جوامع، به‌ویژه ایران، از برخی روش‌های برخط و فضای مجازی استفاده نمودند. هرچند که زیرساخت‌های فضاهای آموزشی آمادگی این حجم وسیع را نداشت، لیکن شروع خوبی برای استفاده‌های بعدی از امکانات فناورانه بود. استفاده از اسلایدهای پاورپوینت، نمونه‌ای دیگر از فناوری نوآورانه در کلاس‌های درس بودند که در سطح مؤسسات آموزش عالی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت که با گذشت زمان، دانشجویان رفته‌رفته تسلط بهتری پیدا کردند. تطبیق نیازمندی‌های دانشجویان و یادگیرندگان می‌بایست مطابق ویژگی‌های فردی باشد تا امکان انتخاب یکی از اشیاء یادگیری تطبیقی همانند اسلاید، ویدئو و فیلم و حتی متن، فراهم گردد، هر چند که این کار به‌سادگی نیست. یکی از سؤالات اساسی این است که چگونه می‌توان فناوری را در حسابداری دخالت داد تا آموزش بهتر و مؤثرتری برای

1. Bray, M

2. Chen

3. Learning Management System (LMS)

استادان و دانشجویان فراهم کرد و یادگیری را عمیق‌تر و پایدارتر نمود؟ و چگونه می‌توان از فناوری برای ایجاد انگیزه و آموزش دانشجویان حسابداری استفاده کرد؟ شکی نیست که استفاده مؤثر از فناوری برای بهبود آموزش بسیار پیچیده‌تر از گفتن آن است. لذا ضرورت دارد پژوهش بیشتری در ارتباط با فناوری‌های آموزشی در آموزش عالی و پتانسیل موجود مورد توجه قرار گیرد. مؤسسات آموزش عالی، طبق پژوهش‌های قبلی، هنگام ارزیابی یا اتخاذ روش‌های یادگیری تطبیقی با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. در ادبیات، سه نوع اصلی از موانع مورد بحث، موانع مربوط به فناوری، دستورالعمل و مدیریت هستند (نودین، ۲۰۱۶)^۱. مؤسسات آموزش عالی چالش‌هایی را در اجرای یادگیری تطبیقی گزارش کرده‌اند که بیشتر مربوط به فناوری و استفاده از آن است (بیلی و همکاران، ۲۰۱۸)^۲. علاوه بر آن، روش‌های منسوخ تدریس، مقاومت در برابر استفاده از فناوری که می‌تواند ناشی از عدم تسلط، به‌روز نبودن و تفکر سنتی باشد و همچنین چالش‌هایی که اساتید در رابطه با طراحی برنامه‌ها، محتوا و مفاد درسی مطابق با الزامات آموزشی و تطبیق آن‌ها با یادگیری تطبیقی نیز وجود دارد. چند مطالعه به چالش‌های پیش روی مدیران و مدیران مربوط به استراتژی ناسازگار دانشگاه برای حمایت از اهداف یادگیری تطبیقی (سالویان^۳، ۲۰۱۸)، فقدان پشتیبانی رهبری و منابع مالی و پرسنلی ناکافی توجه کردند (بیلی و همکاران، ۲۰۱۸؛ جانسون و زون، ۲۰۱۸)^۴. یک عامل پیچیده و بالقوه محدودکننده در پذیرش و استفاده از فناوری این است که دانشگاه‌ها، کمبود بودجه کافی و لازم برای تأمین تجهیزات آموزشی فناورانه در کلاس‌های درس می‌باشد. علاوه بر آن، هزینه آموزش استادان و کاربران فناوری می‌باشد. چون برخی از استادان از نسل گذشته بوده و با تجهیزات جدید به‌صورت حرفه‌ای آشنایی ندارند.

لیندسی^۵ (۲۰۱۶) چارچوبی را برای یادگیری حرفه‌ای (که به‌صورت هرمی ارائه می‌شود) ایجاد کرد که بین حرفه‌ای‌ها "در شکل‌گیری"، "شایستگی" و "کمال" تمایز قائل می‌شود. ۹ عنصر به‌هم‌پیوسته چارچوب، که از بالای هرم شروع می‌شود و به سمت پایین ادامه می‌یابد، عبارت‌اند از (۱) دوره‌ها و به‌روزرسانی‌های فنی، (۲) یادگیری با/ از دیگران، (۳) یادگیری در محل کار، (۴) یادگیری از طریق تفکر، (۵) درگیر شدن، (۶) کاوش، (۷) آزمایش، (۸) نگرش مثبت، و (۹) خودباوری. وی اظهار داشت که چارچوب یادگیری جدید به حسابداران حرفه‌ای کمک می‌کند تا استراتژی‌هایی برای یک شغل موفق ایجاد کنند.

آینده‌پژوهی و ضرورت آن در آموزش حسابداری

آینده‌پژوهی^۶ نوعی نگاه هنجاری به آینده دارد. بنابراین دانشی است با هستی‌شناسی^۷، معرفت‌شناسی^۸، روش‌شناسی^۹ و روش‌های خاص خود که برخلاف دو نوع قبل، ماهیت آن قابل آموزش دادن و یادگرفتنی است و اهداف گوناگونی دارد (کورنیش، ۲۰۰۷: ۲۳۲). امیرهوشنگ حیدری (۱۳۹۳) به نقل از سهیل عنایت‌اله (آینده‌پژوه شهیر پاکستانی‌الاصل)، چهار رویکرد در مواجهه با آینده برمی‌شمارد. آینده‌پژوهی مبتنی بر پیش‌بینی، آینده‌پژوهی تعبیری، آینده‌پژوهی انتقادی و آینده‌پژوهی مبتنی بر اصل یادگیری حین عمل برآوردی. مطابق رویکرد چهارم، اساس برآورد آینده‌های محتمل، ممکن و مرجح بر اساس دسته‌بندی‌های ذی‌نفعان آینده است. آینده در پرتو مشارکت ذی‌نفعان ساخته می‌شود و در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که به آن علاقه‌مندند. در این رویکرد، آینده به‌طور مستمر موردبازنگری و پرسش قرار می‌گیرد.

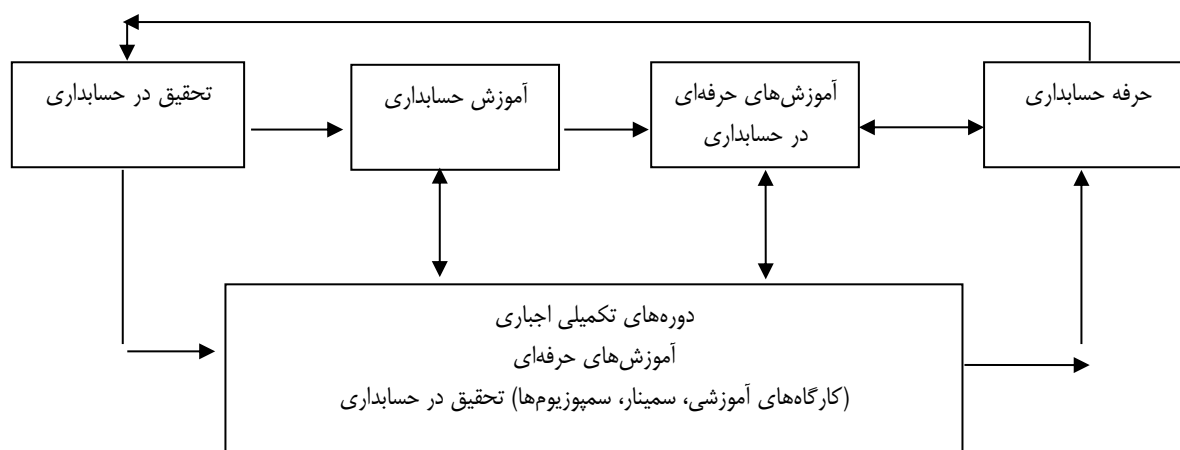
مایکل کینان^{۱۰} معتقد است، از آینده‌پژوهی در حوزه علم، فناوری و نوآوری تحت عنوان آینده‌نگاری^{۱۱} یاد می‌شود. آینده‌نگاری فرآیندی سازمان‌یافته، هدفمند، مشارکتی و مستمر در راستای ایجاد ارتباط، هماهنگی و هم‌اندیشی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف است که به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت به اداره و پیشبرد حوزه‌های مختلف دانش،

1. Nodine
2. Bailey et al.
3. O'Sullivan
4. Bailey et al. ; Johnson & Zone
5. Lindsay
6. Futures Studies
7. Ontology
8. Epistemology
9. Methodology
10. Michael Keenan
11. Foresight

فناوری، اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه با هدف شناسایی فناوری‌های نوینی نائل آیند که بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را دارند (ناظمی، ۱۳۸۵: ۴۷).

با پذیرش این نکته که بین آینده‌نگری و آینده‌نگاری تفاوت وجود دارد، می‌توانیم با آینده‌نگری، وضعیت آینده را پیش‌بینی نموده و با آینده‌نگاری می‌توانیم مشخص کنیم که چه اتفاقاتی در آینده رخ دهد. لذا با این رویکرد که ما می‌خواهیم در آینده، جامعه در چه مسیری حرکت کرده و شرایط آینده چگونه باشد، نقشه راه آموزش را باید از هم‌اکنون ترسیم و پیاده‌سازی کنیم. نقاط ضعف و قوت را شناسایی و نسبت به ترمیم نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت برنامه‌ریزی نماییم. لزوم شناخت صحیح فناوری‌های در حال ظهور و فناوری‌های آینده، لازمه آگاهی از روندهای آینده و رویدادهای آینده است تا قادر باشیم تصمیم‌های حیاتی و اثربخشی برای آینده اخذ کنیم. بنابراین تنها با تجهیز شدن به ابزارها و مهارت‌های تصمیم‌گیری علمی مبتنی بر مطالعات آینده‌پژوهی است که می‌توان به‌عنوان بازیگری فعال در جهان نقش ایفاء کرد. هدف اصلی آینده‌پژوهی در حوزه‌ی فناوری، کشف پیش‌دستانه علائم تغییر، شناسایی و تحلیل روندهای تأثیرگذار و ترسیم صحنه‌های آینده در حوزه‌ی فناوری‌ها و صنایع مرتبط است (ماسینی، ۱۹۹۳: ۵۱).

به دنبال پیدایش و ظهور سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، رویکرد علمی را در مدیریت این بنگاه‌ها به وجود آورده است (پورعلی و همکاران، ۱۳۹۹) لذا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی با احساس نیاز نسبت به گسترش کمی و کیفی در تعداد واحدهای دانشگاهی و کلاس‌های درس خود اقدام نمودند و در نتیجه تعداد فارغ‌التحصیلان حسابداری افزایش یافت و همچنین نرم‌افزارهای مالی و حسابداری تولید و به بازار ارائه شد، اما همچنان بازار کسب‌وکار از کمبود حسابداران حرفه‌ای رنج می‌برد. اغلب تحقیقات حسابداری به‌جای تأکید بر آموزش و توسعه تحقیقات در دانشگاه، بیشترین تأکید بر پرورش دانشجویان برای حرفه در مقطع کارشناسی است (شفیع‌پور و دادگر، ۱۳۹۱). نقش آموزش و تحقیقات حسابداری به‌شدت در حال تغییر بوده و جامعه و استفاده‌کنندگان علاقه‌مند به مشارکت و استفاده از تحقیقات نوین و استفاده از نتایج این تحقیقات در حوزه عمل و اتخاذ تصمیمات مالی است (شفتل و همکاران، ۲۰۰۵). آینده‌پژوهی در حسابداری موجبات رشد و تعالی حرفه را سبب خواهد شد و طبق تحقیق انجام‌شده در سال ۲۰۰۶ انجام آموزش و تحقیقات و پژوهش‌های حسابداری در دانشگاه‌ها و به‌کارگیری در حوزه عمل حسابداری بسیار مؤثر بوده است (پورعلی و همکاران، ۱۳۹۹). اما، در حال حاضر به دلیل فقدان بودجه و اعتبار و عدم توجه به نیازهای حرفه، تحقیقات حسابداری بسیار محدودی در دانشگاه‌ها در حال انجام است. به‌علاوه، موارد مرتبط با ارزیابی ماحصل و نتایج تحقیقات در آکادمی‌های حسابداری به سمت چند خروجی بودن و نتیجه محدود از تحقیقات، در حال حرکت است (برین و دیگران، ۲۰۰۱-بابلتیز و کی، ۴، ۱۹۸۴- پارکر و دیگران، ۵، ۱۹۹۷). تحقیقات در حسابداری باید منجر به ارتقای عملکرد حسابداری شوند، در حالی که وضعیت حسابداری این‌طور نیست و شکاف گسترده‌ای بین آموزش حسابداری، تحقیقات حسابداری و حرفه حسابداری وجود دارد. بر اساس پژوهش تجربی یانگ و سلنو (۱۹۹۳) تأیید شد که محققان حسابداری بسیار کمی در تحقیقات خود طرح‌ها و روش‌های میدانی را انتخاب می‌کنند (شفیع‌پور و دادگر، ۱۳۹۱).



شکل ۲. ارتباط مطرح میان تحقیق، آموزش و حرفه

فاصله میان محققان، حرفه و استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری زمانی ایجاد می‌شود که چارچوب ماهیت منافع آن‌ها تفکیک شود (شفیع‌پور و دادگر، ۱۳۹۱). به اعتقاد بیراستیکر و همکاران^۱ (۲۰۱۴) علی‌رغم اینکه محققان بسیاری در زمینه حسابداری مطالعه و تحقیقاتی انجام شده است، نشان‌دهنده عدم وجود پیوند و ارتباط قوی بین تحقیقات و آموزش حسابداری و حرفه حسابداری بوده است. آن‌ها معتقدند تحقیقات و پژوهش‌های حسابداری نتوانسته است نیاز حرفه‌ای حسابداری را مرتفع نماید.

نظام (سیستم) آموزشی در ایران

وقتی سخن از نظام می‌شود، علی‌القاعده، منظور مجموعه‌ای از عناصر به‌هم‌پیوسته، به هم وابسته و هدفمند می‌باشد. بر اساس همین تعریف، نظام آموزشی را می‌توان به مجموعه‌ای از اصول، قوانین، مقررات، روش‌ها و فرآیندهایی اطلاق کرد که بناست برای انتقال دانش، مهارت و سایر ارزش‌های موردنظر دانش‌آموزان، دانشجویان و آحاد جامعه، بکار رود. مسیر این انتقال دانش و مهارت، نظام‌های آموزشی مثل مدرسه، دانشگاه و سایر سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی می‌باشد. آموزش نیز به مفهوم عام، یعنی انتقال دانش و مهارت و شکل دادن اندیشه. این تعریف از دو قسمت انتقال دانش و مهارت به معنی ساختن و شکل دادن اندیشه به مفهوم خلق کردن و آفرینندگی است. (پورعلی، محمدرضا، ۱۳۸۴).

«ژان ژاک روسو» فیلسوف مشهور سوئسی قرن هجدهم است در سال ۱۷۶۲ با نوشتن کتاب امیل، نظام آموزشی جهان را مورد سخت‌ترین حملات تا آن زمان قرار داد. روسو در کتاب امیل، نظامی را برای آموزش کودکان و نوجوانان پیشنهاد داد که زمینه‌ساز نظام آموزشی فعلی اروپا شد. وی بیش از هر چیز با آموزش «کتاب محور» مخالفت داشت و معتقد بود کتاب و دفتر و قلم اصولاً چیزهایی مضر در امر آموزش به حساب می‌آیند و بچه‌ها فقط چیزهایی را باید بیاموزند که واقعاً قرار است از آن‌ها استفاده کنند و نباید درسی که کاربردی برای کودک نداشته باشد، تدریس شود.

نظام آموزشی در ایران را متأثر از نظام آموزشی فرانسه می‌دانند. هرچند که ممکن است از لحاظ ظاهری شبیه و یا متأثر از آن باشد، لیکن با توجه به این که فرانسه یکی از کشورهای پیشرفته در بسیاری از زمینه‌هاست، باور این عقیده کمی دشوار است. زیرا اگر این چنین بود، خروجی‌های آن می‌بایست منجر به ایجاد تغییرات در جامعه می‌گردیدند. نظام مورد بحث، به نحوی است که دانش‌آموزان دوره ابتدایی در مدت شش سال و دوره متوسطه نیز در یک دوره سه‌ساله متوسطه اول و یک دوره سه‌ساله متوسطه دوم (دیپلم) تحصیل می‌کردند. در حال حاضر و پس از آزمون‌وخطای انواع نظام‌های آموزشی مثل نظام شش‌ساله، نظام چهارساله، نظام ترمی- واحدی، نظام سالی- واحدی و نظام جدید متوسطه، مجدداً در سال ۱۳۹۷ همان نظام قبلی در شورای عالی آموزش و پرورش مصوب و اجرایی گردید. علی‌رغم همه این تغییرات، به نظر می‌رسد توجه به نظام‌های آموزشی، بر محتوای و

کیفیت آموزش دارای ارجحیت محض بوده است. هرچند که نظام آموزشی می‌تواند بر کیفیت و محتوا اثرگذار باشد، اما تغییرات بی‌درپی و شکلی، فقط موجب از دست رفتن فرصت‌ها و استعدادهای انسانی و منابع مالی می‌شود.

آموزش عالی و حسابداری

آموزش و تربیت افراد متخصص برای هر رشته از وظایف اصلی آموزش عالی هر کشوری است و اساس پیشرفت و توسعه به این امر مهم وابسته است که بتواند بر اساس نیازهای جامعه، برنامه‌ریزی آموزشی داشته باشد. حسابداری را زبان تجارت نامیده‌اند. پس باید در ابتدا به هدف یا اهداف آموزش تعیین گردد و سپس به‌درستی به دانشجویان و علاقه‌مندان به حرفه آموزش داده شود. از زمانی که «مرحوم اسماعیل عرفانی و مرحوم حسن سجادی نژاد رشته‌ی حسابداری در دانشکده‌ی نفت وابسته به شرکت نفت را در سال ۱۳۳۶ تأسیس کردند و دکتر عزیز نبوی در سال ۱۳۴۳ مؤسسه عالی حسابداری را در تهران تأسیس کرد و از این طریق بستری دانشگاهی برای حسابداری پدید آمد، روند آموزش عالی حسابداری در ایران از اواسط دهه ۱۳۴۰ آغاز شد.^۱ علی‌ثقی (۱۳۷۲) به اعتلای آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد و ایران پرداخته است. ایرج نوروش (۱۳۷۲) با رویکردی سیستمی به مقوله کیفیت آموزش عالی توجه نموده است. احمد بدری (۱۳۷۳) رویکرد فلسفی را مورد توجه قرار داده است. ابوالفضل قدیری مقدم و همکاران (۱۳۸۷) که به کیفیت آموزش عالی حسابداری با تمرکز بر استادان دانشگاه به‌عنوان گروه اصلی مؤثر بر کیفیت آموزش پرداخته‌اند، بر این باورند که از طریق طراحی و استفاده از یک سیستم مدون، می‌توان زمینه پیشرفت و ارتقای کیفیت آموزش و نزدیک شدن به ایده آل‌ها را فراهم کرد. حسابدار آینده باید نوآور و خلاق و با ارائه گزارش‌ها و راه‌کارهای هوشمندانه، مدیریت را در اتخاذ تصمیمات مناسب (به‌موقع، مربوط و سودمند) یاری نماید. این مهارت‌ها موجب ارتقای میزان ارتباطات و تبادلات با استفاده‌کنندگان، نهادهای قانونی، سهامداران و تشخیص هر چه بیشتر نیازمندی‌های آنان به‌منظور تهیه گزارش‌هایی است که آن‌ها را در اتخاذ تصمیمات متنوع یاریگر باشد (کول برگ و همکاران، ۱۹۹۹)^۲. رضا جامعی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تناسب و شیوه‌های آموزش حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد با مهارت‌های موردنیاز بازار کار با استفاده دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران پرداخته است. وی محتوای آموزشی برنامه حسابداری جهت آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای انجام وظایف ابتدایی حسابداری شرکت‌ها مناسب دانسته است. لیکن این محتواها برای اتخاذ شغل‌هایی که به مهارت‌های سطوح بالاتر همانند تجزیه‌وتحلیل، تصمیم‌گیری و طراحی سیستم و همچنین مشاوره مالی کافی و مناسب نمی‌داند.

سوهاارا و لوو^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی به تأثیر یادگیری مبتنی بر بازی مدیریت به‌عنوان یک ابزار یادگیری تجربی بر آموزش حسابداری و کسب‌وکار پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بازی مدیریت، خود به‌عنوان یک ابزار یادگیری تجربی برای آموزش حسابداری کسب‌وکار است. وانگ لیو و کین^۴ (۲۰۱۸) در پژوهش خود، به بررسی نوآوری و شیوه آموزش کاربردی استعدادهای حسابداری در دانشکده‌های محلی و دانشگاه‌ها بر اساس اصلاحات جانبی عرضه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دانشکده‌ها و دانشگاه‌های محلی باید به سمت نیازهای اجتماعی هدایت شوند و مهارت‌های موردنیاز جامعه را پرورش دهند. زیرا فقط از این راه می‌شود در رقابت شدید پیشرفت کرد.

با در نظر گرفتن ارتباطات رو به گسترش اقتصادی و تجاری شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی، لزوم توجه به آموزش تخصصی‌تر حسابداران و حسابرسان در سطوح آموزش عالی ضروری می‌نماید. در غیر این صورت و ادامه وضعیت فعلی، روابط تجاری موفق‌تری برای شرکت‌های داخلی متصور نیست. حسابداران ما عموماً هیچ آموزشی برای تجارت بین‌المللی طی نمی‌کنند و به‌خوبی توانایی استفاده از فناوری‌های نو و داده‌های بزرگ را ندارند. لذا قادر به رقابت با دیگران نیستند. نظام‌های آموزشی ما منسوخ‌شده است و امکانات آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ما فاقد کیفیت و کارایی لازم هستند. نصیرزاده و رستمی (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی پرداختند. نتایج

2. Kullberge et al.

3. Sugahara and Lau

4. Wang Liu and Qin

پژوهش آن‌ها نشان داد که پاسخ‌دهندگان معتقدند که سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته است معلومات کافی درباره نحوه به‌کارگیری و بهره‌مندی از عمده ابزارهای فناوری اطلاعاتی روز را به دانشجویان انتقال دهد. بشیری‌منش و شاهرخی (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان ارزیابی درک دانشجویان حسابداری از تجربه یادگیری دروس دانشگاهی، به این نتیجه رسیدند که آن‌ها دارای سطح مناسبی در رابطه با مبانی حسابداری هستند ولی سطح یادگیری آن‌ها در رابطه با سایر مباحث مربوط به حرفه یا مسائل روز حرفه مناسب نیست. وکیلی‌فرد و رهنمای رود پستی (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی و تعیین دیدگاه‌های دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه نسبت به اولویت‌های گرایش‌های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی حسابداری، میزان واحدهای دروس تخصصی و مؤثرترین روش تدریس حسابداری به‌منظور تدوین چارچوبی برای برنامه‌ریزی رشته حسابداری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری با استفاده از روش آماری تحلیلی عاملی با کمک داده‌های فازی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های طیف جامعه آماری نسبت به پنج مؤلفه موردبررسی، تفاوت معنی‌داری وجود داشته و درحالی‌که مدرسین حسابداری به حسابداری مالی و دانشجویان مقاطع تکمیلی به حسابداری مدیریت بیشتر بهاء می‌دانند، شاغلین حرفه، پرداختن به مباحث حسابرسی را اولویت مباحث آموزشی در راستای تأمین نیازهای مالی ایران عنوان کرده‌اند. رحیمی بیگی و همکاران (۲۰۱۱) نتیجه پژوهش خود را در خصوص موانع پیشرفت آموزشی در ایران، عدم استقبال رتبه‌های برتر آزمون‌های ورودی به دلیل عدم گزینش علمی مناسب دانشجویان در بدو ورود به رشته تحصیلی حسابداری، چندشغله بودن استادان رشته حسابداری و عدم تسلط استادان و دانشجویان حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات، نام‌برده است. عرب مازار یزدی و حجت ثانی (۲۰۰۷) در زمینه ضرورت بازنگری جایگاه سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه معتقدند که برنامه آموزش حسابداری نیاز به اصلاحات جدی در این زمینه دارد و به هر شکل ممکن باید دروس مختلفی در برنامه‌ی سطوح کارشناسی ارشد حسابداری بر پایه سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری گنجانده شود.

مشکلات و نارسایی‌های آموزش عالی

شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از تأثیرگذارترین عوامل در انتخاب رشته داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌باشد. این شرایط در موارد متعددی سبب می‌گردد که داوطلبان تحصیلات دانشگاهی علی‌رغم میل و علاقه خود، وادار به انتخاب رشته‌ای گردند که هیچ شناختی از آن ندارند. فشارهای اجتماعی و خانوادگی، طرز فکر و رویاهای گروه دوستان و همسالان، کسب ثروت، نام و نشان و عناوینی همچون دکتر و مهندس و ... می‌تواند تعداد زیادی از داوطلبان تحصیل را به بیراهه بکشاند و شغل آینده خود را در حاله‌ای از ابهام قرار دهند. چه بسا علی‌رغم موفقیت در کسب مدرک، شغلی را برگزینند که هیچ ارتباطی با آن نداشته باشد. در برخی کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته که کنکوری برای ورودی به دانشگاه برگزار نمی‌گردد، انتخاب دانشجو بر اساس مصاحبه انجام می‌شود. تان و لاسوارد (۲۰۰۹) با مطالعه درک دانش‌آموزان از انتخاب رشته دانشگاهی، نشان دادند که نسبت بالایی از دانشجویان حسابداری قبل از رفتن به دانشگاه و در دبیرستان، رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده‌اند. طبق پژوهش لائو و سیمونز (۱۹۹۷) درآمدهای آتی، مهمترین عامل اثرگذار بر انتخاب رشته حسابداری، مالی و مدیریت است و فرصت کسب پول زیاد، انتخاب دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بادآور نهندی و تقی‌زاده (۱۳۹۶) با بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری در شش دانشگاه ایران، نتیجه می‌گیرند که از دیدگاه دانشجویان حسابداری، عامل راهنما (۳/۲۴) و انتظارات از حرفه (۳/۸۶) بالاتر از حد متوسط و عامل درک (۲/۷۵) و ویژگی‌های شخصی (۲/۸۶) کمتر از حد متوسط در انتخاب رشته حسابداری توسط دانشجویان تأثیر داشته است.

مطالعات انجام شده گریگور و اوگیبی (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که مهم‌ترین اثر در ایجاد علاقه میان دانش‌آموزان، اساتید دانشکده حسابداری و شیوه آموزشی آن‌هاست. با پذیرش این نکته که معلمان و استادان تأثیر بسزایی دارند، در حال حاضر، وضعیت فعلی حاکم بر کلاس‌های درس به‌صورت استادمحور بوده و محتوا و مطالب درسی تعریف‌شده، توسط استاد ارائه می‌شود که سبک ارائه بر اساس تجربه، دانش، محیط آموزشی و حتی درک شخصی آنان صورت می‌گیرد و هر استاد روش خود را بهترین می‌داند. علاوه بر آن، مشکل بزرگ آن است که یک محتوا به‌صورت یکسان به همه ارائه می‌شود. درحالی‌که فهم و درک و ویژگی‌های فردی یادگیرندگان، متفاوت است. برخی از طریق دیدن و شنیدن یادگیری بهتری دارند و برخی دیگر، از طریق انجام دادن. سؤال

مهم این است که آموزش حسابداری چگونه باشد که بیشترین تأثیر را داشته باشد؟ پورعلی (۱۳۸۴) با ارائه یک نوع طبقه‌بندی، وظایف حسابداران را در چهار طبقه وظایف عادی، تکنیکی، ماهرانه و پژوهشی ارائه داده است که بر آن اساس، روش‌های آموزش آن را نیز بیان نموده است. وی معتقد است دانشجویان حسابداری در عمل با واقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که در آموزش‌های دانشگاهی خوب درک نشده است. این امر نه به خاطر نظریه‌زدگی، بلکه دقیقاً به لحاظ ضعف بنیان‌های نظری آموزش حسابداری و کم‌بها دادن به پرورش ذهنی است.

نگاره ۲. انواع وظایف حسابداران و روش‌های آموزش

| روش آموزش | انواع وظایف حسابداران |
|-----------|-----------------------|
| کاربردی | وظایف عادی |
| تقلیدی | وظایف تکنیکی |
| ابتکاری | وظایف ماهرانه |
| ابداعی | وظایف پژوهشی |

نمره‌گرایی، مدرک‌گرایی، ایجاد اضطراب و استرس، در نظر نگرفتن سطح دانش یادگیرندگان، عدم تجربه کافی در برخی از اسانید جهت ایجاد انگیزه و روح تحقیق، محدودیت در محتواهای آموزشی، وجود ضعف در انتقال مهارت‌های تجربی و کلامی، ناهمخوانی مفاهیم و تئوری‌ها با نیازهای کاربردی صنایع و مشاغل، ایجاد جو و شرایط اجتماعی خاص هنگام انتخاب رشته و بدون در نظر گرفتن علاقه افراد، گسترش فضاهای آموزشی در مناطق کشور بدون در نظر گرفتن فرهنگ و نیازهای کسب‌وکار محلی و منطقه‌ای از مهم‌ترین نارسایی‌های نظام آموزشی ما می‌باشد. کمبود منابع آموزشی خارجی و گران بودن آن‌ها از یک‌سو، خرید کتب و مقالات تألیفی خارجی به دلیل محدودیت‌های تحریمی بانکی، موجب شده این منابع به‌سختی و یا با تأخیر در دسترس استادان و دانشجویان قرار گیرد. علاوه بر آن، منابع موجود، عموماً ترجمه متون خارجی بوده و برخی نیز که توسط مترجمان غیرمتخصص انجام شده، فاقد ترجمه رسا و صحیح می‌باشد. برخی تألیف‌های داخلی نیز گفت‌وگوهای جدیدی را به دانشجویان ارائه نمی‌کند. کمبود استادان حرفه‌ای که هم‌زمان دارای دانش کافی و تجربه اجرایی مفید باشند، بشدت احساس می‌گردد که البته این نقص می‌تواند با همکاری مناسب صاحبان صنایع و مشاغل و مدیران و استادان دانشگاه به حداقل برسد.

آنتون^۱ کمبود استادان زبده و باصلاحیت علمی را یکی از ضعف‌های اساسی آموزش حسابداری در کشورهای در حال توسعه می‌داند و معتقد است که با پرداخت حقوق مناسب می‌توان استادان دارای صلاحیت را جذب نظام آموزش حسابداری نمود. برخی از استادان نیز به خاطر مشکلات معیشتی، مجبور هستند به‌صورت تمام‌وقت در آموزشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدریس نمایند یا حتی به فعالیت‌های اقتصادی متفرقه بپردازند. این درگیری ذهنی و مشغله‌ای می‌تواند مانع از ایجاد فرصت‌های مطالعه و تحقیق آن‌ها گردد و موجب شود که انتقال مفاهیم به دانشجویان بدون دقت لازم و به‌صورت سطحی انجام گردد. علاوه بر این درگیری ذهنی، هر استادی مطابق درک علمی و شخصی خود از مفاهیم، دارای روشی خاص برای تدریس و انتقال دانش به دانشجویان می‌باشد که بی‌شک بر میزان یادگیری دانشجویان تأثیرگذار خواهد بود.

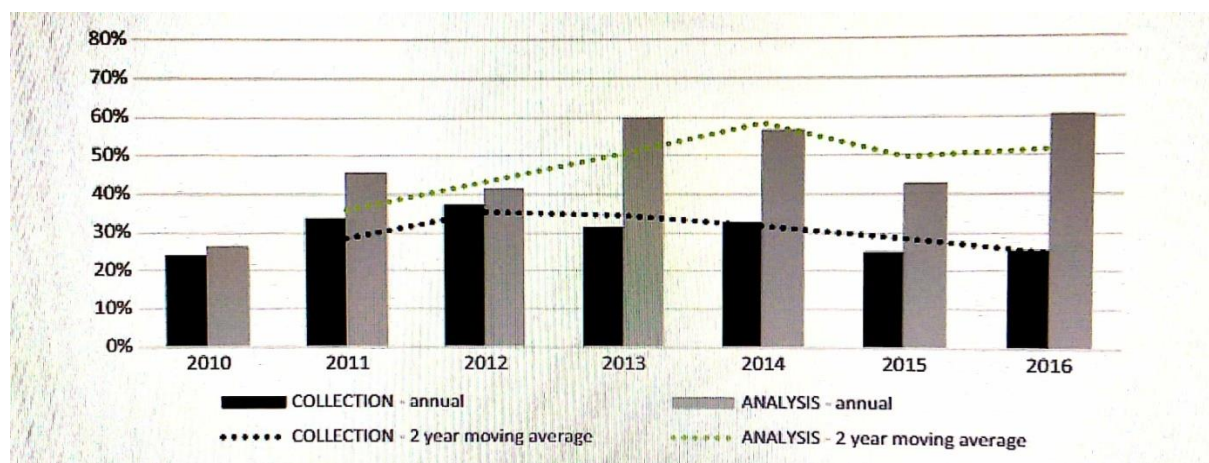
با نگاهی به آمار مقالات نوشته شده که بعضاً هم در اجلاس‌ها و مجله‌های تخصصی منتشر شده است، نشان‌دهنده آن است که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده مروری بوده و صرفاً به بیان کارها و مطالعات ختم می‌شود. این روش مروری محض، علاوه بر اینکه نمی‌تواند دانش‌افزایی داشته باشد، صرفاً از لحاظ آماری تعداد مقالات را افزایش می‌دهد و هیچ معضل و مسئله‌ای را نمی‌تواند حل نماید. این نقیصه می‌تواند ناشی از عواملی همچون آموزش غیر صحیح و طوطی‌وار باشد و به اعتقاد پورعلی (۱۳۸۴) برخی از اصول، مفاهیم و رویه‌های حسابداری آن‌چنان قالبی و متعصبانه وارد ذهن دانشجویان می‌گردد که بعضاً تغییر دادن آن در موارد لزوم به غیرممکن نزدیک‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد این روش ناصحیح در سایر نقاط دنیا نیز وجود دارد. همچنان که باربارا آپوستولو و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در تحقیق خود، روش‌های جمع‌آوری داده‌ها را برای مقالات تجربی منتشر شده، در سال ۲۰۱۶ گزارش می‌کنند. طبق این تحقیق، نظرسنجی که محبوب‌ترین روش جمع‌آوری داده‌ها بوده است (۵۰٪)، اما از زمان شروع جدول‌بندی داده‌های این

1. Anton

2. Barbara Apostolou et. Al

روش‌ها در سال ۲۰۱۰ به پایین‌ترین سطح رسیده است. سایر مقالات داده‌ها را از مصاحبه (۲٪) به دست آورده‌اند. آن‌ها در تحقیق خود هیچ روش جمع‌آوری تجربی خالصی را در مقالاتی که مورد بررسی قرار داده‌اند، مشاهده نکرده‌اند. همچنین رویکردهای تحلیلی مورد استفاده در مقالات تجربی را بررسی نمودند که نشان می‌دهد، رایج‌ترین رویکرد تحلیل، رگرسیون (۴۴٪)، پس از آن تفاوت در میانگین (۲۳٪)، جدول‌بندی (۱۷٪) و تحلیل واریانس (۱۲٪) بوده است. آن‌ها ادعا می‌کنند که نسبت تحقیق باید حرکت کلی به سمت سختگیری بیشتر را نشان دهد، زیرا تحقیقات آموزش حسابداری کامل شده و تحقیق توضیحی‌تر می‌شود. همچنین آن‌ها، روند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را برای هفت سال اخیر تجزیه و تحلیل نموده و روش‌های جمع‌آوری داده‌های آزمایشی، شبه آزمایشی و عملکرد دوره دانشجویی را به‌عنوان دقیق‌تر از نظرسنجی، منبع منتشر شده و مصاحبه طبقه‌بندی کردند. رگرسیون، تحلیل واریانس، و تحلیل مسیر به‌عنوان رویکردهای تحلیلی دقیق‌تر شناسایی شدند.

نمودار (۱) نمایشی از اجرای روش‌های جمع‌آوری دقیق و رویکردهای تحلیلی از سال ۲۰۱۰ را ارائه می‌دهد. نمودارهای ستونی در شکل، درصد مقالاتی را که با روش‌های دقیق برای هر سال به کار می‌برند، نشان می‌دهد. خطوط نقطه‌چین، میانگین متحرک دوساله هستند که یک نشانه روشن از روند را ارائه می‌دهند. خطوط روند حاکی از کاهش جزئی دقت جمع‌آوری همراه با افزایش دقت تحلیلی است که با توجه به اینکه کیفیت هر تحلیلی بدون شک به دقت اندازه‌گیری وابسته است، یک پدیده ترکیبی جالب است.



نمودار (۱). روش جمع‌آوری داده‌ها و دقت تجزیه و تحلیل (۲۰۱۰-۲۰۱۶)

در بسیاری از کشورهایی که در تحقیقات حرفی برای گفتن دارند، محققان حسابداری در انجام دادن مطالعاتی که سهم بسیار کمی در گسترش ادبیات دارند مقاومت می‌کنند. حتی سردبیران مجلات آموزش حسابداری نیز در موقعیتی هستند که از چاپ و انتشار چنین مطالعاتی مقاومت می‌نمایند. محققان می‌توانند با بررسی و مطالعه چالش‌های عمده‌ای که آموزش حسابداری با آن مواجه است، به بهترین نحو به ادبیات کمک کنند. البته چالش‌هایی که ما با آن روبرو هستیم منحصر به رشته حسابداری نیست و بسیاری از محققان رشته‌های دیگر نیز با این چالش روبرو هستند.

جمع‌بندی

برای ایجاد تغییرات در وضعیت فعلی آموزش عالی، چاره‌ای جز بسیج علمی برای راه‌اندازی حرکت جمعی آینده‌پژوهی توسط جامعه علمی وجود ندارد. برای نیل به این هدف مهم، نیازمند بسترسازی‌های لازم هستیم. عدم احساس نیاز و یا نبود ادراک صحیح از لزوم تغییر در رویکردهای آموزشی فعلی از حافظه‌محوری به نقد و تفکر خلاق، استدلال گرای، تقویت مهارت‌های عملی بجای اتکای به محفوظات و حافظه‌مداری و سپردن حجم انبوهی از مطالب تئوری که اثری بر آموختن آن‌ها مترتب نیست، نمی‌تواند منجر به انتظار مطلوب از تحقق جامعه‌ای ایده‌آل در آینده داشت. زیرا ارتقای مطلوب نظام آموزشی کشور کلید حل بخش مهمی

از مشکلات آینده است. سال‌هاست که بسیاری از کارشناسان و مسئولین ذی‌ربط اعلام نموده و هنوز هم این اعلام مواضع ادامه داشته دارد که آموزش‌های دوران متوسطه و دانشگاه‌ها مطابق نیاز و تقاضای جامعه و بازار کار نیست و ارتباط صحیحی بین تئوری و عمل برقرار نشده است.

تألیف و تدوین محتواهای آموزشی برای محیط‌های مختلف یادگیری و همچنین به‌کارگیری ابزار مناسب آن و همچنین طراحی نظام‌های مدیریت یادگیری تطبیقی از اولویت‌های مهم می‌باشد. شرایط اقتصادی و اجتماعی در زمان‌های مختلف متغیر بوده و نیازهای بازار کار هم تابعی از آن می‌باشد. لذا آموزش‌های کاربردی و فنی و حرفه‌ای از قبیل حسابداری، می‌بایست مطابق با شرایط بازار کار در دستور کار آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار گیرد. رویکرد آموزش محض به رویکرد آموزشی - کاربردی تغییر یابد. بین دانشگاه و صنعت ارتباط و همکاری عملی ایجاد شود. مالکان و مدیران صنایع، از مشاوره‌های دانشگاه بهره ببرند. همگام و همراه دروس نظری، دروس تجربی و کارگاهی گنجانده شود. با توجه به تأثیرات عملکرد حسابداری بر محیط‌های انسانی، نظریه‌های مختلفی توسط صاحب‌نظران مطرح شده و منجر به تمرکز و توجه بیشتری نسبت به حرفه‌ی حسابداری ایجاد شده، لذا بحث‌های متعددی در حسابداری مثل حسابداری مسئولیت‌های اجتماعی، حسابداری زیست‌محیطی، حسابداری فرهنگی و اخلاقی، حسابداری سرمایه انسانی و ... گنجانده شده است که ضرورت دارد آموزش‌های لازم و کافی در سطوح مختلف دانشگاهی ارائه گردد.

دانشجویان نسل امروزی با دانشجویانی که در گذشته آموزش داده‌ایم، بسیار تفاوت دارند، و شکی در آن نیست. هر نسل از دانشجویان در هر کجای دنیا، با دانشجویان نسل قبلی متفاوت است و استادان حسابداری با چالش سازگاری با نحوه یادگیری دانشجویان مواجه شده‌اند. بنابراین، لازم است استادان حسابداری روش‌های تدریس خود را روز آوری کنند و معلوماتی که قرار است به نسل جدید دانشجویان منتقل کنند، سازگاری داشته باشد. با پذیرش این تفاوت، می‌بایست به این فکر کرد که چگونه می‌توان برای ایجاد انگیزه و آموزش حرفه‌ای حسابداران آینده خود را وفق دهیم؟ عدم انجام این کار تنها باعث افزایش ناامیدی بسیاری از استادان حسابداری در مورد برخی از دانشجویان شده و باعث می‌شود که فرصت تعامل و آموزش مؤثر این دانشجویان و آماده‌سازی آن‌ها برای مشاغل در این حرفه از دست رود. انطباق با دانشجویان این نسل، چالشی منحصر به فرد برای آموزش حسابداری نیست، بلکه محققان همه رشته‌ها باید به دنبال ایده‌هایی باشند تا بتوانند به بهترین نحو با این چالش مقابله کنند. لاجرم می‌بایست در طراحی و توسعه مطالب آموزشی، بر ویژگی‌ها و الزامات یادگیرنده توجه، تمرکز و تعریف شود.

تغییر رویکردهای آموزشی از حافظه محوری به نقد و تفکر خلاق، استدلال گرایی، تقویت مهارت‌های عملی بجای اتکای به محفوظات و حافظه‌مداری و سپردن حجم انبوهی از مطالب تئوری که اثری بر آموختن آن‌ها مترتب نیست، می‌تواند به ارتقای نظام آموزشی کشور کمک شایانی نماید. ساختار نظام آموزش عالی می‌بایست به گونه‌ای باشد که دانشجویان پس از اتمام آموزش، بتوانند علاوه بر اشتغال به کار، نقش خود را به‌عنوان کارآفرین ایفا نمایند. سال‌هاست که بسیاری از کارشناسان و مسئولین ذی‌ربط اعلام نموده و هنوز هم این اعلام مواضع ادامه داشته است که آموزش‌های دوران متوسطه و دانشگاه‌ها مطابق نیاز و تقاضای جامعه و بازار کار نیست و ارتباط صحیحی بین تئوری و عمل برقرار نشده است. لذا، اضافه نمودن دروس عملی در مقاطع کارشناسی و ارشد کمک شایانی به دانشجویان می‌نماید. ناگفته نماند که بسیاری از دانشجویان در دوره‌های تکمیلی ارشد و بخصوص دکتری، شاغل می‌باشند.

شرایط اقتصادی و اجتماعی در زمان‌های مختلف متغیر بوده و نیازهای بازار کار هم تابعی از آن می‌باشد. لذا آموزش‌های کاربردی و فنی و حرفه‌ای از قبیل حسابداری، می‌بایست مطابق با شرایط بازار کار در دستور کار آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار گیرد. رویکرد آموزش محض به رویکرد آموزشی - کاربردی تغییر یابد. بین دانشگاه و صنعت ارتباط و همکاری عملی ایجاد شود. مالکان و مدیران صنایع، از مشاوره‌های دانشگاه بهره ببرند. همگام و همراه دروس نظری، دروس تجربی و کارگاهی گنجانده شود. با توجه به اینکه برخی از صاحبان حرف و مشاغل بخش خصوصی و بعضاً دولتی، انتظارات غیرمعقول و خارج از روال قانون و مقررات از حسابداران دارند، لازم است برای تغییرات فکری و فرهنگی آن‌ها نیز تدبیری اندیشیده شود. ایجاد ارتباط و تبادل اطلاعات و یافته‌های علمی و عملی با سایر کشورها و دانشگاه‌ها و مجامع تخصصی حسابداری و حسابرسی آن‌ها، به‌طور یقین می‌تواند راهگشا باشد و دانشگاه‌ها و مجامع علمی ما را با توسعه و پیشرفت بیشتر روبرو سازد.

به‌طور کلی، از یک‌سو، صاحبان صنایع و مشاغل از عملکرد دانشگاه‌ها در تربیت متخصص حوزه مالی و حسابداری ناراضی هستند و از طرف دیگر، استادان دانشگاه و حتی فارغ‌التحصیلان نیز از نحوه و میزان ارزش‌گذاری صاحبان مشاغل برای

فارغ‌التحصیلان گله‌مند هستند.

در انتها پیشنهاد می‌گردد که تحقیقی در خصوص میزان تأثیرات آموزش‌های عالی در حوزه حسابداری و حسابرسی بر عملکرد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی انجام گردد تا بتوان به‌درستی سطح تأثیرات را اندازه‌گیری نمود.

منابع

- بادآور نهنندی، یونس؛ تقی‌زاده خانقاه، وحید (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری در دانشگاه‌های ایران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸ (۳۱). ۹۳-۱۱۷.
- بالغی‌زاده، سوسن (۱۴۰۰). سیستم‌های یادگیری تطبیقی، مجله رشد فناوری آموزشی، دوره سی و ششم (۸). بی. آر. هرگن‌هان و میتو اچ. انسون. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ص ۲۲، علی‌اکبر سیف، تهران، روان، ۱۳۸۶، چاپ یازدهم. پورعلی، محمدرضا؛ لک، جمشید؛ منصوری‌راد، همت (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی در تحقیقات و آموزش حسابداری. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، (۴۵). ۱۳۳-۱۴۶.
- پورعلی، محمدرضا (۱۳۸۴). آموزش حسابداری: چالش‌ها و راهکارها. *ماهنامه حسابدار* (۱۶۶). ۳۳-۳۶.
- تقی‌یاره، فتانه؛ سیادت، ملودی؛ عروجی، فاطمه (۱۳۸۸). اندازه‌گیری میزان اثربخشی و کارایی مدل جکسون در یادگیری یادگیرندگان در سیستم یادگیری الکترونیکی تطبیقی. *نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش*، (۴). ۲۳۵-۲۴۶.
- جامعی، رضا (۱۳۹۷). بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری با مهارت‌های موردنیاز بازار کار. *فصلنامه علمی پژوهش تدریس پژوهی*، (۳). ۲۱۸-۲۳۳.
- حساس یگانه، یحیی، مجله حسابدار، شماره ۲۷۹، خرداد ۱۳۹۴، ۱۲-۱۵.
- حیدری، امیرهوشنگ (۱۳۹۳). مبانی و مفاهیم آینده‌پژوهی. *فصلنامه علمی-ترویجی ترویج علم*. سال پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ (۸۳). ۸۱-۹۶.
- دانشنامه پژوهه، پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- شفیع‌پور، سیدمجتبی؛ دادگر، شهرام (۱۳۹۱). عدم موفقیت تحقیقات حسابداری در ارتقای حرفه‌ی حسابداری. *فصلنامه پژوهش حسابداری*، (۷). ۵۱-۷۵.
- صالحی، کیوان؛ مرادی پردنجانی، حجت‌اله (۱۳۹۴). نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان. *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، بهار و تابستان ۱۳۹۴ (۵۷). ۵۷-۸۱.
- قدیری مقدم، ابوالفضل؛ قلی‌زاده، محمدمهدی؛ طبرستانی، محمدرضا (۱۳۸۷). *مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنجند. (۴). ۵۳-۶۷.
- گرگز، منصور (۱۳۷۹). آموزش حسابداری: تنگناها و راهکارها. *ماهنامه حسابدار*، اردیبهشت ۱۳۷۹ (۱۳۶).
- A. Rialland, K.E. Wold (2009). Future Studies, Foresight and Scenarios as basis for better strategic decisions. NTNU Trondheim Norwegian University Of Science and Technology Department of Industrial Economics and Technology Management. Report no: IGLO-MP 2020, working paper 10-2009.
- B. R. Hergenbahn and Mitu H. Anson. Introduction to Learning Theories, p. 22, Ali Akbar Seif, Tehran, Rawan, 2007, 11th edition (In Persian).
- Badavar Nahandi, Younes; Taghizadeh Khanaghah, Vahid (2017). Factors affecting accounting students' choice of major in Iranian universities. *Accounting Experimental Research*, Year 8 (31). 117-93 (In Persian).
- Balaghizadeh, Sosan (2011). Adaptive Learning Systems, *Journal of Educational Technology Development*, Volume 36 (8) (In Persian).
- Barbara Apostolou, Jack W. Dorminey, John M. Hassel, James E. Rebele (2016). Accounting education literature review. *Journal of Accounting Education* (2017).

- Diana Gaviria, Juan Arango, Alejandro Valencia. Reflections about the use of information and communication technologies in accounting education. Encyclopedia of Research, Baqer-ul-Uloom Research Institute (In Persian).
- Gargaz, Mansour (1379). Accounting Education: Difficulties and Solutions. Accountant Monthly, Ordibehesht 1379 (136) (In Persian).
- Ghadiri Moghadam, Abolfazl; Gholizadeh, Mohammad Mehdi; Tabarstani, Mohammad Reza (2008). Journal of Industrial Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sanandaj Branch. Summer 2008 (4), 53-67 (In Persian).
- Hasas Yeganeh, Yahya, Accountant Magazine, No. 279, June 2015, 12-15 (In Persian).
- Heydari, Amir Hooshang (2014). Principles and concepts of futures studies. Scientific-promotional quarterly journal of science promotion. Fifth year, Fall and Winter 2014(83), 81-96 (In Persian).
- Jamei, Reza (2018). Investigating the suitability of accounting education content and methods with the skills required by the labor market. Scientific Quarterly Journal of Teaching Research, Fall 2018 (3), 233-218 (In Persian).
- Jorge Leoncio Rivera Muñoz, Federico Moscoso Ojeda, Dina Lizbeth Aparicio Jurado, Percy Fritz Puga Peña, Christian Paolo Martel Carranza, Haydeé Quispe Berríos, Shanda Ugarte Molina, Amanda Rosa Maldonado Farfan, José Luis Arias-González, Mario José Vasquez-Pauca (2022). Systematic Review of Learning Technology for learning in Higher Education. Journal of Educational Research 98 (2022) 221-233.
- Pourali, Mohammad Reza; Lak, Jamshid; Mansouri-Rad, Hemat (2010). Futures Studies in Accounting Research and Education. Accounting and Auditing Research, Spring 2010 (45), 133-146 (In Persian).
- Pourali, Mohammad Reza (2005). Accounting Education: Challenges and Solutions. Accountant Monthly (166), 36-33 (In Persian).
- Tamás Kristóf and Erzsébet Nováky (2022). The Story of Futures Studies: An Interdisciplinary Field Rooted in Social Sciences. *Social Sciences - MDPI*. Copyright: 2023 by the authors. Licensee MDPI, Basel, Switzerland. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/World> Futures Studies Federation. wfsf.org/about-futures-studies).
- Salehi, Keyvan; Moradi Pardanjani, Hojjatollah (2015). The Role of University Education in Developing Students' Entrepreneurial Capabilities and Activities. Strategic Management Research, Spring and Summer 2015(57), 57-81 (In Persian).
- Shafipour, Seyed Mojtaba; Dadgar, Shahram (2012). Failure of Accounting Research in Promoting the Accounting Profession. Quarterly Journal of Accounting Research. Winter 2012(7), 51-75 (In Persian).
- Taghi Yareh, Fataneh; Siyadati, Melodi; Oroji, Fatemeh (2009). Measuring the effectiveness and efficiency of Jackson's model in learners' learning in a comparative electronic learning system. Scientific Research Journal of Education Technology, Fall 2009 (4), 246-235 (In Persian).